





✽ جدول خطا و صواب ✽

صواب	خطا	سطر	صفحه
بدء	بدأ	۰۳	۰۱۹
بدء	بدأ	۰۸	۰۱۹
بدء	بدأ	۱۲	۰۱۹
ومستغنی الہ	ومستغنی ✽ الہ	۰۸	۰۲۲
مقدور بتدہ	مقدر بتدہ	۱۰	۰۲۲
عز تنده	عزینده	۰۴	۰۲۵
واحد وعشرہ کی	واحد وعشر کی	۰۵	۰۴۷
و(قل	(وقل	۱۱	۰۵۰
و(سبح	(وسبح	۰۶	۰۵۴
ضعفدن	ضعفدن	۰۴	۰۵۹
کلامی کی	کلام کی	۰۶	۰۶۲
اثر قوای	اثری قوای	۱۶	۰۶۹
صابئہ	صابئہ	۱۳	۰۷۰
صابئہ	صابئہ	۲۴	۰۷۰
مصنفک	مصنف	۲۴	۰۷۱
مبدأ	مبتدا	۱۷	۰۷۴
معلوم	معلوم	۲۰	۰۷۴
جهنمک	جهنمک	۱۴	۰۷۵
تبعدا عنی	بتعدا عنی	۰۸	۰۷۶
✽ جسم آخر ایله	✽ جسم آخر ایله	۰۹	۰۷۸
ثم ابواه یهودانه	ثم یهودانه	۲۴	۰۸۰
ویمجانہ	ویمجانہ	۲۴	۰۸۰
ناظرہ	ناظرہ	۱۶	۰۸۵

صحیفه	سطر	خطا	صواب
۰۸۷	۰۶	(لن ترانی پیوردی)	(لن ترانی) پیوردی
۰۹۲	۲۵	تسئلونه	تسئلون
۰۹۵	۰۴	لايمان	للايمان
۰۹۵	۱۸	اضلام	اضلال
۰۹۶	۰۴	ايلدك	ايلدك
۰۹۸	۰۶	ذاهل	ذاهب
۰۹۸	۲۰	اثباتدن	اثباتدن
۰۹۸	۲۳	رسل يارياضات	رسل رياضات
۱۰۰	۲۱	يخذوا	يتخذوا
۱۰۱	۰۱	صائبه	صائبه
۱۰۱	۲۳	(ولا يعصون	و) لا يعصون
۱۰۳	۲۴	بناء	نبأ
۱۱۳	۱۴	صعودو خبر	صعود خبر
۱۱۴	۰۱	معاصيدر	معاصيدن
۱۱۴	۱۹	زنوبك	ذنوبك
۱۱۷	۰۸	خصاصا	خصوصا
۱۱۹	۱۲	من ربك امرى)	من ربك) امرى
۱۲۱	۱۰	ايديلر	ايلديلر
۱۲۲	۱۴	عريته	عريته
۱۲۲	۱۶	وكذاب	كذاب
۱۲۳	۲۲	حضرت سمايه	حضرت عيسى سمايه
۱۲۶	۱۶	اوبالا	اذبالا
۱۲۷	۲۲	لم يفعل	لم يفضل
۱۳۲	۱۸	اجتماع	اجماع

صحیفه	سطر	خطا	صواب
۱۳۵	۱۶	وسعداين	وسعدبن
۱۳۸	۱۵	(و فضل	(و) فضل
۱۳۹	۰۶	تعريض	نحر يرض
۱۴۰	۲۲	سندا	مسندا
۱۴۰	۲۲	بيهداني	بيداني
۱۴۱	۰۹	يؤذون الله	يؤذون الله ورسوله
۱۴۳	۱۹	دين	ديين
۱۴۶	۰۶	عنده	عندنده
۱۴۷	۰۴	معرفتدن	معرفتدن
۱۴۷	۱۳	بغته	بغته بصر
۱۴۸	۰۳	بين اطهر العلماء	بين العلماء
۱۵۴	۱۴	قلبيدير	عقلبيدير
۱۵۷	۱۱	مانافيدر	مانافيه در
۱۵۸	۰۸	حتى حضر	حتى اذا حضر
۱۶۱	۱۱	ويريلور كه رمز يينه	ويريلور كه تخصيص
...	بعد التعميم برمز يته
۱۶۸	۰۹	(ولا امان	و) لا امان
۱۶۹	۰۳	(ومن ترك	و) من ترك
۱۶۹	۱۰	كفرا واعنادا	كفرا وعنادا
۱۶۹	۲۱	وما جعلناك	وما جعلنا
۱۷۱	۰۲	آمنوا)	آمنوا آمنوا)
۱۷۲	۰۵	بوكلاملره يينه	بوكلاملرينه
۱۷۲	۲۴	وبحب الاستقبال	وبحسب الاستقبال
۱۷۳	۲۲	بومسئله دن	بومسئله ده

صحيفه	سطر	خطا	صواب
١٧٤	٢٥	پس حجتي	پس حجتي
١٧٥	٢٤	بيانين	بيانين
١٧٧	١٧	سامثيه	سائله
١٨١	٠٨	اوچ اولكي به	اوچ اولكي
١٨٤	٠٧	مفضلده	مفضلده
١٨٤	١١	اوزره * سبتي	اوزره سبتي
١٨٩	٠٩	مر مومه	مر مومه
١٨٠	١٥	يصرف من السوء	يصرف عنه من السوء
١٩٣	٠٦	له ثم	له ثم
١٩٣	٠٧	ثم كنومه	ثم كنومه
١٩٣	٠٧	لا يوقظه	لا يوقظه
١٩٣	١٠	فمختلف	فمختلف
١٩٧	٠٦	و) رضوان	و) ورضوان
١٩٨	٠٢	لن نزول	لن نزول
١٩٨	٠٤	وفيما النفقة	وفيما اذا النفقة
١٩٩	١٧	يعلمون	يعلمون
١٠٥	٠٦	يعفو	يعفوا
٢٠٥	٠٧	ويعفو	ويعف
٢٠٧	٠١	وشفاعه	ولاشفاعه
٢٠٧	٠٣	ثبوتك	نبوتك
٢٠٧	١٣	وطول * وقوف	وطول وقوف
٢١٦	١٥	برشي	برشبي
٢١٧	١١	ستعاره	استعاره
٢١٨	١٠	اذا صلح	اذا صلحت



٢٥١



(مرح المعالی)

(فی شرح الامالی)

بسم الله الرحمن الرحيم

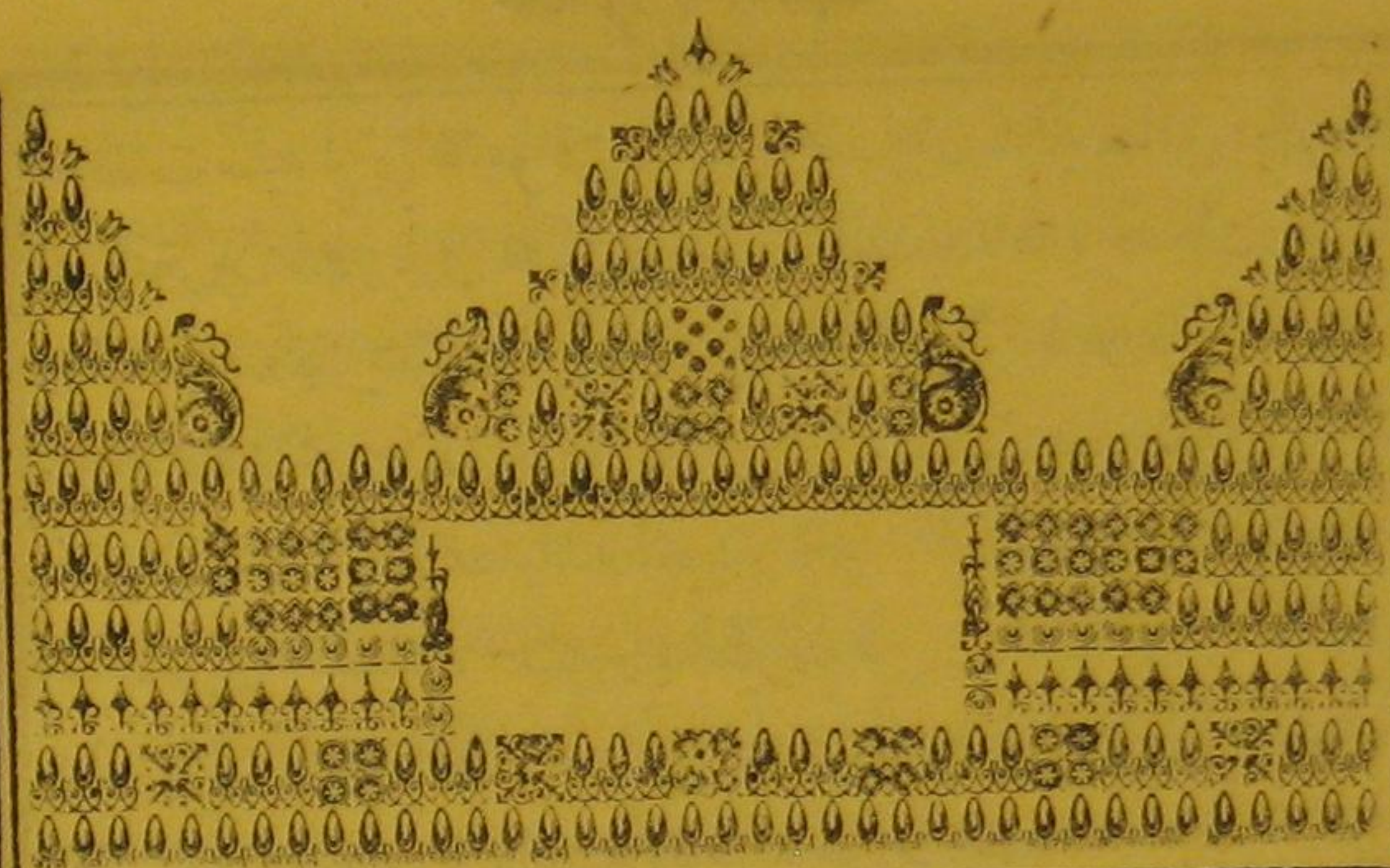
سبحان من توحد فی ذاته القدیم * سبحان من تفرد فی وصفه القویم
سبحان خالق خلق اللوح والقلم * ثم الشئون قدر بالنهج الحکیم
الواجب الوجود محال له العدیل * الدائم القدیم برئ عن العدیم
هذا الوجود لمعة جود * هذا الشهود قطعة احسانه العظیم
صلى على محمد المصطفى الذي * تخمير خلقه لعل خلق عظیم
سلطانه تنور كالشمس في السماء * برهانه تقرر كالطود في الاديम
والال والحكمة ما ارتاحت النسم * بالطف في الربيع اذا نسيم النسيم
اما بعد صورت مقدمة آتیهه بیان اولدینگی اوزره * جملة علوم
شریفه * وجه فنون منیفه دن * علم كلام ايله معلم اولان
علم توحید وصفات اهم واقدم اولدینگی * ارباب هدایه هویدا
واصحاب نهایه ناه عن الانهار * بنابرین بو عبد کترین * یعنی
درمانده اواصر قواصم السید احد عامم * جعله الله تعالى
من عصبة المعاصم * جملة دن اوفر * اول علم علی الشان
معتبر * وفن ثمرة الافسان مقتر ايله * توغل واشتغال
ودوحة دائمة اجاث فائضة الفایحه سندن * دو دست باصرة

امعانه

امعانه * اجتنای شمار مفهوم ومأل ایدوب * اول نهجه
ذات البهجة اوزره اشوبیک ایکوزاون بش سنه سی * ماه رمضان
مغفرت فیضاننده بعد الافطار * فطرتی فطانتله مایه دار * اولان
بعض محصلین صلاح آثار ايله * اسوة العلماء المحققین
قدوة الفضلاء المدققین سراج الملة والدين * علی بن عثمان الاوشی *
علیه الرحمة مامر الغداة وکر العشی حضر تلرینک * محتفل کافه
اصول دینیه * ومتکفل عامه عقائد یقینیه اولوب * و بین الطلاب
(امالی) اسمبله شهرت باب اولان منظومه فخره پربها * ونشیده
ذاخرة بی بهاری که * هر مصراعی چاک افکن کریان باب قصر
خورنق * وهریتی بیت معبور اطلاقه احق والبقدر * مدارسه
ومذاکره سنه ابتدار اولوب * کرچه اول متن متبک * شرح وتبین
بابنده * افاضل عدیة عديمة الاقران اعمال بنان بیان * واشغال
قوای قویة الارکان ایستلار * لکن بسیط پران بساط بسط وعباننده
کیت خامه فضائل عنوانلرینه ارخای عنان * یعنی هر مذهبک
براهین وادله سن * کاهی ثبت صحیفه اتقان ایلد کلدن بشقه
لهجه عربیه اوزره اولغین * مائده فائده لری جله به ارزیده
وسمات عائد لری * پیشاپیش همکنانه کسترانیده اولما مغله
ذکر اولنان طلاب معالی اکنتسایدن * بعض نباهت نصابلری بوزمین
اوزره کوهر پاش طلاب اولدیلر که * هر فرقه نک مسالک مختار یعنی
عقیده منعقد الاعتبار لری * بالادلة والبراهین * توضیح وتبین
ومعتقد ومعتقد من اولان اهل سنت مذهب مهذب * مقرون بابطال
مذاهب مخالفین اولدینگی حالده * تلویح وتعیین اولنه رق * سبک ترکی
اوزره بر شرح معتدل تحریر اولنسه * فی ذاته اثر جلیل * واجله واقله به
شامل المنفعة اولغله * موجب اجر جزیل * ومستوجب ذکر جلیل
اوله جفی بی نیاز تفصیلدر * واقعا هر قوملرک بو مضمون اصابت

فرمانده هفت اقلیم * زینده حدیقه لطف و احسان * آرایش
دهنده نهالستان ابهت و عنوان * قلزم بیکران رویت و رشاد * عمان
ز کا و زهانت خداداد * کامل و عارف * کان جواهر معارف و عوارف
دائمه مقادیر ارباب دانش و مقال * رساننده رواتب اصحاب فضل
و کمال * لمعه پاش جهان دانی * روشنی بخش دیده بنایی * موج
کوه افکن دریای سخا * نور ظلمت شکن بیضای عطا * روح جسد
اسلامیان * سرالاسرار افتد اهل ایمان * مرتب اسباب غزو
و جهاد * مجهز مهمات اجناد و غا اعتیاد * باسط العدل و الانصاف
کاشط الضیم و الاعنصاف حضرت تریک * مدی الایام و الالیال * سرو
طوبی سایه ذات همایون بهمال خدیو یلرین * پیراینده روضه شان
و شوکت * و پاینده پالیز علو و عظمت * و آفتاب عالم آرای قلب
منور لرین * همواره دائر مدار سرور و شادمانی * و ماهتاب جهان
بیرای خاطر ضیا کستر لرین * سائر منازل حبور و حضور و کامرانی
ایلدیکی حالده * لوا مع احکام معدلت اتسام شاهانه لرین * ظلام انداز
ظلم و عدوان * و سواطع او امر نصف ارتسام پادشاهانه لرین * روشنا
ساز شئون و احوال زیردستان ایدوب * دولت علیه ابدی القرار
خاقانیرین * قاطبه دول اوزره غالبیت مطلقه ایل * دمدم حائر فوز
و نصرت * و سلطنت سنیه سرمدی الاستقرار سلیمانیرین * فلك
الافلاك آسا * عامه ملك و ملل اوزره محیط و مستولی ایتکله
جمله سنی زبرد آثره انقباضنده * سرفرو برده مرکز تسلیم و طواعیت
و ظل ظلیل رأفت و عنایت رحیمانه لرنده * زمرة مسلمین
آسوده و مرفه البال * و مصون تابش اکدار و ملال * خصوصا
فرقه علما * و زمرة هنرمندان و عرفا * هبوب نسایم عنبر شمام
عواطف کریمانه لریله * اکشوده دل و خوشحال * و ارکان
صداقت بنیان دولت علیه * و خول و خدمت محالست اقتران

سلطنت سنیه لرین * موافق رضای همایون * و مطابق دخواه
اصابت مقرون شهر یاری * آرای صائبه و سدید * و خدمات رضیه
و مفیده به مظهر یتله * نائل مطالب و مباغی * و فائز رفاه و رفاغی ایلوب
ساحه ممالک محروسه خدیوانه لرین * مکنسه حسن تدبیر ایلله *
خس و خاشاک بغی و عصیان دن تظہیر * و صفحه کشور را حتما نوسه
ملیکانه لرین * مصطفی شمشیر جهانگیر برله * زنک و کدره تمرد و طغیان
تجلیه و تنویر ایلله آمین * جعل الله عون و صونه ملازما لحضرت
فی کل اللیل و النهار * و لطفه و توفیقه مناد ما خدمته حتی ینال کل
ما یتناه علی وجه البسار * و جعل اعداد عمره و اقباله قاصیا عن بلوغ
الاحصاء * و اوتاد مجده و اجلاله مرتبطا بطناب الخیمه الخضراء
و ادام دعه الاسلام * بادامه ذاته ذی العز و الاحترام * و انام عیون
الالام * بايقاظ سيف سطوته الحسام * و جمع فی جنوده اسباب
الانتصار * فشئت شمل العداة باسوء الحزى و اشوه الخسار *
واقر قریبا عینه بمشاهده جلال الاجتدال عن اجتدال
اعداء الدین * و اسر سمعه بتسلسل احادیث البشر
من الشمال و الیمین * علی الفتح المبین آمین * بمكانه
من نزل فی حقه عند ذی العرش مکین



وتیره مقدمه کتاب اولی اوزره علم توحیدک شرفی * و فرقه ناجیه
اولان اهل سنت و جماعت مذهبک شیخین مکرینی اولان (ابو منصور
ماتریدی) و (ابو الحسن الاشعری) بینلرنده اولان اختلافاتک ذکر
ویانی * ملایم وجدان اولغله * علی طریق الاجال * ثبت صحیفه مقال
قیلندی معلوم اوله که (علامه تفتازانی) علیه الرحمه حضرت لرینک
کشیده سلاک سطور ایلدیکی اوزره * کیفیت عمله متعلق اولان احکام
شرعی به * فرعیه علیه اطلاق اولنور * اعتقاده متعلق اولانه اصلیه
و اعتقاده اطلاق اولنور * و قسم اوله متعلق اولان علم * علم شرابع
و احکام دینور * زیرا احکام شرعی * انجق جهت شرعدن مستفاد
اولور * قسم ثانی به متعلق اولانه * علم توحید و صفات دینور * زیرا
مباحث توحید و صفات * علم مزبورک اشهر مباحثی و اشرف
مقاصدیدر صدور اسلامیه که (صحابه کرام) و تابعین ذوی الاحترامدر
صحبت نبوی برکاتی * و زمان سعاده قریت حیثیتی ایله * صفوت
عقایدی اولدیغندن بشقه * وقایع مسائلک و اختلافاتک قلی *
واقضایدن مشکلاتک حل و کشفنده * خلفای راشدین و ضبط
و حفظ لری و امور دینیده آراء صاحب لری مقطوع اولان ثقات کاملینه
مراجعتک سهولتی اولغله * ذکر اولنان علم شرابع * و علم توحیدک

تدوینلرندن مستغنی اولوب * لکن قرن مر قوم انقضاسندن صکره
تدریجیه بین المسلمین * فتن کونا کون حدوث * وائمه دین اوزره
بغات و طغیانک غلبه سی ظهور ایتکله * اختلاف آراء و تشعب
اهوا و بدع و محدثات * یوما فیوما بروز * و فتاوی و واقعات
متکثر * و مهمات دینیه ده * علمای کزینده * مراجعت متراحم
اولغله * مجتهدین عظام * آیات و احادیث و آثاره نظر و استدلال
و اجتهاد و استنباط احکامه اشتغال ایتکله * استنباط ایلدک لری
احکامی ضبط و تیسیر ایچون قواعد و اصول ضابطه سنه اخذ
و بالنسبه ابواب و فصول وضع * و هر حکمک ادله و جهات
ادله سنی * و اصطلاحات مخصوصه و اوضاع منصوصه سنی
تبیین ایله * فن خاص اولی اوزره * شیرازه بند تلفیق اولوب * ادله
تفصیلیه سنندن احکام عملیه معرفتی مفید اولان فقه * علم فقه
و افاده احکام باینده * اجمالا ادله احوالک معرفتی مفید اولان فقه
اصول فقه * و ادله یقینیه دن معرفت عقایدی مفید اولان فقه
علم کلام * تسمیه ایلدیلم * زیرا علم مزبورک * عنوان
مباحثی الکلام کذا و کذا اولدیغندن بشقه * اکثر مباحثی
مسئله کلام * یعنی کلام الهی مخلوقیدر دکلیدر * مبحثی اولوب
و تحقیق شرعیات * و الزام خصومه کلامه قدرتی مورث
و سائل و مجیب * و معلم و متعلم طرفلرندن اداره کلامه مدار
تحقق * و علوم سائر دن ازید * نزاع و خلاقی مشتمل اولی حسبیه
مخالفینه کلامه * و کلاملرین رد و ابطاله * احتیاجه باعث
اولغله * علم کلام ایله * تسمیه اولندی * و چونکه ذکر
اولندیغنی وجه اوزره * تدریجی اختلافات ظهور
و بر مقتضای هوا * هر خلافته بر طائفه عقد وفاق ایدرک
ستفترق امتی ثلثا و سبعین فرقه کلها فی النار الا واحده

قيل ومن هم قال الذين هم على ما انا عليه واصحابي
 حديث شريف اوزره ❦ امت محمد عقاید جهتيله ❦ یتش اوج فرقه
 اولوب ❦ اهل سنت و جماعتدن ماعداسی ❦ موجب دخول نیران
 اوله جق انواع هذیانہ ابتداریلدیلر ❦ اشاعره که حضرت
 رسول الله و اصحاب کرامنک اعتقادری اوزره در ❦ فرقه ناجیه
 اولوب ماعدایتمش ایکی فرقه ❦ مخالفت اوزره اولملریله هالکه در
 محمد شهرستانی علیه الرحمة ❦ ملل نحل نام کتابنده بسط ایلدیکی
 اوزره ❦ ذکر اولسان یتش ایکی فرقه نك اصولی یدیدر
 اولکبسی معتزله در ❦ وجه تسمیه بودر که سر کرده لری اولان
 واصل بن عطا نام کسنه ❦ حسن بصری علیه الرحمة حضرت تلمیذک
 مجلسنه متردد اولمغله ❦ برکون خلال محاوراتده مرتکب کیره یه
 مؤمن ❦ و کافر ❦ اطلاق اولمز دیوب ❦ کفر و ایمان یننده
 برمتزله اثبات ایتکله ❦ حسن بصری علیه الرحمة بزدن اعتزال
 ایلدی بیور مغله ❦ مزبور و توابعی ❦ معتزله ایله ملقب اولدیلر
 و حق تعالی اوزرینه مطیع ثواب ❦ و عاصی یه عقابک ❦ وجوبنه
 وصفات قدیمه نك نفینه ❦ ذاهب اولملریله ❦ کندی ملتزمینه
 اهل توحید و اهل عدل اطلاق ایلدیلر ❦ وقدری انکار ایتلریله انلره
 قدریه دخی دیرلر ❦ فرقه ثانیه شیعهدر ❦ ثالثه خوارجدر ❦ رابعه
 مرجئه در ❦ خامسه نجاریه در ❦ سادسه جبریه در ❦ سابعه
 مشبهه در ❦ فرقه اولی معتزله در که آنفا ذکر اولندیغی اوزره
 رئیساری واصل بن عطا در ❦ بعض مسائل اعتقاده ❦ توابعاری
 یننده تشاجر اختلافاته ❦ یکرمی فرقه اولدیلر ❦ فرقه اولی
 واصلیه در که ذکر اولندی ❦ ثابته هذیلده در که ابو الهذیل
 ابن العلاف توابعیدر ❦ ثالثه نظامیه در که ابراهیم بن بشار النظام
 کسنه توابعیدر ❦ رابعه حائطیه در که محمد بن حائط توابعیدر

خامسه بشریه در که بشر بن المعتمر توابعیدر ❦ سادسه معمریه در که
 معمر بن عباد السملی توابعیدر ❦ سابعه مزداریه در که مزدار
 صورتنده مزداریله ملقب عبسی بن صبح توابعیدر ❦ ثامنه ثمامیه در که
 ثمامه ابن اشرف النیری توابعیدر ❦ تاسعه هشامیه در که هشام
 بن عمرو الغوطی توابعیدر ❦ عاشره جاحظیه در که عمر بن الجاحظ
 اصحابیدر ❦ حادی عشر خطابه در که ابو الحسن ابن ابی عمرو
 الحیات توابعیدر ❦ ثانی عشر کعبیه در که ابو القاسم بن محمد الکعبی
 توابعیدر ❦ ثالث عشر جبایه در که محمد بن عبد الوهاب الجبائی
 توابعیدر ❦ رابع عشر بهشمیه در که ابو هاشم بن عبد السلام
 توابعیدر ❦ خامس عشر عمرویه در که عمرو بن عبید توابعیدر
 سادس عشر اسواریه در که اسوار نام کسنه توابعیدر ❦ سابع عشر
 اسکافیه در که ابو جعفر الاسکانی توابعیدر ❦ ثامن عشر جعفریه در که
 جعفر بن بشر توابعیدر ❦ ناسع عشر صالحیه در که صالح نام
 بر شخص توابعیدر ❦ عشرین حدیه در که حدب نام کسنه توابعیدر
 فرقه ثانیه که شیعهدر ❦ حضرت رسول الله صکره ❦ نص جلی
 یا خود نص خفی ایله امام ❦ حضرت علی بن ابی طالب در دیرلر ❦ بونلرک
 اصوللری اوچدر ❦ اول غلاة شیعهدر که اون سکر فرقه اولدیلر
 ثانی زیدیه ❦ ثالث امامیه در ❦ مجموعی یکرمی فرقه در ❦ فرقه اولی
 سبائییه در که عبدالله بن سبا توابعیدر ❦ ثانی کاملیه در که ابو کامل
 توابعیدر ❦ ثالث علیائییه در که علیاء بن زراع الاسدی توابعیدر
 رابع مغیره در ❦ مغیره بن سعید العجلی توابعیدر ❦ خامس
 منصوریه در که ابو منصور العجلی توابعیدر ❦ سادس خطابییه در که
 ابو الخطاب محمد الاسدی توابعیدر ❦ سابع هشامیه در که هشام بن
 الحکم توابعیدر ❦ ثامن نعمانییه در که محمد بن النعمان توابعیدر ❦ ناسع
 یونسیه در که یونس بن عبد الرحمن توابعیدر ❦ عاشر نصیرییه در که

نصیر نام کسسه اتباعیدر * حادی عشر جناحیه در که ذوالجناحین
 اتباعیدر * ثانی عشر غرابیه در که محمدک علی به مشابیهتی * غرابک
 غرابه مشابیهتی کبیر دیرل * ثالث عشر رزامیه در که رزام بن شاقوا
 اتباعیدر * رابع عشر زراریه در که زرار اتباعیدر * خامس عشر
 مفوضه در که حق تعالی خلق دنیایی * محمد تفویض ایلدی دیرل
 سادس عشر بدائیہ در که حق تعالی به بدا اسناد ایدرل * یعنی
 حق جل و علا * بر نسنه اراده ایلد کدن صکره * رجوع و ندامت
 ایدر دیرل * سابع عشر بنائیه در که بنان بن سمعان اتباعیدر
 ثامن عشر * اسمعیلیه در که یدی اقبه ملقبدر * باطنیه و قرامطه
 و حرمیه و سبعیه و بابکیه و محجره و اسمعیلیه در * امامتی جعفر صادق
 حضرت تارینک بیوک اوغلی اسمعیله اثبات ایتدیلر * تاسع عشر
 زیدیه در که زید بن علی بن حسین بن علی * امامتیه ذاهب
 اولدیلر * حالایمن اهل بسی بو مذهب اوزره در * و کونا کون
 مخالفتری وار * و بو زیدیه طائفه سی اوچ فرقه در * اول
 جارودیه در که ابو جاروده تابعدر * ثانی سلیمانیه در که سلیمان
 بن جریره اتباعیدر * ثالث صالحیه در که حسن بن صالحه تابعدر
 پس بو اوچ فرقه ایله شیعه بکرمی بفرقه اولور * بکرمی ایکنجی
 امامیه در * فرقه ثالثه خوارجدر * امام بالحق اوزرینه خروج
 ایدنه * خارجی اطلاق اولنور * بونلرده یدی فرقه در * و هر فرقه تک
 شعبه لری اولغله * مجموعی بکرمی فرقه اولسدر * فرقه رابعه
 مرجئه در که عملی رتبه ده * نیتدن واعتقاددن * تأخیر ایدرل
 ارجا تأخیر معناسنه اولغله * مرجئه ایله تسمیه اولن دیرل
 و بو فرقه بش فرقه یه منشعبدر * فرقه خامسه جبریه در که
 عباددن فعلی حقیقه نئی ایدوب * جمله افعالی جناب عزه
 اسناد ایدرل * فرقه سادسه نجاریه در * بونلر حسن بن محمد بن النجار

نام بر کسسه توابعیدر * خلق افعالده * واستطاعت فعل ایله اولدیغنده
 اهل سنته متابعلدر * لکن نفی صفات وجودیه ده * وحدوث
 کلامده * ونفی رویتده مخالفدر * فرقه سابعه مشبهه در که
 حضرت حق * مخلوقاتیه تشبیه ایدرل * پس ذکر اولنان فرق
 هالکه مجموعی * یتش ایکی اولدی * بونلرک تفصیل مذاهب باطله لری
 ذکر اولنان ملل و محل نام کابده مبسوطدر * پس بو فرقه لک
 اکثری * دلائل سمعیه به راضی اولوب * خصوصاً
 معتزله طائفه سی * اکثر اصول فلاسفه یه تشبیه * محض عقلی
 و فلسفه بی * اصول عقائده خلط * و بین الناس مذهب لری
 اشاعه ایتمکله * هرج و مرج عقائده باعث اولوب * تا که
 شیخ ابو الحسن الاشعری * اشبو منظومه خلالنده * و ما ان
 فعل اصلح * یتنی شرحنده * ذکر اولندیغی اوزره * استاذی
 اولان ابو علی الجبائی بی مبهوت ایتمکله * مذهبنی ترک و فراغت
 و تلامذه و توابعیه * کتاب و سنت و جماعت مقتضاسی ادله
 و براهینله * اول طائفه تک مذهب لری ابطاله * صرف غیرت
 کذلک ابو منصور ماتریدی علیه الرحه * امام اعظم * و همام اقدم
 حضرت تارینک * فقه اکبر * و سائر اثرانور لرندن بالاستفاده
 عقائد حقه بی * سیم ناب کبی * ظاهره اخراج ایدوب * بعده
 خلفای عباسیه عصرنده * ابو نصر فارابی * کتب فلاسفه بی
 یونانیدن عربی یه ترجمه ایدوب * اسلامیون فلسفه یه خوض
 و ملازمت * و شریعتیه مخالف اولان مذهب لری * ابطاله مبادرت
 و مذهب حقه نصرت * لاسیما متأخریندن * امام الحرمین
 و امام فخر رازی * و سائر اعلام امت * عقائد اهل سنت بی
 ضرب دست براهینله * ایدی مخالفیندن * نزع و استخلاص ایتمکله
 مظهر شایع عوام و خواص اولمشلدر * بو جهته علم کلام

اساس احكام شرعيه ❦ ومدار علوم دينيه ❦ وبالجملة مسائل
عقائد اسلاميه ❦ وغايتي سعادات اخرويه اولوب ❦ لكن
ذكر اولنديغي اوزره ❦ باشي غوغالي بر علم عزيز اولغله ❦ بعض
متورعين سلف ❦ اشتغالنه رضا داده اوليوب ❦ لكن عدم
رضاسي ❦ علت قابليت ❦ علت فاعليه دن مقدم قاعده سي اوزره
قاصر ين ومتقصر ينه نسبت اولوب حتي ❦ عَلَيْكُمْ بِعَقَائِدِ الْعَجَائِزِ
كلامي دخی ❦ اولمقوله اشخاصه خطا بدر ❦ يوخسه نهاد سلينده
جوهر استعداد وطبع مستقبنده ❦ مایه فیض خداداد مر کوز اولوب
قوای متميزه سي ❦ مرصوص اولان ❦ طلاب علومه واجب
اولديغه ❦ عامه علما اتفاق ایلدیلر ❦ حتی فقهای عظام اجماع
ایلدیلر که هر مسافه سه روزه ده ❦ ازائه شبهه والزام معاندین
وارشاد مشترک شدين ایلکه مقتدر ❦ بر ذاتک وجودی لازم
اولوب ❦ وقتک امامنه ذکر اولنديغي اوزره هر مسافه سه روزه بی
بوصفته متصف عالم دن اخلا ایلک حرامدر ❦ نه کیم هر نصف
مرحله محلی ❦ نظواهر احکام شریعتیه عالم ❦ ذات دن اخلا ایلک
حرامدر ❦ خلاصه علم عقائد اصل واجبات ❦ ومبنای مشروعات
اولغله ❦ اجل علوم اولق ملاسه سي ❦ اعتنا واهتمامه شایان
وکال خواهش ورغبت طلبه کرامه جسابندر ❦ وخفی
اولیه که ❦ ذکر اولنان حدیث شریف منظوقی اوزره ❦ فرقه
ناجیه اهل سنت وجامعندر ❦ وانلر شیخ ابو منصور ماتریدی
وشیخ ابو الحسن الاشعری توابعندر ❦ خفیه عقاید ده ماتریدی به
تابعدر ❦ زیر اشارتیه اصول وفروعده ❦ امام اعظم حضرت تریک
مذهبی اوزره در ❦ ومالکیه وشافعیه وخنابله عقایدده ❦ اشعری
مذهبنده در ❦ مخالفین مقابل ذکر اولند قدده اشاعره ایله تعبیر
اولور ❦ وماتریدیه ایله اشعری میاننده ❦ بعض مسائلده

اختلاف وارد در ❦ تاج الدین ابن السبکی سبکنه کوره ❦ همار
اون اوچ مسئله ده ❦ اختلاف ایلدیلر ❦ انلر که بعضی لفظی
حقیقینده دخی ❦ بدعت وضلالته نسبت اولنه حق ماده یوقدر
خادمی علیه الرحمة طریقت شرحنده ❦ یتش اوچ کونه اختلافات
ثبت ایدوب لكن بعضی بعضینه راجع ❦ واکثری نزاع لفظی
اولوب وبعضی دخی جمهور کلامی اولغله ❦ ینه مومی الیه سبکی زاده
قولنه راجعدر ❦ اختلافات مذکوره نک اولکبسی ❦ جمهور
ماتریدیه دیدیلر که ❦ وجوب معرفت الهی عقیددر ❦ شرعی
دکدر (۲) ناسه رسول بعث اولمنسه ده اوزر لرینه معرفت
الهی واجبدر (۳) صانع عالم صفاتیه ❦ حق معرفتله
یلنور (۴) وجود واجب فی التحقيق ❦ ذاتک عیندر (۵) بعض
امورک حسن وقبی ❦ عقلله ادراک اولور (۶) صفات افعالك
مجموعی صفت ذاتیه حقیقیه به که ❦ تکوین صفتدر راجعدر
وتکوین عدم دن وجوده اخراجک مبدئدر ❦ وفعلیه ذاتیه کبی
حقیقه در ❦ اعتباریه دکدر ❦ ذات باری ایله قائمه قدیمه در (۷)
واجب الوجودک هر بر صفت ذاتیه سی ❦ وفعلیه سی ❦ ممکنه
دکدر (۸) صفات افعال که خالق ❦ وباری ❦ ورازق ❦ وامثالها
مفهوماتیدر ❦ قدرک غیردر (۹) تکوین مکنونک غیردر (۱۰)
بقا صفت زائده دکدر (۱۱) سمع وبصر صفتلری ❦ مسموع
ومبصره ❦ علمک غیردر (۱۲) مسموم ومذوق وملوسی ادراک
شان الهیده علمک غیری ❦ صفت دکدر (۱۳) افعال الهی
حکم ومصالحه معلدر (۱۴) اراده رضا ومحبتی مستلزم دکدر
(۱۵) حق جل وعلا از لیده متکلمدر مکلم دکدر (۱۶) بعض
قرآن بعضندن اعظمدر (۱۷) معدومه خطاب ازلی ❦ تعلق
ایتمز (۱۸) اشباتک وجودی ایجاد ایله در ❦ کن خطابی ایله

دکدر * پزدودی علیه الرحمه مجموعیه در دیدی (۱۹) ایمان زائد
وناقص اولماز (۲۰) ایمانده استثناء * یعنی ان شاء الله کلمه سنی
ترکیب * حالا واستقبالا جائز دکدر (۲۱) حالا شقی اولان سعید
وسعید اولان * شقی اولور (۲۲) هر موجوده * سماعک تعلقی جائز
دکدر * هر موجوده رؤیتک تعلقی * جائز ایهده (۲۳) حضرت
موسی علی نبینا وعلیه السلام * کلام نفسی بی استماع ایتوب
بلکه حروف واصواتدن مرکب کلام * استماع ایلدی (۲۴)
تکلیف مالا بطناق جائز دکدر (۲۵) مطیع تعذیب * وکافری
تعمیم * ومؤمنی نارد * وکافری جتده تخلید * حکمته مخالف
وشئی موضعک غیری به وضع اولغله * عقلا جائز دکدر (۲۶)
حق سبحانه وتعالی منامده مرئی اولماز * لکن اکثر حنفیه
خلافه ذاهب اولوب * شیخ کلامنی تأویل ایلدیلر (۲۷)
رؤیا خیال باطل دکدر * بلکه نوع مشاهد و روحانیدر
(۲۸) استطاعت طاعت * بعینها استطاعت معصیتدر
زیرا قدرت واحده علی سبیل البدل ضدینه صالحدر (۲۹) علم
واحد مخلوق * ایکی معلومه دخی زیاده به تعلق ایدر (۳۰) انبیای
عظامک رسالتلری * موتله منقطع اولماز (۳۱) حضرت رسول الله
علیه الصلوة والسلام احکام شرعییه ده * وحی ایل * ورا یله
واجتهاد ایل عمل بیوردیلر (۳۲) مقلدک ایمانی صحیحدر * هر قدر
استدلالی ترکله عاصی اولورلر ایهده (۳۳) ایمان استدلالیه
جمع مسائل اعتقادیه ایچون * دلیل عقلی لازم دکدر * بلکه
قول رسوله اعتقاد کفایت ایدر * وفیه تأمل (۳۴) اسم مسماک
عبیدر (۳۵) حکمت اول نسنه در که کندی ایچون عاقبت
حسده اوله * سفه بوتک ضدیدر * یو خسه فاعلاک قصدینه
وضدینه واقع * وفاعلاک منفعتی ومضرتی اولان اشیا دکدر

(۳۶) عبیدک فعلنه کسب اطلاق اولنور * خلق اطلاق
اولنور (۳۷) فعل الهی خلقددر * کسب دکدر (۳۸) فعل اسمی
افعال الهی به * وافعال عباد * بطریق الحقیقه والمجاز
اطلاق اولنور (۳۹) بغیر آله واقع اولان ایجاد خلقددر * مع الاله
کسیدر (۴۰) شبئی * حواس خسه نک بریله ادراک * علم دکدر
بلکه انلر علمه آللردر (۴۱) ذکورت شرط نبوتدر (۴۲) عقیب
ضربده واقع اولان الم * وعقیب کسرده واقع اولان انکسار * فعل
عبده متعلق دکدر (۴۳) نظر صحیحک افاده سی * مجموع خلق
وکسبله در * یالکیز خلقله دکدر (۴۴) عبیدک قدرتی
فعلنده مؤثردر * غیر مؤثر دکدر (۴۵) علل واسباب * اظهار
آثار ایلدکلی ماده لرده * قوی وطبایع کبی * حقیقی مؤثردر
عادی دکدر (۴۶) ایکی قادری قدرتلری بیننده * مقدور
واحدک وقوعی * جائزدر (۴۷) ارواح جسم وجسمانی
دکدر * ماده دن مجرده اولان اموردر (۴۸) قبل البعثه
بعض احکامک معرفتی جائزدر * حق تعالی علم خلق ایتکله یاخود
کسبک مدخلی اولیه رف * تصدیق رسولک وجوبی وکذبک
حرمتی کبی * یاخود نظر وترتیب مقدماتله (۴۹) صفات الهی
بر بقایله باقیدر که * اول بقاده نفس صفت سنیه در (۵۰) مماثلت
جیع اوصافده * مشارکتله تحقق ایدر (۵۱) مماثلت جنسدر
انواعی اولان مشابیهت و * مضاهات و * مساواته شامل اولور (۵۲)
مضاهات اجمالا مأول اولوب * تفصیلی حضرت حقه تفویض
اولنور (۵۳) منشایهاتک حکمی عالم دنیاده * رجای معرفت
مرادک انقطاعیدر (۵۴) قضا وقدر اراده ازلیه نک غیریدر
(۵۵) پیغمبر غیبی ییلور دینلرک * کفرینه ذاهب اولدیلر (۵۶)
هر مجتهد مصیب دکدر * وحق بردر (۵۷) دلیل لفظی یقین

افاده ایدر * عند عدم المانع * اگر معنای واحد اوزره متواتر
اولورسه (۵۸) محبت استحکام معناسنه در * مطلق اراده
معناسنه دکدر * بوجهته طاعتک غیریه تعلق ایلز
(۵۹) کافر دنیاده متعم اولور (۶۰) کافر فر وعسله مکلف
دکدر (۶۱) انبیای عظام عدا صغاردن * ومطلقا * بکاردن
معصوملردر (۶۲) مفضولک امامتی صحیحدر (۶۳) موت بنیه
حیوانک فسادیدر * یوقسه حیات شانندن اولانک * عدم حیاتی دکدر
یاخود بر عرضدر که * حق تعالی حیوانده خلق ایدر (۶۴) اعراض
ایچون بقا یوقدر (۶۵) توبه یأس مقبولدر (۶۶) حسنی یاخود قبی
سقوطی قبول ایلان حکمک * نسبی جائز دکدر * ایمانک وجوبی
وکفرک حرمتی کبی (۶۷) حسن و قبح عقله * ادراک اولان محارده
امر ونهیک مدلولیدر (۶۸) اقرار ایمانک جزئیدر * بعضیلر عندنده
شرطدر (۶۹) شاهق جبده نشأت ایدوب دعوت واصل اولیان
کسنه اوزرینه * بالاستدلال * صانع عالمک وجود و وحدتنه
وما لاینبغی ایله متصف اولدیغنه * ایمان واجب اولور (۷۰) عقلک
بعض شرعیاتی ادراکده * مدخلی وارد * هر قدر حکمنده مدخلی
یوغبسه ده (۷۱) توضیحده ذکر اولندیغی اوزره * حال اثبات
ایلدیلر (۷۲) ارسال رسل واجبدر لایق معناسنه (۷۳) استطاعت
فعله مقارندر انتهى * واقعا ذکر اولان اختلافاتک اکثری
بر برینه راجعدر * و اکثری منازعه لفظیه در * معلوم اوله که
اشبو منظومه بحر و افراک ضرب اولندندر که عروض و ضربی
مقطوف * واجزای سائر سی عصب ایله مزخوفدر
قطف * سبب خفیفک ماقبلنی اسکاندنصکره * حذف ایتمکدر
مفاعلتن فعولان اولور * عصب خامس * مفاعلتن اولان لای
اسکاندر مفاعیلن اولور * نه که * اذالم تستطع شبثا فدعه

وجاوزه الی ماتستطیع * یتیی بومنون اوزره در * حزر جیهده
مستوردر * ومن الله العون

يَقُولُ الْعَبْدُ فِي بَدْءِ الْأَمَالِي لِتَوْحِيدِ بَنَظِيرِ كَاللَّالِي

يقول فعل مستقبلدر * العبد فاعلیدر * حرف تعریف کوفیون
عندنده مضاف الیهدن عوضدر * عبدالله تقدیرنده در که مراد
نفس ناظمدر * بصریون عندنده * معهوده اشارتی متضمن
اولمقدمه * اضافت مشابه سنده اولمغله * تعویضدن مستغیدر
فی بدأ الامالی يقول کلمه سنه متعلق ظرفدر بدأ ابتدا معناسنه در
لکن ابتدائک مفهومی کلفتی متضمندر * حل واحتمال کبی
امالی جمع املادر * عن ظهر الغیب یعنی من غیر استعانة الکتاب
تحریر و کتابت معناسنه در * وبعضیلر امالی اشبو منظومه نک
اسمیدر دیدیلر * لکن غیر موجهدر * وبعضیلر بدأ الامالی
اسم منظومه در دیدیلر * لتوحید کلمه سنده لام عاقبت ایچوندر
فی معناسنه مستعار اولق دخی نمکندر * بعضیلر يقول فعلنه تعلیق
ایلدیلر * مأل کلام لکونه معتقدا بالتوحید * بسفه بالقدم
وصفات الکمال دیمک اولور * یاخود لام تعلیلیه به حل اولنور
کویا که * سیاق کلامه یاخود سائل مقدرک * لای شی يقول سئوالنه
جوابی متضمن تعلیل اولمش اولور * علی التقادیر بدء کلمه سنه
تعلیق نا مر ضیدر * زیرا ابتداء توحید ایله اولیوب بلکه قدم
وصفات کمالدن بمحمله در * لکن جمله دن انسی امالی قولنه
تعلیق ایلمکدر * زیرا توحیددن مراد علم توحیددر که * علم کلامه
مشهردر * مؤلفا لتوحید تقدیریه حال اولق دخی نمکندر * بنظم
بدء کلمه سنه متعلقدر * يقول کلمه سنهده تعلیق جائزدر * لکن قرینت
حسبیه اول احق * بلکه امالی به تعلیق دخی الیقدر * نظم لغنده

اینجوی ایلمکه دیزمکه دینور * اصطلاحده مرتبه المعانی
ومتأسفة الدلالات اولان * کلماتی عقلک مقتضاسی اوزره * جمع
وتألیف ایلمکدن عبارتدر * کالائی کاف حرف جردر * یاخود مثل
معناسنه در * لائی جمع لؤلؤدر * اینجو معناسنه کاف مدخولیه
نظم کله سنک صفتیدر * لکن مضاف تقدیرینه محتاجدر * زیرامراد
نظم کلامی نظم لائی به تشبیهدر * تقدیر کلام یتکلم العبد فی ابتداء
ما املأه بنظم کائن کنظم الالئی * او بنظم مثل نظم الالئی * لعلم
التوحید الموسوم بالکلام دیمک اولور * ناظم علیه الرحه
نظمی حسن و بهاء * وصفوت و ضیائی محتوی * ولطافت و مطبوعیتی
منطوی اولق جهته * نظم لائی به تشبیه ایلمشدر * ومفهوم
عبودیتده لازمه ذمت فحولق اولان * تذال و خضاعت
اظهارندن بشقه * ربوبیت حق سبحانه و تعالائی * اعترافی متضمن
اولغله * ناظم کندی نفسی عنوان عبودیتله توصیف ایلمدی
* بیت * لاتدعنی الایا عبدا * فانه اشرف اسمائیا * مدلولی
اوزره * عبدا سمی اشرف اسماء مؤمنیندر * نه که * سبحان الذی
اسرى عبده * ایت کریمه سنده * آنکله افضل نوع انسانی
اولان * حضرت رسول بیدانی معبر یورلادی * خفی اولیه که خاصه
عبودیت انبیاء علیهم التحایا * خاصه رسالتلندن اشرفدر * زیرا
عبودیتله خلقدن حقه منصرف * ورسالتله حقدن خلقه منعطف
اولورلر * بناء علیه کله شهادتده * عبد عنوانی رسول اوزره تقدیم
اولندی * بعدذا توحید کله سی * وحدتدن تفعیلدر * صانع عالم
حق سبحانه و تعالی * ذاتا و صفاتا واحد حقیقی اولوب * یعنی
شریک و نظیردن منزله اولدیغنی قلبله تصدیق * ولسانله اقرار
ایلمکدن عبارتدر * بوجهته وحدت * صفات سلبیه جمله سندن
اولور * وتوحیدک اوج مرتبه سی وارددر * مرتبه اولی توحید

ذاتدرکه * مقام استهلاک * وفنا فی الله در * مرجعی لاموجود
فی الحقیقه الا الله مفهومیدر * مرتبه ثانیه * توحید صفاتدر که
جمله قدرت مخلوقات * قدرت شامله ربانیده مستغرق بیلک
وعامه علومی علم کامل سبحانیده * مضمحل بلمکه قاطبه کالاتی
عکوس انوار کمال یزدانیدن * برلمعه کورمکدر * مرتبه ثالثه
توحید افعالدر که * علم البقین یاخود * عین البقین * یاخود
حق البقین ایله * وجود و ظهورده * حق سبحانه و تعالیدن غیر
مؤثر اولدیغنی اذعان * وتحقیق ایلمکدن عبارتدر * قالدیکه
وحدانیت خدای بیهمتایی اثبات صددنده * امام رازیدن نقل
اولندیغنی اوزره * متکلمینک سرد ایلمکدری براهین عقلیه
یکرمی به قریبدر * اشهری * اوکان فیها آلهة الا الله لفسدتا *
نص شریفنک موجب اشارتی اوزره برهان تمنعدر * یعنی صانع
عالم ایکی فرض اولنسه * افعالده مختلف اولورلر * یاخود متفق
اولورلر * اختلاف صورتی فساد عالمی * یعنی سموات وارضینک
اشبو نظام محسوس بدیعندن * خروجنی یاخود * عدم تکویتی
یاخود اجتماع اضدادی مستلزمدر * مثلا بریسی * زیدک حرکتنی
ودیکری * آن مراده سکوتی * اراده ایلمسه * الوهیت حسبیه
قدرتتری مؤثر اولغله * اجتماع ضدینی مستلزم اولورلر * وصورت
اتفاقد * ینلرنده مخالفتک * یا صحت و امکانی اولور * یاخود اولماز
صورت اولی محالدر * زیرا تخالف مستحیلدر * صورت ثانی عجزی
مستلزمدر * عجز ایسه اماره حدوث اولغله * شان الهیده محالدر
صورت دیگر * صانع عالم * ایکی فرض اولنسه * احدهما یاندیرنده
کافی اولور * یاخود اولماز * صورت کفایت اولده * صانع ثانی ضایع
وزائد اولق اقتضایددر * بوایه نقیصه در * ناقص ایسه صانع
اولیه جفی کامله عیاندر * صورت کفایت ثانیده * صانع اول ضایع

و معطل اولور * صورت آخر صانع عالم ایکی فرض اولنسه * تأثیر
 قدرنده * یا هربری آخره محتاج * یا خود مستغنی * یا خود
 احدهما محتاج * آخر مستغنی اولور * صورت اولده * ایکبسنکده
 حسب الاحتیاج نقصان نری لازم کلور * نقصان ایسه * شان الوهیه
 منافیدر * صورت ثانی به کوره * هربری مستغنی عنه اولغله
 ایکبسنکده اله اولماسی لازم کلور * زیرا اله محتاج البد * و مستغنی به
 اولغله * مستغنی عنه اولماز * صورت ثالثه * محتاج ناقص
 و مستغنی * اله اولق لازم کلور * و بیضاوی مرحومک تقریری
 بوسیله در که * صانع عالم ایکی فرض اولنسه * جمیع ممکنات
 هر برینه نسبتله مقدریتده مساوی اولور * زیرا علت مقدوریت
 امکاندر * امکان ایسه جمیع ممکنات بینده وصف مشترک اولغله
 ممکناتدن برشی موجود اولماق اقتضایدر * زیرا موجود اوله جق
 شئک وجودنده * یا صانعین مفروضیندن برسی * مؤثر اولماز
 یا خود برسی مؤثر اولوب آخر مؤثر اولماز * ایکی صورتده
 دخی ترجیح بلا مرجح لازم کلور * صورت اولده ظاهر در * زیرا
 ممکنک وجود و عدم طرفلرندن برینی که مفروضمزد عدم
 طرفیدر * بلا مرجح ترجیح لازم اولور * و صورت ثانیه لزومک
 وجهی بودر که * ذکر اولسان ممکن واقعک * ایکی صانعدن
 هر برینه نسبتی * مساوی اولغله * احدهماک تأثیریه بولنسی
 لا محاله ترجیح بلا مرجحدر * ترجیح بلا مرجح ایسه باطلدر
 و اگر هربری مؤثر اولور ایسه * ایکی مؤثر مستقلک بالشخص
 اثر واحد اوزره تواردی لازم کلور * بوا یسه محال اولغله
 صانعین فرضی صورتده * ممکناتدن بر شئک وجودی ممکن اولماز
 ملزوم ایسه * لازم کی باطل اولغله * صانعک وحدانیتی ثابتدر
 صورت دیگر * صانع عالم ایکی فرض اولنسه * احدهما زیدک

قبامنی اراده ایلدیکی صورتده * آخر ایچون زیدک قعودی
 ممکن اولور سه * وقوعنی فرض ایده رز * زیرا ممکنک وقوعنی
 فرض * محال دکلدر * ایمی ایکیبسنکده مرادی حاصل
 اولور سه * زید آن واحدده * قائم وقاعد اولق اقتضایدر
 بوا یسه اجتماع نقیضین اولغله محالدر * و اگر بالکز برینک
 مرادی حاصل اولور ایسه * آخرک عجزی لازم کلور * آخرک
 عجزی ازلی اولق محالدر * زیرا عجز وجودی صحیح و ممکن اولان
 نسنه دن معقول اولور * ازله مخلوقک وجودی ایسه * محالدر
 پس عجز ازلی محال اولدی * عجزی حادث اولمقدده محالدر
 زیرا عجز ازله قادر اولوب * بعده قدرتک زوالیه * متحقق اولور
 بوا یسه قدیمک زوالنی مقتضیدر * و اگر آخر ایچون * زیدک
 قعودینی اراده ممکن اولور سه * اراده احدهما * اراده آخره مانع
 اولغله * عجزی لازم کلور * عاجز ایسه اله اولماز * قالدیکه آیت
 مر قومه ده مذکور اولان * فیها کلمه سی قرینه سبیل مراد
 تأثیر اولغله * نفی تعدد صانع بایند * حجت و ملازمت قطعیه در
 سعد الدین مرحومک حجت اقتضایه * و ملازمه عادیه در کلامی
 موجب منطوق اوزره در * بو تقریر اوزره حضرت واجب الوجود
 خالق جمله موجود * واحد حقیقی اولوب * شریک و نظیردن
 منزله اولدیغی ثابت اولمشدر * كذلك حکمای الهیونک دخی
 وحدانیت خالق بیچون و چرایی * اثبات معرضنده * سرد و ایراد
 ایلدکری براهین * اون عدده یقیندر * غایتی متکلمون طریقه انبه
 اوزره * معاوله علتله استدلال * و حکما و تیره لمیه اوزره
 علتدن معلوله انتقال ایلدیلر * زیرا انلر * وجودک وجوب و امکان
 جهتنه نظر ایله * واجبک ذاتنه * بعده وجوب و امکانک لوازمه
 نظر ایله * صفاتنه * و صفاتندن صدور افعالی کیفیتنه * استدلال

ایلدیلر * ابن سبنا اشارتده بوشهجهی ترجیح ایتشددر * و وحدانیت
ذات احدیت دال اولان * دلائل نقلیه ایله قرآن کریم مشحوندر
قل هو الله احد * والهکم اله واحد لا اله الا هو الرحمن الرحیم *
وامثالها وقالیکه * اهل لغت عندنده احد و واحد * لفظ لرندن
هر بری یکدیگر معناسنه در * لکن عند التحقیق موقع استعمال لری
مغایر در * زیرا احد ایله من جمیع الوجوه * واحدی مراد ایدر لر
زیرا احدیت عدد یا ترکیبیا او تحلیلیا انحاء تعددک جمله سندن
عاریه بساطت صرفه در * احد مطلق متکثر * و بر شبنه مشترک
اولیوب * کیفیات و کمیات * والوان و اوضاع کبی * اعراضی یوقدر
و کند و سنه بر نوع مجانس * و بر فرد ممائل اولماز * حسا و عقلا تجزی
و انقسام قبول ایلمز * اجسام مختلفه الطبایع * و اجزای لای تجزی
و اجسام صغیره صابیه * و هیولی و صورت کبی * اجزای خارجیه
و جنس و فصل کبی * اجزای ذهنیه دن مبرادر * پس احد عنوانی
انجق بر شبنه * ممائل و مشابه و مشارک اولیان * فرد بسیطه اطلاق
اولنور * اولدخی ذات مقدسه معینه الهیه در * اما واحد
انتفاء تعدد عددیدن عبارتدر * پس زید واحد اولور احد
اولماز * قالدیکه حق جل و علی بوجهله احد * هم واحد در
نهایت احدیتی اعتباری * و واحدیتی اعتبارینک غیریدر * زیرا مرتبه
احدیتده * وجود حق سبحانه و تعالی * جمیع سلوب و اضافات
و اعتبارات و صفاتدن * بالتجرد اعتبار اولنور * بواعتبارک متعلق
بطون ذات ربانی * و اولیت و اولیت سبحانهیدر * مرتبه
واحدیتده * جمیع صفات و اعتبارات غیر متناهییه ایله اتصاف
اعتبار اولنور * بواعتبارک متعلق * ظهور ذات و آخریت و ابدیت
صمدانیدر * پس مرتبه احدیت کثرت نسبه وجودیه نک انقطاع
و استهلاکی مقامیدر * مرتبه واحدیتده کثرت عینیه * هر تقدیر

متنی اولدیسده * ینه متعلق اولور * و جمیع تعینات و جودیه غیر
متناهییه * بونسبت متعلقه نک مظاهریدر * ابدی جهت احدیتله
وجود حق مطلق * سبحانه و تعالییه علم تعلق * بیرون حوزه
امکاندر * زیرا حجاب عزیزنده محتجبدر * پس بواعتبار ایله
معرفته خوض و انهماک * و طلبنه تشوق و تمنی * آرزوی محال
اولور * ننه که حق جل و علی لسان رحمتله * و یحذر کم الله نفسه
والله رؤف بالعباد * بیور مشدر

إِلَهِ الْخَلْقِ مَوْلَانَا قَدِيمٌ وَمَوْصُوفٌ بِأَوْصَافِ الْكَمَالِ

اله قوی مبتدا در * الخلق مصدر بمعنی المفعول مضاف الیهیدر
اضافت لامیه در * حرف تعریف استغراقه محمولدر * اله جمیع
المخلوقات سبکنده در * بعضیلر جنسبته جل ایلدی * و لام جنس
بومحمله ده استغراقی افاده ایدر * زیرا جنسبته تقریر اولنسه
ترجیح بلا مرجح لازم کلور * مولانا * عطف بیاندر * یا خود
صفتدر * مولی الفاظ مشترکه دندر * ولی کلمه سندن مشتقدر
وزنی مفعلدر فعلی دکلدر * معتق و معتق و سید و مربی و قریب
و متصرف فی الامور و ناصر و محبوب مغالینه در * مولانا جلال
الدوانی * نصاب شرحنده اون درت معناسنی بیان ایتشددر
متکلم مع الغیر ضمیرینه مضافدر * قدیم خبر و موصوف عطفدر
یا خود اله کلمه سی * مبتدای محذوفه خبردر * مبتداء هو ضمیریدر
معهودیت * یا خود محللیت دلالتیه * حق سبحانه و تعالییه راجعدر
مولانا و قدیم لفظ لری دخی خبردر * و موصوف قدیم اوزرینه
معطوفدر * باوصاف جار و مجرور موصوفه متعلقدر * اوصاف
وصفک جمعیدر * الکمال مضاف الیهیدر * مفهوم بیت بودر که
جمله مخلوقک خالق معبودی قدیمدر * وجودی کنسیدندر

غیریدن دکلدر * وکافه صفات کماله موصوفدر * معلوم اوله که اله
لفظی * فعال وزنی اوزره در * مفعول معناسنه در * امام مأموم
معناسنه اولدیغی کبی * عبد معناسنه اولان * لامک فتحیله اله دن
ما خود اولدیغه کوره * اله الخلق معبود الخلق دیمک اولور * بعضیله
کوره لامک کسریله * اله دن ما خود در * تحیر ودهش معناسنه
زیرا اوهم مخلوقات * معرفت ذات الهیده * متحیر ودهشدر
بعضیله عندنه * ینه لامک کسریله * اله دن ما خود در * دام
وثبت معناسنه * بعضیله دیدیلر که * لامک کسریله اله دن ما خود در
سکن معناسنه * زیرا قلوب ذکر یله مطمئن * وارواح معرفته
ساکن اولورل * بعضیله عندنه * لامک فتحیله * اله دن ما خود در
رجع الیه * واعتمد علیه معناسنه * زیرا هر حالده مرجع و معتمد
خلاق ذات الهیدر * بعضیله دیدیلر که * فتح لامله اله دن
ما خود در * ارتفع معناسنه * زیرا ذات باری * ممکناته مشابیه
و محدثاته مناسبتدن رفیع و عالیتردر * بعضیله لامک کسریله اله لفظندن
ما خود در * تحیر معناسنه دیدی * یا خود کسر لامله * اله لفظندن
ما خود در * فزع و لجئ معناسنه * زیرا جمله خلائی امور
و حوائج لایزاله جانب الهی به التجا * والتیاز ایدرلر * یا خود
لاه یلوه کله سندن ما خود در * علی یعلم معناسنه * یا خود
احتجب معناسنه * لاه یلیه کله سندن ما خود در * زیرا عالم دنیاده
ابصار اهل دنیادن مخجیدر * یا خود استار معناسنه * لاه کله سندن
ما خود در * زیرا کمال صمدیتله مخجیب اولدیغی کبی * کمال
ظهور یله ده * عقول و ابصار دن مخجیدر * واشبهو اله عنوانی
معرفا و منکر اللفظه جلاله کبی * ذات باری به مخصوصدر * باطلاده
استعمالی اعتقاد کفار منبدر * اجعل لنا الهام کمالهم آلهه *
کریمه سنده اولدیغی کبی * ولفظه جلاله کبی اصلیه اله در

بعضیله عندنه لاهادر * سریانی اولغله * الف اخیره بی حذف
وخصیصه کلمات عربیه اولان * حرف تعریف ادخالیه * تعریف
اولندی دیدیلر * و بعضیله عندنه اصلی ضمیر غائب اولان های
هوزدر * حق جل و علی * عقولده مثبت اولوب * بعده
خالق و مالک اشیاء * ذات اقدسری اولدیغی معلوم اولغله
اولنه لام ملک زیاده بعده * حرف تعریف ادخال اولمشدر
امام اعظم حضر تری * تأدباً اشتقاقی امرنده سکوت
ایلدیلر * کذاک سبویه عندنه دخی علم مرتجلدر * قدیم
بضم الدال قدم قدما صیغه سندن صفتدر * و جودی عدم الیه
مسبق اولوب * و بقاسی مستر اولان * موجوده دینور * مالی
اول * و آخری اولیان موجوددر * زیرا قدمی * ثابت اولان
شبهک عدمی دخی ثابتدر * قدیمک مقابلی حادثدر * و وجوب
قدم خدای متعاله دلیل * دور و تسلسلک استحالیه سیدر
زیرا اگر قدیم اولوب * حادث اولیدی * محدث آخره محتاج
اولور ایدی * و اگر محدث قدیم اولور سه * ثبت المطلوب
و اگر حادث اولور سه * اولدخی بر محدثه محتاج اولغله الی غیر النهایه
منجر اولور سه * تسلسل لازم کلور * و اگر عودت ایدر سه * دوره
مؤدی اولور * دور و تسلسل ایسه محالدر * محالی مؤدی اولان نسنه
دخی محالدر * دور * ایکی شبهک هر برینک آخره علت اولسیدر
یا واسطه الیه * یا خود واسطه سز * وشیء کندی علت اولق
محالدر * زیرا علت معلول اوزره مقدمدر * پس اگر شیء * کندی
علته علت اولیدی * کندی اوزرینه مقدم اولان علت اوزرینه
مقدم اولور ایدی * وشیء کندی نفسی اوزرینه * ایکی مرتبه مقدم
اولق لازم کلور ایدی * بوا یسه محالدر * و تسلسل ممکنک
وجودنده مؤثر بر علتیه * و اول علت مؤثره نک کندویه مؤثره

علت اخرايه هم جرا الى غير النهايه * استناد ندن عبارتدر
بودخی محالدر * زیرا آن واحده عقلک غیر متناهیة اموری
تصوری لازم کلور * واول تصور غیر متناهیة اولان اموری * غیر
متناهیة اولمقدن مخرجدر * حال بوکه عقلک متناهی اولیان اموری
آن واحده استحضاری محالدر * وابطال تسلسله مشهور اولان
دلیل * برهان تطبیقدر * برهان تطبیق اولدر که * معلول اخیردن
الی غیر النهايه * برجهله فرض اولنور * و معلول اخیردن هر مرتبه ايله
مقدم اولان معلولدن * مثلاً الی غیر النهايه برجهله فرض اولنور
بعده اول ایکی جله تطبیق اولنور * شویله که * جله اولیدن اولی
جله ثانیة دن اولی مقابلنده * وایکینجی جله ثانیة دن ایکینجی مقابلنده
هم جرا وضع اولنور * پس جله اولادن هر برینک مقابلنده سنده
جله ثانیة دن بری بولنور ایسه * بوشکل اوزره
ناقص زائده مساوی اولور * بوايسه محالدر * واکر بولنور سه بوشکل
اوزره جله اولاده برنسنه بولنور که * جله ثانیة دن
مقابلنده * برنسنه بولنور * پس بالضروره جله ثانیة منقطع ومنتهی
اولور * و ثانیة نک تناهيسندن * اولانک تناهيسي لازم کلور * زیرا
اول ثانیة نک اوزرینه قدر متناهی ايله زائد در که * اول بردر
وقدر متناهی ايله * متناهیک اوزرینه زائد * متناهی اولور
ایمدي حضرت حق قدیمدر * ازبیدر * وجودی کند و دندر
غیریدن دکدر * وخی اولیه که * ازل * کله سی ضیق معانسنه
اولان ازلدن * مأخوذدر * تقدیر بدایتدن قلبک متضیق اولدیغی
نسنه به دیرلر که * مألی بدایتی بوقدر دیمکدر * نه که ابد لفظی
نفور معانسنه اولان * ابودن مأخوذدر * تقدیر نهایتدن قلبک
نافر اولدیغی شبندن عبارتدر که * مألی نهایتی بوقدر دیمکدر
ایکبسیده * حضرت واجب الوجودک صفتلریدر * سرمد

لفظی توالی و تعاقب * معانسنه اولان * سرمد * لفظندن مأخوذدر
مبالغه معنایی افاده ایچون * میم زیاده اولندی * بوجهته
سرمد لفظی * حق تعالی به اطلاق اولنور * قالدیکه * ازلی * وابدی
لفظلری یای نسبت سببیه * مفید انتساب اولملریله * البته اول
وابتدا و آخر و اتهاسی بوقدر * معناسنی اراده به محتاجدر
پس * تقریر مذکور اوزره * قدم صفتی * صفات سلبیه دن
اولمشدر * زیرا فی الحقیق * وجود اوزره سابق اولان
عدمی * سلبدن عبارتدر * طائفة حکما * قدم * وحدوثن
هر برینه * اوچ نوع اثبات ایدرلر * قدم ذاتی * قدم زمانی
قدم اضافی * كذلك حدوث ذاتی * حدوث زمانی * حدوث
اضافی دیرلر * قدم ذاتی * شبنک وجودی غیردن اولما مقدر
زمانی * وجودی عدم ايله مسبوق اولما مقدر * اضافی مدت
ماضیه وجودی * مدت غیردن اکثر اولمقدر * بونلرک مقابلی
حدوث انواعیدر * عالمه قدیم اطلاقلری * زمانی اعتبارلرینه
مبنیدر * قالدیکه * موجودات محدثانک * مؤثره احتیاجی
حدوث حیثیتند نمی * یو خسه امکان وحدوث حیثیتند نمیدر
اختلاف اولمشدر * مذهب اول * جمهور متکلمین مسلکیدر
مذهب ثانی * محققین مذهبیدر * لکن حدوثک شرط و شطر
اولسنده * اختلاف ایلدیلر * وحق سبحانه و تعالی * جله
صفات کمال ايله موصوف اولدیغی بیلک * اصول دینی دندر
موصوف لفظنک مصدری اولان * وصف و صفت * عند اهل اللغة
متراد فلردر * آخرنده اولان ها حرفی * واودن عوضدر * وعد
وعده کبی * بعض متکلمین عندنده * وصف کلام واصفدر
صفت ذات * موصوفله قائم اولان معنادر * عند المحققین
ذات اوزره زائد اولوب * ذاتک انفهامی ضمننده * منفهم اولان

امور دن عبارتند * کرک ثبوتی * و کرک سابی * اولسون
وصفت ایله موصوف پیننده * اولان علاقه نسبت ثبوتیه در
نسبت مزبوره * موصوف جانبنده * اعتبار اولنور ایسه
اندن اتصافله تعبیر اولنور * صفت جانبنده * اعتبار اولنور ایسه
قیامله تعبیر اولنور * مثلاً علم صفتی زید ایله قائم * وزید عملله
متصفدر * ابدی حضرت حق سبحانه و تعالی * دخی
صفتلری وارد * مرجعلری ثبوت * و سلیدر * صفات ثبوتیه ده
ایکی نوعدر * ذاتیه * و فعلیه در * ذاتیه اول صفتدر که
اضدادیه * ذات مقدسه * متصف اولق جائز دکلدر * علم
وقدرت و حیات کبی * صفات فعلیه اول صفتدر که * اضدادیه
ذات مقدسه متصف اولق جائز اوله * رجت و غضب کبی
معتزله عندنده ثابت اولوب * نفی جائز اولیان صفات ذاتیه دندر
علم و حیات کبی * نفی جائز اولان فعلیه دندر * خلق و اراده
و تزئین کبی * و عند الاشعریه * نفی نقیصه بی مستلزم اولان
صفات ذاتندر * نفینده نقیصه لازم کلیان صفات فعلندر
احبا و امانه و خلق کبی * بوتریفه کوره * اراده و کلام
صفات ذاتیه دن اولور * زیرا نقیصلری نقیصه بی مستلزمدر
و صفات سلویه * اثباتی جائز اولوب * سلبی کال اولان
صفتلردر * قدم و وحدت و قدوس کبی * پس ناظمک
صفات کالدن مرادی * صفات ثبوتیه ذاتیه اولور که * حیات
و علم * وقدرت * و کلام * و سمع * و بصر * و اراده در * ماتریدیه
عندنده تکوین * و اشعری عندنده * بقاء صفتی دخی داخلدر
زیرا کال اول معنادر که * عدمی نقصان اوله * ذاته و افعال
و صفاتده جاریدر * تمام ایله فرقی بودر که * تمامک مفهومنده
تزیاید محتملدر * لکن کال کاملدر * ابدی حضرت حق سبحانه

و تعالی * ذکر اوانسان صفات کماله متصف اولسه * اوصاف
ناقصه ایله * متصف اولق لازم کلور * لازم و ملزوم * باطل
اولغله * جناب رب العالمین * حی * و علیم * وقادر * و متکلم
و سمیع * و بصیر * و مرید * و مکوند

هُوَ الْحَيُّ الْمَدِيرُ كُلِّ امْرٍ هُوَ الْحَقُّ الْمَقْدِرُ ذُو الْجَلَالِ

هو ضمیری * الهه راجعدر * مبتدادر * الحی خبریدر * مسندک
تعریفی * حصری مفید اولغله * زید الامیر قیلندن اولور * زیرا
حق تعالی * حیاتی * بذاته و مخلوقک حیاتی * بغیره اولوب
و معرض زوالده اولغله * مخلوقک حیاتی * عدم منزله تنزیل
اولمشددر * یا خود الحی الکامل سبکنده در * و مقام بسط
کلام اولغله * مسند الیه تکرار اولندی * واسنیاف
معنوی بی متضمن اولغله * جمله اولی میاننده * شبه انقطاع
اولمقدن ناشی * فصل اولندی * المدبر * خبر بعد خبردر
کل امر مفعولیدر * كذلك هو مبتداء * الحق خبردر * مقام
قرینه سلبه * مقدرک مفعولی محذوفدر * کل امر تقدیرنده در
ذوالجلال * خبر * بعد خبردر * مفهوم یت بودر که * حضرت
حق سبحانه و تعالی * حیات صفتیه متصفدر * اصلاً حیات
ذاتندن زائل اولماز * هر امور و احکامی * مثبتی تعلق ایلدیکی
اوزره * تدبیر و قضا * و علم از لیبی مقتضای اصلاح ایدر
و هر امور و افعالی * قدر مخصوص اوزره * تقدیر و مقتضای حکمتی
اوزره ترتیب ایدر * و جوهر * و عرض * و جسم کبی * واجب السلب
اولان صفات سلویه ایلده * متصف جلیل و عظیمدر * جمله ماسوا
سبحات جلالتنده مستهلکدر * معلوم اوله که * حیات * صفات
کالدن بر صفت ازلیه در که * صحت علم و قدرتی * اقتضا ایدر

جهور فلاسفه عندند * علمك تمتع اولما مسندن عبارتدر
معترله دن ابوالحسن البصرى عندند * علم وقدرتك عدم
امتاعندن عبارتدر * ذات باری اوزره * وصف زائد از و مندن
متحاشیا عدم امتناعیتله تعریف ایتدیلر * فلاسفه عندند
حق سبحانه و تعالی موجب بالذات اولغله * تعریفلرنده قدرتی ضم
ایتمدیلر * اول طائفه قدرت و اختیار الهی بی انکار ایدرلر
مکونات مقتضای ذاتدر دیرلر * پس هر فرقه اعتقادنده ذات باری
حیات صفتیه متصفدر * زیر امتصف اولسه * قادر * و عالم * و مرید
اولما مق اقتضا ایدر * بصورتده نقایضی اولان * نقایض لازم
کلور * ذات الهی ایسه نقایصدن مبرادر * و محسوسین اولان
اشبوافعال متقنه * و آثار بدیعه محکمه مختلفه اختیاریه * حضرت
حق * صفت حیاتله موصوف اولدیغنه دلالت ایدر * خارجده
برکسه بی * بر قصر بنا ایدر کورسک * بانی مرقومک بالضروره
حیاتده اولدیغنی ادراک ایده رز * و حیات صفات مادحه دن
اولوب * جمادیت نقصان فاحش اولغله * حضرت باری به صفت
حیات اثباتی واجب اولور * نه که قرآن کریمده * الله لا اله الا
هو الحی القيوم * و توکل علی الحی الذی لا یموت * کریمه لری
بومعانی مثبتدر * المدبر * تدبیردن اسم فاعلدر تدبیر لغتده عواقب
اموری تأمل و تفکر معناسنه در * حق سبحانه و تعالی به نسبتله
عواقب اموری علم شریفی محیط اولوب * جمله امور و احکامی
منزلنه تنزیلدن عبارتدر * یدبر الامر من السماء الی الارض و من
یدبر الامر فسیقولون الله * کریمه لرنده تدبیردن مراد * بومعنادر
وقدمای فلاسفه دن ماعدا * عامه عقلا * حق سبحانه و تعالیکن
علم صفتیه متصف اولدیغنده بعد الاتفاق * اختلاف ایلدیلر که

حضرت حق جل و علا * کندی ذاتی و جمیع اشیا بی * بالحقایق
والدقایق ییلور * باقبلرک مذهبی بودر که * حق سبحانه و تعالی
کلیات و جزئیاته * وجه کلی اوزره * علمی شاملدر * لکن وجه
جزئی اوزره * علمی انکار ایدرلر * بوباید اهل سنت اعتقادی
بودر که * حضرت عالم الاسرار * پنهان و آشکار * جمیع موجوداتی
قبول و انفعال * و تغیر و انتقالدن بری * علم قدیم ازلیله ییلور
زمین و آسمانده * حیطة علمندن مثقال ذره بیرون و عازب * موجودک
وجودی معدومدر * و قلم مشبته * لوح قضاده ترسیم ایلدیکی سعادت
و شقاوت * و خلق * و رزق * و اجل * و ثواب * و عقاب * و سایر
اموری * بر مقتضای علم ازلی * زمان و مکانلرینه تنزیل
وقضا و اصلاح ایدر * اگر عالم و مدبر اولسه * صفت فاحش
اولان * جهل * و غفلته اتصافی * و ایجادینک سفاقتی لازم کلور
تعالی شاننه عن ذلك * و حضرت واجب الوجود * ذاتنده
وصفاتنده * و ملکوتنده * حق و ثابت و موجود در * بعضیلر حتی
من لا یقبح فعل * و بعض دیگر * من لا یفتقر فی وجوده الی غیره
عبارتیه تعریف ایتلریله * صفت سلبیه به ارجاع ایلدیلر * مصدر
اولان * حق لفظی * صدق و واقع مطابق * حکم معناسنه در
حضرت حق جل و علا * ید قدرتیله بلا آله * جمیع اشیا بی تقدیر
و تعیین ایدر * جمله خیر * و شر * و نفع * و ضرر * و مر * و حل
قضا و قدر از بسببه حاصلدر * تبدل و تغیر قبول ایلز * کل کلمه سی
منکره اضافتنده * عموم افرادی مفید اولغله * افعال عباده دخی
شاملدر * معلوم اوله که * جناب باری * قدرت صفتیه ده موصوفدر
قدرت * بر صفت ازلیه در که * لدی التعلق * مقدور اتده مؤثر اولور
جمله اهل حق متفقدر که * حضرت حق تعالی * جمیع مقدوراته
قادر * و کافه حوادث * قدرتیله حادث اولمشدر * زیرا جمیع

مقدورات * مقدوریتده مساویدر * زیرا مقدوریتی صحیح امکاندر
 وجوب * و امتناع * مقدوریتدن متملدر * و امکان جمله ممکنات
 یننده مفهوم مشترک اولغله * بعضیسنده صحت مقدوریتی مقتضی
 اولان * جمیع ممکناتده قائم اولغله * مجموع ممکناتک مقدوریتده
 استواسی واجب اولور * وقادریتک مقتضیسی * ذات مقدسه اولغله
 ذاتک اقتضای قادریتده * عامه مقدوراته نسبتی واحددر * قادریتی
 بعضه مخصوص اولسه * مخصوصه محتاج اولغله * کالنده غیره
 احتیاج لازم کلمکله * ذات الهی به نقصان ترتب ایلمک اقتضا ایدر
 وقالدیکه * اهل کلام قضا وقدرینارین * وجوه عدیده ایله
 فرق ایدرلر * شارح کشاف طیبی * طیب الله تراه عندنده * قضاء الله
 جمیع اشیاک * وجه کلی اوزره علم اعلاده که * حکماء عقل اول ایله
 تعبیر ایدرلر * ثبوتدن عبارتدر * قدر * جمیع موجوداتک لوح
 محفوظده که * حکماء نفس کلیه اطلاق ایدرلر * صورتلرندن عبارتدر
 وبعض محققین عندنده * قضاء * جمیع موجوداتک علی سبیل الابداع
 عالم عقلیده مجتمعه و مجمله وجودندن عبارتدر * قدر جمیع موجوداتک
 مواد خارجیه سنده * واحدا بعد واحد وجودندن عبارتدر * حکماءک
 مختاری بومذهبدر * وبعض اهل تحقیق عندنده * قضاء اعیان
 موجودات اوزره * من الازل الی الابد باحوالها حکم کلی اجمالیدر
 مثلاً هر نفسک ذائقه الموت اولسنه حکم کی * قدر حکم مزبوری
 تفصیلدر * اسباب تعین * وحسب القابلیة والاستعدادات اوقات
 وازمانه تخصیص * واحواللرندن هر حالی زمان معینه وسبب
 مخصوصه تعلیقه * مثلاً زیدک فلان کون وفلان دقیقه ده فلان
 مرض سببیه فوتی کی * شارح طوابع اصفهانی * علیه الرحمه
 بیانه کوره * قضاء جمیع مخلوقاتک کتاب مبین * ولوح محفوظده
 مجتمعه و مجمله علی سبیل الابداع * وجودندن عبارتدر * قدر مخلوقات

مرقومه نک بعد حصول شرائط * مفصله * واحدا بعد واحد
 شهود و وجودندن عبارتدر * وبعض علماء دیدیلر که * قدر * کیل
 ایچون تهیئه اولسان غله منزله سندهدر * قضاء * کیل منزلهدر
 خارجده قدرک نظیری * مثلاً برکاتب * وقت فلانیده برکاتب
 تحریری اراده * ولوحه تخیله سنه کتب وتصویر ایدر * قضایک
 نظیری حلول وقت مزبورده * اول کتابی تحریر ایدر * سید شریف
 قدس سره نک مختاری ذکر اولنان اهل تحقیق کلامیدر * وبعض
 محلهده قضاادن مراد * نفس شیء مقضی مراد اولورته که * اللهم انی
 اعوذ بک من جهد البلاء ودرك الشقاء وسوء القضاء وشماتة الاعداء
 حدیثنده اول معنایه وارد اولمشدر * زیرا بوکونه توجیه اولمنسه
 حاشا قضای الهی به * عدم رضایی مستلزم اولور * و رای قدرده
 سر قدر دخی واردر که * اعیان موجوداتدن برینک مقتضای
 استعدادینک خلافی * لابس لباس وجود اولسنک امتناعندن عبارتدر
 بردخی سر سر قدر واردر * استعداد مرقومک ازلی اولوب جعل جاعل
 ایله مجعول اولدیغندن عبارتدر * خلاصه حضرت حق سبحانه
 وتعالی * لایزالده حدوثه اراده ازلیه سی متعلق اولان جمله اشیا
 کما تکنون عالم اولوب * مجموعنی اسباب واحوال * وازمنه وامکنه سیله
 لوح محفوظه کتب و ترقیم ایدوب * وفق مکتوب اوزره حکم
 وقضا * واصلاح وانشا ایلر * قالدیکه اشیا کائنه ده زیدک
 اسلامی * وعمرک کفری دخی داخلدر * لکن لوح محفوظده
 علی طریق الحکم والقضاء مکتوب دکلددر * زیرا زید وعمر
 اسلام و کفرلنده مجبور اولوق لازم کلور * بلکه زید کندی اختیار
 وقدرتیه اسلامی * وعمر و کفری اراده ایدرلر * عنوانیه مقیددر امام
 اعظم رحمه اللهک فقه اکبرده کتب بالوصف لابلحکم قولندن مرادی
 بودر * قدرت الهی به دلیل نقلی ایله کتاب وسنت مشحوندر * وکان

امر الله قدرا مقدورا * وهو على كل شيء قدير * وانا كل شيء
 خلقناه بقدر * وامثالها نصوص قاطعه را در * ذوالجلال
 ذو کله سی صاحب معناسنه در * لکن استعمالده فرقری وارد
 ذو کله سنده مضاف مضاف الیهدن اشرف اولق لازمدر صاحب
 کله سی بوک خلافت در * بناء علیه ذوالعرش دیندی * صاحب
 العرش دیندی * نه که قرآن کریمده یونس علیه السلام
 قصه سنده * وذا النون اذ ذهب * الایة عنوانده وارد اولشدر
 نون بالق معناسنه در * قالدیکه دیگر آیت کریمه ده * ولا تکن
 کصاحب الحوت * وارد اولشدر * نکته بودر که آیت اولی معرض
 ثنای یونسده وارد اولدی * نه که حوتدن اشرف اولغله مقام
 مزبورده نون عنوانی ایراد اولندی نه که * نون والقلم کریمه سنده
 شرافتی بدیدارد * آیت ثانیه اتباعدن نهی معرضنده وارد
 اولشدر * جلال عظمت معناسنه در * یعنی بذاته وصفاته
 جلیل وعظیمدر عظمتی موحدک توحیدی * وعابدک عبادتیه دکلدر
 ذوالجلال وصفی * عرض وجسم وجوهر کبی واجب السلب اولان
 صفات سلبیه به اشارتدر * بعضیبار عزت وقهر وغلبه وانتقام
 صفتلرینه اشارتدر بدیلر * بونلرکده مرجعی صفات سلبیه در
 والسلام

مرید الخیر والشر القبیح * ولكن لبس برضى بالحال

مرید * لفظی اراده دن اسم فاعلدر اراده طلب معناسنه اولان
 روددن مأخوذدر * ماضیسی اولان ارود کله سنده * واولک حرکه سی
 رایه نقل اولندقدن صکره واولفه منقلب اولوب مضارعنده بایه
 منقلب اولدی * مصدرنده الف ساکنه به مجاورت سبیلده ساقط
 اولغله آخرینده ها تعویض اولندی * الخیر * کله سی مریدک

مضاف الیهیدر * و مرید مبتدای محذوفک خبری اولغله * هو مرید
 الخیر تقدیرنده در * القبیح شرک صفت کاشفه سیدر * لکن * مشدده
 اولان لکن کله سنندن تخفف حرف استدر اکر * کلام متقدمدن
 متولد اولان توهیمی رفع ایدر * شر قبیحیده مرید در * کلامندن
 رضا توهیمی متولد اولغله برطرف ایشدر * بصریونه کوره
 کله بسیطه در * کو فیون عندنده لاوکاف مزیده وان کله لرندن
 مریدر * همزه سی تخفیف حذف اولندی * بعضا واولده
 استعمال اولور * لبس کله سی نفی حاله دالدر * غیره دلالتی قرینه
 معونتیله اولور * لبس خلق الله مثله کبی وفعل غیر متصرفدر
 وزنی فعلدر بکسر العین بعده تخفیف التزام اولمشدر * مفتوح
 العین ومضموم العین تقدیر اولندیغشک وجهی بودر که * مفتوح
 العین تخفیف اولماز * ومضموم العین دخی بانی العین هیو فعلندن
 غیری بولنماشدر * نجاتدن ابن سراج وفارسی ماء نافیه منزله
 حرف اولدیغنه ذاهب اولمشدر * لکن مذهب اول صوابدر
 اسم مرفوع وخبر منصوبه ملازمدر * بوراده اسمی مستتردر
 یرضی فعل مستقبلدر فاعلی ضمیردر * جمله سی محلا منصوب
 لبس فعلنک خبریدر * بالحال کله سی جار ومجرور * یرضی فعلنک
 مفعول غیر صریحیدر * مفهوم یت بودر که * صفات ذاتیه
 الهیه دن برسییده اراده در * حق سبحانه وتعالی خیر وشری
 اراده ایدر * لکن شره رضای شریفی تعلق ایلر * معلوم اوله که
 حکما عندنده اراده حضرت حقک نظام وجود وجه اکمل
 اولغیچون کیفیت لایقه سنه علمندن عبارتدر * واصطلاحلرنده
 اکا عنایه اطلاق ایدر * معتزله دن ابوالحسین اراده بی * ایجاد
 داعی اولان مصلحت علم ایله تعریف ایتدی * ونجار * مغلوب
 ومکره اولماغله تفسیر ایلدی * کعبی * اراده حضرت حقک

افعال ذاتیه علمی * و افعال غیره امر ندن عبارت در دیدی * مالی
صفت اولد یغنی انکار در * دلیلی بود که * اراده تحقیقی صورتده
یا غرضه تعلق ایدر یا خود ایلز * شق اول صورتده غرض
متعلق به البته غیر اولمغله * حضرت باری * مستکمل بال غیر اولمق
اقتضا ایدر * بوا یسه نقصاندر * شق ثانی صورتده عبث اولور
عبث ایسه حکیمه لایق دکلدر * بو که جواب ویریلور که * مراده
اراده نک تعلق لذاتهادر * زیرا حق تعالی آنک اراده سی * غرضه
تعلقدن مترهدر * افعالی معلله بالا غراض دکلدر * بلکه
اراده نک وقت معینده ایجاد مراده تعلق * لذاتها لالغیرها واجبدر
اهل سنت عندند * اراده بر صفتدر که * وجود وعدم و فعل
وترک کی * ایکی مقدورک برینی * احد اوقاتده وقوعه تخصیص ایدر
اول ایکی مقدورک مجموعنه نسبت قدرتک استواسیله * ایددی
حضرت حق جل و علا اراده ایله متصفدر * واتصاف فی دلیل
عقلی و نقلی ایله مثبتدر * دلیل عقلی بودر که * اگر متصف اولسه
محدثانده ترجیح بلا مرجح لازم کلور * زیرا قدرته نسبتله اوقات
و کیفیات و کمیات متساویه الاقدامدر * لامحالاه مخصوصه
محتاجدر * و مخصوص نفس قدرت دکلدر * زیرا وجه مشروح
اوزره قدرتک جمیع مقید و راته نسبتی یکساندر * و وقوعه علم
دخی مخصوص اولماز * زیرا علم وقوعه و وقوع دخی اراده یه
تابعدر * و هر حادثک کندوسنه مخصوص اولان وقتده حدوثی
فائده سنه متعلق اولان علم دخی مخصوص اولماز * زیرا فائده
خلقتده ازمان مساویدر * حیات دخی مخصوص اولماز * زیرا حیات
دخی نسبت اوقاتک استواسنده قدرت کیدر * سمع * و بصر
دخی اولماز * زیرا بونلرده تبعیتده علم کی در * کلام دخی اولماز
زیرا ایجاد تعلق یوقدر * و اگر سؤال اولنورسه که ایجاد

عند المحققین فی الحقیقه کن امرینه متعلق دکلدر * جواب
ویریلور که * کرچه حال بروجیه محردر * لکن امر مذکورک
جمله مکوناته نسبتی قدرت کی مساویدر * بوجهله اراده نک
مخصص حادثات اولدیغی ثابت اولمشدر * و اراده و مثبت لفظ
مترادفلدر * بینلرنده فرق یوقدر * معتزله دن کرامیه طائفه سی
زعم ایدر لر که * مثبت صفت قدیمه در * ذات مقدسه ایله قائمدر
اما اراده حادثدر * اهل سنت طرفندن * بوضوئله رد اولنور که
اگر اراده حادث اولیدی * حق سبحانه و تعالی * محل حوادث اولق
اقتضا ایدوب * کذلک اراده اخرا یه احتیاج وجهله تسلسل لازم
کلور ایدی و دلیل نقلی * یرید الله بکم البسر و یفعل الله ما یشاء
و فعال لما یرید * و امثالها نصوص قاطعه در * قائم دیکه خیردن
مراد * ایمان و سائر طاعاتدر * و شرندن مراد * کفر و سائر
معاصیدر * القبیح قرینه سیله مرید الخیر الحسن اولور * خفی اولیه که
حسن و قبح فقه و اصول و کلامده بر بحث معتنا در * افعال باری
عز شانه حسنله متصف اولوب * اراده و تکیونی تحتیه قباح داخل
اولور می اولماز می ملا بسه سیله * اهل کلام بحث ایدر * وفقها
مسائل فقهیه نک جمیع محمولاتی امر و نهی * اشتغال حسبیه
حسن و قبحه * مرتفع اولدیغندن بحث ایدر لر * و امر ایله
ثابت اولان حکم حسن * و نهی تعلق ایدن شیء قبیح اولور
مناسبیله اصولون بحث ایدر لر * لهذا پوشیده اولیه که * حسن
و قبحدن هربری اوج معنایه اطلاق اولنور * اول * و جودی
کمال * و نقص اولمقدر * علم و جهل کی * ثانی * طبعه ملایم
و منفور اولمقدر * فرح و کدر کی * ثالثا * عاجلا مدح و ذم
و آجلا ثواب و عقاب متعلق اولمقدر * معنیه اولینه کوره ثبوتی
عقلیدر * ثالثه کوره * عند الاشعریه شرعی محض * و عند الماتریدی

كذلك شرعیدر ❦ لكن بعضیسنده عقلا محالی وارد در
مثلا ❦ خرك ازاله عقل ❦ وسائر مخطوراتی سییله ❦ وزنانك
تضییع نسب سییله قبحی ❦ وصومك ریاضت نفسی موجب
وزكوتك ❦ فقرایه اعاتی مستوجب اولدیغی كبی ❦ وبعضیسنده
عقله قطعاً محال یوقدر ❦ ایمی ایمان وطاعت حسن ❦ وكفر
ومعاصی قبیحدر ❦ ایكیسنده اراده علیه تعلق ایدر ❦ ولكن
قیحه رضاسی یوقدر ❦ نه كه ناظم ❦ لبس رضی بالمحال قولیله
اشارت ایتشدر ❦ محال ❦ ضم میم ایله در ❦ ومحال ایکی نوعدر
عقلی ❦ وشرعی ❦ محال عقلی اول نسنه در كه ❦ عقل خارجده
وجودینی منع ایله ❦ محل واحدده اجتماع نقیضین كبی ❦ محال
شرعی اول نسنه در كه ❦ ارتكابی عقابی موجب اوله ❦ كفر
وسائر معاصی كبی ❦ بومقامده مراد محال شرعیدر ❦ ایمی
حق تعالی عبادك ایمان وطاعتی ❦ وكفر ومعصیتی ❦ اراده
ایدر ❦ لكن كفر ومعصیته ❦ رضاسی یوقدر ❦ معتزله شرك
مراد الهی اولدیغی انكار ایدر ❦ حتی كافر وفاسقك ایمان
وطاعتی مراد اولوب ❦ كفر ومعصیتی مراد دكلدر دیرلر ❦ زیرا
حق جل و علا ❦ وجوه عدیده ایله كفر ومعصیتی اراده
ایلز ❦ اولایمانك نقیضی اولان كفر مرادی ایكن ❦ ایمانله امر ایلک
عندالعقلاء محض سفا هدر دیرلر ❦ بواحتجاج لرینه جواب
ویریلور كه ❦ اراده مر قومه ك سفه اولدیغی ممنوعدر ❦ اولوقت
سفه اولور ایديكه ❦ مقصود مأموریه ❦ تحصیلنه منحصر اولیدی
مقصود ایسه انده منحصر دكلدر ❦ نه كه برافندی بنده سنی
امتحان صدندده ❦ یاخود عصیان ایله جکی مجزومی اولغله ❦ مرادی
اولیان فعل ایتانیله امر ایدر ❦ وجه ثانی كفر غیر مأموریه
اولغله مراد اولماز ❦ زیرا اراده امر ك مدلولی ❦ یاخود امر ك

لازمیدر دیرلر ❦ جواب ویریلور كه ❦ بعضی وقت امر ❦ اراده دن
منفك اولور ❦ مثلاً بروالی بر كسنه یه ❦ غلامنی بی جنحه مخالفت
ضرب ورنجیده ایلماسنی تنیه ایلد كده ❦ اول كسنه غلامك
كندویه مخالفتنی ادعا ❦ وتمهید عذر ضمنده حضور والیده
اول غلامه بر ماده ایله امر ایلسه ❦ فی الحقیقه مأموریهی ایتیان
مرادی اولیوب ❦ انجق غرضی حضور والیده غلامك ظهور
عصیان اولور ❦ وجه ثالث ❦ كفر مرادی اولیدی قضاء الهیله
اولور ایدی قضایه رضا ایسه واجبدر ❦ وكفره رضا كفردر
جواب ویریلور كه ❦ بومقامده قضادن مراد مقضی در كه ❦ اسم
مفعولدر ❦ مراد اولان كفر قضادكلدر ❦ بلكه مقضی در ❦ انجق
رضا قضایه واجب اولور ❦ مقضی یه واجب اولماز ❦ وجه
خامس ❦ كفر مراد اولیدی كافر كفر یله مطیع اولوب ❦ عاصی اولماق
اقتضا ایدر ایدی ❦ زیرا طاعت ❦ مراد مطاعی تحصیلدن عبارت
اولغله ❦ كافر كفر یله مراد الهی بی تحصیل ایدوب ❦ كفر یله مطیع
اولمق لازم اولور ایدی ❦ بو كه جواب بودر كه ❦ طاعت موافقت
امر دن عبارتدر ❦ امر ایسه اراده ك غیریدر ❦ پس طاعت
مأموریه اولان امری تحصیلدر ❦ بوقسه مرادی تحصیل
دكلدر ❦ وجه سادس ❦ كفر مراد اولیدی ایمانله تكلیف
طاقتدن خارج نسنه بی تكلیف اولور ایدی ❦ زیرا خلاف مراد الهی
عند المتكلمین ممنوعدر ❦ بو كه جواب ویریلور كه ❦ بو كونه تكلیف جائز
بلكه واقعدر ❦ صورت وقوعی بولیان تكلیف ❦ فعلاً یاخود عادتا
عبدك قدرت كاسبه سنه متعلق اولیان تكلیفدر كه ❦ فی نفسه ممنوعدر
ضدینی جمع كبی ❦ بوقسه مقدور عبدی تكلیف جائز و واقعدر
وقدرت عباد تحتنده اولیان شئك عدم تكلیفی اتفاقیدر ❦ قالدیکه
ربنا لا تحملنا مالا طاقة لنا به (آیت کریمه سنده تحملدن مراد تكلیف

دکدر * بلکه خارج حوزه طاقت اولان * حادثات مهاسکاتی
ایصالدر * وقالدیکه ذکر اولندیغی اوزره تکلیف مالایطفاق
وقوعی یوقدر جوازنده اختلاف واردر * اشعری تجویز ایدر
معتزله تجویز ایلز * وجه سابع (ولایرضی لعباده الکفر) آیت
کریمه سیدر زیرا رضا اراده در * بوکه جواب ویریلور که
رضا اعتراضی ترکدن عبارتدر * و امر ایکی نوعدر * بری امر
تکوینی که * وقوعندن مأمور بهک وقوعی لازم اولور * امر مزبور
جمله مکوناته شاملدر * دیگری * امر تشریعی وتدویندر که
ثواب وعقاب مداریدر * طاعت دیدیکمز امر ثانی به موافق اولانی
اتیان اولور * و رضا بو امر اوزره ترتب ایدر * و اراده خیر و شریدن
هر برینه و رضا فقط خیره متعلق اولور * و اراده فعله و رضا امره
ملازم اولور * زیرا انسان هر ضبعی اولیان بعض فعلی اراده
واختیاریه ایشلدیکی محسوساتندر * و اراده و رضایک مفهوملمری
بینده تفرقه و تغایر واردر * زیرا اراده برحالت میلانیه در که * فعل
و ترکدن هر برینک ترجیحی اقتضا ایدر * اما رضا عند البعض
مرضی اولان شبتک حصولی مقابلی ثواب اعطا سندن عبارتدر
و عند الآخر * فاعلنه اعتراضی ترکدن عبارتدر * و رضایک انتفاسی
اراده نک انتفاسی مستلزم دکدر * زیرا اراده دن اخصدر *
تقریر مزبور دن معلوم اولدیکه * حضرت پروردگار فاعل مختار
اولغله جمله کائناتی علی سبیل الاختیار موجد اولغله * اراده ایله
متصفدر * فاعل مختارک تفسیری بودر که * مراد ایدر سه ایشلر
و مراد ایدر سه ترک ایدر * حکما طائفه سی انکار ایدر لر * حق تعالی
موجب بالذاتدر * یعنی مراد ایدر سه ده ایتمز سه ده ذاتندن اثرک
صدوری واجب در دیرلر * شمسدن نورک صدوری کبی * بو مذهب ایدر
مزیددر * زیرا موجب بالذات * اولسه اثر اولی * ذاته لازم و ثبات

و دوامده تابع اولور * زیرا مستقل ثابت اولان مؤثرک اثری دخی
قطعی ثابتدر * اثر اولی * ثابت اولنجیه انک اثریده و اثرینک اثریده
ثابت اولق اقتضا ایدر * پس ازلا وایدا جمیع موجودات دائم
و ثابت اولق لازم کلور بوایسه باطلدر * چون خیر و شر و نفع
و ضرر جمله سی اراده علیه بیچون تعلیقیه حصوله مقرون اولور
لکن شره رضای شریفلمری تعلیق ایلدیکی معلوم اولدی * قالدیکه
(ما اصابک من حسنة فمن الله وما اصابک من سيئة فمن نفسك)
آیت کریمه سی فن فعل نفسك تقدیرنده در (والخير كله بيدك
والشر ليس اليك) حدیثیه سؤال اولنور سه * جواب ویریلور که
شر و قبیح تسمیه سی * جانب عزتدن صدورینه نسبتله اولیوب
عباده تعلیق اعتبارینه مبنیدر * و هر نقدر تخلیق الهیهله پذیرای
وجود اولش ایسه ده شر و قبیح عند الانفراد تأدبا جانب عزته
مضاف اولاز * زیرا اضافت ایکی نوعدر * اضافت تحقیق
واضافت اکرام اولور * اضافت تحقیق (ولله ملك السموات
والارض) آیت کریمه سند و واقع ملک اضافتی کبی * اضافت اکرام
بیت الله و ناقد الله و رسول الله کبی * پس ایمان و طاعت مکرم
و مرضی اولغله * عند الانفراد جانب ربانی به مضاف اولور * لکن
کفر و معصیت مضاف اولاز * نه که خالق الخیر بر اطلاقندن
تأدب اولنور * وقالدیکه فرق ضاله دن جبریه طائفه سی افعاله
قدرت عبدی سلب ایلکه * عبد جاد مثابه سنده در قصد و اختیاردن
عاریدر دیرلر * کویا که * حضرت حتی شائبه شر کتدن تنزیه
ایدر لر * مذهبلمری باطلدر * زیرا حرکت بطشله حرکت ارتعاش
بیننده بالضروره فرق ثابتدر * و صحت تکلیف و افعاللرینه
ثواب و عقاب ترتبی مدخلیت عبده مبنی اولدیغی ظاهر در (جزاء
بما كانوا يعملون) و امثالها آیات یننه * افعاللرنده عبادک مدخللمری

اولدیغنی ناطق در ❦ و قدریه طائفه سی عبد افعالنک خالقیدر
حاشا خالق بیچونک مدخلی یوقدر دیرلر ❦ بومذهب دخی باطلدر
اعتقاد اهل سنه بودر که ❦ حضرت حق خالق ❦ و عبد عازم و کاسیدر
مواخذة الهیه عزیم و کسبه متعلقدر

❦ صِفَاتُ اللَّهِ لَبَسَتْ عَيْنَ ذَاتٍ ❦ وَلَا غَيْرًا سِوَاهُ ذَا انْفِصَالٍ ❦

صفات جمع صفتدر مبتدادر لفظه جلاله به مضافدر ❦ لبست
فعل نفیدر ❦ اسم مرفوع و خبر منصوبی مقتضیدر ❦ اسمی مستتر
هی ضمیر یدر ❦ عین کلمه سی خبر یدر ❦ ذات مضاف الیه یدر
ولاغیرا عین اوزرینه معطوفدر ❦ سواه بدلدر تا کیدی مفیددر
ضمیر غیره راجعدر تا دباتذ کیر اولندی ❦ ذا انفصال صفتدر
مفهوم بیت بودر که ❦ ذات الهی ذکر اولندیغنی اوزره صفات
کماله موصوف ❦ و اول صفات ذات شریفیه قائمدر ❦ لکن
ذات شریفنک عینی ❦ و ذاتدن منفصل اولور غیری دخی دککدر
معلوم اوله که مفهومات صفات الهیه ❦ ذات مقدسه نک عینی دککدر
فلاسفه عندنده عینیدر ❦ و معتزله نک اعتقادی انلره قریبدر
زیرا معتزله دیرلر که ❦ حق سبحانه و تعالی بلا علم یعنی بالذات
عالمدر ❦ مرجعی نفی صفاتدر ❦ و استدلال ایدرلر که ❦ اگر صفات
الهی ذاتدن زائد اولسه ❦ خالی دکل یا صفت کمال اولماز ❦ یا خود اولور
اگر اولماز ایسه نفی لازمدر ❦ زیرا ذات الهی نقصانله متصف اولوق
محالدر ❦ و اگر صفت کمال اولور سه ❦ حق سبحانه و تعالی بالذات
ناقص اولوب بانغیر کامل اولوق لازم کلور بو ایسه محالدر ❦ اهل
سنت بو کونه جواب ویرلر که ❦ واقعا صفات الهیه صفات
کمالدر ❦ و اندن ذاتک نقصانی لازم کلر ❦ بلکه کالی لازم کلور
زیرا کمال ذات ❦ انجق منشأ کالات اولقددر ❦ اگر ذاتدن منفصل

امر دن ناشی اولیدی واقعا نقصان لازم کلور ایدی ❦ صفت ایسه
ذاتدن منفصل دککدر ❦ کرامیه طائفه سی که ❦ رئیسری مبتدعه دن
محمد بن کرام السجستانیدر ❦ صفت ذاتک غیر یدر زعم ایدرلر ❦ بعض
محققین ❦ بو کونه ثبت صحیفه تبیین ایلشدر که ❦ جمهور متکلمین
عندنده صفات الهیه ذاتک غیر یدر ❦ زیرا حضرت حق حی
و عالم وقادر اولدیغنه نصوص قاطعه وارد ❦ و دلائل عقلیه دخی
قائم اولشدر ❦ مثلاً بر شخصک عالم اولسی کند وسیله علمک
شاهد و غائبه قیامیه معللدر ❦ سایر صفات دخی اکا قیاسدر ❦
و عالم وقادر اکا دیرلر که ❦ علم و قدرت کند وسیله قائم اوله ❦ پس
بالضروره صفت ذاتک غیری اولوق اقتضا ایدر ❦ لکن بو کلامده
نوع ضعف وار ❦ زیرا غائبی شاهده قیاس ایلمک ❦ قیاس فقهی
مع الفارقدر ❦ بو کونه توجیه اولنور که ❦ قیاس مزبور قیاس حقیقی
اولیبوب بلکه ❦ فی التحقيق تنویر سنددر ❦ یوقسه صفات مذکور
عباد ایله مشترکه در ❦ نهایت حضرت حقده حقیقی و بالذات
و عبادده تخلیق الهیه در ❦ و عند اهل السنه صفات الهیه ذات
مقدسه نک عینی دککدر ❦ زیرا مفهومات مرقومه ❦ ذات باری به
ثابت اولماز ایسه نقص اولور ❦ زیرا صفات مرقومه وجه محرر
اوزره کمالدر ❦ نقایضی نقایص و امارات حدویدر ❦ و اگر ثابت
اولور سه بالضروره ذات اوزره زائد و ذاتله قائم اولور ❦ زیرا
برشبثک صفاتی بذواتها قائم اولوق محالدر ❦ و ذات غیر ایله ده قیامی
ممتنعدر ❦ و برشی اوزره مشتق منلا عالمک صدق ما خذ اشتقاقک
یعنی علمک شیء مزبور ایله قیامنی اقتضا ایدر ❦ و صفت ذاتک
عینی اولسه ❦ الفاظ صفات اسماء الهیه ایله مترادف اولوق اقتضا
ایدر ❦ مثلاً علم و حیات و قدرت و لفظه جلاله بینلمرنده فرق معنوی
اولماز ❦ و مثلاً علم و قدرت و حیات عالم وقادر وحی اولوق اقتضا
ایدر ❦ بونلر ایسه محالدر ❦ و صفات الهیه ذاتک غیری دککدر ❦

زیرا غیرینک ایکی تعریفی وارد * اولاً غیرین احدهما آخر
اولیان ایکی ذاتن عبارتدر * بو تعریفه ~~ص~~ کوره صفات ذاتک
و بر صفت آخر صفتک غیر اولماز * ثانیاً غیرین اول ایکی نسبه در که
احدهما نک آخر دن انفکاک ممکن اوله * انفکاک یا مکانله اولور ایکی
جسم کی * یا زمانله اولور * اب و ابن کی * یا وجود و عدم
ایله اولور * موجود و معدوم کی * خارج دائرة اشباهدر که
باعتبارین اوزره ذاتله صفات و بر صفتله صفت آخری ینلرند
تغایر ثابت اولماز * و غیریت لغته و عرفا و شرعا انجیق منفصله
اطلاق اولنور * صفات الهیه ایسه ذاتن و بعضینک بعضدن
انفکاک و انفصالی ممکن دکلدر * غیریتی لغت و عرف و شرعله
تعمیمک وجهی بودر که * مثلاً بر کسنه جیمده اون درهمدن
غیری یوقدر دیمه * و واقعاً زیاده اولسه * اهل لغت و عرف
و شرعدن عاقل اولان کسه * آنی تصدیق ایدر * عشره نک
غیری برو ایکی یا خود اوچ درهم یوقیدر دیو سوال ایلز * حتی
یمین ایسه مانت اولماز * كذلك خانه ده زیدک غیری یوقدر
دیمه * هر کس تصدیق ایدر * زیدک الی و یاغی و شکل و اونی
یوقیدر دیمزلر * بو وجهله معلوم اولدیکه * غیر انجیق منفصله
اطلاق اولور * و ناظمک ذات انفصال قولی وارد اولان اشکالاتی
دافعدر * زیرا غیر ایکی نوع اوزره در * نوع اول * غیر معنویدر که
بیان اولندی * مرجعی بحسب المفهوم وجودده تغایردر * زیرا
ذاتن منقسم اولان * صفاتدن منقسم اولانک * بالاجماع غیری
اولغله بالضروره * احدهما آخرک غیریدر * هر تقدیر وجودده
ذاتن منفصل اولماز سه ده * زیرا حق تعالانک مثلاً علی مع عدم
الذات * و ذاتی مع عدم العلم * متصور اولماز * كذلك سایر صفات
کمالیه دخی بو و تیره اوزره در * نوع ثانی * اصطلاحیدر که بحسب

الوجود ذاتن انفصالی ممکن اوله * كذلك عیندن مراد بی تفاوت
مفهومک اتحادیدر * پس رفع نقیضین هجنتی لازم کلز * زیرا
ینلرند واسطه ثابت اولدی * یعنی مفهومی آخرک مفهومی
اولموب * و بلا آخر تحقیق ایلز * بو تقریردن معلوم اولدیکه *
صفات الهیه ذاتک عینی و غیری دکلدر * واحد و عشر کی * زیرا
واحد عشره نک عینی دکلدر * زیرا مجموع افراد * واحدک عینی
اولدیغی ظاهر در * و عشره دن منفصل دکلدر * زیرا عشره
واحد سنز * و عشره نک عشری اولان واحد عشره سنز تصور
اولنل * و معتزله طائفه سی صفاتی انکار ایدرلر * زیرا و رای
ذاتده صفات اولسه قدمتی حسبیه توحیده منافی تعدد قدما
لازم کلور دیرلر * انلره جواب ویریاور که * صفات ذاتک غیری
اولسیدی * واقعا تعدد قدما هجنتی لازم کلور ایدی * اهل سنه
عندنده ایسه صفات ذاته مغایر دکلدر * نه که تفصل اولندی

صفات الذات والافعال طراً قديماً مصونات الزوال

صفات کله سی * مبتدا در ذاته مضافدر * والافعال * الذات اوزرینه
معطوفدر * طراً * جیبعا معنایه قديماً لفظنده مستکن اولان
ضمیردن حال مؤکده اولمق اوزره منصوبدر * مصونات جمع
مصوندر * محفوظ معنایه خبر بعد خبردر * الزوال مضاف
الیهدر * مفهوم بیت بودر که * حق سبحانه و تعالانک مجموع
صفات ذاتیه و فعلیه سی قديم لر در * فنا و زوال تطرقندن
محفوظ لر در * معلوم اوله که * صفات الهیه نک ایکی نوعی وارد
نوع اول * صفات ذاتیه در که * احداث معنایی مشتمل اولیه * حیات
و علم و سمع و بصر کی * نوع ثانی صفات فعلیه در که * احداث
معنایی متضمن اوله * انشا و ابداع و امانه و احیاء و ترزيق

وانماء وتصوير كى * اشبوذ كر اولسان صفتلك جمله سى * عند
الماتريديه قديم وذات مقدسه ايله قائمردر * قديمىدن مراد
قديم بالزماندر كه * وجودى مسبوق بالعدم اوليه * زيرا قدم
ذاتى كه * وجودى غيريدن اولماققدر * ذات اقدسه مخصوصدر
واشاعره صفات ذاتيه بى * نفى نقيصه بى مستوجب اولان صفاتله
تفسير ايدوب قديم * وذات بارى ايله قائمدر ديديلر * وصفات فعليه بى
نفيندن نقيصه مرتب اوليان صفاتله تفسير ايدوب * حادثدر ديديلر
زيرا قديم اولسه * ذات مقدسه ازاده * مثلا خالقيت ورازقيت ايله
موصوف اولق لازم كلور * حال بوكه ازاده مخلوق ومرزوق
يوقدر * مالى تعطيل صفاتى استلزامدر * ماتريديه ديرلر كه
اكر صفات فعليه حادث اولسد * ذات مقدسه نك ازاده اول
صفاتلردن خلوى * ولايزالده اتصافى لازم كلمكه * امارات حدوثن
تغير ذات * وذات اقدسك محل حوادث اولق هجنتنى * مستلزم اولور
وقضيه كلييه در كه * حوادثن خالى اوليان البته حادث اولور
بس صفات فعليه نك قديم اولسى لازمدر * بعض محققين ماتريديه
واشعريه بينده دائر اولان منازعه بى * ياكز تكوين صفتنه حصر
ايلدى * زيراماتريديه عندنده تكوين كه * فعل وخلق وايجاد
واحداث مثللو * الفاظ مترادفه ايله معبر * ومعدومى عدمدن
وجوده اخراجله مفسردر * حضرت حقك صفت ذاتيه
ازلبيدر * زيراعقل ونقل * حضرت حقك خالق وعالم اولديغنده
متفقد * زيرا برنسنه ده مأخذ اشتقاق قائم دكل ايكن اول شبهه
اسم مشتقى اطلاق ممنعدر * كذلك حضرت حق تعالى ذات
شريفنى كلام ازلبسنده خالقيته وصف ايلدى * ازاده خالق
اولسه وجد مذكور اوزره كذب * ياخود حقيقت ممكن اولديغنى
محلده مجازه عدول لازم كلور * يعنى مستقبل اعتباريله اطلاقى

لازم كلور * وازلى اولوب حادث اولسه * تكوين آخر ايله مكون
اولورسه تسلسل لازم كلمكه * عالمك عدم تكونى اقتضا ايدر * واكر
تكوين آخر سبز اولورسه * حادثك محدثدن واحداث استغناسى
لازم كلور بوايسه محالدر * كذلك حادث اولسه * فى ذاته تعالى
اولورسه * حضرت بارى محل حوادث اولق لازم كلور * فى غيره
اولورسه * نته كه معتزله دن ابو الهذيل اكاذهيدر * هر جسمك
خالق اولسى لازم كلور * ونكوين مكونك غيريدر * وصفت قدرته
معايددر * زيرا قدرت شئك امكانه * تكوين وجودينه متعلقدر
لكن اشاعره عندنده تعلقدن عبارت اولغله * سائر تعلقات صفات
كبى حادثدر * بعض علماء ماوراء النهر * جمله صفات فعليه بى صفات
حقيقيه ازليه در ديديلر * علامه تفتازانى عليه الرحمه * ديمشدر كه
صواب اولان * بعض محققين كلاميدر كه جمله صفات فعليه نك
مرجعى تكويندر * مثلا تكوين حيايه تعلق ايدرسه * احيا وموت
تعلق ايدرسه اماته * ورزقه تعلق ايدرسه ترزيق تسميد اولور *
بو جهته مجموعه تكوين اولوب * تعلقانك خصوصيه بيله متحقق
اولور * دليل نقلى (هو الله الخالق البارئ المصور) الايه
مصونات الزوال * يعنى ذات مقدسه دن صفات سنيه زائل وفانى
اولمازلر * زيرا قدمى ثابت اولان موجودك عدمى محالدر *
خلاصه جمله صفات الهيه قديم * وذات اقدس ربانيله قائم وصمدى
وازلى وابيددر (كل يوم هو فى شأن) مصداق بجه كافه اشيا
مظهر مظاهر ليدر

تسمى الله شيئاً لا كالأشياء * وذاتاً عن جهات الست خال

نسمى كلمه سى * مستقبل متكلم مع الغيردر * لفظه جلاله مفعول
اولى وشبثا مفعول ثانيسيدر * لانا فيه در * كالأشياء كلمه سى شبثا

کلمه سنک صفتیدر ❦ و ذاتا شبها اوزرینه معطوفدر ❦ عن جهات
مؤخر خال کلمه سنه متعلقدر ❦ خال خلودن اسم فاعلدر ❦ مبتدای
محدوفک خبریدر ❦ هو خال تقدیرنده در ❦ جمله سی ذاتا کلمه سنک
صفتیدر ❦ مفهوم بیت بودر که ❦ حضرت باری عز شانه به
شرعده شیء لفظنی اطلاق ایده رز ❦ لکن حقیقت وصفته
اشیای سائر به مماثل دکلدر ❦ و ذات ایله تعبیر ایده رز ❦ لکن شش
جهاتدن منزله و مبرادر ❦ معلوم اوله که ❦ شیء لفظی عرفده موجوده
خاصدر ❦ خارجی اولسون ذهنی اولسون واجب و ممکن و متمنع
شاملدر ❦ نه که سببویه کابنده الشیء بقع عن کل ما اخبر عنه
عنوانیله بیان ایلدی ❦ بو تفسیر اوزره ❦ حضرت حقه شیء اطلاق
صحیح اولور ❦ و قل ای شیء اکبر شهادة قل الله شهیدینی و بینکم
منطوقی اوزره شرعده دخی وارد اولشدر ❦ بعض مفسرین
شیء مصدر اولغله ❦ آیت مر قومه ده شائی معناسنه در دیدی ❦
لا کالاشیاء قولیله جهیمیه طائفه سنی ❦ و مشبهه مبتدعه سنی رد
ایلدی ❦ طائفه مر سومه ❦ حضرت حقه شیء اطلاقنی ❦ و مخلوقله
مشرتک اولان سائر اوصافک اطلاقنی ❦ خلقه مشابهتی مفضی
اولور دیو تجویز ایلزل ❦ معتزله و کرامیه دیرلر که ❦ عقل حضرت
حق بر صفتله اتصافده دلالت ایدرسه ❦ اول صفتنه دال اولان
اسمی اطلاق ایلک جائزدر ❦ اذن شرعینک ورود وعدم ورودینه
نظر ایلزل ❦ اشاعره دن قاضی ابو بکر عندنده ❦ حضرت حقه
ثابت اولان معنایه دلالت ایدی لفظک بلا توقف اطلاق جائزدر
کبریای شان الوهینه موهم نقص اولدجه بناء علیه عارف لفظنی
اطلاق جائز دکلدر ❦ زیرا معرفتک مفهومده جزئییت و غفلتله
مستوبقت معتبردر ❦ اکثر اشاعره توقفه ذاهلدر ❦ و مشبهه
مبتدعه سی ❦ حاشا بین الله و بین خلقه مشابعت عز و ایدوب دیرلر که

حضرت حق صورتی و اعضاسی واردر ❦ نه که اشبو (خلق الله
آدم علی صورته) حدیث شریفی اکا دالدر ❦ انلره جواب
ویریلور که ❦ علی صورته کلمه سنده ضمیر آدمه راجعدر ❦ یعنی حق
سبحانه و تعالی ❦ آدمی کمال خلقله خلق ایلدی ❦ سائر افراد
انسانی کبی ❦ ابتدا نظفه ❦ بعده علقه ❦ و مضغه اوله رق تدریحی
درجه انسانیه ایصال ایلدی ❦ قالدیکه ❦ ان الله خلق آدم
علی صورة الرحمن ❦ حدیث شریفنده صورتدن مراد هیئت
جسمانییه دکلدر ❦ بلکه امور معنویه دن شبتک ماعدادن متمیز
اولدیغی امر معنویدر ❦ مالی سیرت و صفتدر ❦ یعنی آدمی حیات
و علم و قدرت صفتلریله متصف خلق ایلدی ❦ جمادات کبی خلق
ایلدی ❦ نهایت صفت آدمدر حادثدر ❦ و حدیث مر قومک
وجوه عدیده ایله توجیهی ❦ خصوصا صوفیه عندنده معانی
کثیره سی واردر ❦ و خنی اولیه که ❦ صفات مشترکه اذن شرعی
ورودیه حضرت حقه اطلاق اولندقدده ❦ مما ثلثی ننی لازم اولغله
ناظم لا کالاشیاء قولیله ننی مماثلت ایلدی ❦ اما اذن شرعی
وارد اولدیه اطلاق جائز دکلدر ❦ انه جسم لا کالاجسام دینز
و معلوم اوله که ❦ ذات لفظی ❦ صاحب معناسنه اولان ذو کلمه سنک
مؤثندن منقولدر ❦ اکا مبنی تابی تأنیث و لام محدوفدن تعویضله
تعبیر ایلدیلر ❦ بلکه اسمای مستقله مجراسته اجرا ایلوب ❦ ذات
قدیم و ذات محدث دیدیلر ❦ بعضیلر تابی ذات ❦ تابی وقت و موت کبی
جوهر دندر دیدی ❦ و اشبو ذات لفظیله بعض محله حقیقت
و بذاته قائم و مفهومیته مستقل مراد اولور که ❦ صفت مقابلدر
بعض محله نفس و شیء اراده اولور ❦ بو صورته تذکیری
و تأنیثی مساوی اولور ❦ قالدیکه ❦ اطلاقک توقیفیه اولدیغنه کوره
ذاتدن نفس و شیء معناسی مراد اولور ❦ حالوکه ❦ لا تفکروا

فی ذات الله * حدیثه وارد اولیدر * جهات ست فوق * و تحت
وامام * و خوف * و عین * و یساردر * حق تعالی بوجه تدرین
متزهدر * زیرا جهت تحیز مقتضای سیدر * حضرت حق مکاندن
میرادر * و عالم از لیده * جهت و مکان اولدین ثابندر * مجسمه
طائفه سی حاشا جهت اسناد و * الرحمن علی العرش استوی *
آیت کریمه سبیل استناد ایدر * زیرا استوایی استقرار ایله تفسیر
ایدر * استوان مراد ایه * سابق که تمدد در قرینه سبیل استیلا
و تصرفدر * قالدیکه * کعبه قبله صاوة اولدین کبی
سما دخی قبله دعا اولغله * عند الدعاء رفع ایدی و توجه وجه
ایلیکن ایهام جهت لازم کار * و حق تعالی فوق العباد قاهر
اولغله * آسمانه توجه موجب تعظیمدر * و هو الذی فی السماء اله
وفی الارض اله * آیت کریمه سبیل که جهت استدلال ایدر * لکن
مراد سماء وارضه * آتاهو الهیتک ظهوریدر

و لیس لاسم غیر المسمى * لدى اهل البصرة خیرال

لیس * اسم مرئوع خبر منصوب اقتضا اتمکاه * الاسم لفظی
اسمی و غیرا خبریدر * للمسمى جار و مجرور غیرا لفظنه متعلقدر
زیرا مغایراتا و یکنده در * لدی ظرف مکاندر * عند معناسنه در
حریری و سائر نجات ینارین فرق ایدوب عند کلمه سی اعیان
و معانی به ظرف اولور * لکن لدی کلمه سی * اعیانه مخصوصدر
دیر * هذا القول عندی صواب * و عند فلان علم دینور * لکن
لدی صواب و لدی فلان علم دین * معری عندند * فرقاری
یوقدر * اهل کلمه سی اضافله مجروردر * و بصیرة لفظنه
مضافدر * بصیرت قبله برنوردر که * انکله اشیا ادراک اولنور
نه که بصیر عینده برنوردر که * انکله محسوسات رؤیت اولنور

آل کلمه سنک اصلی اهلدر * استعمالده یکی گونه تخصیص وارد
اولا بلاد و صناعه مضاف اولد * آل مصر و آل التجارة و آل
الاسلام دین * ثانیاً امر دنیا و دینده * و یا خود بالکرامت دینده
خطر و شرف اصحابه مضاف اولور * آل النبی علیه السلام
و آل فرعون کبی * مفهوم یت بودر که * اهل سنت عندند اسم
یعنی بر ذاتک تعینی ایچون * از اسنه وضع اولنار آد * مسماک یعنی
ذات مزبور که غیر دکلدر * بلکه عیندر * معانوم اوله که مسائل
کلامیه نک بر یسیده اشواسم مسئله سیدر * لکن به مسئله نک
اعتقاداته چندان تعلقی یوقدر * کر چه جمله کتب کلامیه ده ثبت
اولنور * امام بضاری علیه ازجه تفسیری اولنده * و امام غزالی
علیه الزجه * اسماء حسنی * شرحنده زیاده جه تفصیل ایتلدر
خفی اولیه که * اشو مسئله ده اسم وار تسمیه وار * تسمیه مسماک
غیری ارادینغه ده شبهه یوقدر * زیرا تسمیه معنای مصدریدر
اما اسم ماده سنده اهل سنت اختلاف ایدر * اکثرینک قولی
بودر که اسم * مسماک عینی * یعنی اسم اوزره وارد اولان حکم
مسمی اوزره وارد اولور * تبارک اسم ربک * فسبح باسم ربک
آیت کریمه لر یله احتیاج ایدر * زیرا تبارک تعالی معناسنه اولغله
متعالی هر برمالا یایقندن منز اولان ذات مقدسه در * واسم
مسماک غیری اولسه کلمه شهادتده رسالتله * حضرت رسول الله
غیرینه شهادت ایلک لازم کلور ایدی * كذلك برکسه توجه سی
اولان زینب ایچون * زینب طالق دیسه * لامحاله طلاق زینب اوزره
واقع اولور * لفظ اوزره اولماز * كذلك حضرت حق تسبیح
و تزییله امر ایلدی * تزییه ایه نقایصدن منز اولان ذات
قدیمه متعلقدر * لکن بو کلامه مناله ترتب ایدر * زیرا اسم لفظنی
اطلاق ایدوب مسمی اراده ایلک * احدهما آخرک عینی اولسنی

اقتضا ایلزنته که * مجازاته واقعدر زیر تعظیم ایچون اسمی ذکر
ایدوب مسماسنی مراد ایتک شایعدر * زیرا تعظیما برکسه بی
ذکر ایلوب متعلقاتی ذکر ایل * اول ذاتی اراده جمله صنوف
تعظیمدندر * حضرت عالیله و جناب عالی کبی * لکن بحث
مذکورده اسم ماده سی * تعیین مسمی ایچون ازای حقیقه موضوع
اولغله قیاس مجازی تحلل ایلز * و سبج اسم ربک * قولیله
استدلاده دخی کلام وارددر * زیرا بعض مفسرین اجعل اسم
ربک سبجته ای مایسج به عبارتیه تفسیر ایتش لرددر * فسج
باسم ربک العظیم * قول شریفی بو معنایی مؤیددر * یعنی ربکی
اسمیه تسبیح ایله دیمکدر * زیرا تسبیح انجق اسمله اولور * مسمی
ایل اولماز * و بعض اهل سنت و معتزله اسم مسمانک غیری اولسنه
ذاهب اولدیلر * دلیل عقلی و نقلی ایله استدلال ایلدیلر * دلیل
نقلی * ولله الاسماء الحسنی * آیت کریمه سیدر * زیرا اسماء لفظی
جعدر * اقل مراتبی اوچدر * اسم مسمانک عینی اولسه * مسماده
تعدد لازم کلور * و بریسی (ان لله تعالی تسعة وتسعين اسما
من احصاها دخل الجنة) حدیث شریفیدر * زیرا احصاء
اسمایه مرتبدر * مسمایه مرتب اولماز * دلیل عقلی اسم مسمایه
دالدر * عینی اولسه * دال و مدلول شیء واحد اولق اقتضا ایدر
کذلک اسم مسمانک عینی اولسه * عبودت اسم الله واکلت اسم
الخبر و ضربت اسم زید دیمک صحیح اولور ایدی * کذلک برکسه
آتش ذکر ایلسه * لسانی محترق * و سکر و عسل تکلمیه متذوق
اولق اقتضا ایدر ایدی * بو طرفه دخی بعض اجوبه مرتبدر *
لکن مقام تطویل دکدر * قالدیکه صاحب صحائف * منازعه
مسروده بی و تیره آیه اوزره لفظیه به ارجاع ایدوب * دیدیکه
اگر اسمله * احدازمنه نثمدن * مجرد معنایه دال اولان لفظ مراد

اولورسه * مسمانک غیری اولدیغنده شبهه یوقدر * و اگر مسمانک
عینی اولغله * صحتی اولان معنای آخر مراد اولورسه * دائرة
نزاعدن بعددر و السلام

و ما ان جوهر ربی و جسم * ولا کل و بعض ذواشمال *

ماکله سی لیس معناسنه در * ان زائده مؤکده در * ماکله سنک
عملی ابطال ایلدی * جوهر مقدم خبردر * ربی مؤخر مبتدادر
رب کله سی اصلده تربیه معناسنه در که شیء تدریجه کماله تبایغدن
عبارتدر * بعده مبالغة حق سبحانه و تعالییه وصف اولدی * صوم
و عدل کبی * بعضیلر به یربه صیغه سندن صفتدر دیدیلر *
واللهک غیری به انجق مقید اطلاق اولور * و جسم کله سی
معطوفدر * ولا کل و بعض دخی معطوفلرددر * لاکله سی زائده در
ذواشمال کلک صفتدر * مفهوم بیت بودر که * حضرت حق
سبحانه و تعالی * جوهر و جسم و کل و بعض دکدر * زیرا هربری
هجنات عدیده بی مستلزمدر * معلوم اوله که فلاسفه طائفه سی
جوهری * محل مقومده اولیان ممکن موجود ایله تعریف ایلدیلر *
کرک متخیز و مرکب اولسون * کرک اولسون * بعده وضعی و غیر
وضعی به تقسیم ایتدیلر * وضعی ایله * اشارت حسیه بی قبول ایدن
ممکن موجودی مراد ایتدیلر * و بوقسمی حال و محل وایکبسندن
مرکبه تقسیم ایتدیلر * حاله صورت * و محله هیولی * و مرکبه
جسم * اطلاق ایلدیلر * و جسم صورت و هیولادن مرکبدر
اجزای لایتنجزادن مرکب دکدر دیدیلر * و غیر وضعی ایله
اشارت حسیه بی قبول ایلان موجودی مراد ایلدیلر * وانی
عقول و نفوس ایله تمثیل ایتدیلر * و بوعقول و نفوس خارجده
ثابت و غیر متخیز و غیر حال ذاتلردر دیرلر * و متکلمین عندنده

جوهر بنفسه متجزی اولان ❦ ممکن موجوددن عبارتدر ❦ کرب
مرکب اولسون جسم کبی ❦ کرب مرکب اولسون ❦ جزء لایتجزی
کبی ❦ واشبو جزء لایتجزیه ❦ جوهر فرد اطلاق یلدیلر ❦ وجسم
اجزاء لایتجزا دن مرکبدر ❦ صورت وهیولادن مرکب دکلدر
و ذات وصفات مقدسه دن غیری حال و متجزی اولیان شی اثبات
ایتمدیلر ❦ و بعضیلر عندنده جوهر ❦ متجزی و منقسم اولیان جزئدن
یعنی جزء لایتجزا دن مرکبدر ❦ و جسم قسیمدر ❦ و مقسملری
بذاته قائم اولان ممکندر که عین تعبیر اولنور عرض مقابایدر ❦ ائمدی
حضرت حق سبحانه و تعالی جوهر دکلدر ❦ زیرا جوهر متکلمون
عندنده متجزدن عبارتدر ❦ البته هر متجز ماده به محتاجدر
ماده سی اولان شی ایسه امکانه متلازمدر زیرا حیره محتاجدر ❦ کذلک
متجز اولان حرکت و سکوندن و اجتماع و افتراق کبی ❦ سائر اعراض
حادثه دن خالی اولماز ❦ قبول حوادث ایسه وجوب وجوده
منافیدر ❦ کذلک جوهری جزء لایتجزی ایله تفسیر ایدن مذهبیه
کوره ده حق تعالی جوهر دکلدر ❦ زیرا جزء لایتجزی دخی
متجز اولوب ❦ و اعراض حادثه دن دخی خالی دکلدر ❦ فلاسفه به
کوره ده جوهر اولماز ❦ زیرا جوهر انلرک عندنده ممکندر ❦
حق سبحانه و تعالی ایسه ❦ لذاته واجب الوجوددر ❦ اسکان و وجوب
متناویدر ❦ قالدیکه ❦ بعضیلر جوهری موضوع و محالدن غنی
موجود ایله ❦ و بعضیلر ذات و حقیقت ایله تفسیر ایلدی ❦
بو تفسیرله کوره هر نقدر ذات اقدس اطلاق ❦ صحیحی وار ایسه ده
اذن شرعی وارد اولماغله ❦ اطلاق مناسب دکلدر ❦ و حضرت
حق تعالی جسم دکلدر ❦ زیرا جسم عند المتکلمین اجزای
لایتجزا دن ❦ و عند الفلاسفه هیولی و صورتدن ❦ و عند المعتزله
ابعاد ثلثه دن ❦ یعنی طول و عرض و عمق دن عبارتدر ❦ علی المذاهب

جسم مرکبدر ❦ حضرت حق مرکب اولسه ❦ اجزاسندن
هر جزء قائم بنفسه اولق اقتضا ایدر ❦ زیرا بنفسه قائم اولیانه
ایتلاف و ترکیب اطلاق محالدر ❦ بو صورتده اگر جمیع اجزاسی
مثلا وجوب و قدم کبی ❦ صفت واحده ایله متصف اولورسه
محالی مستلزمدر ❦ زیرا صفت واحده نك محال متعدده ایله قیامی
ممتددر ❦ و اگر هر جزء ❦ خلی حده بر صفت مخصوصه ایله
متصف اولوب ❦ باقی اجزایك متصف اولدق لری صفاتدن خالی
اولورسه ❦ هر جزء ناقص اولق اقتضا ایدر ❦ زیرا صفات
مرقومه به محتاجدر ❦ احتیاج ایسه امکان صفتیدر ❦ و اگر
هر جزء ❦ وجوب و علم و حیات کبی ❦ صفات کمالک مجموعی ایله
قائم اولوب ❦ بعضیله متصف اولورسه ❦ اول بعض موصوفک
الهیتی لازم کلور ❦ و اگر اضداد ایله متصف اولورسه ❦ صفات
ناقصه اولغله ❦ موصوفک محدث اولسی لازم کلور ❦ و حضرت
حق کل اولقدنده مزهدر ❦ زیرا اگر کل اولسه جزئی اولق
لازم کلور ❦ جزء مزبور ده یا واجب اولور ❦ یا خود ممکن اولور
واجب اولورسه ❦ تعدد واجب لازم کلور ❦ ممکن اولورسه دور
لازم کلور ❦ زیرا جزء ممکن واجبه محتاج اولور ❦ واجبه مرکب
اولق حیثیتیه جزء مزبوره محتاجدر ❦ و حق تعالی بعض اولقدنده
مزهدر ❦ زیرا بعض اولسه ❦ غیرک جزئی اولغله ❦ غیره محتاج
اولور ❦ کذلک جزء اولسی صفت کمال ایسه ❦ مستکمل بالغیر اولق
اقتضا ایدر ❦ صفت کمال دکل ایسه ❦ نقص اولغله ❦ نفی و تنزیهی
واجب اولور ❦ و ذواشتمال قولی ❦ بعضیلر ایراندده فائده یوقدر ❦
تیم نظم ایچون ایراد اولندی دیدی ❦ و بعضیلر حرف عطفک
حذفیه مسئله مستقله در دیدی ❦ یعنی حضرت حق تعالی زمان
و مکانی مشتمل دکلدر ❦ زیرا محدود اولق لازم کلور ❦ لکن

بومسئله بوندن صکره ولا بمضی علی الدیان الی اخره یدنده مستقلا
ذکر اولسه جقدر

﴿ وَفِي الْأَذْهَانِ حَقٌّ كَوْنُ جُزْءٍ ﴾ ﴿ بَلَا وَصَفَ التَّمَكُّنِ يَا ابْنَ خَالٍ ﴾

فی الاذهان کله سی مؤخر حق لفظنه متعلقدر * اذهبان جمع
ذهندر * حق ثابت معناسنه مقدم خبردر * کون جزء مؤخر
مبتدا در * بلا وصف ظرف مستقر جزیدن حالدر * یا ابن خال
کلامنده یا حرف ندا در * خال برادر مادر در که * ترکیده طایی
تعبیر اولور * تکمله نظم ایچون ایراد اولندی * مفهوم بیت
بودر که * جزء لایجزا نکه که جوهر فرد در * وجودی عقولده
ثابت و تحقیقدر * معلوم اوله که * اشبو جزء لایجزی بی اثبات
ایک قدم عالم ونفی حشر اجساد کبی * نیجه نظایات فلاسفه دن
و حرکت افلاک دوا می * و خرق والیامک عدم قبول کبی
نیجه اصول هندسه دن استخلاصی مفید در * فلاسفه جوهر
فردیکه جزء لایجزا در انکار ایدرلر * شرح عقایدده علامه
تفتازانیک بیانی اوزره جوهر فرد اثباتنده احکم ادله بودر که
بر سطح حقیقی اوزره کره حقیقیه وضع اولسه البته اول سطحه
بر جزء غیر منقسمه مماس اولور * اگر ایکی جزء ایله مماس اولسه
بالفعل خطی مشتمل اولغله کره مزبوره کره حقیقیه اولماز * و مشایخ
اشعریه عندنده اشهر ادله بودر که * هر عین الی غیر التهایه منقسم
اولسه خردله جیلدن اصغر اولماقی اقتضا ایدر * زیرا ایکه پسیده
غیر متاهی الاجزا در * عظم و صغرایسه اجزایک کثرت
و قلتیه ناظر در کثرت و قلت اجزایسه * انجق متاهیده متصور در
کذلک جسمده اجزا یننده اولان اجتماع که * حضرت حقا
مخلوقیدر * اگر ینلرنده اجتماع بدل افتراق خلقنه قادر دکدر

دیرلر سه * حضرت حقه عجز اسناد ایدرلر * قادر دیرلر سه جزء
لایجزی ثابت اولور * کذلک جزء لایجزی ثابت اولسه * رأس
ابره نکه الی غیر التهایه انقسامی لازم کلور * و بوماده طرفیندن
مسرود اولان * ادله ضعفندن خالی اولماغله * امام فخر الدین
رازی علیه الرحمه بونده توقف ایلدی

﴿ وَمَا الْقُرْآنُ مَخْلُوقًا تَعَالَى ﴾ ﴿ كَلَامُ الرَّبِّ عَنْ جَنْسِ الْمَقَالِ ﴾

ما * ایس معناسنه در * القرآن اسمی مخلوقا خبریدر * تعالی
تفاعلندن ماضیدر * تعظم و تقدس معناسنه * کلام الرب فاعلیدر
جمله سی علت مقامنده در * یا خود معترضه در * آخر کلامده ده
وقوعنه قائل اولان مذهبیه کوره * مقال کلام معناسنه در * مفهوم
بیت بودر که * قرآن کریم که * الله ذوالجلالک کلامیدر * حادث
و مخلوق دکدر * ذات اقدسیه قائم صفتیدر * و بویتنده
صفات ذاتیه دن کلام صفتی دخی ثابتدر * معلوم اوله که
قرآن لفظی عند البعض * کلام باری یه مخصوص علم غیر مستقدر
بعضیلر ضم و جمع معناسنه قرأ کله سندن مأخوذ مهموز در دیدی
بعض فضلاء دیدیلر که * قرآن اصلده جمع معناسنه در * بعده
عرفده مجموع و متلو مخصوصه نقل اولندی * خفی اولیه که
متکلمون اتفاق ایتدیلر که * حضرت حق کلام صفتیه متصف
و قرآن کریم کلامیدر * لکن معناسنده اختلاف ایلدیلر * اهل
سنت عندنده کلام اشبو حروف و الفساظک مفهومیدر که * کلام
نفسی ایله مسمادر * و یقولون فی انفسهم لولا یعذبنا الله *
آیت کریمه سی به معنایه دالدر * و اخطل بویتنده اشارت ایتدیلر
ان الکلام لفی الفؤاد وانما * جعل اللسان علی الفؤاد دلیلا * یعنی
کلام قلمده در * لسان انک دلیل و ترجانیدر * کذلک اهل

عریبه ضمیرده کائن معنایه دال اولان عبارته به کلام اطلاق ایدرلر
 پس کلام حسی به کلام تسمیه سی مجاز اولور * داله مدلول
 اسمیه تسمیه قیلندن اولور * یوقسه کلام حروف واصواتدن
 مسموع اولان لفظ دکلدر * نته که معترله وکرامیه وحنابله اکا
 ذاهبلردر * لکن معترله حدوشنه وذات باریله عدم قیاسنه قائلدر
 کرامیه حدوشی قائل اولدقدن صکره * ذات باریله قائمدر دیرلر
 زیرا انلر حوادثک ذات الهیه قیامنی تجویز ایدرلر * حنابله قدمنه
 وذات باریله قیامنه ذاهبلردر * خیالی مرحوم * نونه شرحنده
 بو محشده ایکی قیاس متعارضان ترتیب ایتشددر * اولاکلام الله
 صفة له * وکل صفة له فهی قدیم * کلام الله تعالی قدیم * ثانیاً
 کلام الله تعالی مؤلف من اجزاء مرتبته فی الوجود * وکل مایکون
 كذلك فهو حادث فکلامه حادث * اهل حق بویکی قیاسک
 صدقنه ذاهب اولدیلر * قیاس اولی کلام نفسی وثانی بی لفظی
 اعتباریه معترله قیاس ثانیکن حقیقته ذاهب اولوب * اولک صغراسنی
 قدح ایتدیلر * حنابله اولک حقیقته ذاهب اولوب * ثانیکن کبراسنی
 قدح ایتدیلر * کرامیه ثانیکن کبراسنی قدح ایتدیلر * واهل
 حق قیاس اولی تصحیح ایدوب * ثانیکن صغراسنی قدح ایتدکری
 بعض کتب کلامیه ده مسطوردر * بو کلام * قرآن کریم عند اهل
 الحق بالکزنفسی اولوب * لفظی ایله تسمیه مجاز طریقیه اولسنه
 یاخود نفسی اجزاده ترتیبی اعتبارسز * لفظی اولسنه مبنی اولور *
 قالدیکه * حق تعالاک صفت کلامله اتصافنه دلیل عقلی
 بودر که * کلام حی ایچون صفت کمال وعدمی نقیصه در * پس
 حق تعالی حی اولغله * کلامله اتصافی واجب اولور * زیرا متصف
 اولسه یا سکوتله که * قدرت وارایکن * تکلمی ترکدن عبارتدر *
 موصوف اولور * یاخود طفولیتله که * بحسب الضعف وعدم البلوغ

لحد القدرة آلات تکلم مطاوع اولماغله * تکلمه عدم قدرتدن
 عبارتدر * یاخود خرس ایله که بحسب الاصل آلات تکلم مطاوع
 اولماغله * موصوف اولق لازم کلور * شقوق ثلثه نقیصه اولغله
 باطلدر * قالدیکه سکوتدن مراد سکوت باطنیدر که * نفسنده
 کلام تدبیر ایلامکدن عبارتدر * نته که امام حمید الدین * خرس
 ظاهری کلام ظاهرینک * وخرس باطنی کلام باطنینک ضدیدر
 دیدی * كذلك دلالات معجزاته * صداقتلری ثابت اولان انبیای
 عظام علیهم الصلوة والسلام حضراتی اتفاق ایلدیلر که * حق
 تعالی کلام صفتیه متصف متکلمدر * اشبو خبر ویردکری کلام
 یا نفسی یاخود حسی اولور * نفسی اولورسه * مطلوب حاصل اولور
 لفظی مراد ایسه * حاشا حدوث الهی لازم کلور * زیرا حروف
 واصواتدن مرکب اولان لفظک حدوثی عرضدر * اگر ذات
 باریله قائم اولورسه * ذات باری محل حوادث اولق لازم کلور
 غیر ایله قائم اولورسه * شبنک وصفی غیر ایله قائم اولق محالدر
 بنفسه قائم اولورسه * عرض بنفسه قائم اولماز * معترله طائفه سی
 ذکر اولندیغی اوزره * کرچه کلام صفتی اثبات ایدرلر * لکن
 اشبو حروف واصواتدن مرکب کلام لفظیدر دیرلر * و متکلمک
 معناسی اشبو کلام مؤلفی که * معنای مقصوده دالدر * ملک و پیغمبر
 وحجر وشجر کی * اجسام مخصوصه ده موجد اولقدردیرلر
 * حتی یسمع کلام الله * آینه تمسک ایدوب مسموع اولان انجق
 الفاظ واصواتدر * بونلرایسه مخلوقدر دیرلر * اهل حق
 جواب ویررلر که * حتی یسمع کلام الله * آینهک معناسی حتی
 یسمع مایدل علی کلام الله الذی هو المعنی النفسی دیمکدر * یعنی
 معنای نفسی اولان کلامک دالنی ایشیدر * السنه ده جاریدر که
 مثلاً زیدک علمنی ایشتم دیرلر * مراد زیدک علمنه دال اولان

شبی ایستدم دیمکدر ❦ کدک ❦ انا انزلناه قرأنا عریبا ❦
آیتله استدلال ایدرلر ❦ قرأنی عریته وصف ایددی ❦ عرییت
ایسه لفظک وصفی اولغله حادث اولور ❦ بوکه ده جواب
ویریلور که ❦ آیت مرقومه نک معناسی تفهیم ایچون ❦ قرأنی
لسان عریله معبرا انزال ایلدم دیمکدر ❦ قوله کلام الرب الخ
یعنی حضرت حقک متصف اولدیخی کلام مخلوق کلام کبی
حروف واصوات جنسی اولقدن مقدسدر و اسلام

❦ رَبُّ الْعَرْشِ فَوْقَ الْعَرْشِ لَکِنْ ❦ بلا وصف التمكن واتصال ❦

رب مبتداً فوق العرش خبریدر ❦ اضافتی تشریفی منضمدر
رب الیهت ورب جبریل کی ❦ زیر اعرش اعظم مخلوقاتدر ❦ لسان
حکماءه فک تاسعدر که ❦ فک اعظم ومحدد الجہات دخی دیرلر
مجموع موجوداتی محیطدر ❦ مفهوم بیت بودر که ❦ رب العزة
حضرتلری عرشدن عالیدر ❦ لکن عرشدہ مستقر وعرشه متصل
دکدر ❦ معلوم اوله که ❦ ذات اقدس الہینک جسم وعدم جسم
ومکانی وعدم مکانی اولسندہ دلیون اختلاف ایلدیلر ❦ مشبهه
وکرامیه وحنابلہ طائفہ سی ذاہب اولدیلر که ❦ حق سبحانہ وتعالی
جسمدر ❦ وعرشدہ ممکن ومستقردر ❦ کرامیہ نک بعضیسی
عرشک فوقدہ در ❦ ذیلہ عرش میانندہ مسافت غیر متناهیہ
وارد ایدیلر ❦ وبعضیلر مسافت مابین متناهیہ در دیدی ❦
یہود وغلاة روافضک مسلکی بودر که ❦ حق تعالی جسمدر
برطائفہ سی دیرلر که جسمدر ❦ لکن اجسام مخلوقہ کبی دکدر
یعنی بذاتہ قائمدر ❦ مرکب و متخیز دکدر ❦ بونلر مجسمہ ومشبهه
دکدردر ❦ برطائفہ دیدیلر که ❦ جسم واحددر ❦ لکن اجسام کثیرہ
فوائدنی مفیددر ❦ برطائفہ دخی لحم وشحمدر مرکب جسمدر

دیدیلر ❦ خلاصہ کونا کون هذیان ایلدیلر ❦ تفصیلی مثل ونحل نام
کابده مسطوردر ❦ حق سبحانہ وتعالی جسم اولوب عرشدہ
ممکندر زعم ایدن طائفہ ❦ الرحمن علی العرش استوی ❦
آیت کریمہ سنہ تمسک ایلدیلر ❦ زیرا استواء استقرار معناسنه در
نتہ کہ ❦ استوت علی الجودی ❦ آیت کریمہ سندہ استقرت معناسنه در
دیدیلر ❦ خفی اولیہ کہ ❦ اهل سنتک عامہ متقدمینی وبعض
متأخرینی دیرلر کہ ❦ الرحمن علی العرش استوی ❦ کریمہ سی
مثالو آیات متشابهاتدن مطلق مراد الہی یہ ایمان ایدوب علم
حقیقتنی جانب عالم السر والحقایق تفویض ایلک اسلدر ❦ حتی
امام مالک رحمه الله معنای استواء دن سؤال ایتد کلرنده
استوا معلوم ❦ لکن کیفیتی مجهول ❦ واکا ایمان واجبدر ❦ واندن
سؤال بد عتدر دیدی ❦ اما سائر متأخرین رحمہم الله حسب
الافتضاء تأویلارینہ ذاہب اولدیلر ❦ مثلاً آیت مرقومه ده
استوایی استیلاء واقتردار و اتمام ایله تأویل ایلدیلر ❦ بو طریق
احکمدر ❦ زیرا مطاعن جہال وغفالتک دفعنی مشتملدر ❦ ایمدی
طائفہ مرقومہ یہ ❦ اهل سنت طرفدن جواب ویریلور کہ ❦
بومقاعدہ استوائک استقرار معناسنه اولسی ممنوعدر ❦ جائزدر کہ
استیلاء معناسنه اوله ❦ نتہ کہ شاعرک اشبو بیتندہ وارد اولمشدر
❦ استوی بشر علی عراق ❦ من غیر سیف ودم مہراق ❦

یاخود اتمام معناسنه اوله ❦ پس سنزک احتمالہ مقارن دلیلک
احتیاجہ صالح اولماز ❦ یاخود عرشدن مراد ملک اولغله ❦ معنای
شریف ❦ اقتدر علی الملک اوله ❦ نتہ کہ ثل عرش فلان دیرلر ❦
ذہب ملکہ معناسنه ❦ یاخود بورادہ استقرار معناسنی ارادہ صحیح
دکدر ❦ زیرا عقل ایکی وجهله اکا مانع اولور ❦ وجہ اول
بودر کہ ❦ حق سبحانہ وتعالی مثلاً عرشدہ ممکن اولسہ یا ساحۃ

عرش مقداری یا خود اندن اکبر * یا خود اصغر اولور * شقوق
 نشه ده باطلدر * زیرا عرش مقداری اولسه * عرشدن بر جزه
 لا محاله واجب تعالانک بر جزئه ملاقی و مماس اولغله * واجب
 تعالی تجزی اولق اقتضا ایدر * بو ایسه محالدر * شق ثانی یه
 کوره ده تجزی هجنتی لازم کلور * زیرا عرشدن زائد اولان
 مقدار مساوی اولان مقدارک غیریدر * شق ثالثه کوره خالی
 دکل یا جزء لا تجزی مقداری * یا اندن اکبر مقداری صغیر
 اولور * شق اول حقارتی مستلزم اولغله باطلدر * شق ثانیه
 تجزی باری بی مستوجب اولغله باطلدر * وجه ثانی مکاندن
 وجهتدن و سائر حوادثدن تعری * ازله حضرت حقده ثابتدر
 بعد الازل اولسه * ذات اقدسده تغیر و محل حوادث اولق لازم
 کلور * زیرا حالت ثانیه لا محاله صفت کمال اولق لازمدر * اگر
 صفت کمال اولمزه * نفی لازم کلور * و ذات اقدس صفات
 مرقومه تک حد و شدن اول خالی اولق اقتضا اتمکله * ذات
 قبل الاتصاف ناقص اولق اقتضا ایدر

❦ وَمَا النَّشْبَةُ لِلرَّحْنِ وَجْهًا ❦ فَصْنٌ عَنْ ذَاكَ اصْنَافُ الْاَهَالِ ❦

ما * لبس معناسنه در * النشبه اسم مرفوعدر * وجهها خبریدر
 فصن کله سنده فا جزایه در * صن صوندن فعل امر در *
 جمله سی شرط محذوفک جزا سیدر * اذا لم یکن للنشبه وجهها
 فصن عن النشبه تقدیرنده در * عن صن کله سنه متعلقدر *
 ذاک اسم اشارتدر * مشار الیه تشبیهدر * کاف خطاب ایچوندر
 اصناف الاهی مفعولدر * اصناف جمع صغندر * صفتله مقید
 نوع معناسنه در * اهای جمع اهلدر * ارض و اراضی کبی
 حرف تعریف مضاف الیهدن عوضدر * اهای الاسلام تقدیرنده در

مفهوم بیت بودر که * حضرت حق سبحانه و تعالی ذاتا وصفه
 مخلوقنه مشابه دکلدر * دلیل عقلی و نقلی ایله اهل اسلامک
 بو اعتقاد اوزرینه ثباته سعی و اهتمام * و مشبهه کبی بادیه
 تشبیهده سرکردان اولمالری خصوصنه اقدام قبل * معلوم
 اوله که * حضرت واجب الوجود تعالی شانه ذاتا وصفه مخلوقه
 مشابه دکلدر * عدم مشابهته دلیل نقلی * لبس کثله شیء *
 کریمه سیدر * زیرا منطوق آیت کریمه مطلقا مماثلتی نفیدر
 و سیاق نفیده واقع اولان نکره عمومی افاده اتمکله مفهوم نفی
 مبالغه بی متضمندر * و نفی مماثلت مطلقه بحسب الذات و بحسب
 الصفات برشی خدایه مماثل اولماعنی اقتضا ایدر * اگر سؤال
 اولنورسه که اشبو آیت کریمه مثل مثلك نفینه دال اولغله نفی
 مثلی اقتضا ایلز * بلکه ذات بارینک انتفاسنی اقتضا ایدر *
 جواب ویریلور که * کثله کله سنده کاف زائده در * نفی مثلی
 تأکید ایچون زیاده اولندی * زیرا زیاده حرف اعاده جمله
 مترتبه در * بعضیلر آیت مرقومه ده کاف زائد دکلدر * بلکه
 مثل لفظی زائد در * فان آمنوا بمثل ما آمنتم به * آیت کریمه سنده
 اولدیفنی کبی کافله ضمیر یمنی فصل ایچون زیاده قلندی دیدی
 لکن بو کلام ضعیفدر * زیرا حرفک زیاده اولسی اسمک زیاده
 اولسندن اهورندر * محققون آیت مرقومه باب کایه دندر دیدیلر
 تفصیلی مغنی الیبب شرحلرنده مبسوطدر * و دلیل عقلی بودر که
 حضرت واجب الوجود ایله غیر ییبنده مماثلت فرض اولنسه
 البته غیردن تمیزی برمیزه و مخصوصه محتاجدر * اگر ممیز ذات
 الهی فرض اولنورسه ترجیح بلامر جمع لازم کلور * زیرا مقدر
 ذات الهینک غیر ایله استوا سیدر * و اگر ممیز ذاتک غیر
 اولور ایسه بو صورتده یا ذاتنه ملاقی اولان بر امر اولور *

یا خود صفتی اولور * همه حال کلام اول ملاقی به عودت ایدر
یعنی اول ملاقینک موجب تمیزیده ذاتی اولور سه ترجیح
بلا مرجع لازم اولور * غیری اولور سه * کلام مره بعد آخری
ینه اکا منتقل اولغله تسلسل لازم کلور * واکر میز ذاته مباین
امر اولور سه حق سبحانه و تعالی هویت و امتیازنده ذاتندن
منفصل سببه محتاج اولور * احتیاج ایسه امکان لازمه سیدر
ایمدی حضرت حق ایله غیری بینده مشابهت بالضروره منتفی
اولدی * مشبهه طائفه سی منشأ بهات اولان آیات کریمه واحادیث
شریفه ظاهر یله استدلال ایدر لر * مثلاً * واصنع الفلك باعیننا
وخلقت یبدی ویا حسرتا علی ما فرطت فی جنب الله * کریمه سی
ورایت ربی فی صورۃ شاب امر دو * ان قلوب بنی آدم کلها بین
اصبعین من اصابع الرحمن کقلب واحد بصرفه کیف مایشاء
ولا تزال جهنم بقول هل من مزید حتی یضع فیها رب العزة قدمه
فتقول قط وعزتك * وسائر منشأ بهات کبی طوابع حاشیه سنده
مسطور در که * شیخ ابوالحسن الاشعری صفات سبع وراستنده
صفات آخری دخی اثبات ایشدر که * استواء * وید * وعین
ووجه در * زیرا قرآن کریمه هر بری ذکر اولمشدر * پس
اشعری به کوره بوصفتر حیات * و علم * وسمع * و بصر * کبی
صفات ذاتیه دندر * لکن باقیلر بونلری ظاهر لرندن تأویل ایلدیلر
وجه تأویلاری بودر که * بزرگال معرفتله مکلفلر کمال معرفت
ایسه جمیع صفاتی ادراکله حاصل اولور * اول ایسه البته
طریقته تشبیه متبسر اولور * و افعاله استدلال و تقایصدن
تنزیهدن غیری طریق یوقدر * بویکی طریق ایسه ذکر اولنسان
صفات سبعة دلالت ایدر * اشعری طرفندن ذکر اولنسان ایکی
طریقته انحصارینی منع ایدر لر * زیرا بر طریق دخی سمعدر دیر لر

لکن سمع طریق ناقصدر * الزام معاندینده کفایت ایلر * زیرا
عقلیات یقین و نقلیات ظنی مقید اولور * قالدیکه بروجه محرر
منشأ بهاتی تأویل ایدر لر * مثلاً عینی علم و حفظ ویدی قدرت
وجنبی طاعتله تأویل ایدر لر

❦ ولا یمضی علی الدیان وقت ❦ واحوال وازمان بحال ❦

لا نافیسه در * یمضی فعل مستقبلدر * علی الدیان جار و محرور
یمضی به متعلقدر * دیان دیندن مبالغه صیغه سیدر * دین جزاء
معناسنه اولغله دیان مجازی معناسنه در * حق تعالی انک اسمیدر
یوم قیامت یوم مجازات اولغله * یوم الدین ایله تسمیه اولندی
وقت کلمه سی یمضی فعلنک فاعلیدر * واحوال وازمان معطوفلر در
وقتندن مراد وقت معین * یا خود جزء وقت مراد در * وزماندن
ازمنه مختلفه * یا خود زمان طویل مراد در * یا خود زماندن
مدت مقسومه * و وقتندن مراد * بر امر ایچون مفروض اولان
مدتدر * بعضیلر دیدیلر که * وقتک اکثر استعمالی ماضیده خاصدر
بحال یمضی به متعلقدر * بحال من احوال الانسان * یا خود
بحال الحدوث * و لا بحال القدم سبکنده در * مفهوم بیت بودر که
حق تعالی اوزره وقت واحوال وازمان کذران ایتز * مکاندن
متزه اولدیغی کبی * زماندن و تحولات و تبدلاتدن و ترقیات
و تنزلاتدن متزه در * بیت * حضرت حق در ترقیدن تنزلدن
بری * لحظه لحظه یوقسه آرتوب ماسوا اکسلده * معلوم
اوله که * زمان موهوم غیر قادر الذات و متصل الاجزاء امتداددن
عبارتدر * ارسطو عندنده فلك اعظمک مقدار حرکتندن عبارتدر
افلاطوندن منقولدر که * عالم امر ده بر جوهر ازلی وارد در که
متغیرانه اضافت و نسبت حسبیه متبدل و متغیر و متجدد و منصرم

اولور ❖ ماضی و مستقبل و حال اندند ❖ و تقدم و تأخر انکله
حاصل اولور ❖ جوهر مرقوم ذاتک امور ثابته به نسبتی اعتباریه
سرمد تسمیه اولور ❖ و ما قبل متغیراته نسبتله دهر و متغیراته
مقارنتی اعتباریه زمان اطلاق اولور ❖ و حال موصوفه را سخ
اولیان صفت و هیئت نفسانیه به دیرل ❖ بعد الرسوخ ملکد
اطلاق اولور ❖ ابدی حضرت حق تعالی زمان و حال مقارنتندن
منزهدر ❖ زیرا اگر زمانی اولسه حوادث متعاقبه ده حال اولمق
اقتضا ایدر ❖ اول ایسه تغیرات متعاقبه بی مستلزم اولغله باطلدر
زیرا زمان ماضیده اولسی حالده اولسنک غیریدر ❖ اکا مبنی
حوادث متعاقبه و تغیرات متوالیه به مورد اولمق لازم کلور ❖ و اگر
سؤال اولنورسه که ❖ جائزدر که حق تعالی ایچون زمان مخلوقدن
بشقه بر زمان اولوب فی ذاته تغیری مقتضی اولیه ❖ جواب
ویریلور که ❖ اگر حق تعالی ایچون زمان اولسه خالی اولماز
یا اول زمان عرض اولمق حسبیلله ذات باریله قائم اولور ❖ یا خود
غیرایله قائم اولور ❖ صورت اولده ذات الهی محل حوادث اولور
صورت ثانیده ❖ حق تعالی زمانه مقارن اولماغله مطلوب
حاصل اولور

❖ ❖ ❖ وَ مُسْتَعْنِ الْهِي عَنْ نِسَاءٍ ❖ ❖ ❖ وَأَوْلَادٍ إِنَاتٍ أَوْ رِجَالٍ ❖ ❖ ❖

مستغن قولى استغنادن اسم فاعلدر ❖ مقدم خبردر ❖ الهی
مؤخر مبتدادر ❖ مقام بیان استغنا اولغله تقدیم اولندی ❖ عن نساء
عن اتخاذ النساء تقدیرنده در ❖ جار و مجرور مستغن کله سنه
متعلقدر ❖ و اولاد معطوفدر ❖ انات لفظندن بدلدرد ❖ مراد
علی قصد التکمیل تفصیلدر ❖ یا خود نصاری طائفه سی و یهود
شرذمه سی حضرت عیسی و عزیری حاشا ابن الله ❖ و بعضیلری

ملائکه بی بنات الله ❖ دیملریله مبالغه نفی ایتشدرد ❖ یوخسه ولد
لفظی لغه و شرعا ذکور و اناته شاملدر ❖ بعضیلر بدل بعض
اعتبار ایتدیلر ❖ لکن اورجال کله سنده او حرفی ❖ ولا تطع
منها آثما او کفورا ❖ کریمه سنده اولدیغی کبی ❖ و او معناسنه
اولغله بدل کل اولمق اظهاردر ❖ مفهوم بیت بودر که ❖ حضرت
خالق بیهمتا جل شانہ و تعالی ❖ زوجه اتخاذندن و اولاد تولیدندن
منزه و مبرادر ❖ یهود مردود حاشا حضرت عزیر علیه السلام
و نصاری طائفه سی حضرت عیسی علیه السلام ❖ اللهم
اوغلیدر ❖ و بنو ملیح طائفه سی ملائکه کرام اللهم قزیدر
دیرل ❖ بواقوالک مجموعی دلیل عقلی و نقلی ایله باطلدر ❖ دلیل
نقلی ❖ و قالت اليهود عزیر ابن الله و قالت النصاری المسيح ابن الله
ذلك قولهم بافواههم و يجعلون لله البنات سبحانه و لهم ما يشتهون
و قالوا اتخذ الله ولدا سبحانه ❖ و لم يلد و لم يولد ❖ کریمه لری کبی
دلیل عقلی حق تعالی ایچون ولد اولسه جزئی اولمق اقتضا ایدر
تجزئه ایسه محالدر ❖ و نساء اتخاذ ایلسه شهوت اقتضا ایدر
شهوت ایسه امارات حدوثندرد ❖ و شهوت اثری قوای حیوانیت
اولغله مخلوقله اتحادی مستلزمدر ❖ و اولادی اولسه البته حادث
اولور ❖ جزء اولمق حسبیلله محل حوادث اولور و السلام

❖ ❖ ❖ كَذَا عَنْ كُلِّ ذِي عَوْنٍ وَ نَصْرٍ ❖ ❖ ❖ تَفَرَّدَ ذُو الْجَلَالِ وَ ذُو الْمَعَالِي ❖ ❖ ❖

کذا کله سنده کاف تشبیه ایچوندرد ❖ مؤخر و محذوف مستغن
کله سنه متعلقدر ❖ ذا اسم اشارتدر ❖ مشار الیه بیت اولده اولان
استغنادر ❖ الهی کا استغناؤه عن النساء مستغن عن کل ذی عون
تقدیرنده در ❖ عن کل کله سی كذلك مستغن کله سنه متعلقدر
ذی عون مضاف الیهدر ❖ عون و نصر یردم معنایینه در ❖ بوراده

مورد لری مغایر اولغله خشویت شائبه سی یوقدر ❦ عن کل
ذی عون فی الالوهیه وعن کل ذی نصر فی دفع الاعداء والمعارضین
سبکنده در ❦ تفرد فعل ماضیدر ❦ توحید واستقلال معناسنه در
فاعلی ذوالجلالدر ❦ معالی جمع معلا در ❦ علو و شرف معناسنه در
قالدیکه تفرد صیغه سی یو مقامد بدون صنع صبرورت بناسنه
مبیدر ❦ تحجر الطین کی نکون وتولد دخی یوقیلنددر ❦ یاخود
اصل تکلفده باقی اولوب لکن شان الهیده تکلف مستحیل اولغله
غایبی اولان کمال اراده اولنور ❦ وجلال صفات سلبیه به ❦ ومعالی
صفات ثبوتیه به اشارتدر ❦ ومفهوم تفردده یو ایکی صفات
مندرج اولغله التیام لطیفی متضمندر ❦ وتفرد جمله سی تعلیلی
مشمئدر ❦ جلال ومعالی صفتلریله متصف ومتفرد اولان ذات
شریف البته معین وناصردن مستغنی اولوردیمکدر ❦ معلوم
اوله که ❦ ناظمک بوییتی یهود ونصاری ومجوس وثویه وصائبه
وطبیعه ووثیه طائفه لرینک ردینی مشتملدر ❦ زیرا یهود ونصاری
طائفه لری ظاهرده اهل کتاب اولوب لکن مال مذهب لری شرکدر
نته که ❦ وقالوا کونوا هودا اونصاری تهتدوا قل بل ملة ابراهیم
حنیفا وماکان من المشرکین ❦ کریمه سنده تصریحدن ابلغ
اولان تعریض عنوانیله طائفتین مر سومتینک شرک لری تقریر
یورلدی ❦ ومجوس طائفه سی ایکی اصل اثبات ایدوب ❦ برینه
یزدان ❦ ودیکرینه اهرمن اطلاق ایدوب یزدان قدیم ❦ واهرمن
حادثدر دیرل ❦ ثویه طائفه سی نور وظلمتک اصل ازلی ❦ وقدم
وخالق اولسنه ذاهبلردر ❦ وثیه طائفه سی عبده اواناندر کمی
آتشه وکیمی صورته وسائر اختیار ابتدک لری اشباهه پرسنش ایدرل
صائبه طائفه سی الوهیتی کوا که اسناد ایدرل ❦ طبیعه فرقه سی
طباع وامزجه به عز و ایدرل ❦ مجموعی باطلدر ❦ لا اله الا الله

وحده لا شریک له ❦ خلاصه حق تعالی ذات وصفاتنده واحد
وملک وقدرتنده ❦ وجلال وعظمتنده متفرددر ❦ انفاذ اوامر
واحکامنده معین وناصره محتاج دکلدر ❦ بلکه جمله مخلوقات
جمع ازمنه وامکنه ده کندوسنه مفتقر ومحتاجلردر ❦ احتیاج
لا محاله عجز علامیدر ❦ حضرت حق سبحانه وتعالی قادر
وغنی وقبومدر

❦ بَیَّتُ الْخَلْقَ قَهْرًا ثُمَّ یُحْیِی ❦ فِیْجِزُهُمْ عَلٰی وَفْقِ الْخِصَالِ ❦

بیت کلمه سی امانه دن فعل مستقبلدر ❦ فاعلی مستتر ضمیردر
الخلق مفعولدر ❦ مخلوق معناسنه در ❦ حرف تعریف استغراق
جنس ایچونددر ❦ قهرا تمیزیت اوزره منصوبدر ❦ یاخود مفعول
مطلقدر ❦ قعدت جلوسا قیلنددر ❦ یاخود یقهر قهرا تقدیریه
یاخود حالدر قاهرا تأویلیله ❦ ثم حرف عطفدر ❦ تراخی بی
مفیددر ❦ یحیی احیادن فعل مستقبلدر ❦ علی وفق یجزی به
متعلقدر ❦ خصال جمع خصلتدر ❦ مفهوم بیت بودر که
حضرت حق قادر بیچون جل شانه مجموع خلائی علی سبیل القهر
والغلبه افنا واعدام ایدوب بعده جمله سنی احیا ❦ وعرصه قیامتده
اعمال لری موافق جزا ایدر ❦ اعمال لری خیرایسه خیر ❦ وشرایسه
شرایله جزا ایدر ❦ معلوم اوله که ❦ ناظمک بوییتی برقاج مسائل
مهمه اعتقادیه بی مشتملدر ❦ اعاده معدوم ❦ وحشر اجساد
وجزای اعمال کی ❦ مقدمه ونیره سی اوزره ابتدا فی الجملة روح
ماده سندن بحثه محتاجدر ❦ کرچه حق تعالی جل وعلا حقیقتی
سترایلدی ❦ لکن محاله تعلیق اولنما مغله بعض اصحاب تحقیق
فی الجملة علی سبیل الرسم بیاننه تصدی ایلدیلر ❦ تفصیلی مصنف
مر حومک منظومه روحیه ابن سبنا شرحنده ❦ وسیوطی

مرحومك رساله مخصوصه سنده مسطور در ❦ خفی اولیه که
 اهل تحقیق روحی ایکی به تقسیم ایدرل ❦ روح حیوانی ❦
 و روح انسانی در ❦ روح حیوانی بر جسم لطیف در که ❦ منبعی
 قلب جسمانیك تجویفیدر ❦ عروق ضواری واسطه سیله
 سائر اجزای بدن سرایت ایدر ❦ روح انسانی بر لطیفه غیبیه
 الهیه در که ❦ عالم امر دن نوع انسانه ایداع اولمشدر ❦ عالمه
 و مدر که در ❦ روح حیوانی اوزره را که در ❦ ادراک حقیقتدن
 عقول بشریه عاجز و قاصر در ❦ امام غزالیك ملخص مقالی
 بودر که ❦ روح صویك انیه سریانی کی حلول ایدر ❦ جسم
 دکلدر ❦ و علمك عالمه حلولی کی دکلدر ❦ و قلب و دماغه حلول
 ایدر ❦ عرض دکلدر ❦ بلکه جوهر علویدر ❦ نفسی و خالقنی
 و معقولاتی ادراک ایدر ❦ شانده ❦ قل الروح من امر ربی ❦
 وارد اولمشدر ❦ یعنی امر ایله موجود اولمشدر ❦ عالم امر دندر
 امر غیر مادیاتده مستعملدر ❦ خلق مادیاتده مستعملدر ❦ پس روح
 غیر مادی اولغله لطیف نورانی و انحلاله غیر قابل و لطافتدن
 ناشی اعضایه ساری اولور ❦ و حضرت حق سبحانه و تعالی روح
 حیوانیه ینلرین تألیف ایلدی ❦ روح انسانی زوج ❦ و روح
 حیوانی زوجه منزله قتلغه بر برینه متعاشق اولدیلر ❦ مادام
 بدنه اولوب فیضان تعلقی در کار اولدجه بدن حی و یقظان اولور
 و بالکلیه یعنی هنوز تعلقی باقی اوله رق مفارق اولور سه بدن
 نائم اولور ❦ و بالکلیه مفارق اولور سه بدن میت اولور ❦ ابتدا
 استعداد نطفه ده نفس رحمانیه نفخ اولور ❦ بعد حلول اجل
 موعود ایله انتزاع اولور ❦ اکثر محققینه کوره قبرده فیضان پرتو
 آفتاب کی ابدانه فائض اولوب بعد السؤال و الجواب ❦ بر موجب
 احادیث شریفه محللرینه راجع و حین نشرده ینده بالکلیه بدنه

متعلق اولوب اکمال امر جزا دن صکره هر کس مقام مأمور لرینه
 متوجه اولورل ❦ و حق سبحانه و تعالی ید قدرتیه خلق ایلدیکی
 نفوس ایچون عالم حیاتده آجال معلومه تقدیر و تعیین ایلشددر ❦
 مدت تعیش و بقاری منقضى اولدقد ❦ فاذا جاء اجلهم
 لایستأخرون ساعة ولا یستقدمون ❦ کریمه سی منظوقی اوزره
 حضرت باری عزشانه ایداع ایلدیکی امانت حیاتی استرداد ایدر
 كذلك جمله عالم مخلوقات ایچون مدت استقرار تعیین ایلشددر
 حلول زمانده جمله سنی قهر و اعدام ایدر ❦ لمن الملك الیوم ❦
 کریمه سی اوزره ذات احدیتدن غیری فرد واحد قالماز ❦ قرق
 کون مقدارندن صکره نفخه ثانیه ایله جمله سنی احیا ❦ و مقتضای
 اعماللری اوزره مجازاتلرین اجرا ایدر ❦ اهل اسلام اعتقادی
 بودر ❦ الله الذی خلقکم ثم رزقکم ثم یمیتکم ثم یحییکم ثم الیه
 ترجعون (و) الله الذی لا اله الا هو لیجمعکم الی یوم القیمه لاریب فیه
 و ❦ ان الله یمیت من فی القبور ❦ نصوص شریفه سیله ثابتدر ❦
 فلاسفه دن طبیعیون حشری انکار ایدرل ❦ زعملری بودر که
 انسان اشبه بکل مخصوصدن عبارت اولغله موته فانی اولدقد
 اعاده سی ممتعددر ❦ زیرا اعاده معدوم ممتعددر ل ❦ الهیون
 فلاسفه معاد روحانی به قائل اولوب معاد جسمانی بی اعاده
 معدومك امتناعنه مبنی انکار ایدرل ❦ حق اولان معاد جسمانی
 و روحانیدر ❦ طائفه مر سومه ك احتجاجلری بودر که ❦ بعینه
 معدومك اعاده سنی جائزدر ❦ و وقوعی مفروض اولسه انك
 مثلی ایجاد مستأنفده جائز اولور ❦ اول مستأنفکده معاد مزبور ایله
 وجودی فرض اولسه بدون التمايز اثینیت لازم کلور ❦ بوايسه
 بالبداهه باطلدر ❦ كذلك بعینه یعنی جمله عوارض مشخصه سیله
 معدومی اعاده جائز اولسه وقت دخی جمله عوارضندن اولغله

معدوم مزبور وقت اولنده اعاده اولمق لازم کله * معاد مبداء
عینی اولور * كذلك عود ايله حکم معدومک حال عدمه صحت
عود ايله اتصافنی اقتضا ایدر * بوايه بدون التمايز * متصور اولماز
معدومات ایچون ايسه * حال عدمه تمايز یوقدر * احتیاج اولرینه
جواب ویریلور که * امتیاز عوارض مشخصه ايله در * مثلین
مبتدأ نیسه اولدیغی کی * اگر مماثلتدن من کل الوجوه اتحاد
مراد اولور ايسه * اثینیت ممنوعدر * بلکه بوصورته تماثل تصور
اولماز * واکر عوارض مشخصه اتحاد مراد اولورسه * ملازمه
مسلم بطلان لازم ممنوعدر * زیرا بوصورته اثینیت اعتباری
اولغله تغایر اعتباری کفایت ایدر * احتیاج ثانیلرینه جواب
ویریلور که * زمان دیدیکمز مبداء و معاد دن * بر شئتک عوارض
مشخصه سندن دکلدر * اگر عوارضدن اولیدی * شخص واحد
ازمنه نك تعددی حسبیه * اشخاص متعدده اولمق * اقتضا ایدر
ایدی بوايه سفسطه ظاهر در * احتیاج ثالثلرینه جواب ویریلور که
حال عدملرند معدومات عقلده متمایزه در * نقدر عقلده موجود
اولماز ايسه ده * واهل حق طرفدن بعث و جزایه * بو وجهله
استدلال اولنور که * معاد فی ذاته مبتدأ کی امر ممکندر * زیرا
معدوم اولان شیء وجوده قابلدن * اگر قابل اولسه * مقدمه دخی
موجود اولماز ایدی * پس لازم باطلدر * زیرا تقدیر مز شیء
موجود اولدقدن صکره معلوم اولدی * ملازمه نك یسانی بووجه
اوزره در که * اگر معدوم معهود * وجوده قابل اولسه * بالذات
ممنوع اولور * بالذات ممنوع اولسه * ابتدا موجود اولماز ایدی * پس
ثابت اولدی که * وجوده قابل اولسه * موجود اولماز ایدی * قابلیت
ايسه ماهیتدن منفک اولسه * ممکن ممنوعه منقلب اولمق لازم کلور
لازم ايسه باطلدر * زیرا لازمک ملزومدن انفکاکنی مستلزم

اولغله * دائما وجوده قابلیتی لازم اولور * پس شیء مر قومک عوده
قابلیتی ثابتدر * وفلاسفه دیرلر که * مثلا بر انسان بر انسانی اکل
ایلسه * مأ کول آکلدن جزء اولمق درجه سنده * ایدی اجزای
مزبوره آکل و مأ کولک ایکسینده اعاده اولمق محالدر * اگر
برنده اعاده اولنورسه * آخر بجمیع اجزائه معاد اولماز * زیرا بدن
آکل و مأ کولک بعضیلری ضایع اولمق درکاردر * جواب
ویریلور که * معاد اولان اول نشئدن الی آخر العمر * باقی اولان
اجزای اصلیه در که * آنده مدة العمر تفاوت اولماز * زیرا عناصر
اربعة * وروحدن مأ خود اجزادر * واجزای مأ کوله آکلده
فضله در که * سمن و هزال اکا ترتب ایدر * واکر اعتراض
اولنورسه که * بومقاله تناسخی اشعار ایدر * زیرا معاد اولان
بدن ثانی * بدن اول اولماز * زیرا حدیث شریفده وارد اولمشدر که
اهل الجنة جرد مرد) یعنی جنت اهلی بالجملة شعر و لحیه دن
آزاده در * وجهتمک دیشلری جبل احد مقدار ایدی اولور * جواب
ویریلور که * تناسخ ایکی بدنک بحسب ذوات الاجزاء * مغایرتدن
عبارتدر * مانحن فیهده * تغایر هیئت و ترکیبده حاصلدر * بر طائفه
دخی بعث و حشری نفی خصوصینده * بو کونه بسط هذیان ایلدیلر که
بعثدن مقصود * یا مبعوثی ایلام * یا خود مبعوثدن المی دفع * و یا خود
مبعوثی تلذیددر * شقوق نلشه ده محالدر * زیرا صورت اولده
فی نفسه * تعذیب حیوان بلا فائده در * بوايه حکمته منافیدر
صورت ثانیده مقصود اولمق مناسب دکلدر * زیرا اول ایلام
ایدوب * بعده رفع الم ایچون بعث ایتکده دخی فائده یوقدر *
رفع الم خصوصینده * عدمی اوزره ایقا کا کافیدر * صورت
ثالثه که تلذیددر * فی الحقیقه * بدنده حاصل اولان المی رفعدر
مثلا اکل و شرب * الم جوع و عطشی رفعدن عبارتدر * بونلره

جواب ویریلور که * ایلامه مستحق اولانی ایلام حکمت وعداندر
و مستحقینک المنی دفع ایلمک عفو و کرمدر * و تلذذ لطف
وعنایتدر * بو بایده اشبو قطعه غرابی امام علی کرم الله وجهه
حضر تدریدن روایت ایدرلر

* زعم النجم والطیب کلاهما * لن تحشر الاجساد قلت الیکما *
* ان صح قولکما فلیست بخاسر * ان صح قولی فالخاسر علیکما *
طیبیدن مراد طیبیون و منجسیدن مراد افلا کیوندلر * الیکما
بتعدا عنی معنایه اسم امر در * و بحسب الاعمال هر کس مظهر
مجازات رب متعال اوله جقلری (یومئذ یصدر الناس اشتاتا لبروا
اعمالهم فمن یعمل مثقال ذرة خیرا یره ومن یعمل مثقال ذرة شریره)
نص مبینله * وابن عباس رضی الله عنهما حضر تدریدن مروی
الناس مجزیون باعمالهم ان خیرا فخیروا و ان شرا فشر * حدیث
شریفله مبتدر * دخی بو بایده آیات واحادیث کثیردر

لَا أَهْلَ الْخَيْرِ جَنَّاتٍ وَنَعْمَى * وَلِلْكَافِرِ ادْرَاكُ النَّسْكَالِ *

لاهل جار و مجرور مقدم خبردر * جنات مؤخر مبتدا در * نعمی
ضم میم و قصر ایله نعمت معنایه در * نته که بشری و رجعی
بشارت و رجوع معنایه در * جنات اوزره معطوفدر *
و لکفار که سنده و او عاطفه در * كذلك لکفار مقدم خبر
و ادراک النکال مؤخر مبتدا در * ادراک جمع درک در * فمختبئه
یا خود سکون ایله * حفرة نیراندن بر حفرة * یا خود طبقات ناردن
بر طبقه در * همزه ایله ادراک لغتی کرچه بعضی شراح تخطئه
ایدرلر * لکن موجه دکلدر * زیرا ادراک لفظنک جمعی درکات
ایله مشهوردر * ادراک استعمالی نادردر * نکال عقوبت معنایه در
اضافتی لامیه در * مفهوم بیت مصراع ثانی بیت اولی تفصیلدر

حق سبحانه و تعالی اهل خیراتی که * مؤمن مطیعدن عبارتدر
جنت و نعمت لایله اثابه و تنعیم * و کفاری درکات بحیمله تعذیب
و تنقیم ایدر * معاوم اوله که * حضرت حق جل و علا (ان الله
یدخل الذین آمنوا و عملوا الصالحات جنات (و) اعدت للمتقین)
و سائر نصوص قاطعه دلالتی اوزره مؤمنین قوللری ایچون جنت
و جنتده حور و غلمان * و مالا عین رأت ولا اذن سمعت * انواع
نعمت اعداد ایدوب (واتقوا النار الی اعدت للكافرين (و) و اعدلهم
سعیرا) * کریمه لری منطوق فیه کافرین ایچون جهنم و انده
اصناف عذاب و نعمت تهیئه ایلشدر * حالا جنت و جهنم
مخلوق و موجود لدر * آدم و حوا قصه سی و اعدت صبیغه لرینک
ماضویت و جود لرینه دلالت ایدر * قالدیکه * تعین مکانلری
باینده نص صریح وارد اولدی * اکثر علماء (عند سدره المنتهی
عندها جنة المأوی) کریمه سی و * سقف الجنة عرش الرحمن *
و ان النار تحت الارضین * حدیث شریفی اوزره جنت سبع
سمواتک فوقنده * و عرشک تحتده اولدیغنه ذاهب اولدیلر *
معتزله طائفه سی حالا مخلوق دکلدردر * بلکه یوم جزاده خلق
اولورلر دیرلر * دلیللری بودر که * اگر حالا موجود اولسه لر
یا عالم افلاکده * یا خود عالم عناصرده * و یا خود عالم آخرده
اولورلر * شقوق ثلثه ده باطلدر * شق اول و ثانی قرآن مبینده
وارد اولدیغی اوزره * جنتک عرضی (کعرض السموات والارض)
اولغله تداخل اجسامی مستلزم اولغین عالم افلاک و عالم عناصرده
وجود لری ممنوع اولغین * لا محاله بو عالم لک انتفازندن صکره
متصور اولورلر * و شق ثالث یندرنده خلا تحقیقی مستلزمدر * زیرا
فلک ذاتنده بسیط * و کری الشکلدر * عالم آخر تحقیق اولسه
اولدخی کری اولغله یندرنده خلا مفروض اولور * کرک مماسین

کړه متباین اولسونلر * خلا ایسه محالدر * كذلك عالم آخرده
 اولسه * لامحاله انده دخی عناصر حاصل اولور * عناصر حاصل
 اولنجه البته بو عناصره مماثل * وحیرلرینه مائل * وحیرلرینه
 حرکتی مقتضی اولوب * واول عالمک حیرلرنده طبعاً ساکن اولور
 بو صورتده جسم واحد ایچون * بالطبع ایکی مکان اولمق اقتضا
 ایدر * بو ایسه محالدر * یاخود اول عالمک حیرلرنده قسراً دائماً
 ساکن اولور * بودخی محالدر * اکا جواب ویریلور که * ابتدا
 تداخل اجسام * اصول فلاسفه به متعلق اولدیغدن بشقه * فرجه
 مابین جسم * آخر ایله مملو اولمق جائز اولغله * خلا ممنوعدر *
 قالدیکه * جنت فوق السماء و تحت العرش * اولنجه عرضی
 عرض سموات وارضین اولمقده قطعاً اشکال یوقدر * و ذکر
 اولنان عالمده حاصل اولان عناصرک * بو عالم عناصرینه تمام
 حقیقتده تماثل ممنوعدر * زیرا صورتده * یاخود هیولاده اختلافی
 ممکندر * هر نقدر صفات ولوازمده مشترک اولورلر ایسه * ومعتزله
 طائفه سنک بر دلیللری بودر که * افعال الهی حکم و مصالحدن
 خالی اولماز * جنت وجهنمک خلقي * ثواب وعقاب حکمتنه مبنیدر
 ثواب وعقاب ایسه * یوم قیامتدن اول واقع دکلدر * بو وجهله
 قبل یوم القیمة * خلقلرنده فائده مرتب دکلدر * بو که جواب
 ویریلور که * ابتدا حضرت باری به رعایت حکم و مصالح * واجب
 دکلدر * بعد النسلیم * فائده نک مجازاتده انحصاری ممنوعدر
 ولوسلم یوم قیامتدن مقدم * عدم وقوعی ممنوعدر * زیرا حدیث
 شریفده وارد اولدیکه * قبرده مؤمن ایچون جنته * وکافر ایچون
 جهنمه * برر قیو کشاد اولوب * مؤمنده روح جنت * وکافره کربه
 جهنم حاصل اولور * وحالا جنت وجهنمک مخلوق اولوب
 وعلم اللهده اولان مکانده اولملری * عظمت شان الوهیه دال

اولمق نمایاندر

❦ وَلَا يَفْنَى الْجَحِيمُ وَلَا الْجَنَانُ ❦ وَمَا أَهْلُوهَا أَهْلُ انْتِقَالٍ ❦

بعض نسخه ده بو محله * واللجنات والنيران کون * علیها امر
 احوال خوال * بنی ثبوت اولمشدر * لکن اکثر نسخه اولماغله
 اکثره اتباع اولندی * ترکیبی واللجنات ظرف مستقر مقدم خبردر
 کون مؤخر مبتدا در * وجود فی الحال معناسنه در * علیها
 ضمیری مذکوره به کل منهایه راجعدر * مر مروردن فعل ماضیدر
 احوال جمع حالدر فاعلیدر * خوال جمع خالیه در صفتدر *
 یاخود مر کلمه سی مصدر * احوال مضاف الیهیدر * بر نسخه ده
 مر بدلی جری کلمه سی * وخوال اهمال نقطه ایله مشهود
 اولمشدر * بو که کوره حوالی جمع خالیه اولور * مزینه معناسنه
 بو صورتده بالکز جناحه صفت اولور * تنه که (الذین یکثرون
 الذهب والفضة ولا ینفقونها فی سبیل الله) کریمه سنده بعض
 مفسرین ضمیری بالکز فضه به ارجاع ایدرلر * مفهوم بیت
 بودر که * جنات ونیران الان موجودلردر * واوزرلرندن احوال
 خالیات مرور ایتکده در * تفصیلی ولایفنی بیتدن مقدمجه
 کذران ایلدی * ولایفنی بیتده لافیه در * یفنی دردنجی بابدن
 فعل مستقبلدر * الجحیم فاعلیدر * ولا الجنان معطوفدر * جنان
 کسر جمیله جنتک جمعیدر * وما اهلوهما کله سنده ما لبس
 معناسنه در * اهلون جمع اهلدر * هما کله سنه اضافت سببیه
 نون ساقط اولدی * ما کله سنک اسمیدر * اهل انتقال خبر
 منصوبیدر * انتقال مضاف الیهیدر * وصل ایله قرائی لازمدر
 مفهوم بیت بودر که * جنت وجهنم واهالی وسکانلری فناپذیر
 اولماز * ومحال اخرایه انتقال ایتزلر * وصف خلود وناپید ایله

متصف لر در * معلوم اوله كه * فضل وعدل الهيله اهل سعادت
جنته * واهل شقاوت جهنمه داخل اولدقدن صكره * كرك
جنت * وكرك جهنم * وايكسك اهل وسكانلري فاني ومضمحل
واخر محلاله منتقل اولماز * نه كه (ان الذين آمنوا وعملوا
الصالحات كانت لهم جنات الفردوس نزلا خالدین فيها لا یبغون
عنها حولا) ای لا یطلبون تحویلا عن الجنة و (ان الذين كفروا
من اهل الكتاب والمشرکین فی نار جهنم خالدین فیها) کریمه لر یله
(واذا دخل اهل الجنة الجنة واهل النار النار نادى مناد بین الجنة
والنار یا اهل الجنة خلود لاموت ویا اهل النار خلود لاموت)
حدیث مشهور یله منصو صدر * اهل جهنم دن مراد کافر در
زیرا مؤمن عاصی عاقبت منتقل اولور * وسكانلرینك تنصیص
خاودی جنت و جهنمك دخی خلود لرینه تنصیصدر * جهنمه
طائفه سی فناپذیر اولم لرینه ذاهلدر * استدلاللری بودر كه *
فناپذیر اولسه لر بقاء حالنده ذات الهيله مشارکت اقتضا ایدر
بوايسه باطلدر * جواب ویریلور كه * حضرت باری واجب
البقاء * وجنت و جهنم واهالبسی جائز البقادر * وذات الهینك
بقاسی بذاته * وبونلرك بقاری ابقای الهيله در * قالدیکه *
اطفال مؤمنین اهل جندر * وآباء وامهاتنه شفاعت ایده جکلدر
نه كه (ان السقط لیقع محنطئا علی باب الجنة ویقول لا ادخل
الامع ابوی) حدیث شریفی اکا دالدر * واطفال کفار حقنده
اختلاف ایلدیلر * بعضیلر (رفع القلم عن ثلثة عن النائم حتی
ینتبه وعن المجنون حتی یفبق وعن الصبی حتی یحتلم) حدیثیه
و (اطفال المشرکین خدام اهل الجنة وكل مولود یولد علی فطرة
الاسلام ثم یهودانه وینصرانه ویمجانه) حدیثلریله استدلال ایلدیلر
وبعضیلر * ولا یلدوا فاجرا کفارا * آیت کریمه سبله * وحضرت

خدیجه دن رضی الله عنها مروی اولان (سئلت النبی علیه
الصلوة والسلام عن اطفالها الذین ماتوا فی الجاهلیة فقال هم
فی النار) حدیثیه احتجاج ایلدیلر * وبعضیلر دیدیلر كه * بلوغی
تقدیرنده ایمان وطاعتی معلوم الهی اولان اطفال جنته * وكفر
وعصیان معلوم اولان جهنمه داخل اولور * امام نووی صحیح
مسلم شرحنده * اطفال مشرکین جنته داخل اولور دیو * تصریح
ایتمدر * شیخ لقانی علیه الرحمه * تعذیبه اطفال مشرکین
داخل دکلدر دیدی * قاضی عیاض وقرطبی دخی بوقولی
تصحیح ایلدیلر * زیرا تعذیب * تکلیف وبعث رسول فرعیدر
دیدیلر * وبوقوله امام بخاری دخی مائلدر * معتزله عندنده
معذب اولمازلر * بلکه حدیث شریف مقتضاسی اهل جنتك
خدامیدر * وبی جرم اولانی تعذیب ظلمدر دیدیلر * خلاصه
بومسئله ده اون وجه اوزره اختلاف اولندی * بناء علیه امام
اعظم رحمه الله توقف ایلدیلر * لکن غالب اولان جنته داخل
اولم لیدر * وحضرت خدیجه نك حدیثی اطفال کفارك جنته
داخل اوله جقلرینه هنوز علم نبوی شامل اولماغه حمل اولنق
دائرة امکانه قریبدر

یراه المؤمنون بغير كيف وادراك وضرب من مثال

یراه ضمیری * رب العزته راجعدر * المؤمنون * فاعلیدر بغير كيف
جار ومجرو ومفعولدن حالدر * وادراك وضرب معطوفلدر
كيف لفظی کیفیت دیمکدر * كيف هو * وكيف لونه * وكيف
شکله وطوله * مقاله سندن یاخود عین رأیدن خارج شعاع بصرینك
مرئی یه اتصالی * یاخود مرئی ایله رائی بینلرنده مسافه * وجهت
ومكان ومواجهه وصورت مرئینك مرأت عین رأیده ارتسامندن

عبارت در * ادراك مرئی بی احاطه * وجوانب وحد و دینه و قوف
تخصیل در * وضرب نوع معناسنه در * مفهوم بیت بودر که
حضرت حق جل و علا * جسته مؤمنین مکر مینه عرض لطف
دیدار ایدوب * مؤمنین دخی کیفسز * وکنه و حقیقتنه ادرا کسز
و صور مخلوقه دن * بر صورت مشابیه سز * جمال شریف لریله
شرفیاب اوله جقلردر

* جنت ایتش طوته لم احد جهان ملکن بهار *

* هی معاذ الله جهنمدر بکا دیدار سز *

معلوم اوله که * رؤیه الله مسئله سی * اعظم مسائل اعتقادیه دندر
اقرار ایدنر اول سعادتیه مظهر * وانکار ایدنر * حرمانه مکدر
اوله جقلردر * شرح مواقفه مسطور در که * ائمه اهل سنت
اتفاق ایدیلر که * دنیا و آخرتیه رؤیت الهی عقلا جائزدر
دنیاده رؤیتک جوازنده اختلاف ایدیلر * اکثری قائلدر
کذلك منامده رؤیتیه بعضیلر قائل * وبعضیلر منکر اولدیلر
لکن حق اولان جائزدر * حتی شاه شجاع کرمانی * و قرای
سبعه دن حزه * وبعض مشایخ سلف * اول شرفله مشرف
اولدقلری مشهوردر * و رؤیت منافی مشاهده قلبیه اولماغله
تبعید اولنماز * امام بیضاوی علیه الرحمه * دخی دنیاده رؤیتک
وقوعنه ذاهبدر * حتی سوره بقره ده * واذ قلتم یا موسی
لن نؤمن لك * آیت کریمه سنک تفسیری خلانده * بل الممكن
ان یری رؤیه منزیه عن الکیف وذلك للمؤمنین فی الآخرة والافراد
من الانبیاء فی بعض الاحوال فی الدنیا عبارتیه اقرار ایلدی
جمله معترضه اولق اوزره بر مجلسده * علمای اعلامدن برقاج
ذوات کرام * بیضاوی مرحومک ذکر اولسان والافراد
من الانبیاء * قولنده اسنشکال ایلدیلر * یعنی مظهر رؤیت

اولان پیغمبر لر دن مراد کپلردر * بعض مرتبه ینلرنده محاوره
کذرا نند نصکره * بو حقیر بی بضاعت * مراد شاه مسند
ختمیت * علیه الصلوة والسلام اولوب * تعظیمه بناء جمع عنوانیه
ایراد اولندی دیدیکمده * نوع اسنصغار ایله قبول ایلدیلر * نه که
عصر من علماسنک حاللری بودر * بعده اطمینان دیهرک بعض
حاشیه استحضار ایللریله * بحمدہ تعالی ینانمزه موافق ظهور
ایلدی * بومعامله بعید المجمله مشهود من اولیق ترا کتله
کندیلر سئوال ایلدمکه * اصل شبهه قویه بودر که * بیضاوی
مرحوم فی ذاته کامل اولغله * روحسز کلمه ایراد ایلز * پس
والافراد عنوانیه ذکر ایدوب * وفرد من الانبیاء * وبعض من الانبیاء
عبارتی کبی * سائر عباریه ایله تعبیر ایلوب * اشبو افراد
ماده سنه تخصیصک نکته سی ندر * دیدیکمزدہ بالجمله تلعم ایدوب
عاقبت سکوت ایلدیلر * بعد الاسئذیان * بوکونه توجیهه اجنصار
ایلدیمکه بیضاوی مرحوم صوفیه دن اولغله * افراد تعبیری
صوفیه تعبیر اتندن * حضرت رسول الله مخصوص وصفدر
نه که * فصوصده شیخ اکبر قدس سره * کلمه فردیه فی فص
مجدیه * عباریه سیله ایراد ایلدی * وینه صوفیه حضرت
رسول الله اوج فردیتی حاوی اولغله * تعبیرا تلرنده همیشه افراد
اطلاق ایدرلر * داود قیصری علیه الرحمه * مقام مزبور شرحنده
تفصیل ایتشددر * رجعتنا الی ما کنّا * خفی اولیه که * اهل سنت
وجاعت مذهبیری بودر که * حق سبحانه و تعالی مؤمننه اخترده
بلا کیف مرئی اولق عقلا صحیحدر * معتزله وفلاسفه و خوارج
وزیدیه طائفه لری * نفس رؤیتیه و شبهه و کرامیه * لواحق
رؤیتیه مخالفت ایدیلر * زیرا مشبهه و کرامیه * حاشا جهت
وامکان و صورت اسناد ایدرلر * بناء علیه رؤیتی تجویز ایدرلر

اما معتزله انکار ایدر را * تمسکری * لا تدركه الابصار وهو يدرك
 الابصار * کریمه سنه در * بو آیت کریمه به * ایکی وجهله
 متمسکدر * وجه اول بصرایله ادراک رؤیتله مترادفدر * یا خود
 احدهمایی اثبات و آخری نفی ایلک صحیح اولماز حیثیتله متلازمدر
 ابصار لفظی ایسه * جمع محلی باللام وارد اولدی * حسب الاصول
 صیغه عمومدر * بوجهته آیت مر قومه دن مستفاد اولدی که
 حق تعالی فرد افریده کوره من * وجه ثانی کریمه مر قومه
 حسب المقام عدم مریتله تمدح ایچون مسوق اولغله * وجود
 ورؤیت نقص اولور * نقصدن تنزیه ایسه واجبدر * انلره جواب
 ویریلور که * بصرایله ادراک رؤیتله مترادف و متلازم اولماری
 ممنوعدر * بلکه رؤیتدن اخصدر * زیرا ادراک مریتک عینده
 ارتسامی و شعاع بصرینک عیندن خروج و مرئی به اتصالیه
 مشروطدر * اکامینی رأیتله وما ادركه ببصری دینک صحیحدر
 پس ادراکی نفیدن رؤیتک نفی لازم کلز * كذلك جائزدر که منفی
 اولان ابصارک اشوعالم دنیاده متصف اولدیغمن قوتله ادراکدر
 بلکه اکاحلی ظاهر و متبادر در * زیرا کلامی واقع متعارفه حل
 ایلک آتی به جلدن اولی و انسبدر * كذلك لا تدركه الابصار
 قضیه سی سلب عمومی مفید در * عموم سلبی مفید دکلدر * زیرا
 بدرکه الابصار قضیه سی عمومی مفید اولغله * سلبی سلب عموم
 اولور * بوصورتنده رفع ایجاب کلی اولغله * سلب جزئی قوه سنه
 اولور * یعنی بعضدر ادراک ایلز دینک اولور * كذلك رؤیت
 ممتنع اولسه نفی تمدحی مستوجب اولماز * زیرا تمدح قابل الرؤیه
 اولوب * حجاب کبریا یله ممتنع و متعززا ولد یغنه مبنی * مرئی اولما مقدر
 اهل سنت رؤیتک جوازینی * دلائل نقلیه و عقلیه یله اثبات ایتدیلر
 دلائل نقلیه بو کابده سرد ایلدیکمن بش دلیلدر * اول * وجوه

یومئذ ناضرة الى ربها ناظرة * آیت کریمه سیدر زیرا نظر
 اکر رؤیتدن عبارتدر دینورسه مطلوب حاصل اولور * واکر
 مرئی جانبیه رؤیت ایچون تقلیب حدقه دن عبارتدر دینورسه
 رائی ایلله خدای متعال میانده مقابله محال اولغله * مسببی اولان
 رؤیتله حل اولور * زیرا سببی ذکرا بدوب مسببی اراده ایلک
 احسن وجوه مجازیه دندر * قالدیکه الی ربها کله سنده الی
 لفظی نعمت معناسنه اولان آلاء کله سنک مفردی اولغله * ناظرة
 کله سی منتظرة معناسنه اولغله حل ایلک صحیح دکلدر * نته که
 معتزله اکا حل ایتدیلر * زیرا نظری مورت غم واضطراب
 اولان انتظاره حل ایتک قطعی قیجدر * نته که * الانتظار اشد
 من النار و الانتظار موت احر درلر * حال بو که آیت مر قومه
 دار سرورده معدومها اولان * نعم والطاف علیه بی بیان ایچون
 مسوقدر * اکر سؤال اولنورسه که * آیت مر قومه سیاق و سباق
 قرینه سیله حالت نظر اهل جنت و جهنمک جنت و جهنمده
 استقرار لرندن مقدم اولغله دلالت ایدر * زیرا سباق که * وجوه
 یومئذ ناظرة * کریمه سیدر سیاق که * وجوه یومئذ باسرة
 تظن ان یفعل بها فاقرة * آیت کریمه سیدر مفهوم لری
 قبل الاستقرار اولغله * انتظار نعمت بعد البشارة * و انتظار عذاب
 بعد الانذار اولغله * بعد البشارة انتظار نعمت نضارت وجهی
 مستتبع سرور * و بعد الانذار انتظار نقمت شدت عباست وجهی
 مستعقب غم و کدر اولدیغنی ظاهر در * اکا جواب ویریلور که
 بو سؤال وصول نعمت و عذابک تیقنه مبنیدر * تا که انتظار
 نعم سروری * و انتظار نقم عمومی مستتبع اوله * تظن انها قول
 شریفی ایسه بونی آبی اولغله اخبار اولسان حالت حال استقرارده در
 وظن فعل شبه فشبنا کوره جکری عقوبات متنوعه به

نسبتله در * یاخود دوا منه نسبتله در * و بوجل مقتضای مقام
اولان و عیدده ابلغدر * كذلك بزم تاویلز * اظهر واقربدر
اظهرتی بودر که * نظری اطلاق ایدوب * رؤیتی مراد ایلک کثیر
شایعدر * خصوصا وجه و جاله مضاف اولدقده * و اذهانه
متبادر اولان الی کله سی * حرف جر عدادندن اولان الی اولمقدر
نظر لفظی دخی انی مؤید در * زیرا اکثری نظر ماده سی * الی ابله
متعدی اولور * آلاء مفردی اولان الیه تبادر غریبدر * نته که
رب کله سندن وحاشا و علی کله لزدن متبادر اولان * حرف جر
اولندر * یوقسه فعل ماضی اولانی بعید در * و تاویلز اقریبتی
بودر که * رؤیت نظره انتظاردن اقریدر * و جل اقرب احسن
و انسبدر ثانی (سترون ربکم یوم القیمه کاترون القمر لیله البدر
لاتضامون فی رؤیته) حدیث شریفدر * ای کمال تشکون
فی رؤیه القمر لیله البدر لاتشکون فی رؤیه تعالی عیانا فی الاخره
اشبو حدیث شریفی * بکار صحابه و ائمه دن * یکرمی بر نفر ذوات
کرام روایت ایلکله * مشهور در * حدیث مشهوری انکار
ایدن متدعه در * ثالثا حضرت موسی علی نبینا و عایه السلام
رب العزندن * رب ارنی انظر الیک * مصدوقی اوزره رؤیت
نیاز ایلدی * اگر حق سبحانه و تعالی انک رؤیتی ممتنع اولدیغنه
عالم دکل ایسه * حضرت موسی صفات الهیه دن بر صفته عالم
اولماق اقتضا ایدر * بوا یسه باطلدر * خصوصا معتزله عندنده
و اگر ممتنع الرؤیه اولدیغنی بلدیکی حالده * نیاز ایلدیسه * عابت
بالله اولق اقتضا ایدر * بودخی باطلدر * اگر بودلیله اعتراض
اولنورسه که * حضرت موسی رؤیتک امتناعی ییلور * لکن نیازی
قومی دخی بیلک ایچون ایدی * حتی قومی * لن تؤمن لک حتی
نری الله جهرة دیمشلا ایدی * بوصورتله جواز رؤیته دلیل

اولماز اکا جواب ویریلور که * قوم حضرت موسی اگر مؤمنلرایسه
حضرت موسانک رؤیت الهی ممتنع دیواخباری * کفایت ایدر
اگر کافرلرایسه * احکام الهیده تصدیق ایلزلر * حالبوکه * من غیر
دلیل نصک ظاهرندن عدولدر * زیرا نص مبین * قال رب ارنی
عنوانیله وارد اولدی * ارحم ینظر و الیک * عنواننده وارد اولدی
و جوابنده حق تعالی * لن ترانی یوریدی * لن یرونی یورمدی
رابعاً * حضرت باری عز شانه * فانظر الی الجبل فان استقر
مکانه فسوف ترانی * منطوقی اوزره * رؤیتی جبلك استقرارینه
تعلیق ایلدی * استقراری ایسه ممکندر * زیرا جسمدر * و هر جسم
ممکن الاستقرار اولغله * ممکنه تعلیق امکان رؤیته دلالت ایدر * اگر
سؤال اولنورسه که * معلق علیه * یعنی استقرار جبل ممکن دکلدر
زیرا تعلیق اولنان * تجلی حالنده استقراردر * علی الاطلاق دکلدر
اگر علی الاطلاق اولسه * رؤیت حاصل اولور ایدی * رؤیت
ایسه بالاتفاق منفیدر * پس بوجهله آیت کریمه نک معناسی
جبل رؤیته طاقت کنوروب * حال تجلیده مکاننده استقراره
مقتدرایسه * یا موسی سنده طاقت کنور رسن دیمک اولور * جبل
ایسه اول حالده * فلما تجلی ربه للجبل جعله دکا * منطوقیجه متحرک
اولدی * اکا جواب ویریلور که * مقدمات مسروده نک تسلیمی
تقدیری اوزره * جبلك حال تحرکده استقراری ممکندر * حق تعالی
حرکت بدلی سکون خلق ایدر * ممتنع اولان انجق حرکت و سکونک
اجتماعیدر * بوجه اوزره ده سرد جواب اولنور که * جبله نظرایله
امر خالی دکل * یا حرکت یاخود استقرار حالنده اولور * صورت
اول اولور ایسه * استقرار ان کله سیله معلق اولان مستقبله
نظردن صکره واقع اولور * بوا یسه بالضروره ممکندر * و اگر
صورت ثانی اولورسه * معلق به دوام استقرار اولغله * بودخی

مکنند خامسا * فلما تجلی ربه للجبل * منظوقی اوزره جبله تجلی
 الهی واقع اولدی * شیخ ابو منصور ماتریدی تحقیقی اوزره
 تجلی مرقوم * جبلده حیات و علم و رؤیت خلقندن عبارتدر حتی
 جبل متأثر اولغله منک اولدی * بوجهته تجلی جواز رؤیت
 دلالت ایتشد * و معترله طائفه سنک انکار رؤیتده بردلایلری
 دخی بودر که * لن ترانی یاموسی * آیت کریمه سنده لن کلمه سی
 تأیید ایچوند * حضرت موسی ابدی کور میجک * غیری دخی کورمز
 زیرا فصله قائل یوقدر * اکا جواب ویریاور که * بحمز رؤیتک
 جوازنده در * ایت مرقومه ایسه * جوازک نفینه دال اولوب * وجودک
 نفینه دال اولدیغنده اثنابه یوقدر * انی لست بمرئی * یا خود لایجوز
 رؤیتی عنوانده وارد اولسیدی * جوازک نفینه استدلال اولوز
 ایدی * کذلک لن کلمه سنک تأییده دلالتی مسلم دکدر * بلکه نفی
 تأکید ایچوند * نته که * مریم رضی الله عنہا دن حکایه قرآن
 کریمده * فلن اکلم الیوم انسیا * آیت کریمه سنده وارد اولشدر
 یعنی لن کلمه سی یومه مقارن اولشدر * تأیید ایله توقیت بیننده
 تنافی واقعدر * و تأیید ایچون اولدیغی مسلم اولسون * لیکن تأیید
 ایله مدت دوام دنیا اراده سی جائزدر * نته که * ولن یتنوه ابد
 بما قدمت ایدیهم * آیت کریمه سنده وارد اولشدر * یعنی حق تعالی
 خبر و یردیکه * کفار ابدی موتی تمنی ایلزل * بعده * و نادوا یا مالک
 لبقض علینا ربک * آیتله آخرتده موتی تمنی ایله جکلی اخبار
 ایلدی * بوجهته جائزدر که * نفی رؤیت دنیایه متعلق اولوب
 آخرت ملازق اولیه * و موسی علیه السلام دنیایه نیاز ایتکله
 نفی دخی دنیایه متصرف اولق ظاهردر * دلیل عقلی بودر که
 رؤیت فعلی * لامحاله جسم و جوهر و عرض متعلق اولغله * اشای
 مرقومهک رؤیتی ینلرنده حکم مشترک اولور * پس حکم مشترک

ایچون علت مشترک که نک وجودی لازمدر * اول علت مشترک که یه
 وجود یا حدوث یا خود امکان اولور * حدوث وجود لاحق
 و عدم سابقدن عبارت اولغله * درجه علیتدن ساقطدر * عدم
 ایسه * نه علت و نه شطر علت اولور * کذلک امکانده اعدای اولغله
 علیتدن ساقطدر * پس علت مشترک که وجود اولدیغی ثابت
 اولدی * حضرت حق موجود اولغله * رؤیتی جائزدر * لیکن
 بواسطه دلالتده اماره ضعف اولغله * خصما طرفندن بوجه اوزره
 اعتراض وارد اولور که * ابتدا مرئی جسم * و جوهر اولدیغی
 ممنوعدر * بلکه اضواء و الوان و سطوح کبی اعراضدر * و لو سلم
 حکم مشترکی * علت مشترک که ایله تعلیل ممنوعدر * مشهود
 و محسوسدر که * حرارت نار ایله ضیای شمس ینلرنده مشترکدر
 حالبو که * نارد * علت طبیعت ناریه * و شمسده علت طبیعت ضیادر
 بونیده تسلیم ایده لم * لیکن بومذ کورده انحصاری ممنوعدر * زیرا
 حصول فی الجمله * کبی مذکور دن خارج شی * اخرده بولمق
 جائزدر * کذلک سزک عند کزده هر شئک وجودی * حقیقک
 عینیدر * بو صورتده اشای مذکور ینلرنده * مشترک اولق
 احتمالدن بعیددر * بونیده تسلیم ایده لم * لیکن عدمینک علیته صالح
 اولماسی مسلم دکدر * واقعا * اگر معلل اولسیدی صالح اولمازایدی
 ماده ایسه وجودی دکدر * زیرا معلل رؤیتک جوازیدر * جواز
 امکان معناسنه اولغله * عدمیدر * کذلک دلیلکز وجه آتی اوزره
 منقوضدر * زیرا ملموسیت * و مخلوقیت * و کون فی الجمله * و سائر
 اوصافک صحنی * اعراض و جوهر و اجسام ینلرنده * مشترکدر
 حکم مشترک ایچون ایسه * علت مشترک که لازمدر * اول علت مشترک
 یا امکان * یا خود حدوث * یا خود وجود اولور * امکان و حدوث
 ذکر ایلدیگن کز کبی * درجه علیتدن ساقط اولغله * وجود متعین

اولدی ❖ الله ذوالجلال موجود اولغله ❖ بومحالات ذات اقدس توارد
ایلمک صحیح اولور ❖ تعالی الله عن ذلك ❖ بعض محققین بوکونه
استدلال ایلدیلرکه ❖ حضرت حق سبحانه و تعالی عین ذاتی
ادراک ایدر ❖ ورؤیت حواس باقیه ایله ادراک اولمیان شیء ادراک
اولغله ❖ ذات الهی ❖ مطلقا رؤیته قابل اولور ❖ زیرا قابلیت ذات
قابل ندر ❖ ذاتدن اولان شیء ایسه ❖ برشبک اختلافیه مختلف
اولماغله ❖ بزم بصرمزه نسبتله ده قابل اولور ❖ واکر تفاوت ثابت
اولورسه ❖ رؤیتی قابل ذات جهتندن اولیوب ❖ بلکه ❖ مشاهده
مرئی یه قوتی اولماغله ❖ رائی جهتندن اولور ❖ بزم عبونمز ایسه
رؤیتی ممکن اولان اشیایی رائی اولغله ❖ مشاهده یه قوی اولور
پس رؤیت الهی صحیح اولور ❖ واکر ذات الهی رؤیتی ممکن اولان
اشیاددن ❖ عظمت و کبریا و صفایله ممتاز اولمق حسبیه عبونمزده
مشاهده یه قوت یوغبسه ❖ حق جل و علا اول قوتی خلق
ایلد کد نصرکه ❖ رؤیته قادر اولورز ❖ مؤمنون ایسه جنتده
روحانیون اولوب ❖ حجب ریب و ظنون ❖ و شکوک و اغلاطدن مخلص
و کدورات سائر دن صافی اولغله ❖ حضرت حق مکان
وجتندن ❖ و سائر امارات حدوثدن ❖ میرا تجلی ایلد کده کورملری
جائزدر ❖ قالدیکه ملک و جن و روح کبی ❖ موجوداتک بزره مرئی
اولسنه ❖ عادت الهی جاری اولماغله ❖ انلره رؤیت تعلق ایلز
یوقسه ❖ رؤیتلری محال دکلدر ❖ حضرت رسول الله صلی الله علیه
وسلم جبریل امینی بالدفعات کور دیلر ❖ و علی القاری
جلال سیوطی و بلقینی رحیم الله دن نقل ایدر که ❖ ملائکه و جن
طائفه سی دخی شرف رؤیتله مشرف اوله جقلدر ❖ و نسوانک
رؤیتنده مقاله وارد ❖ لکن عموم نصوص اقتضاسی انلرده
محروم اولمازلر ❖ ان شاء الله تعالی ❖ جمله من اول نعمتله منعم اولورز

❖ فینسون النعیم اذ اراؤه ❖ فیا خسران اهل الاعترال ❖

فاء ❖ فینسون تعقیب ایچوندر ❖ نینسون نسیاندن جمع غائب مستقبلدر
نسیان بوراده ترک معناسنه در ❖ فاعلی مؤمنونه راجعدر ❖ النعیم
مفعولدر جمله سی ❖ یراه المؤمنون جمله سی اوزره معطوفدر ❖ تعقیب
رؤیتهم الله فی الجنة ینسون النعیم سبکنده در ❖ فیا خسران کلمه سنده
فاء جزاییه در ❖ یاء حرف ندادر ❖ خسران منصوب منادادر ❖ اهل
کلمه سنه مضافدر ❖ ان کان الامر كذلك فیا خسارة المعترلة
علی انفسهم اخضری فهذا وقتک موقعنده در ❖ یاخود منادی
مخذ وفدر ❖ و خسران فعل مخذوفله منصوبدر یاقوم اخضرو
خسارة المعترلة قوه سنده در ❖ رفع خسران جائز دکلدر ❖ بوکونه
ندالر محضا مقام استعظام واستعجاب اولغله ❖ سامعینه تنبیه ایچون
ایراد اولنور ❖ نته که ❖ قرآن مبینده ❖ یا بشری و یا حسرة علی
العباد ❖ کریمه لری ویت یا ضیعة الملك والدين الخیف و ما تلقاه
من حادثات الدهر بغداد ❖ بیت بو و تیره اوزره در ❖ کویا که بوکونه
احوال ❖ بداعت یاخود بشاعت و فضاغت جهتلریله ❖ نوعلرندن
علی الکمال ممتاز اولملریله ❖ متجسم و ذوی الحیاة منزله تنزیل
اولنور ❖ نعیم و نعمی و نعمت بر معنایه در ❖ خسران خسارت
معناسنه در ❖ مفهوم بیت بودر که ❖ مؤمنون مکرمون ❖ دارالسرورده
لقای شرف التقای ربانیه مسرور ❖ واستفاضه نور حبور
ایلد کده جنتک جمله نعم و مطایب ❖ خاطر لرندن فراموش ایدر لر
زیرا جنت و جمله لطائف و نعمتی ❖ دیدار الهی یه نسبت تیر اعظمه
مقابل ذره ❖ و اعداد غیر متناهی یه محاذی مره ❖ مثابه سنده در
معلوم اوله که ❖ معترله طائفه سی که ❖ اکثر معظمت عقایده
اهل سنته مخالفت ایدر لر ❖ رئیس لری و اصل بن عطا نام کسنه در

حسن بصری علیه الرحمه مجلس شریف لرینه حاضر اولور
ایدی * برکون ارتکاب کیره مسئله سنده * مرتکب
کیره نه مؤمن نه کافر در دیوب * کفر و ایمان بیننده * منزله اثبات
ایلمکله * حسن بصری علیه الرحمه قدا عززل عنا بیور مغاله
من بعد اگا و اتباعنه * معتزله اطلاق اولندی * کندی نفس لرینه
اصحاب عدل و توحید * اطلاق ایدر لر * زیرا حضرت حق اوزره
ثواب مطیع * وعقاب عاصی واجب * و زعم لر نهجه * توحیده منافی اولان
صفات قدیمه منتفیدر ادعای لرینه مبنی * و مخالفت ایلد کیری معظمت
عقایدک بریدخی * ذکر اولسان رؤیت مسئله سیدر * وجه محرر
اوزره رؤیتی انکار ایدر لر (انا عند ظن عبدی بی) حدیث
قد سبسی اوزره * منالری حرمان نعمت رؤیتدر * زیرا ظن کله سی
بومقامده یقین و اعتقاد معناسنه در * حتی اضداد دندر * دیر لر
معنای شریف بو اولور که * عبدی بنی محیب الدعوه اعتقاد ایدر سه
دعاسنی قبول ایدرم * عفو و غفور اعتقاد ایدر سه * عفو و غفرانمه
مظهر ایدرم * جتنده مرئی اعتقاد ایدر سه * رؤیته نائل خلاصه
نه کونه اعتقاد ایدر سه وفق اعتقادی اوزره تجلی ایدرم دیمکدر
و بومعنای مؤید * حدیث شریف وارد اولشد * مفهوم منینی
بودر که * عبادتده منساوی ایکی کسنه * فضل الهیله * جتنه داخل
اولد قلرنده * برینسه درجه عالیه عنایت اولنور * دیکری یار بی
بو قولک ایله عبادتمز برابر ایدی * شمدی نائل درجه علیا اولسنک
سببی ندر دیو سؤال ایلد کده * حضرت حق جل و علا بیورر که
بو قولم درگاه الوهیتدن * درجه رفیعہ رجا ایدوب * سن آتشدن
نجات استدعا ایدر ایدک * هر قوله مسئو لنی اعطا ایدرم * اکابناء
حضرت رسول اکرم * صلی الله علیه وسلم * اصحاب کرامه
(سلو الله الدرجات العلی فانما تسئلونه کریم)

قالدیکه رؤیتی انکار ایله معتزله تکفیر اولماز * زیرا انکاره تصدیق
براهین عقلیه ایله اولوب * و رؤیته دال اولان آیات و احادیثی تأویل
ایدر لر * مؤل ایسه مکذب اولماز * اگر تأویل تکذیب اولسه
جیع فرقه مکذب اولمق اقتضا ایدر * فذلک بیان * سعادت مند اولان
اهل ایمان * خطیره جنانده * مظهر تجلی لقای رجن اولد قلرنده
حد و قیاسدن افزون * و تقویم و مقیاسدن بیرون * لذتی من لم ینق
لم یعرف ذاتقه سنه منوط * و کیفیتی لبس الخبر کالعبان باصره سنه
مشروط * نعم کونا کونی کور یحک * هر کس کندی نفس لرینی فراموش
ایدر لر * زیرا دیدار الهی بدن اعز و اعظم * الطاف و نعم یوقدر
مطلب اعلی * و مقصد اقصى در * اهل حقیقتک جنتی لسانه
الدقلری * محض اول شرف التقایه * وسیله مکانی اولدیغنه
مبیدر * یوقسه * بهشت اکدیقه زاهد اکل و شربک لذتن سویلر
مؤداسی * زاهد عبد البطن کی * حور و غلمان هواسی و اطعمه
واشر به اشتها سنه مبنی * جنت نیازنده اولمازل * بمحتمزه دایر حدیث
شریف دخی * مشهود اولمغله ثبت * اولندی (روی ان النبی
علیه الصلوة والسلام انه قال * بیما اهل الجنة فی الجنة اذ سطع علیهم
نور فاذا الرب جل و علا قد اشرق علیهم فلا یعطون فی الجنة
شئاً اقر لا عنینهم ولا اسر لقلوبهم من النظر الی الله تعالی فاذا
احتجب عنهم بقی نوره و برکته فیهم

وما ان فعل اصالح ذوا افتراض علی الهادی المقدس ذوال تعالی

مالبس معناسنه در * ان کسر همزه ایله زائده در * بعضیلر مخففه در
ضمیر شان محذوفدر دیدی * لکن ضمیر شان منصوبک ان مفتوحه
مخففه نک غیریده * حذفی ضعیفدر * فعل مبتدا اصالح ضعیفدر
ذوا افتراض خبریدر * بعض نسخه ده نصبه ذوا افتراض واقع

اولوب * شارحی ما کله سنه خبر منسوب ترتیب ایلمس * لکن سدید
اولدیغی بدید در * زیرا کتب نحویه ده مصر حدی که * ان کله سی
ما قبلنده اولان ما نك عملی مبطلدر زیرا ما کله سی ایس کله سنه
مشابهتدن ناشی عامل اولغله * عملده ضعیفدر * کندی ایله معمولی
میانی منفصل اولیحق عملانده اولور * وان کله سی بوکونه محالدره
کوفیونه کوره نافیه مؤ که در * زانده دکدر * دیمکه صحیح اولماز
مکر که ینلری مفصول اوله * واتران ایچون اصلح کله سنده کائن
همزه نك حر که سی ماقبلنك تنویننه نقل اولنق لازمدر * ذوافترض
صاحب وجوب معناسنه در که * واجب تأویلنده در * علی الهادی
ذوافترض کله سنه متعلقدر * هادی اسمای صفاتیبه دندر * المقدس
تقدیسدن اسم مفعولدر * شان الوهیته ناشیان اولان نقایصدن
متزه معناسنه صفت سلبیه در * ذوالتعالی ذوالرفعة والعظمة
معناسنه در * مفهوم بیت بودر که * حق جل وعلا اوزره عبادی
رعایت ایچون * ایمان وسائر اعمال صالحه کی * اصلح افعال واجب
دکدر * زیرا حق تعالی فاعل مختاردر * مراد ایدرسه ایشلر
ومراد ایدرسه ایشلر * معلوم اوله که * بومسئله ده اهل سنت ایله
معتزله میاننده اختلاف وارددر * اهل سنت عندنده حق تعالی
عباده اصلح اولانی اراده * وخلق ایلمک واجب دکدر * زیرا
الوهیت عبودیتیه مختص اولان * وجوبه منافی اولدیغندن بشقه
وجوب احکامدن اولغله * حاکم محتاجدر * بوايسه ایکی وجهله
الوهیته منافیدر * وحق تعالی به اصلح واجب اولسه * جمیع خلق
دارالسلام اسلامه هدایت ایدرایدی * ایمان وکفر ایله عبادک
اختلافده ایسه * اظهار عدل وایثار فضل * حکمتی مندر جدر
کذلك وجوب اصلح * جناب بارینک عباد اوزره هدایت
ورزق وصحت کی * فضائل ایله * متک ابطالانی مستوجبدر

زیرا کندی اوزرینه واجب اولان حق * ادا ایدن کسه نك مؤدی
علیه اوزره امتنانی قالمز * بوايسه * لقد من الله على المؤمنين
اذ بعث فيهم رسولا منهم و قل لا تمنوا على اسلا مکم بل الله یمن
علیکم ان هدیکم لایمان * کریمه سی منطوققبه باطلدر
وبطلان منت * بطلان جد و شکر ی مستلزمدر * حال بو که
جد و شکر * حضرت حقه ثابتدر * معتزله بغداد عندنده * عبادک
دین و دنیا سنده * حکمت و تدبیر اصلح و اوفق اولانه * رعایت
واجبدر * ومعتزله بصره عندنده * بالکزدینده اوفقه رعایت
واجبدر * زیرا واجب اولسه * عباد حقنده بخل ظلمی ثابت اولور
حق تعالی ظلمدن منزهدر * اهل سنه طرفندن * جواب اولنور که
طرف الهیدن منع اصلح بخل و ظلم دکدر * بلکه عدل و حکمتدر
کذلك اهل سنه دیرلر که * مثلاً آلام واسقامه مبتلا اولان
کافرک حالنه * اصلح اولان خلق اولنمیوب * یاخود طفولیتده فوت
ویاخود بلوغدن اول عقلی سلب اولنمیایدی * جناب باری انک
حقنده * افعال صالحه مر قومه نك برینی تجلی ایلوب * بلکه خلق
وابقا یتمکله * جهنمده خلودینی موجب * افعاله مبادرت ایلدی
کذلك ابلیس علیه اللعنه * رب انظرنی الی یوم یبعثون *
استمهالنه مبنی * حالنه اصلح اولدیغی اوزره مدته العمر * ابقاواضلام
عباده اقدار ایلدی * حال بو که * ابقا و اقداری * عذاب وعقابنك
ترایدینی مستوجب اولدی * بعض محققین دیرلر که * معتزله نك
اصلحدن مرادری * من حیث الکمل * کله نسبت اولمیوب * بلکه
برشخصه نسبتله در * نظام عالم خصوصنده فلا سفه نك ذاهب
اولد قلمری کی * بومنا سبتله ابو الحسن الاشعری علیه الرحه
استاذی ابو علی جبائی به سؤال ایلدیکه * مثلاً اوچ برادر اولسه
بری طاعتده * وبریسی کفر و معصیته امرار عرایدوب * اوچنچی

هنوز طفل ایکن وفات ایلسه * بونلرک روز قیامتده احوالری
نه کونه اوله جقدر * جباتی دیدیکه * اول نائل ثواب * ثانی مظهر
عقاب * ثالث نه ثواب ونه عقابه محل اولور * اشعری دیدیکه
او چنجی یار بی نیچون معمر ایلدک تا که * صلاح و عبادت ایدوب ثوابه
مظهر اولیدم دیرسه * حق تعالی نه یورر * جباتی دیدیکه
حضرت باری یورر که * ای قولم معلوم ایدیکه * سن متعبش اولیدک
فسق و معصیت ایدوب * جهنمه داخل اولور دک * بعده اشعری
ایکجه سیده دیرسه که * یار بی نیچون صغیر ایکن توفی ایلدک
تا که سکا عصیان ایتوب * جهنمه داخل اولیدم دیدکده * جباتی
میهوت اولدی * اندنصره اشعری * جباتی مذهبی ترک ایدوب
آثار سلنی تبع ایدرک * قواعد معتزله نک انهدامنه همت ایلدی
وقالدیکه * معتزله طرفندن بالاده بسط اولنان کلامه * کافر مر سومک
خلقی کذلک ابلبسک ایقا و اقداری * هر نقدر کندولرینه نسبتله
اصلح دکلسه ده * نظام عالمک کلبسنه نسبتله اصلح لردر * دیو
اعتراض وارد اولماز * زیرا بیان اولندیکه * اصلح ایله مراد لری
من حیث هوکل کله نسبتله در * اگر بویله اولسیدی * مراد لینه
عارف اولان اشعری نک سؤال مذکور * وجباتی نک بهت والزامنی
مقضى جوابی موجه اولماز ایدی * فاضل محقق عصام رحمه الله
مقام مزبوره بوکونه کلام ایراد ایلشدر که * حق سبحانه و تعالی
حقک ظهورینی * و اهل سنتک غلبه سنی مراد ایلدی * اگر مرادی
اولسیدی * جباتی به بهت لازم کلبوب * جواب ویرر ایدیکه
حق تعالی به اصلح واجبدر * اگر ترکی شخص آخره نسبتله موجه
اولان آخر اصلحک ترک حفظنی موجب اولزسه * پس محتملدر که
مر سوم اخ کافرک امامه سی ابوینک * و برادرینک کفرینی موجب
اوله مثلاً مر سومک موتی هنکامنده جزع و فزع ایدر * بو وجهله

انلره اصلح اولان مر سومک حیاتی اولدی * حضرت حق سبحانه
و تعالی بو اصلحی حفظ ایتکله * اکامتعلق اصلح و محتملدر که
کافر مر سومک نسلنده صلحا اولوب * انلره اصلح اولان ایجاد لری
اولغله * اکثرینه رعایتله مر سومه متعلق اصلح فوت اولدی
عصامک بومقاله سی تام اولدیغنی نمایان اهل کلامدر * زیرا جباتی نک
مذهبی بودر که * عبده اصلح اولانی اعطا * حضرت باری به
واجبدر * پس عبد مزبور حقنده اصلحی شخص آخرک اصلحی
ایچون ترک ایلمک * حق الهیده ظلمدر * تزییهی واجبدر * کذلک
علی کلا التقدرین جباتی نک بهتی لازم کلور * زیرا کافر مر سومی
صغیر ایکن امامه ایلسه * بر شخصه نسبت اصلح اولانی ابوین
حقنده ترک ایلمک لازم کلور * کیر ایکن امامه قیلسه * کذلک
اصلحی مر سوم حقنده ترک ایتمک لازم کلور

﴿ وَفَرَضَ لَكُمْ تَصَدُّقَ رُسُلٍ ﴾ وَأَمَّا كَرَامٍ بَأْتِئَالٍ ﴿﴾

اتزان ایچون رسل کله سی سبنک سکونیه در * فرض لازم
مقدم خبردر * تصدیق رسل مؤخر مبتدادر * لزومه تأکید
فرض عین اولدیغنی اشعار ایچوندر * رسل جمع رسولدر *
اکتفاء قبیلندندر * املاک کله سی رسل اوزره معظوفدر
جمع ملاک در * کرام کریمک جمعیدر * مکرم معناسنه در * املاک
لفظنک صفتیدر * وصف مزبور دن بعضیلر * ملائکه
زمره سندن * کاتب اعمال اولان ملکر در دیدی * نته که
قرآن مبینده * کراما کاتین وارد اولمشدر * بالنوال جار و مجرور
کرامه متعلقدر * نوال عطا و نصیب معناسنه در * بعض
نسخه ده تای فوقیه ایله بالنوالی واقع اولغله * بالتابع یا خود
بالتواتر معناسنه اولور * بو صورتده محذوف جاؤا کله سنه یا خود

فرض کلمه سینه متعلق اولور ❖ یا خود حال اولور ❖ جائین
بالتابع تقدیریه ❖ بعضی بر بنسخه ده بایی تصدیقه تعلیق
مع معناسنه جل ایلشیر ❖ مفهوم بیت بودر که ❖ عاقل بالغ مکلفه
وحدانیت الهی ایمانی فرض اولدیغی کبی ❖ رسل و انبیای عظامه
وملائکه کرامه ده ایمان ایلک فرضدر ❖ معلوم اوله که ❖ کافه
اهل اسلام ذاهل اولدیلر که ارسال رسل و انبیاء ممکنات عقلیه
قیلندرد ❖ بعده ینلرنده اختلاف ایلدیلر ❖ اهل حدیث
دیدیلر که ❖ ارسال رسل منساوی الطرفیندر ❖ یعنی مقتضیات
حکمتدن اولدیغی عقل حکم ایلز ❖ و عامه متکلمین دیدیلر که
ارسال رسل واجباندرد ❖ حق تعالی به بایجاب ❖ یا خود بایجاب
الغیر واجب معناسنه دکلدر ❖ بلکه حکم و مصالحی مقتضی اولغله
مقتضیات حکمتدن دیدیلر ❖ زیرا طرف الهیدن عبادی اوزره
امر ونهیك صدوری ❖ و عبادك دنیا و آخرت صلاحلرین
مستوجب اولان امور و احکامك اخباری ❖ حسنایاتی متضمندر ❖
حضرت باری تعالی دخی صریح ❖ یا خود الهام صحیحله بعض
عبادینی بو خصوصه ایثار و تخصیص ایلک ❖ عقله بعید دکلدر ❖
اول مخصص مأمور اولان ذات دخی ❖ مأمور اولدیغی اوزره
عباده اخبار و تبلیغ ایدر ❖ و دعواسنی مصدق یعنی جانب
الهییدن مخصص و مأمور اولدیغی مبین و ناطق ❖ علامتی دخی
اولور ❖ اول علامته معجزه دینور ❖ مثلی اثباتدن سائر ناس
عاجز اولدیغیچون ❖ بو تقدیر جه ❖ اول ذاتی جانب حقندن معلوم
بالضروره اولان امور و احکامده ❖ تصدیق واجبدر ❖ پس
بو وجهله ارسال رسل یا ریاضات و مجاهدات و انقطاع کبی
اعراض و احوال مکنسبه به مشروط ❖ وصفای جوهر و ذکای
فطرت کبی ❖ استعداد ذاتی به منوط دکلدر ❖ نه که حکما اکا

ذاهبدر ❖ بلکه ❖ یختص برجه من یشاء من عباده ❖ منطوقجه
ایثار سبحانی و تخصیص ربانیدر ❖ حکمای اسلام دیرلر که
حضرت باری عزشانه انسانی امر معاشنده مستقل اولیه رق
خلق ایلدی ❖ زیرا انسان غذا و لباس و مسکن و سلاحه
محتاجدر ❖ جمله سی صنایعه در ❖ شخص واحد ایسه ❖ ذکر اولنان
امور لازمه سنی بالکمزجه ترتیب ایلک ❖ خارج امکان اولوب بلکه
بنی نوعندن معاونه و معاوضه به محتاجدر ❖ پس انسان بالطبع
امر معاشنده تمدن و اجتماعه مضطر اولور ❖ انسان مدنی
بالطبع دیدکلرینک معناسی بودر ❖ بعد ذلک بری برلرینه معاونه
و معاوضه ینلرنده معامله و عدل اولدجه منتظم اولماز ❖ زیرا
هر کس محتاج اولدیغی نسنه به اشتها ❖ و مزاحنک دفعنه اعتنا
ایدوب ❖ و خیر مطلوب بالذات اولغله ❖ مجموع خیرات و حسناتی
کندی نفسیچون اختیاره عزم ایدر ❖ و بوجهته ملا یمتلی
مزاحمتی مؤدی اولغله ❖ حسب البشریه شهوت و غضبی جور
و ظلمه داعی اولور ❖ بو صورتده هرج و مرج و قوعبله ❖ ینلرینه
اختلال طاری اولور ❖ اختلال مر قوم انجق میانلرنده تسویه
و تعدیل تحقیقه مندفع اولور ❖ تعدیل ایسه تحت حصر
و احصاده اولیان ❖ جزئیاته شامل اولماغله ❖ بر قانون کلی به
محتاجدر که ❖ اکا شریعت اطلاق اولور ❖ شریعت دخی
وجه لایقی اوزره وضع و فرض ایدن شارعه موقوفدر ❖ شارع
اولان ذات دخی ❖ البته احاد ناسدن استحقاق طاعتله ممتاز اولغله
محتاجدر ❖ استحقاق مزبور طرف الهیدن ورودینه دال اولان
آیات ظاهره و معجزات باهره به اختصاصله ❖ متحقق اولور
خوارج طائفه سی دیرلر که ❖ زمان جوازده ❖ یعنی زمان بعثت
رسول اللهیدن مقدم ❖ رسالت ادعا ایدنلرک قولنی معجزه اقامتی

اولیه رق قبول و خبرنی تصدیق واجبدر ❦ توقف ایدن
ساعتنده کافر اولور ❦ طائفه مسفوره نك مذهبلری باطلدر
زیرا من حیث الصورة ❦ نبی ایله متنبی فرق اولنماز ❦ غائبه ده
علم مخلوق تعلق ایلر ❦ سمنیه و براهمه طائفه لری دیرلر که
ارسال رسل محالدر ❦ زیرا ارساللری یا عقله موافق یا خود
مخالف اولان مواد ایچون اولور ❦ صورت اولده عقل مستغنی
اولغله رسالتلرینه حاجت یوقدر ❦ صورت ثانی مقبول دکلدر
بو شبهه لری باطالدر ❦ زیرا عقله موافق اولان ایکی قسمدر
قسم اول ❦ عقل ادراکنده مستقل اولان شیدر ❦ قسم ثانی
عقل ادراکنده مستقل اولمیاندر ❦ احتیاج قسم ثانی به
نظر ایله در ❦ بلکه قسم اولده ده نظر ایله در ❦ زیرا عقل نقله
متعاضد اولور ❦ و ارسال رسلک وقوعنه دلالت ایدن نصوص
قاطععه ایله ❦ کتاب وسنت مشخونددر ❦ ایمدی حضرت آدم دن
خاتم الانبیاء علیه افضل التحایا حضرت لرینه کلجه ❦ کافئه انبیاء
ومرسلینه ❦ و طرف الهیدن کتوردکلری بالضروره معلوم
اولان احکامه ایمان ایملک ❦ هر عاقل مکلفه واجبدر ❦ قالدیکه
اجتهادیات کی ❦ بالضروره معلوم اولمیان تصدیق لازم دکلدر
ومنکری تکفیر اولنماز ❦ وتصدیق انبیاده تعیین عدد لازم دکلدر
زیرا حجت قاطعه اولیحق ❦ عدد ذکرنده داخلی اخراج وخارجی
ادخال ایله ❦ ویقولون تؤمن ببعض ونکفر ببعض ویریدون
ان یخذوا بین ذلک سبیلا اولئک هم الکافرون حقا ❦ وعبدی
اوزره تکذیب ❦ وکفره تأدی لازم کلور ❦ کرچه بعضیلر جمله
انبیای عظام ❦ یوزیکرمی درت پیک ❦ و رسل کرام اوج یوزاون
اوج ذوات فخامدر ❦ دیور وایت ایدرلر ❦ لکن مقطوع دکلدر
وبراهمه نك بعضیسی ❦ بالکمز حضرت آدمک نبوتنه قائلدر

وصائبه طائفه سی ❦ حضرت شبت ❦ وحضرت ادریس
علیهم السلامک نبوتلرینه ذاهبلردر ❦ ویهودک بعضیسی ❦ موسی
علیه السلامدن غیر بی انکار ایدرلر ❦ یوایسه نص شریفک خلافدر
قال الله تعالی ❦ قل یا ایها الناس انی رسول الله الیکم جمیعا
وما ارسلناک الا کافه للناس ❦ الا یة و دیرلر که عرب میاننده
شرکک شیوعی اولغله ❦ ارسال پیغمبره انلر محتاج اولدیلر ایدی
اهل کتاب محتاج دکلر ایدی ❦ حال بوکه ❦ یهود حضرت عزیره حاشا
نبوت اسناد ونصاری تثنیه جسارت ایدوب ❦ دینلری کونا کون نسخ
وتخریفله خلل و بطلالت بولشیدی ❦ وملائکه کرام حضراننده
تصدیق ایملک واجبدر ❦ خفی اولیه که ❦ ملک لفظی اصلده مألک
ابدی الوکه دن مأخوذدر ❦ رسالت معناسنه بعده لام تقدیم اولنوب
ملائک اولدقد نصکره ❦ همزه اسقاط اولندی ❦ ماهیتلرنده
بعدالاختلاف ❦ بانفسهم قائمه ذوات موجوده اولدقلرینه اتفاق
ایلدیلر ❦ اکثر متکلمین عنینده ❦ صور مختلفه ایله تشکله قادر
اجسام لطیفه در ❦ تجلی والتذاذ ❦ انوار قدسیه دن ❦ اوقاتدن
بروقنده ❦ وحالاتدن برحالتده ❦ نوم وغفلت ❦ وشهوت عائقه لریله
محجوب ومنوع دکلدر ❦ بلکه عالم قدسیدن مطالععه ایلدکلری
لطائف ملکوتیه ایله ❦ متلذذ ومتعملدر ❦ طاعتلری طبع
وعصیانلری تکلفدر ❦ نته که ❦ بشر آلرک خلافته در ❦ ونسبیحه
اشتغاللری اعمال سائره لرینه مانع اولماز ❦ زیرا تسبیحلری بزم
نفسی منزلنده در ❦ واکل شربلری یوقدر ❦ لکن فوایح طبیه بی
محب وروایح کریمه دن مجتنبلردر ❦ و ذکورت وانوشله موصوف
دکلردر ❦ ولا یعصون الله ما امرهم ❦ منظوقی اوزره قطععا
عصیان ایلرلر ❦ یهود طائفه سنک ملائکه کرام واحدا بعد
واحد ❦ بعضا کفری مرتکب اولوب ❦ حضرت باری تعالی

کند و لرینی مسخ ایدر دیدگری ❦ ذکر اولسان نص شریفه
مبطلدر ❦ قالدیکه ابلبس علیه اللغه صحت استثنا دلا لیتله
ملائکه دن ایکن کافر اولدی می دیو سوال اولنور سه ❦ جواب
ویریلور که ❦ ابلبس اجنه طائفه سندندر ❦ امر ربانی به امتثال
ایلمدی لکن باب عبادتده و رفعت درجه ده ملائکه صفاتده
اولغله ❦ بین الملائکه مغفور و مستور اولدیغندن ❦ آنلره الحاق
و تغلیبیه استثناسی صحیح اولدی ❦ یا خود اعلایه امر ادنایه
امری متضمن اولدیغنه منیدر ❦ وهاروت و ماروت قصه سنده
اصح اولان ایکی ملکر در ❦ کند و لر دن کفر و کیره صادر
اولا مشدر ❦ و تعذیبیری معاتبه وجه اوزره در ❦ نه که ❦ انبیای
عظام زله و سهو اوزره معاتب اولورلر ❦ انما نحن فتنه
فلا تکفر ❦ منظوقجه امتحان ایچون ناسه سحر تعلیم ایدوب
و وقت تعلیم لرنده و عظم و نصیحت ایدر لر ایدی ❦ تعلیم سحر
ایسه کفر دکلدر ❦ بلکه عمل و اعتقادی کفر در ❦ و انبیای عظام
ایله تفاضلیری خصوصنده اختلاف وارد ❦ اکثر علما عندنده
رسل انبیاء رسل و غیر رسل ملائکه دن ❦ و رسل ملائکه عامه
انسان دن و مؤمنون عامه ملائکه دن افضلدر ❦ و اسمای
ملائکه نک مجموعی اعجمیدر ❦ الامنکر و نکیر و مالک و رضوان عریدر
و حضرت باری تعالی ❦ وان علیکم لحافظین کراما کاتبین ❦
منظوقجه هر آدمه ایکی ملک تعیین ایلشدر ❦ کاتبون و حفظه دخی
دیرلر ❦ زیرا کاتبه اعمال عبادی حفظ ایدرلر ❦ بعض شراح ناظمک
کرام قرینه سبله ملائکه دن مرادی بونلدر دیمش ❦ کر چه
عند الله جمله سی مکرملدر ❦ مشکوة مصابحه مسطور در که
برکده برگاه ایشلدکده ❦ صاحب بین اولان ملک که ❦ خیر اعمالی
یازمغه مأمور در ❦ صاحب یساره که شراعمالی یازمغه مأمور در

اول گاهی مکفر برحسنة صدوری مأمولیه ❦ یدی ساعته قدر
توقفله امر ایدر ❦ بعده اول کسه برگاه ایشلسه ❦ ثم ثم درت گاه
ایشلسه ❦ بعده کندودن برحسنة صادر اولسه ❦ من جاء بالحسنة
فله عشر امثالها ❦ موجبجه اون حسنه اعطا اولنوب ❦ درت
سبئه به مقابل اولدقد نصکره ❦ باقبسی جریده سنه قید اولنور
و بعض علما دیرلر که ❦ هر انسان ایچون درت ملک وارد
ایکبسی نهاده و ایکبسی لبلده واقع خیر و شرک کتبنه مأمور در
برروایتده شهود طاعتک کثیر ❦ و شهود معصبتک قلیل
اولسیچون ❦ هر کون خیرات کتبنه ❦ برر ملک معیندر ❦ لکن
سبئات تحریرینه مدة العمر ❦ فقط برر ملک مأمور در ❦ بودخی
مأثور در که انسانک قعودی حالده یمین و شمالنده ❦ برر ملک ❦ نومی
حالده بری باشی و بری ایاغی طرفنده اولور ❦ مشی حالنده
بری قدامنده و بری خلقنده کیدر

❦ و ختم الرسل بالصدر المعلی ❦ نبی هاشمی ذی جلال ❦

ختم الرسل مبتدادر ❦ بالصدر خبریدر ❦ المعلى تشدید لامله
صفیدر ❦ نبی صدر دن بدلد ر مجر و در ❦ عطف بیان
دکلدر ❦ زیرا فی نفسه ایضاح یوقدر ❦ لکن عطف بیان
متبوعندن اوضح اولق شرط دکلدر ❦ بلکه انضمامدن ایضاح
متحصل اولق شرط در ❦ یا خود مبتدای محذوفه خبر در
اعنی تقدیریه ذال جلال نسخه سی اکامعادلدر ❦ خبر اولدیغنه
کوره بالصدر ظرف اولور ❦ و نبی کله سی مقدمجه بیان اولندیغی
اوزره رفعت معناسنه نبوتدن مأخوذ اولور ایسه ❦ فاعیل بمعنی
مفعول اولور ❦ و غیر مهموز اولور ❦ و خبر معناسنه بناء کله سندن
مأخوذ اولور ایسه ❦ بمعنی فاعل اولور و مهموز اولور ❦ لکن

ذریه و بریه و خایه کله لرنده متروک اولدیغی کبی * بونده دخی
متروک اولمشدر * هاشمی صفتدرباء نسبیه در * جدی اولان
هاشم بن عبد منافه منسوب اولمشدر * پدرلی عبدالله * وانک
پدری عبدالمطلب * وانک پدری هاشم در * اسمی عمر والعلادر
علو مرتبه سنه بناء علا ایله توصیف ایلدیلر * هشم ترید ایتکله
هاشم ایله ملقب اولدی * بغایت کریم الذات * وعلی الجناب
مضیاف و منعم ایدی * جل ابنای سبیل و تأمین خائف و اطعام
واسقا و اکساء و صلہ رحم و سائر مأربیه ایله متصف ایدی
ذی جمال صفت بعد صفتدر * مفهوم یت بودر که * حضرت
محمد علیه السلام خاتم الانبیاء والمرسلین اولغله * نبوت و رسالت
ذات سعادت لریله ختام بولمشدر * و صدر لفظی هر شئتک مقدم
و اولنه دیرلر * و سینه معنا سنه ده اولغله * استعاره طریقه سیله
بومقامده اراده اولنق ممکندر * و ناظم * صدر عنوانیله اولین
خلقت اولدیغنه نازکانه اشارت ایتمشدر * خفی اولمیه که * اول
انبیای کرام * حضرت آدم علیه السلامدر * نبوته * اجتنابه ربه
فتاب علیه وهدی * کریمه سی دالدر * مفسرین اجتبادن
مراد * نبوتد ریدیلر * لکن نبوتی جتده می یوقسه * خروجدن
صکره می واقع اولدی اختلاف ایلدیلر اکثر علما عندده
خروجدن صکره واقع اولدی * و آخر انبیای عظام حضرت
محمد علیه الصلوٰۃ والسلامدر * ولکن رسول الله و خاتم النبیین
کریمه سیله منصوصدر * و معلوم اوله که * ابتدا حضرت خاتم
الانبیاء علیه السلام * حق پیغمبردر * زیرا نبوت ادعا و معجزه
اظهار ایلدی * لا محاله بوصفت اوزره اولان پیغمبردر * زیرا
غیر حقنده * ادعای نبوت عقینده * معجزه اظهاری محالدر
وقالذیکه * ادعای نبوتی تواترایله ثابتدر * معجزه سی دخی جله دن

اظهر ید مزده اولان قرآن کریمدر * زیرا جمیع فصحاء و بلغاء
معارضه سندن عاجز اولمشدر * عامه بلغا بر اقصر سوره سنه
نظیره ایرادینه قادر اولدیلر * حتی منقولدر که * فصحای اقطار بلاد
هر سنه * موسم جده * مکّه مکرمه ده مجتمع اولوب * مناشده خطب
واشعار ایدرلر ایدی * علی العاده بر سنه دخی تجمع ایدوب * ینلرنده
بووجه اوزره ایراء زناده مشورت ایلدیلر که * هر طرف رجالی
میانلرندن بالغ مبلغ کمال فصاحت اولان * برکسنه بی اختیار ایدوب
اکا قرآن کریمدن برجز اعطا * و بر سنه امهال ایده لر * بومشورته
صورت و پروب وقتا که * سنه قابله ده ینه مکّه مکرمه ده اجتماع
ایلرلیله فصحای مزبور و نندن استطلاع ایلد کلرنده * بریسی
بووجه اوزره جواب ایلدیکه * کامل بر سنه در خواب و خوردی
ترک ایدوب اول حصه م اولان یالکز * فلما استنأ سوا الله
خلصوا نجبا * کریمه سنه نظیره خصوصنه حصر جله
ایام و لیل * و افراغ وسع و مجال ایلدم * اتیان نظیره دن عاجز
و فرومانده اولدم دیدی * ایکنجبسی دخی اول صحیفه
حصه سی اولان * مثل الذین اتخذوا من دون الله اولیاء
کمثل الغنکبوت اتخذت یثما * کریمه سنه * اوچنجبسی
* وقیل یا ارض ابلعی ما نک و یا سماء اقلعی * کریمه سنه
* دردنجبسی * یا ایها الناس ضرب مثل فاستمعوا له ان الذین
یدعون من دون الله لن یخاقوا ذبا با و لو اجتمعوا له * کریمه سنه
نظیره ترتیبندن عاجز قالذیغنی اعتراف ایلدی * ایمدی
بوگونه عجزلری دلالت ایدر که * معجزه در * تلقاء نفس نبویدن
دکلدر * بلکه حکیم مجید طرفندن نازل اولمشدر * بعض علما
دیدیلر که * ختم نبوت خاتم الانبیایه * دلیل عقلیه استدلال ممکن
دکلدر * لکن بووجه اوزره امکانده در که * نبوت حضرت

محمد ایله تمام و کمال بولدی * تمامد نصکره زیاده یوقدر * زیرا
حضرت رسول الله کتور دیکی کتاب و سنت دنیا و آخرته
متعلق جمیع ازمانده * جمیع املک محتاج اولد قسری عامه امور
وا حکامی مشتمل اولغله * اصول اخرا دن مغیدر * جمله عقول
و طبایع سلیمه و فاء غرضی استخسان ایشدر * و منقولدر که
ملت سائر اصحابدن بریسی بر فقیهدن ختمیه دال دلیل عقلی
طلب ایدوب * فقیه مزبور عاجز اولغله اول شخص بوجه
اوزره سرد کلام ایشدر که * نبوت ایکی قسمدر * عملی و علمی
عملی قسمی حضرت موسی مشتمل * و علمی قسمی حضرت عیسی
محتفل اولغله * من بعد قسمین مزبور بنده هر برینی حامل پیغمبره
حاجت یوقدر * انجق قسمین مزبورینی حاوی * پیغمبر احتمالی
قالشدر * پس حضرت عیسا دنصکره حضرت محمد علیه
الصلوة والسلام تشریف ایلکله * بالضروره قسمین مزبورینی
حامل اولغله * کندودن صکره باب نبوت مسدود اولمشدر
وقالديکله نصاری و یهود * حضرت رسول الله عدم رسالتنه
بوجه ناموجه اوزره احتجاج ایدر که * رسالت محمدی نسخ
دینک جوازینه موقوفدر * نسخ ایسه باطلدر دیرلر * اما مقدمه
اولی * زیرا رسول شرع جدید * یاخود شرع آخرک بعضی
نسخله مبعوث اولور * نسخ ایسه محالدر * زیرا منسوخ فی ذاته
حسن ایسه نسخی قبیح اولور * و اگر قبیح ایسه حضرت باری
قبیحله امر ایلک لازم کلور * كذلك نسخ بداپی که بر حکمدن
رجوع و ندامتدر * موجب اولور * بوايه حضرت حق
نسبت محالدر * اکا جواب ویریلور که * برنسنه بروفته بر قومه
نسبت حسن اولوب * وقت دیگرده قوم آخره نسبت * حسن
اولماق جائزدر * زیرا ناس فهم و بلاد و رد و قبول و غلطت

و دقت و انکار و تسلیم خصوص سرنده مختلفلردر * علم ازلیسنده
زمان معین ایله مقید اولغله بدا لازم کلز * زیرا بوضو رتله نسخ
حکم شرعی سابقک انتها سنی بیان اولور * بوايه محال
دکلدر * والسلام علی من ارسل رجه لاهمة الانام

❦ امام الانبیاء بلا اختلاف ❦ و تاج الاصفیاء بلا اختلال ❦

امام الانبیاء مجروردر * بیت سابقده اولان بی کله سنک
صفیدر * یاخود مبتدای محذوفه خبردر * امام مقتدی معناسنه در
وتاج الاصفیایه معطوفدر * تاج معلومدر * بوراده بالاستعاره
رئیس دیمکدر * اصفیاء جمع صفی در * صفی اول کسنه در که * صفات
ذمیه دن مبرا و کدورات نفسانیه دن مقدس اوله * مراد ملائکه
کرام * و اولیای ذوی الاحترامدر * مفهوم بیت بودر که * حضرت
شاه سریر اصطفای علیه اصفی النجایا پیشوای جماعت انبیاء
و مقتدای زمره اصفیادر * و بوبابده جمله اهل اسلام متفقددر
معلوم اوله که * ناظمک امامتدن مرادی آخرت اعتباریه یاخود
لیله معراجده بیت مقدسده * جماعت انبیایه امامت ایلدکلی
اعتباریه در * یاخود معنای بیت حضرت رسول الله جمله انبیانک
تفضیل الهیه افضلیدر * یعنی تفضیل اعمال حسبیه دکلدر
نته که معتزله ملائکه بی مطلقا * انسان اوزره اعمال حسبیه
تفضیل ایدرلر * تفضیل الهی اولدیغنه * ولقد فضلنا بعض النبیین
علی بعض * و تلك الرسل فضلنا بعضهم علی بعض *
کریمه لری دلالت ایدر * زیرا تفضیلات ذات الهی به مضاف اولمشدر
* و قرآن کریمده * کنتم خیر امه اخرجت للناس * کریمه سی
فضیلت محمدی به دلالت ایدر * زیرا هرا تمک شرفی کندولره
مبعوث پیغمبرک شرفیه اولور * لکن بومقاله ۳ کلام وارد اولور

جائز در که خیریت امت * سهولت انقیاد * و وفور عقل و رشاد
و قوه ایمان * و کثرت اعمالی سببیه اوله * و افضلیت محمدی به
به وجه اوزره ده استدلال اولور که * شرف و فضیلت صفات
کمال اعتباریه در * حضرت رسول الله جمیع انبیاء تک متصف
اولدقلری اوصاف شریفه ایله متصف و لغله * جمله سندن افضل
و اشرف اولور * و افضلیته دلائل نقلیه کثیره در

و بَاقِ شَرْعِهِ فِي كُلِّ وَقْتٍ ۖ اِلَى يَوْمِ الْقِيَمَةِ وَارْتِمَال ۖ

باق کله سی مقدم خبردر * شرعه مؤخر مبتدادر * و ارتحال کله سی
القیمة اوزره معطوف اولغله * الی یوم ارتحال الناس من الدنیا
تقدیرنده در * مفهوم بیت بودر که * حضرت رسول الله شریعت
سمحا و ملت بیضاری نسخ و تبدیلدن بری و قیامتیه قدر
باقیدر * بیت مر قومه قیامتدن مراد * ظهور ارتحال و ارتحالدن
مراد وقوع ارتحالدر * معلوم اوله که * شرع لغتده اظهار و بیان
و طریق معنارینه در * بعده وضع الهیله موضوع و انبیادن
برنی ایله ثابت طریقده استعمال اولندی * دین لغتده جزا و عادت
معناسنه در * بعده ذوالعقولی اختیار محمودلریله بالذات خیره
سائق وضع الهیده استعمال اولندی * قلبی و قالیدن اعمدر * اعتقاد
و علم و صلو کبی * بعض محققین دیدیلر که * انبیادن ثابت اولان
طریقده مخصوصه * ما به الجزاء اولدیغی حیثیتله دین * و مجتمع و مملی
اولدیغی حیثیتله ملت * و واجب الاذعان اولدیغی حیثیتله ایمان
و تسلیم اولدیغی اعتبار ایله اسلام * و زلال کائنیه متعطشونک
و رودی اعتباریه شریعت * و جبریل علیه السلام اسمی ناموس
اولغله * جبریل واسطه سیله وارد اولدیغی اعتباریه ناموس اطلاق
اولور * قالدیکه حضرت ابراهیم علی نبینا وعلیه التسلیم ملتی ملت

محمدیده داخل اولغله * اتباعیه مأمور اولمشزدر و حضرت
باری تعالی و جناب رسول الله من غیر انکار * ذکر و بیان
ایلدکلری شریعت سالفه بزه دخی شریعتدر * و مجموع شرایعک
قطعا اصولده اختلافلی یوقدر * جمله سی فروعه متعلقدر
و حضرت رسول الله شریعتی * قیامتیه قدر باقیدر * زیرا خاتم
انبیا اولدیغی نص صریحه ثابت اولمشدر * و وحی و الهامه
علی سبیل الاجمال و التفصیل جمیع خلقک احوال و احکامی
ضبط ایلشدر * و امتک علماسی بعض احکام مبهمه بی کتاب
و سنت * و اجاع و قیاسله بیانیه کافیلدر * زیرا سائر ائم علماسندن
اعقل و اعلملردر * تنه که * حقارنده * علماء امتی کا نبیاء بنی اسرائیل
وارد اولمشدر * قالدیکه * حضرت عیسی علیه السلام شریعت
جدیده ایله * نازل اولمیه جقدر * بلکه خلیفه رسول اوله جقدر
و رفع جزیه بی حضرت رسول الله خبر و یرمکه * شریعت محمدیه
احکامندندر

وَحَقُّ امْرِ مَعْرَاجٍ وَصَدَقَ ۖ فَقِيهِ نَصُ اَخْبَارِ عَوَالِي ۖ

و حق مقدم خبردر * ثابت معناسنه در * امر معراج مؤخر مبتدادر
امر معراج الرسول تقدیرنده در * و صدق حق اوزره معطوفدر
صادق معناسنه در * فقیه کله سنده فاء سیبیه در * ضمیری معراجیه
راجعدر * نص لفظی تصریح معناسنه در * اخبار جمع خبردر
عوالی جمع عالییه در * باخود جمع عالی در * زیرا صفت اولان فاعل
ذوی العقولک غیریده اولور سه * فواعل اوزره قیامی جعلنور
زیرا جمع مذکر غیر عاقلک جمعی * مؤنث عاقل مجراسنه جاری
اولور * نجم طالع و طوالع و جبل شامخ و شواخ کبی * مفهوم
بیت بودر که * حضرت رسول الله خصیصه معراجی ثابت

کلام مذکور بی وجهه
دفع میکند که * الناس علی
سلوک متنوعهم مقتضای
هم حال امت تابع اولدقلری
بمعبرک اخلاقیه متخلق
اولور که بنده مصدر شرف
یعنی در

و متحقق و واقعه مطابقدر * زیرا ثبوتی باینده متواتر و مشهور کی
 اخبار عالیہ منصوص اولشدر * معلوم اوله که * علمای کرام
 ذات معراجده بالجملة اتفاق ایلدیلر * لکن بقطه حالنده میدر
 رؤیا حالنده میدر * یعنی جسمانییدر یوقسه روحانییدر * و وحی
 ظهورندن اولی * یوقسه صکره میدر * اختلاف ایلدیلر * محققین
 دیرلر که * قبل الوحی عالم رؤیاده نائل معراج اولوب * بعده هجرتدن
 برسنده مقدم * ماهر جبده بقطه حالنده بحسده عروج ایلدیلر * نه که
 * سبحان الذی اسری بعبدہ لیلًا من المسجد الحرام الی المسجد
 الاقصی الذی بارکنا حوله لئلیه من آیاتنا * الیه کریمه سی
 میندر * آیاتدن مراد * لیلہ اسرا ده مشاهده ایلدیلر لقای
 انبیاء * و سدره متنها * و بیت معمور * و سایر عجائب و غرائب
 مرویدر که * لیلہ مر قومه ده مکة مکرمه ده * بیت امها نیدن مسجد
 اقصایه که * بیت مقدسدر * ینلری قرق مرحله مسیره در * اسرا
 اولنوب حضرت محی الاموات * اول کیجه جبع انبیای احیائیکله
 بیت مقدسده اجتماع ایلوب * جبریل امین اذان و اقامت * و حضرت
 امام الانبیاء اقامت ایدوب * ایکی رکعت نماز ادا ایلدیلر * سند
 صحیحله مثبت اولدیغی اوزره * حضرت رسول الله بوجه اوزره
 خبر و پرشددر که * اول کیجه بیت امها نیده چشم خوایده و قلبم
 بیدار ایکن * جبریل امین کلوب * یا محمد بو کیجه لیلہ نوم دکلدر
 بلکه لیلہ خلعت و کرامتدر * حرکت قبل دیمکله * بندخی قالقوب
 ایدست الدم * بعده خانه دن خروج ایلدم کوردمکه * حضرت
 اسرافیل پیشکاماید * براقله ابستاده * موقف انتظاردر * و براق
 جاردن اکبر * و بغلدن اصغر * حیواندر * جبریل بررکابی و اسرافیل
 رکاب دیکری طوتوب * بندخی سوار اولقی مراد ایلدیکمه * براق
 نعصبه شمسى اظهار ایتکله * جبریل یا براق رام اولکه

ه شمسى ضله اناک
 اوستنه ادمیندر مامک
 استمیدر

بوندن افضل کسه سوار اولماز دیدکده ساکن اولوب * بندخی
 سوار اولدم * براق ایکی جناحی اولوب * قدمی مدای بصربنه
 وضع ایلکله درحال * مسجد اقصایه و اصل اولدق * انده جبع رسل
 کرام حاضر بولمغله * اشارت جبریل ایل * بن امامت ایدوب
 جماعتله ایکی رکعت نماز ادا ایلدک * بعده حضرت حق سبحانه
 و تعالی رسل مشارالیهکم بعضیسنی آسمانه رفع ایلدی * بعده
 بشخصه سمایه * و اندن سدره متنها یه * و عرش اعلا یه عروج
 ایدوب بعده * فاوحی الی عبده ما ووحی * کلزارنده کلچین
 اسرار * و حقایق کونا کون اولدیلر * معتزله طائفه سی معراجک
 رؤیاده اولدیغنه ذاهب اولدیلر * و ما جعلنا الرؤیا الی اربناک
 الا فتنة للناس * کریمه سیله و اسرا آیتنده مسجد اقصانک
 منتهی وقوعبله * و حضرت معاویه دن مروی کانت رؤیا صالحه
 و حضرت عایشه دن مروی (ما فقد جسد محمد لیلہ المعراج)
 حدیثلریله احتجاج ایلدیلر * و عقلا استبعاد و استحاله ایلدیلر
 و حکماء کره زمهریر * و کره نار دن عبور * و افلاک خرق
 و التیاملری محذورینه منی * معراج جسمانی بی انکار ایلدیلر
 ابتدا معتزله یه جواب و یریلور که * و ما جعلنا الرؤیا الی
 کریمه سنده رؤیادن مراد عینله کورمکدر * اگر سؤال
 اولنورسه که * رؤیا لفظنک متبادری * بصیرتله کورمک اولغله
 تبادردن عدولک وجهی ندر * جواب اولنورکه * آیت مر قومه نک
 منطوقی اولان ماده معراج * محضا موجب افتان اولدیغی کی * انی
 ناطق الفاظ دخی احتمالاتی متضمن اولغله * ناطق و منطوق
 متوافق اولشدر * کذلک ذکر اولنان رؤیا غزوه بدرده هزیمت
 کفار متعلق رؤیا اولق محتملدر * یا خود مکة یه دخولی مبشر
 اولان رؤیادر * بعض مفسرین دیدیلر که * این شرکائی و تبره سی

یعنی مشا کله طریقدسی اوزره ❖ رؤیا ایله تسمیه ❖ مکذینک قولنه
موافقتله در ❖ و حضرت معاویه نك صالحه ایله توصیفی منافق
دکدر ❖ و حضرت عایشه نك مرادی جسد رسول الله روچندن
مفقود اولدی ❖ بلکه مقارنا عروج ایلدی دیمکدر ❖ وعقلا استبعاد
اولماز ❖ زیرا یضاوی مرحوم تحریری ❖ طرفین قرص آفتاب
مابین ❖ کره ارضک ایکی طرفی مابینت ❖ یوز التمشدن زیاده ضعیفی ایکن
آفتابک طرف اسفلی اعلا سنک موضعنه ❖ ثابته دن ازمدته واصل
اولور ❖ و مبرهنه در که ❖ اجسام قبول اعراضده مشاویه در ❖ یعنی
عنصریات ❖ و فلکیاتک هر برینه ❖ صحیح اولان آخره ده صحیح اولور
حضرت حق سبحانه و تعالی ❖ ممکناته قادر اولمغله ❖ بو گونه حرکت
سریعه بی بدن رسول کزینده ❖ و براقده خلق ایلمکه قادر در
فلاسفیه ده بو گونه جواب و یریلور ❖ و خرق و التیام ماده سی کندی
اصولرینه مبنیدر ❖ و نزول ملائکه بی ننکاره مؤیدر ❖ العجب که
هرمس هر امسه نك آسمانه عروج ایدوب ❖ اوتوز سنه مدت فلك
زحل ایله دورانه قائل اولورلر ❖ و معراج نبوی بی انکار ایدرلر
جمله معجزاتدن شق القمر معجزه سی که ❖ وقوعی بدرکی روشنادر
اصوللرنده قرص قمر بر جرم کندی اللون اولوب افاضه نور
خورشید ایله مستضی ایکن ❖ ایکی پاره اولوب نورانی اوله رق نازل
و بعده صاعد و ملتئم اولدیلر ❖ و امام علی کرم الله وجهه
حضرتلری صلوة عصری اکمال ایچون ❖ شمس خلاف طبیعی رد
و توقیف اولندی ❖ پس اصول قنده قالدی ❖ مخالفت زه به کندی
❖ عالم اسیر دست مثبت دکلمدر ❖ مؤداسی جمیع اشیا زبون پنجه
قدرت خالق الارض و السمادر ❖ قالدیکه خاطر فائزه بو گونه لایح
اولشددر که ❖ حضرت عایشه ولادت نبونک قرق بشی سینه سی
تولد ایلدی ❖ منازع فیه اولان امر معراج ❖ الی ایکنی سینه سی

قبل الهجرة وقع اولدی ❖ امر زفاف مدینه منوره ده الی دردیچی
سنه ده واقع اولمغله ❖ فقدان جسد نبوی خصوصی نه کونه اولور
وقالدیکه ❖ اثر حقیرانه من اولان سیر حلبی ترجمه سنه تحریر اولندیغی
اوزره حضرت رسول الله اوتوز درت دفعه معراجله حاضر انتهاج
اولدیلر ❖ بر دفعه سی یقظه ده مکه مکر مه ده ماعداسی عالم
منامده واقع اولشددر ❖ و رأی العین مشاهده وجود حقیقی به
مظهر اولدیلر ❖ و صلوة پنجگانه اول کیجه مفروض اولدی
و سماء اولده آدم علیه السلام و ثابته عبسی و یحیی و ثابته
یوسف و رابعه ادریس و خامسه هرون و سادسه موسی
و سابعه ابراهیم علیهم الصلوة والسلام حضراتنه ملاقی اولدیلر
عودنده حضرت ابراهیم امت رسول الله سلام سفارش بیورمغله
حالا هر نمازده بزر دخی کندولرینه صلوة و سلام اهدا ایدر
خلاصه امر معراج حقدر ❖ لکن مسجد اقصایه اسرا کتایله
و سمایه عروج احادیث مشهوره ایله و بالای عرشه صعود و خبر
احاد ایله ثابتدر ❖ پس مکه دن مسجد اقصایه اسرا بی انکار ایدن
کافر در ❖ و سمایه و سعادن مثبت الهی اولان عالمه عروجی
مکر اولان مبتدعه در

❖ وَاَنَّ الْاَنْبِيَاءَ لَفِي اَمَانٍ ❖ عَنِ الْعَصِيَانِ عَمْدًا وَاَنْعَزَالِ ❖

و او عاطفه در ❖ ان حروف شبهه دندر ❖ الانبیاء اسم منصوبیدر
لفی امان کله سنه لام مؤ کده در ❖ فی امان جار و مجرور ظرف
مستقر خبریدر ❖ امان امن معنا سنه در ❖ عن العصیان امان کله سنه
متعلقدر ❖ عمدا حالدر تمیز اولق دخی ممکندر ❖ انعزال عصیان
اوزره معطوفدر و انعزالهم عن منصب النبوة تقدیرنده در
مفهوم یت بودر که ❖ جمله انبیای عظام بالقصد صدور ایدن

کفر و معاصیدر ❁ معصوم و مصون و منصب و الای نبودن
معزول و مهجور اولفدن مأ مونلردر ❁ معلوم اوله که ❁ مسائل
عقایدیه دن بری دخی انبیای عظامک کفر و معاصیدن
عصمتلری مسئله سیدر ❁ بونده دخی اهل سنه ایله سائرک
منازعهلری واردر ❁ اهل سنه عندنده عصمتلری ثابتدر ❁ ابتدا
عصمت سید شریف عندنده معاصی به اقتدار وار ایکن
اجتناب ایلمک ملکه سندن عبارتدر ❁ جلال دوانی تعریفنه کوره
حضرت حق تعالی عباد ده ذنب و عصیان خلق ایلمکدن
عبارتدر ❁ انبیای عظامک عصمتی اولا ❁ حضرت باری تعالی
انلری صفای جوهر ایداع ❁ بعده فضائل نفسیه جسمیه ایله
محملی ایلد کدن صکره ❁ نصرت و تثبیت اقدام احسان بعده
سکینه ازالیه شوائب معاصیدن حفظ و حایت ایلمکدن
عبارتدر ❁ و فلا سفه عندنده عصمت فجوره مانع ملکه ملکیه دن
عبارتدر ❁ جمله اهل ملل و شرایع اتفاق ایلدیلر که ❁ انبیای
عظامک دعوائ رسالت و تبلیغ احکام کبی ❁ معجزه مدلولی اولان
امورنده کذب عمیدین عصمتلری واجبدر ❁ علی سبیل السهو
والتسبان صدورینک جوازنده اختلاف اولندی ❁ اکثرین
تجویز ایلدیلر ❁ قاضی ابوبکر جوازینه ذاهب اولدی ❁ كذلك
سائر زنونک تعمد کائرندن معصوم اوللرنده اتفاق ایلدیلر
اما سهو و خطا ایله صدورنده صاحب مواقفک کلامنه کوره
اکثرون تجویز ایلدیلر ❁ شارح مواقف دیدیکه ❁ مختار اولان
خلافتدر ❁ وصغائرک سرقت لقمه کبی ❁ خست و نفرتی مشعر
قسمندن سهوا و عمدا معصوملردر ❁ حافظ و بعض معتزله
مخالفت ایلدیلر ❁ زیرا انلر سهوا صدورنی تجویز ایلدیلر ❁ و قسم
دیگرندن دخی معصوملردر ❁ نه که مقاصد شرحنده علامه

تفازانی بیان ایلدی ❁ بوذکر ایلدیکمزوحی ظهورندن صکره
اولور ایسه ❁ اماوحی صدورندن اقدام ❁ امتناعنه دلالت ایدر
بر دلیل تام یوقدر ❁ و امکان ذاتی امکان وقوعی بی مستلزم
دکدر ❁ و خوار جدن فضیله طائفه سی ❁ انبیای کرام اوزرینه
معاصی بی تجویز ایلدیلر ❁ و هر معصیتی کفر اعتقاد ایتلریله حاشا
انبیای عظام حقلرنده کفری تجویز ❁ بلکه اظهارینی تقیه
ایجاب ایلدیلر ❁ زعم باطللری بودر که ❁ اظهار اسلام قتله مفضی
اولغله نفسی نهلکه به القا اولور ❁ بوابسه حرامدر دیرلر ❁ هذیان
مزبورلری ❁ بوجه اوزره مردوددر که ❁ تقیه اظهار کفر
جائز اولسه ❁ اظهارینه انساب اولان ظهور دعوتلری هنکامیدر
زیرا ناس اول هنکامده کندولرینی منکرلردر ❁ بوضو رتله اظهار
دعوت بر پیغمبره جائز اولیوب ❁ بالکلیه اخفای دینی مؤدی
اولور ایدی ❁ و حشویه طائفه سی کفری و اظهارینی تجویز ایتزلر
لکن کائر اوزره اقداملرینی تجویز ایدرلر ❁ بعض طائفه عمد
کائر ی منع و عمد صغائر ی تجویز ایدرلر ❁ اصحاب سنت
ذکر اولندیغی اوزره بعد الوحی ❁ عمدا و سهوا کائر و صغائر ی
منع ایدرلر ❁ زیرا انبیای کرامدن عمدا ذنب و کفر صادر اولسه
امتی اوزرینه ❁ اتبعوه لعلکم تهتدون ❁ امری موجبجه اتباع
لازمدر ❁ بو وجهله وجوب و حرمتک جمعی لازم کلور ❁ كذلك
انبیادن کفر و ذنب صادر اولسه ❁ اشد عذابله معذب اوللری
لازم کلور ❁ زیرا درجات انبیا غایت عز و شرفده در ❁ علی الشان
اولان ذاتلردن صدور ذنب ایسه اخفش اولغله ❁ شدت عذاب
لازم کلور ❁ تکم قرآن مینده ❁ یا نساء النبی من یأت منکن
بفاحشه مینه یضاعف لها العذاب ضعفین ❁ کریمه سی انی مؤیدر
و حدود احرارک ترایدی دخی مؤیددر ❁ زیرا عبدک حدی حرك

حدیثك نصفیدر ❖ كذلك انبیادن کفر و ذنب صادر اولسه
 حرب شیطانندن اولورل ❖ زیرا شیطانك مرانی عمل ایلدیلر
 بوايسه باطلدر ❖ زیرا شیطان خاسر در ❖ كذلك انبیای عظامدن
 ذنب و کفر صادر اولسه ❖ ان جاء کم فاسق بنباء فتبینوا ❖
 کریمه سی اوزره شهادتلی مقبول اولز ❖ بوايسه باطلدر
 زیرا عدولدن ادنی اولملری اقتضا ایدر ❖ كذلك انبیادن کفر
 و ذنب صادر اولسه ❖ ذم و ایذای مستوجب اولملری لازم کلور
 ذنب و کفر منکر اولغله ❖ منکری انکار واجبدر ❖ پیغمبری
 ذم و ایذا ايسه ❖ ان الذین یؤذون الله ورسوله لعنهم الله فی الدنیا
 و الاخرة ❖ کریمه سی اوزره حرامدر ❖ كذلك انبیادن
 کفر و ذنب صادر اولسه ❖ منصب نبوتدن انعزالی لازم اولور
 زیرا کافر و مذنب ظالمدر ظالم ايسه ❖ لایال عهدی الظالمین ❖
 کریمه سی اوزره عهد نبوته نائل اولزل ❖ اگر سؤال
 اولور سه که ❖ آیت مر قومه نک ما قبل اولان ❖ انی جاعلک
 للناس اماما ❖ کریمه سی سیاقبله عهددن مراد امامتدر
 نبوت دکلدرد ❖ جواب ویریلور که ❖ آیت کریمه ده عهد امامت
 نبوتدر ❖ زیرا حضرت باری تعالی ❖ حضرت ابراهیمی نبوته
 سرفراز ایلد کله ❖ جاعلک للناس اماما قولندن مراد ❖ جاعلک
 للناس نبیا مراد اولغله ❖ امامتدن مراد نبوتدر ❖ و اولسم عهد نبوته
 نائل اولماق طریق اولوبته ثابتدر ❖ قالدیکه حضرت آدمک
 اکل شجره و حضرت ابراهیمک کواکبه ❖ هذار بی ❖ و بل فعله
 کیرهم وانی سقیم قوللری ❖ و موسی علیه السلامک قبطنی
 قتل ❖ و حضرت یوسفک زلیخایه همی ❖ و حضرت داودک
 حلبله اوریا به طبعی ❖ کبی بعض انبیای کرام حقارنده منقول اولان
 حالانک بعضیسی افترا اولوب ❖ و بعضیلری تأویلات لائقه ایلله

ما اولدر ❖ اوریا قصه سی محض افترا در ❖ اما اکل شجره ماده سی
 قبل النبوه در ❖ یاخود ❖ لا تقر باهذه الشجرة ❖ قولدن مراد الهی
 نوع ایکن ❖ شخصه جل ایلدیکنه منیدر ❖ و حضرت ابراهیمک
 هذار بی قولی ❖ فرض و تقدیر جهتنه منیدر ❖ یاخود اول وقتده
 درت یاشنده اولغله ❖ قبل الوحی اولدیغنه منیدر ❖ بل فعله کیرهم
 قولی استهزا طریقنه ❖ یاخود سینه اسناد حکمنه منیدر ❖ زیرا
 حضرت ابراهیمک فعل مزبورینه سبب کفارک عموما اصناملرینه
 خصاصا صنم کیر مر سومه تعظیملریدر ❖ و بگونه سینه اسناد ایلک
 محاورانده شایعدر ❖ مثلا بواشی بکاسن ایتدک بلکه ❖ فلان ایتدی
 دیو محرکنه و سینه اسناد ایدرل ❖ وانی سقیم قولی محتملدر که
 سقیم حالی یاخود سقیم متوقع استقبال اوله ❖ و حضرت موسی
 قبطنیک قتلنی قصد ایتوب ❖ بلکه ضربنی قصد ایلشیدی
 و حضرت یوسفک همی جبلی اولوب ❖ اختیاری اولدیغیله
 ما اولدر ❖ یاخود ❖ و لقد همت به وهم بها ❖ آیت کریمه سندن مراد
 زلیخا قراره ❖ و یوسف فراره هم ایلدی دیمک اوله ❖ و حضرت
 رسول اللهک ❖ لم یکذب ابراهیم غیر ثلث مرات قولنده ❖ کذب
 تعبیری صورت کذبده وقوعنه منیدر ❖ لیغفرلک الله ما تقدم
 من ذنبک و ما تأخر ❖ قول شریفندن مراد ذنوب امتدر ❖ یاخود
 ترک اولی در ❖ و قالدیکه انبیادن ترک اولی صدوری شرح صحیفده
 مسطور اولدیغی اوزره ❖ جائز دکلدرد ❖ بلکه اوچ وجه اوزره
 جائزدر ❖ سهو و نسیان و ترک اولی یاخود مباحه اشتباه و جهیله
 ❖ محصلده امام رازی دخی بوقوله ذاهب اولدیغی مسطوردر
 و انبیای عظامک حیات و ممانده رسالتلری منقطع اولز ❖ زیرا طرف
 ربانیدن کتور دکلری احکام و وجوب اتباع انام باقیدر ❖ و فالتلریله
 منقطع اولان وجوب تبلیغ و تکلیفدر ❖ برکات الابرار مؤلفی

دیشدر که * شیخ اشعری مذهبی بود که * موته رسالت منقطع
اولور * لکن حکمی * یا خود مقامنه قائم بر حکم باقی اولور * فی التحقیق
حکمک بقاسبله رسالتک عدم ابطالیدر

❖ وَمَا كَانَتْ نَبِيًّا قَطُّ أَنِّي ❖ وَلَا عَبْدٌ وَشَخْصٌ ذُو أَفْعَالٍ ❖

ماء نافیه در * کانت فعل ناقصدر * نبیا خبر مقدم منصوبی و اشی
اسم مؤخر مرفوعیدر * قط ظرف زمانیه دن علی سبیل الاستغراق
زمان ماضی منفی یه دالر * ولا عبد ولا شخص معطوفلدر * ولا کان
عبد نبیا تقدیرنده در * ذو افعال شخص کله سنک صفتیدر * افعال
فعل قبیح معنا سنه در * سحر و شعبده * و تصویر و کذب کبی
مفهوم بیت بود که * قطعا انبیای عظام اشی اولمازلر * یعنی نسوان
طائفه سندن و قول جنسندن پیغمبر کلز * و پیغمبر ساحر و مشعوذ اولماز
معلوم اوله که * نسوان طائفه سندن پیغمبر اولماز زیرا * و قرن
فی بیوتکن ولا تبرجن تبرج الجاهلیة * امر شریفیه انلرک تستری
و خانه لرنده تمکن و استقرارلری واجبدر * نبوت ایسه دعوتله اشتهار
و معجزه اظهار * و ریاست کبی احواله محتاجدر * انوشت بونلره
منافی اولغله * بالضرورة انبیا رجالدن اولمق لازمدر * سؤال
اولنور سه که * طائفه نسوان بزم شریعتمزده قرار و استنثار ایله
مأمور اولدیلر * جائزدر که * بعثت محمدیدن اقدم مأمور اولما ملریله
انلردن انبیا کلمش اوله * جواب ویریلور که * و ما ارسلنا قبلك
الارجالا نوحی الیه فاسئلوا اهل الذکر ان کنتم لاتعلمون *
کریمه سی انبیا رجالدن اولدیغنه نص صریحدر * لکن آیت کریمه
مرسلک رجالدن اولدیغنی ناطقدر * و قالدیکه نسوان طائفه سی
فی ذاتهن ناقصات اولغله * نبوت تجلیسنه که هر وجهله کمال قابلیته
متعلقدر * منافی اولدیغنی ظاهر در * اشاعره نبوت انوشته منافی دکلدر

دیدیلر * ام موسی و ام عبسی و ساره و آسیه نک نبوتلرینه ذاهب
اولدیلر * زیرا حق لرنده و اوحینا عنوانلری وارد اولدی * اکا جواب
ویریلور که * وحی نبوتی مستلزم دکلدر * نته که * و اوحی ربک
الی التحل * کریمه سنده وارد اولدی * و جائت قبلی اربع
نبیات کام موسی و مریم و ام عبسی و آسیه زوجه فرعون
حدیثک صحتی ممنوعدر * و لو سلم نبیات قولی مرفوعات فی الدرجه
علی سائر النساء ایله مأولدر * لکن خلاف تبادر اولدیغنی ظاهر در
وانبیا احرار دن اولمق لازمدر * عبد مملوک اولماز * زیرا خدمت
مالکنه اشتغالله امر دعوتدن منعوق اولور * و ناس کند و سنه
اتباعدن استنکاف ایدر لر * ورقبت اثر کفر اولغله * اتصاف
جائز دکلدر * ورقبت کماله منافیدر * و پیغمبر * اتبع مایوحی البک
من ربک امری * مقتضا سنجه تابع وحی اولوب * کندی رأیله فاعل
و مخلوق اولماز * و ساحر و مشعوذ و مصور اولماز * سلاطین ماضیه
ایراندن کشتاسب شاه زماننده * ادعای نبوت ایدن زردشت و قبادشاه
و قنده تین ایدن مزدک * و سمیا و شعبده ایله چاه نخشیده برقرار اظهار
ایدن ابن مقفع و مصور مانی کبی * زیرا بو اوصاف نبوته منافیدر
و عصرینک اعقل و افضل * و افصح و صورت و سیرتده اجل
و الملی اولمق لازمدر * زیرا صفات کمالدر * و ادای رسالتله محل
و منفرد طباع سلیمه و منقص اولان اوصافله متصف اولماق لازمدر *
قالدیکه عقده ناطقه حضرت موسی فطری دکلدر * بلکه
حکیمه مبنی نشأت ایشدر * زیرا فرعون منجمینک خبر ویردکلری
بودر دیوا شنباه ایتدکله * آسیه جنابلری حضرت موسی
او کونه التون و آتش ککنور مکله * فعل جبریل امینله
آتشی الوب دهانه وضع ایتدکله * لسان شریفی محترق
اولمشیدی

❦ و ذوالقرنین لم یعرف نبیا ❦ کذا لقمان فاحذر عن جدال ❦

ذوالقرنین مبتدا ❦ لم یعرف جمله سی خبر در ❦ نبیا حال در ❦ یا خود
لم یعرف کونه نبیا تقدیر نده در ❦ کذا مبتدا لقمان خبریدر
غیر منصرف در ❦ فاحذر کلمه سنده فاء جزائیة در ❦ احذر حذر دن
فعل امر در ❦ جدال مجادله معنا سنه ❦ اذا کانت نبوتها مشکوکا
فاحذر تقدیر نده در ❦ مفهوم بیت بود که ❦ ذوالقرنین و لقمان
حضرت تریک نبوتی ثابت اولیامغله ❦ نبوتی خصوصی سنده
مجادله دن کف لسان ایدوب علم الهی به احاله یلک اسلدر
معلوم اوله که ❦ ذوالقرنین لقب اسکندر در ❦ واسکندر ایکی پادشاه در
برسی رومی ❦ و برسی یونانیدر ❦ رومی قاتل دارابن بمن
اسفند یار در که ❦ صاحب خضر علیه السلام در ❦ یونانی فیاقوس
اوغلبدر که صاحب ارسطو در ❦ محل نزاع اولکیدر ❦ یعنی
پیغمبر میدر و لمیدر اختلاف اولندی ❦ لکن کارزونی و علامه
ابن کمال ❦ و یستلوك عن ذی القرنین ❦ آیت کریمه سی تفسیر نده
یونانیدر که ❦ حضرت ابراهیمه کعبه بی طواف ایلدی دیو ❦ ثبت
ایلسدر ❦ سعدی چلبی بیضاوی حاشیه سنده ❦ اسکندر رومیدر
دیو تصریح ❦ و بر حدیث شریفه استدلال و ابن کمال کلامی
رد ایدر ❦ و مقام مزبوری اشباع ایتسدر ❦ و ذوالقرنین ایه تلقبیده
وجوه عدیده نقل ایدر ❦ بعضی عالم روایه آسمانه صعود آفتاب
ایکی قرتی اخذ ایلدیکنی ❦ و بعضی آفتاب ایکی قرنه یعنی مشرق
و مغربه مالک اولدیغنی ❦ و بعضی روم و فارسده سلطنتی ❦ و بعضی
نور و ظلمت داخل اولدیغنی ❦ و بعضی تاجنه موازی لحدن ایکی صغیر
قرن شکلی اولدیغنی ❦ و بعضی ❦ عمریندن اولغله زماننده ایکی قرن
گذران ایلدیکنی ❦ وجه تلقیب ایتدیلر ❦ و نبوتنده دخی اختلاف

ایلدیلر ❦ بعضی ❦ قلنا یاذا القرنین الایة ❦ کریمه سی منظوم فیه
مظهر وحی اولغله ❦ نبوتنه ذاهب اولدی ❦ و بعضی صلاح و ولایتنه
ذاهب اولوب ❦ وحی وحی الهامله توجیه ایلدی ❦ بعضی علما
دیدیلر که ❦ اصح اولان عالم و عامل و عادل پادشاه اولغله ❦ خطاب
الهی به مستحق اولمشیدی ❦ امام علی کرم الله وجهه حضرت تریندن
مرویدر که ❦ ذوالقرنین پیغمبر دکل ایدی ❦ لکن امر ربانی به مطیع
و بلا سنه صابر و نعمتیه شا کر کسینه ایدی ❦ کذا لقمان
حضرت تریک دخی ❦ نبوتنده اختلاف اولندی ❦ اکثر علما عدم نبوتنه
ذاهب اولوب ❦ و لقد آتینا لقمن الحکمة ❦ کریمه سنده
حکمتی فهم و علمه جل ایلر ❦ هزار پیغمبر کزینک مشکو
نبوت تریندن ❦ استفاضه نور حکمت ایلدیکنی منقولدر ❦ استادی برکون
امتحان و جهیله لقمانه دیدیکه ❦ برقیون ذبح ایدوب اطیب
اعضاسندن بکا کتور ❦ لقمان دخی برقیون ذبح و لسان و قلبی
الوب ❦ استادینه کتوردی ❦ بعد زمان ❦ ینه لقمانه برقیون ذبح
ایدوب اخبث اعضاسنی بکا کتور دیدی ❦ لقمان ینه لسان و قلبی
کتوردی ❦ استادی بو وضعندن استفسار ایلد کده ❦ قلب و لساندن
اطیب یوقدر ❦ اگر طیب اولور لر سه ❦ و انلردن اخبث یوقدر
اگر خبیث اولور لر سه دیدی ❦ کندی فرزندینه نصایح حکمانه لری
قرأنده مسطور در

❦ و عیسی سوف یأتی ثم یتوی ❦ لدجال شی ذی خیال ❦

عیسی اعراب تقدیر یله مرفوع مبتدا در ❦ سوف اداة استقبالدر
یأتی فعل مستقبلدر ❦ فاعلی عیسی به راجعدر ❦ ثم تراخی به دال
حرف عطفدر ❦ یتوی اتوادن فعل مضارعدر ❦ اهلاک معناسنه در
لدجال کلمه سنده لازم زانده در ❦ یا خود بعد معناسنه در ❦ صوموا

لرؤيته ❦ حدیثنده واقع اولدیغی کبی ❦ یاخود یاتی به متعلق اولمغله
رتبه مقدم اولور ❦ یتوی کله سنده ضمیر منصوب محذوف اولور
یاخود یتوی کله سی یهتم فعلیه تضمین اولنوب ❦ ثم یهتم لاهلاک
دجال تقدیرنده اولور ❦ ثلاثین فتح تایل یه یتوی بعید الاحتمالدر
شقی و ذی خبال دجال کله سنک صفتیدر ❦ خبال فساد و نقصان
وهلاک معنایینه در ❦ مفهوم بیت بودر که ❦ علامت قیامت اولمق
اوزره محمد مهدی خروج ایدوب ❦ بعده دجال ظهور و قرق کون
شرق و غرب عالمده ❦ نشر شراره فساد ایلد کد نصکره ❦ حضرت
عبسی آسمان دن آیت سیف کبی نازل اولوب ❦ اول شقی فتانی اهلاک
ایلیه جکدر ❦ معلوم اوله که ❦ عبسی لفظنی بعضی سریان و بعضی
عبرانی در دیدلر ❦ زمخشری کشفده ❦ اصل اصلی اسمی ایشوع
در دیدی ❦ صاحب تیسیر موشی کبی ❦ شین معجه ایله عبسی ایدی
عربیه یه نقل اولند قدده ❦ اهمال اولندی دیدی ❦ معناسی سید یاخود
مبارک دیمکدر ❦ بعضی عربینه ذاهب اولوب ❦ بیاض مع الشقرة
معناسنه عبسی ❦ یاخود عبسیدن مأخوذ در دیدی ❦ دجال دجلدن
مأخوذ در ❦ و کذاب و سحر معناسنه ❦ خفی اولیه که ❦ اهل سنت
اتفاق ایلدیلر که ❦ آخر زمانده دجال ظهور ایدوب مشرق و مغرب
اراسنی ❦ قرق کون کشت و کذار ایدوب ❦ کندوسنه هر ملتدن
خصوصا یهود طائفه سندن ❦ قتی وافر اشخاص متابعت
ایلیه جکدر ❦ امر یله سحاب امطار و زمین انبات ایدر ❦ و منظره
ناسده برکسه بی قتل و احیا ❦ و حرا به لره اوغراد قدده کنوزلرین
اخراج ایله امر ایلمکله ❦ در ساعت جمله کنوز و دفاین ظاهره
خروج ایدر ❦ بوجهته الوهیت ادعا ایدوب ❦ خلقی عبادتنه دعوت
ایدر ❦ بعده حضرت عبسی علیه السلام دمشق شامده مناره
بیضایه و آندن زمینه نازل اولوب ❦ دجالی ینه شامده لدا نام جبل

یا ننده قتل ایدر ❦ بر روایتده دجال حضرت عبسی بی کور بچک
طوز کبی ذائب اولور ❦ یهود طائفه سی پریشان اولوب نفیر عام
ایتمکله ❦ اهل اسلام بولدقلری محله جمله سنی طعمه شمشیر
اعدام ایدرلر ❦ حتی متواری اولدقلری طاشلری ❦ یا عباد الله
ایشته بوراده یهودی وار دیوندا ایتمکله ❦ واروب قتل ایدرلر
مشکوتده مسطور اولدیغی اوزره ❦ عبد الله بن عمر رضی الله
عنهما دن مر ویدر که ❦ حضرت رسول الله صلی الله علیه وسلم
یور دیلر که ❦ عبسی بن مریم نازل اولوب ❦ و زوج ایلیه جکدر
و اولادی اوله جقدر ❦ و بسیط ارضده قرق بش سنه مکث
ایلد کد نصکره ❦ وفات ایدوب ❦ بنم قبرمه مدفون اوله جقدر
بن ❦ و عبسی بن مریم ❦ ابوبکر ❦ و عمر ینلرنده قیام ایلیه جکر
و مر ویدر که ❦ حضرت عبسی اولیای امت محمدیدن اولوب
شریعت مطهره ایله حکم ایلیه جکدر ❦ مقدمه عسکری اصحاب
کهف اوله جقدر ❦ زمانی اول درجه ده اسوده اوله جقدر که
قبون قورد ایله و صبیان حیات ایله مما زجه و ملاعبه ایده جکدر
و نزول عبسی یا بنده ❦ و یکلم الناس فی المهد و کهلای
کریمه سیله ده استدلال اولنور ❦ حتی بعضی مفسرین و کهلای
بعد ان یزل من السماء عبارتیه تفسیر ایتشدیر ❦ لکن معنای
کهولت ❦ اوتوزدن قرق یاشنه وارنجه اطلاق اولنور ❦ قوله مبنی
اولوب بلکه اوتوزدر تدن الی یه وارنجه اطلاق اولنور مذهبیه
مسند اولمغله محتاجدر ❦ زیر حضرت سمایه رفع اولندیغی سنه اوتوز
اوج یاشنده ایدی ❦ و حضرت عبسی ❦ كذلك دجال مسیح ایله ملقبدر
زیرا مسیح لفظی ❦ اضداد دندر ❦ مسعود و ملعون معنایینه در

❦ کرامات الولی بدار دنیا ❦ ❦ لها کون فهم اهل السؤال ❦

کرامات الولی قوی مبتدادر * لها ظرف مستقر مقدم خبر در
 کون مؤخر مبتدادر * بدار دنیا کون لفظنه متعلقدر * کون ثبوت
 و وقوع معناسنه در * باء ظرفیت ایچوندر * دنیا کلمه سی مقصور در
 افعّل تفضیلدر * فلك قرك ماتحتنه اطلاق اولنور * فهم ضمیری
 ولی یه راجعدر * زیرا اضافت جمع دلالتیله حرف تعریف جنسند
 محمولدر * فاء سببیه در * نوال عطا معناسنه در * مفهوم بیت بودر که
 دار دنیاده * اولیاء الله یدارنده ظهور ایدن خارق عاده کرامتدر
 حق و ثابتدر * زیرا انلرمظهر الطاف مخصوصه ربانیدر
 معلوم اوله که * ولی لفظی ولی یاخود ولایتدن مأخوذدر * قریب
 و محب معناسنه در * بمعنی فاعل و بمعنی مفعول اولغه صالحدر * عرفده
 حسب مایمکن عارف بالله و عارف صفات الله اولوب * طاعاته مواعظ
 و معاصیدن مجتنب * ولذات و شهوات حیوانیه دن معرض اولان
 ذات شریفه اطلاق اولنور * و کرامت دعوی نبوته مقارن
 اولدیغی حالده * طرف اولیادن خارق عاده امرک ظهوریدر *
 ایمانه و عمل صالحه مقرون اولماز ایسه استدراجدر * دعوی نبوته
 مقرون اولور سه معجزه در * و سحر نفوس خبیثه اصحابندن
 ظهور ایتمکله * کرامتدن مفترق اولور * لکن تستر ظاهری
 خصوصنده فرقی مشکدر * اکا بناء ساده لوحان عوام اولقوله
 فتانلرک مکر و تسویلاتنه * فریفته و مأسور اولوب * طریق ضلالتنه
 سالک اولورل * پس لازم اولان * بوکونه خارق عاده ظهور ایدن
 شخصک احوالنه چشم دقت ایله امعان نظر * و تحقیق جلا یا
 و خفایای اطوار و افعالی * قلیل و کثیر * و جلیل و حقیر شرع منیره
 تطبیق ایلیوب * اگر ذره ما شرعه مغایر قول و فعل صادر
 اولور سه * صغیر الکبیر کبیر * مؤداسی جبل عظیمه برابر اولغله
 الحذر ثم الحذر * زیرا اولیای کرام * ان اولیاءه الا المتقون مقتضاسنجه

علم و تقوا ایله متصف * خصوصاً سر کرده جمله خطیئات اولان
 حب دنیادن بالکلیه مجتنب و مستنکف اولورل * توفیق ربانیه بعض
 مؤمنین اخلاق مذکوره ایله متخلق اولغله * نائل درجه ولایت
 اولق امکانه در * و وقوعنه جمهور اهل سنت دلیل عقلی و نقلی
 ایله متفقدر * اکثر معتزله انکار ایلدیله * وقوعنه دلیل نقلی بودر که
 قرآن مینک ناطق اولدیغی اوزره * حضرت سلیمان علیه السلام
 وزیرى اولان آصف بن برخیا ایکی آیلق مسافه محلدن بلقیسک
 سریرینی طرفه العینده ایراد و احضار ایتدی * و حضرت عمر
 رضی الله عنه ساریه بی سر عسکر ایدوب * ایران بلا دندن نهاوند
 اوزرینه تعیین و ارسال ایلدی * هنگام مصافده و رای عسکر
 اسلامده واقع جبل اوزرندن * لشکر کفار بغته خیول
 مسلمین اوزره هجوم قیدنده اولدیغی * حضرت فاروق اعظم
 مدینه ده منبر اوزره * خطبه قرائت ایلدیکی ائنده رأی العین
 مشاهده بیور مغله * یاساریه الجبل الجبل دیوندا * و ساریه به اسماع
 ایلشدر * نهاوند ایله مدینه نک مابینی * بشیور فرسخدن زیاده در
 کذلک زمان خلافت فاروقیده * نیل مصر منقطع اولغله * قط
 و غلادن * درگاه خلافتینه عالی به * شکایتنامه ارسال اولندقدده
 جناب فاروق اعظم رضی الله عنه * من عمر الی نیل مصر اما بعد
 فان کنت تجری بامر الله و قدرته فاجر صاغرا عبارتیه موشح
 مکتوب تحریر و ارسال * و حسب الامر نیله اتدقارنده باذنه تعالی
 جریان به شلبوب * الی هذا الان منقطع اولما مشدر * و خالد بن ولید
 رضی الله عنه مداین کفار دن برینی حصار * و سکا تی تضحیقه
 ابتدار ایدوب * اهل بسی مقاومتدن عاجز قالمیریه * حضرت خالد
 اگر اشبور قدح زهری تناول ایدوب * بر ضرر اصابت ایلر سه
 دین اسلامک حقیقی نمایان اولغله * جمله مز سرفرو برده تسلیم

و مطاوعت اول نور ز دیو خبر ارسال ایتمایله ❦ حضرت خالد دخی
منظره رنده ❦ اول قدح لبریزی بلا جرعه نوش ایدوب ❦ وجود
بهودلرینه قطعا ضرر عارض اولدی ❦ وسائر تابعین و صالحیندن
ظهور ایدن کرامت ❦ حد تواتره بالغ اولغله ❦ انکاره مجال یوقدر
اوائله ناس بیننده یوقدر حب دنیا اولماغله ❦ چوقلق تستر ایلمز
ایدی لکن ❦ اواخر زمانده معاذ الله تعالی خلقه محبت دنیا ❦ وتعلق
جاه و غنا غالب اولغله ❦ ازدحام ناس غائله سیچون زوایای اختفاده
اولورل ❦ ع این مدعیان در طلبش بیخبراند ❦ لایحه سی اصطلاحات
صوفیانه ❦ و اطوار درویشانه ایله ❦ ولایت فر و شلری کوی امامی بیله
دکدر ❦ الحذر ❦ شکل و شمائل و مقاله مکر آمیز بی طائله مغبون
اولیوب ❦ کار و کرداری شرع شریفه مطابق و کتاب و سنته موافق
اولدیقه رکز عصای اعتقاد اولمیه ❦ انلرک دخی سرا بر احوال رینه
اطلاع متعسر اولغله ❦ حقیقته ظفر یاب اولق متعذر ❦ انلر پادشاه
ملکت استغادر ❦ بزم کبی آلوده و مجرملردن دور و مخفی اولورل
❦ لله تحت قباب العز طائفة ❦ اخفاهم فی رداء الفقر اجلالا ❦
❦ هم السلاطین فی اطوار مسکنه ❦ جرواعلی الفلک الخضراء اوبالا ❦
دلیل عقلی بودر که ❦ حق سبحانه و تعالی قادر در که ❦ بر صالح عبدی
بدنده ثمره طاعتی مبین ❦ و صحت دینده از دیاد بصرتی متضمن خلاف
عاده امور اجرا ایله ❦ معتزله دیرلر که ❦ عرش بلقیسی ایراد ایدن
آصف دکدر ❦ بلکه ❦ جبریل امین یا خود ❦ حضرت سلیماندر
(وانا آتیک به) کلام شریفنده خطاب عفریته در ❦ و دیرلر که
خوارق عاده انبیاک غیر بسنده ظهور ایلسه ❦ معجزه یه مشنبه
اولغله ❦ پیغمبر غیردن ممتاز اولماز ❦ اکا جواب ویریلور که ❦ انبیای
کرام تحدی و دعوی نبوتله متمیز اولورل ❦ اولیای ذوی الاحترام
متابعت انبیایله ادعا ایدرل ❦ الحاصل کرامت اولیا ثابتدر ❦ و وقوعی

کثیردر ❦ انکار لرنده منفعت یوقدر ❦ کتب اهل اسلام مناقبر یله
مشحوندر ❦ حضرت حق سبحانه و تعالی بعض عبادتی نبوتله
اصطفا ایلدیکی کبی ❦ بعضیسنی ولایتله اجتناب ایلمک جائزدر ❦ بولوب
کور ممکن انکار لازم کلم ❦ خفا شک آفتابی انکارندن عدم
وجودی اقتضا ایلمز ❦ تعصبک ضرردن غیر نفی یوقدر
باخصوص ❦ رجال الغیب حقنده اثر وارد اولمشدر ❦ مضطربینه
امر الهیله ❦ اغاثه و اعانتلری مشهوردر ❦ نامق الحروف دخی
امدادلرینه مظهر اولمشدر ❦ مناسب اولان بودر که ❦ فی کل الاعصار
وجودلرین اقرار ایدوب ❦ باخصوص شیخ اکبر محی الدین عربی
و عبد القادر کیلانی ❦ و حضرت مولانا ❦ و عبیدالله احرار انارالله
براهینهم حضراتی تعیرات لایقه ایله ❦ یاد و تذکار ایلیله ❦ ستر
و تعیمه ایلدکری الفاظی فهم ❦ و ادراک ایتما مکه استنکارلری
روا دکدر ❦ علم جفر و نجوم و اکسیر کبی انلریده عوامدن اخفا
ایلمشدر ❦ و اکثر کلاملری وجدانیدر ❦ من لم یدق لم یعرف
قبیلندندر ❦ کلماتلرین فهم ایلمکد نصرکه استعمال اولنماق
الزمدر ❦ حق تعالی جمله مزه توفیق و بصیرت کرم ایلیه ❦ و کرامت
اولیا تابع اولدیغی پیغمبر ایچون معجزه در ❦ فی الحقیقه اول پیغمبری
تأید ❦ و ولی مشار ایله اول پیغمبرک طریقنه سلو کله تکریم
و تمجیددر

❦ وَلَمْ يَفْضَلْ وَلِيَّ قَطُّ دَهْرًا ❦ نَبِيًّا أَوْ رَسُولًا فِي الْإِنْحَالِ ❦

لم یفعل ضم ضادا یله در ❦ ولی فاعلیدر ❦ عمومی مفیددر ❦ قط ظرف
زماندر ❦ دهرا کله سیده ظرف زماندر ❦ قط کله سندن بدلدر
نبیا مفعولیدر ❦ او کله سی و او معنا سنه در ❦ فی انحال لم یفضل
کله سنه متعلقدر ❦ انحال شرف معنا سنه در ❦ مفهوم بیت

بود که ❦ اولیای کرام رسل و انبیای عظام در جه سینه قطعا بالغ
دکلم در ❦ زیرا فضیلتك ضدی نقص اولغله ❦ مساواتك دخی نفی لازم
کلور ❦ و بومقوله کلام عرفده ❦ نفی افضلیت ایچون مسوق اولور
بلکه عمده صاحبك قولی اوزره ❦ بر پیغمبر جمیع اولیادن افضلد
معلوم اوله که ❦ اولیای کرام ❦ انبیای عظامه تبعیتله درجه
ولایت نائل اولور لر ❦ البته متبوعك رتبه سی بالا ترا اولور ❦ و انبیا
مأمون العاقبه در ❦ لکن اولیایه خاتمہ دن خوف واستعاذه واجبدر
و انبیای عظام وحی ❦ ومشاهده ملائکه ایله مختص صلددر
و انبیا اصول ❦ و اولیا فروعدر ❦ و نبوت ❦ خلافت ظاهره و باطنه
و ولایت ❦ خلافت باطنه در ❦ كذلك حضرت رسول الله علیه الصلوٰۃ
والسلام ابو بکر الصدیق رضی الله عنه حقده بیور مشدر که
قسم بخدای جهان افرین که ❦ انبیا دنصکره ❦ ابو بکر دن افضل
برکسه اوزره شمس طلوع وغروب ایلدی ❦ بو حدیث شریف
دلالت ایدر که ❦ پیغمبر ابو بکر دن و ابو بکر سائر ناسدن افضل ایمش
و ❦ کنتم خیر امۃ اخرجت للناس ❦ کریمه سی اوزره امت
محمدك اولیاسی ❦ امم سالفه اولیاسندن افضلد ❦ انبیا دن مادون
اولان ذات ❦ جنس اولیادن افضل اولنجہ ❦ انبیا اولیادن افضل
اولق لازمدر ❦ کریمه طائفه سی ❦ و اهل اباحه دن بعض صوفیه
دیر لر که ❦ ولی کامل مکمل پیغمبر دن افضلد ❦ الله یصطفی
من الملائکة رسلا ومن الناس ❦ کریمه سی و ❦ وانهم عندنا
لن المصطفین الاخبار ❦ وحق محمدیده ❦ وما ارسلناک الا رحمة
للعالمین ❦ و ❦ ومن یطع الله والرسول فقد اطاع الله ❦ کریمه لر
موجب لر نجہ علمای کرام اول طائفه نک ❦ کفر وزندقه لر ینہ
ذاهب اولدی لر ❦ مطاعك مرتبه سی ❦ مطیعدن اشرف اولدیغی
بی اشتباهدر ❦ و طائفه مزبوره نک احتجاج لر ی بودر که ❦ حضرت

موسی پیغمبر ایکن ❦ خضر دن تعلم ایلدی ❦ البته معلم متعلمدن
افضلد ❦ اکا جواب ویریلور که ❦ بوماده حضرت موسای ابتلایه
منبدر ❦ و خضرك نبوتنه دخی ذاهب اولمشدر ❦ ومطلقا متعلمك
افضلیتی ضروری دکلد ❦ بعض علوم اولسونکه ❦ متعلم انی غیردن
تعلم ایلمش اولوب ❦ لکن معلم تعلم ایلامش اوله ❦ حضرت خضر دخی
احکام ظاهره شریعت موسایه متعلق ❦ عالم اولماق جائزدر
قالدیکه ❦ علامه تفتازانی دیمشدر که ❦ نبی ولدن افضل اولوب
و نبوت ❦ و ولایت رتبه لر یله متصف اولدقدنصکره ❦ رتبه نبوت لر یمی
یوقسه ❦ رتبه ولایت لر یمی افضلد ❦ بو خصوصده بین العلماترد
واقع اولمشدر

❦ وَلِلصَّدِيقِ رُحْمَانٌ جَلِيٌّ ❦ عَلَى الْأَصْحَابِ مِنْ غَيْرِ احْتِمَالٍ ❦

للصديق جار ومجور ومقدم خبردر ❦ و رجحان مؤخر مبتدادر
جلی ظاهر معنا سنه صفتدر ❦ علی الاصحاب رجحان کله سنه
متعلقدر ❦ من غیر احتمال ❦ صفت یا خود حال موقعنده در ❦ مفهوم
بیت بودر که ❦ اقدم خلیفه رسول الله اولان حضرت ابو بکر الصدیق
رضی الله عنه سائر اصحاب کرام حضراتدن ❦ افضل وارجددر
وارجبتنده شک واحتمال یوقدر ❦ قطعی الثبوتدر ❦ معلوم اوله که
صديق لفظی ❦ صدق دن مبالغه در ❦ حضرت ابو بکر لك لقب
مهد بلریدر ❦ امر معراجی جمله دن اقدم تصدیق ایلمکله
صدیق له ملقب اولدی لر ❦ جاهلیتده اسم لر ی عبدالکعبه ایدی
اسلامده عبدالله اولدی ❦ ابو بکر کنیه سیدر ❦ پدر ینک اسمی عثمان
و کنیه سی ابو قحافه در ❦ خفی اولیه که ❦ اهل سنت وقدمای معتزله
اتفاق ایلدی لر که ❦ انبیا دنصکره افضل انام ❦ ابو بکر الصدیق
رضی الله عنه حضرت بلریدر ❦ شیعه طائفه سی ❦ و متأخرین معتزله

امام علی کرم الله وجهه حضرت تریدر دیدیلر ❁ اهل سنت کتاب
وسنت ❁ واثرايله استدلال ایلدیلر ❁ اما کتاب ❁ و سیجنهها الاتقی الذی
یوئی ماله یترکی وما لاحد عنده من نعمة تجزی ❁ کریمه سیدر
زیرا اکثر مفسرین عندند ❁ مراد شریف حضرت ابو بکر در
❁ ولایا تل اولوالفضل منکم والسعة ❁ کریمه سندن
دخی مراد ❁ ابو بکر حضرت تریدر ❁ اما سنت (لو وزن ایمان
ابی بکر بایمان اهل الارض لرجح ایمان ابی بکر علی ایمان
اهل الارض) حدیث شریفیدر ❁ و ابوالدرداء رضی الله عنه
برکون حضرت ابو بکر اوکنده کتمکله ❁ حضرت رسول الله
کور دکده (انمشی امام من هو خیر منک والله ما طلعت الشمس
ولا غربت بعد النبیین علی احدا فضل من ابی بکر) بیور مشردر
اما اثر ❁ ابن عمر رضی الله عنهما حضرت تریندن مرویدر که ❁ زمان
حیات نبویه بزل افضل امت محمدی ❁ ابو بکر در ❁ بعده عمر
وعثمان در دیو ❁ سویلشورایدک ❁ و امام علی حضرت تریندن (خیر الناس
بعد النبیین ابو بکر ثم عمر ثم الله اعلم) عبارتیه مروی اولان
حدیثدر) اما امارات ایام خلافت صدیقده ❁ تألیف قلوب ❁ و تابع
فتوحات وقهر اهل ردت ❁ و تطهیر جزیره عرب ❁ و روم طائفه سنی
شامدن اجلا ❁ و عجمی حدود سواد اسلامدن طرد و تبعید ایلشدر
و جمیع ناسدن اقدام نبوت رسول اللهی تصدیق و ایمان ایلدی
نته که ❁ حدیث شریفده وارد اولشدر که (این مثل ابی بکر
کذبنی الناس و صدقنی و آمن بی و زوجنی ابنته و جهزنی
بماله و واسانی بنفسه و جاهدمعی ساعة الخوف) و حضرت رسول الله
حال مرصنده امامته استخلاف ایدوب ❁ و تجهیز لریندن مقدم
خلافت لرینده اجماع امت منعقد اولشدر ❁ و بو حدیث شریف دخی
فضائله دلالت ایدر) قال النبی صلی الله علیه وسلم لما عرجت

الى السماء و قفت بین یدی الرحمن قال لی یا احمد علی من ترکک
اهل الارض قلت یارب علی ابی بکر الصدیق فقال انه احب العباد
الی بعدک فاقرأه منی السلام) و امامیه طائفه سی دخی زعم لریجه کتاب
وسنت و اماره ايله احتجاج ایدر ❁ اما کتاب ❁ فقل تعالوا ندع
ابنائنا و ابناکم و نساءنا و نساءکم و انفسنا و انفسکم ❁ الایه
دیدیلر که ❁ انفسنا قولندن مراد نفسی دکلدر ❁ زیرا انسان کنندی
نفسنی دعوت ایلز ❁ وفاطمه و حسنین دخی دکلدر ❁ زیرا انلر ابناء
ونساء تحتند مندر جلدر ❁ البته شخص آخر اولق لازمدر
پس مدعو مرقوم بالا جماع ❁ حضرت علیدر و امام علی اولد یغی
صورته ❁ افضلیتک بیانی بو وجه اوزره در که ❁ آیت مرقومه
مباهله باینده که ملاعنه در ❁ نازل اولغله ❁ امام علی بی مباهله به
دعوتی ❁ حضرت رسول اللهک امام علی به غایتله مشفق و مهربان
اولسنه دلالت ایدر ❁ اگر وجه محرر اوزره اولسه ❁ منافقون دیرلر
ایدیکه ❁ حضرت رسول الله امرنده بصیرت اوزره اولدی ❁ زیرا
مباهله ایچون زیاده محبت ❁ و وقوع عذابدن صیانت ایلبه جکی
کسنه بی دعوت ایلدی دیرلر ایدی ❁ و مباهله به مدعو اولان کسه
زیاده سیله شفقت و محبتی زیاده اقرب اولد یغیچون ❁ یا خود افضل
اولد یغیچون اولور ❁ شق اول منتقیدر ❁ زیرا حضرت عباس اندن
اقربدر ❁ و برادری عقیل ابن ابی طالب در جده مساویدر ❁ پس
شق ثانی که ❁ افضلیتدر ثابت اولدی ❁ بو احتجاج لری بو وجه
اوزره مردود و مزیدر که ❁ انفسنا قولندن مراد نفس لری اولد یغی
ممنوعدر ❁ زیرا انسان کنندی نفسنی دعوت ایلز ❁ دیدیک کزدن مراد
حقیقی ایسه مسلمدر ❁ و اگر مجازی ایسه ممنوعدر ❁ نته که ❁ نفسندن
امام علی اراده سی دخی مجازدر ❁ ایکی مجازک بریسی آخر دن
اولی دکلدر ❁ ولو سلم مباهله به مدعو اولان امام علی در ❁ لکن

دعوتدن افضلیت لزومی مسلم دکلدر ❖ مبا هله یه دعوی حضرت رسولک مدعوه غایت شفقت زیاده قربت ❖ یاخود ❖ زیاده افضلیتده انحصاری مسلم دکلدر ❖ زیرا غایت شفقت جائزدرکه ❖ مدعوی غیرنده بولنمیان مجموع اصل اقربیت ❖ و مجموع اصل افضلیت و زیاده الف و موانست ❖ و کثرت معاشرته اوله ❖ اما سنت برکون حضرت رسول الله بر قوش کبا بی اهدا اولمغله ❖ اللهم اننی باحب خلقک الیک یا کل معی ❖ عبارتیه دعا ایلدکده ❖ امام علی و رود ❖ و برابرجه تناول ایلدیلر ❖ عندالله محبوبیت افضلیتنی مستلزمدر ❖ بعضیلر کلام مر قوم مطلقا ❖ احب خلق اولمغه دلالت ایلر ❖ زیرا بر شبنه نظر ایله محبوب ❖ و شیء آخره نظر ایله غیر محبوب اولمق ممکندر ❖ هر بر خصوصده می ❖ یوقسه بعض خصوصده می محبوب بکلردیو استفسار ایلک صحیحدر دیدیلر ❖ لکن بو کلامک ضعیفی ارباب قوته یندر ❖ اما اماره ذات مر تضویده علم وزهد ❖ و کرم و شجاعت و حسن خلق و مزید قوت و شدت بأس و قرب نبوی کبی ❖ مجتمع اولان مخائل کالات نفسیه ❖ و بدینه و خارجیه در ❖ لکن بو اماره انجیق کاملبت و فاضلیتنه دلالت ایدر ❖ یوقسه سائر صحابه دن افضلیتنه دلالت ایلر ❖ ولوسلم ابو بکرک افضلیتنه دال اولان ❖ امور مذکوره ایله معارضدر ❖ بعض محققین دیدیلرکه ❖ بو ماده لده همان اجتماع منعقد اقتصار اولی واسلدر ❖ و بو مقام لده فضیلتدن مراد کثرت ثوابدر ❖ یوقسه ظاهرا مفضولده فاضلدن زیاده ❖ بعض خواص موجود اولور ❖ و حضرت صدیقک مدت خلافتاری ❖ ایکی سنه درت ماهدر ❖ خلافتاری اجاع اصحابه در

❖ ❖ ❖ وَالْفَارُوقِ رَحْمَانٌ وَفَضْلٌ ❖ ❖ عَلٰی عُثْمَانَ ذِي النُّورَيْنِ عَالٍ ❖ ❖

❖ ❖ ❖ وَالْفَارُوقِ مُقَدِّمُ خَبَرٍ ❖ ❖ رَحْمَانٌ مُؤَخَّرٌ مُبْتَدَأٌ ❖ ❖ فَضْلُ رَحْمَانٍ

اوزره معطوفدر ❖ عثمان غیر منصرفدر ❖ ذی النورین صفت و مال صفت بعد صفیدر ❖ زیرا تنوینی مضاف الیه دن عوضدر عالی القدر تقدیرنده در ❖ مفهوم بیت بودرکه ❖ فاروق اعظم عمر بن الخطاب رضی الله عنه حضرت نلری دخی عثماندن ارجح و افضلدر ❖ معلوم اوله که ❖ فاروق لفظی فرقدن مأخوذ صیغه مبالغه در ❖ حضرت عمر اسلامه کلدکده ❖ اسلام و کفرک یننی ❖ یاخود قضایاده حق و باطلک یننی فرق ایلدیکچون فاروقله ملقب اولدیلر ❖ و ذوالنورین ایکی نور صاحبی دیمکدر حضرت عثمان رسول اللهک کریمه لری اولان ❖ رقبه و ام کلثوم جنابلرینی تزوج ایلکله ❖ ذوالنورین ایله ملقب اولدی ❖ اهل سنت اتفاق ایلدیلرکه ❖ حضرت صدیق اکبردن صکره افضل فاروق اعظمدر ❖ سنت و اثر و اماره ایله استدلال ایلدیلر ❖ اما سنت (خیر امتی ابو بکر ثم عمر ❖ و ❖ لوکان بعدی نبی لکان عمر بن الخطاب و ❖ ان الشیطان لیفر من ظل عمر ❖ و ❖ ایما دار عمر دار الحق معه) حدیث شریف لریدر ❖ و مرویدرکه ❖ برکون جبریل امین نازل اولوب ❖ یا محمد حضرت حق سبحانه و تعالی حضرت عمره سلام اهدا ❖ و بنم کندودن راضی اولدیغم کبی ❖ کندوده بندن راضی بیدر دیو سوال ایلکری امر ❖ و اسلامندن صکره یننه جبریل امین نازل اولوب ❖ یا محمد اهل سماء اسلام عمر ایله استبشار ایلدیلر دیدی ❖ و یننه برکون جبریل امین نازل اولوب ❖ حضرت رسول الله ایله مکالمه ایدر ایکن ❖ حضرت عمر و رود ایتمکله جبریل امین دیدیکه ❖ سنی حق پیغمبر بعث ایدن خدای ذوالمنن حق ❖ عمر ارضده معروف اولدیغندن زیاده ❖ آسمانده معروفدر یننه حضرت رسول الله ❖ یا جبریل فضائل عمر دن بکا بیان قیلر پیور مغله ❖ حضرت جبریل دیدیکه ❖ یا محمد حضرت نوحک

امتی ایچره مکث ایلدیکی مدت ❖ جناب سعادت عندنده مکث
ایلبوب ❖ عمرک فضا ثلثی بیان ایلسم ❖ فضائل عمر نهایت بولماز
اما اثر فضیلت ابی بکر ماده سنده کذران ایلدی ❖ اما اماره ایام
خلافتنده ظاهر اولان حسن سیرت واستقامت ❖ وخلق محبته
بیضایه سوق ❖ وکفاری استیصال ❖ وکلمه اسلامی اعلا واجلال
وتقوی وتواضع ❖ وفتح بلاد ❖ واستقرار عباد ❖ وحیث دینی
وصلابت یقینیه کبی ❖ مأثر سنیه لریدر ❖ حضرت صدیق آخر
حیاتلرنده خلافت فاروقی باینده عهدنامه تحریر ❖ وبعد الختم
صحابه کرامی جمع ❖ وصحیفه ده اسمی مکتوب اولان کسه به
بیعت ایللری ضمنده امر ایدوب ❖ هرکس بیعت ایدرک ❖ امام
علی حضرتلرینه واصل اولدقده ❖ امام علی بندخی بیعت ایلدم
حضرت عمر ایسه بیورمغله ❖ خلافتنده اتفاق منعقد اولمشدر
اون سنه مسند خلافتده جالس اولدقدن صکره ❖ هجرتک یکریمی
اوجخی سنه سی ذی الحجه سنده مغیره بن شعبه تک غلامی ابوالولؤلؤ
بدیل کسوه عالمهای شهادتی لابس اولدیلر

❖ وَذَوُ النُّورَيْنِ حَقًّا كَانَ خَيْرًا ❖ مِنَ الْكَرَّارِ فِي صَفِّ الْقِتَالِ ❖

وذوالنورین مبتدا در ❖ حقا قسمدر ❖ یاخود مفعول مطلقدر
حقه حقا تقدیرنده در ❖ کان فعل ناقص اسمی ضمیر مستتردر
خیرا خبر منصویدر ❖ من الکرار خیرا لفظنه متعلقدر ❖ فی صف
القتال کراره متعلقدر ❖ مفهوم بیت بودر که ❖ حضرت عثمان
رضی الله عنه دخی حضرت حیدر کراردن افضلدر ❖ معلوم
اوله که ❖ حضرت عثمانه ذوالنورین تسمیه سنک وجهی آنفا
بیان اولندی ❖ حضرت علی دخی بغایت شجاع و جنگاور اولغله
کرار ایله ملقب اولدی ❖ کر حمله وصولت معناسنه در ❖ خنی
اولیه که ❖ حضرت عثمانک فضیلتی باینده ❖ آثار کثیره وارد
اولمشدر (لوکان لی اربعون بنسازوحت عثمان واحده بعد واحده

حتى لا تبقی منهن واحده) و (یا عثمان انت ولی فی الدنیا والاخرة
والذی بعثنی بالحق لبشفعن عثمان بن عفان فی سبعین الفا من امتی
قد استوجب کلهم النار) و (الا استحبی من استحبی منه ملائکة السماء
و ظهر فی الجنة برق فقال اهل الجنة ما هذا البرق ولیست الجنة
موضع البرق فیقول الله عز وجل لبس برق ولكن یدهب عثمان
بن عفان من حجرة الى حجرة وهذا نور شرک نعلیه) حدیث شریفلری
کبی خصوصاً نبوک غز اسنه عزیمت باینده ❖ وجاهدوا باموالکم
وانفسکم ❖ امری نازل اولغله ❖ حضرت ذوالنورین ❖ اول هنکامده
تجارت ایچون ایکبوز دوه تجهیز ایتش اولغین ❖ جمله اسبابیله
مکمل کنوروب تسلیم مهار ایتمکله ❖ شاه سریر اصطفای علیه
اصنی التحایا حضرتلری (لایضر عثمان ما فعل بعدها) بیوردیلر
وایام خلافتلرنده بلاد کثیره فتح ❖ ولوای شرع اجدی رسیده
طاق سپهر زبرجدی اولوب ❖ وجیوش مسلمینی تجهیز ❖ ونصرت
دین ومهاجرته اتفاق ایدوب ❖ وداماد نبوی اولمشدر ❖ حضرت
عمر زخدار اولدقده امر خلافتی حضرت عثمان ❖ وعلی ❖ وعبد
الرحمن بن عوف ❖ وطلحه ❖ وزبیر ❖ وسعد ابن ابی وقاص
ینلرنده شوری ❖ یعنی مشورت اولمغه تعلیق ایلدی ❖ بعده
جمله سی امری عبد الرحمن بن عوف حضرتلرینه تفویض
وحکمنه ارتضا ایتلریله اولدخی حضرت عثمانی اختیار ❖ وخلافتنه
بیعت وامرینه مطاوعت ایلدیلر ❖ مدت خلافتلری اون ایکی سنه در
بعده فتنه ظهور ایلکله نشوان سلافه شهادت اولدیلر

❖ وَلِلْكَرَّارِ فَضْلٌ بَعْدَ هَذَا ❖ عَلَى الْاَغْيَارِ طَرًّا لَا بُدَّ ❖

لکرار مقدم خبردر ❖ فضل مؤخر مبتدا در ❖ بعد ظرف زماندر
هذا کلمه سنده ها حرف تنبیه ❖ ذا عثمانه اشارتدر ❖ علی الاغیار

فصل کله سنه متعلقدر ❦ طرا جیعا معناسنه حالدر ❦ لاتبال
مبالا تدن نهی حاضر در ❦ علامت جزمی آخرنده یانک سقوطیدر
لاتبال عن اقوال الاغباء تقدیرنده در ❦ مفهوم بیت بودر که
امام علی رضی الله عنه حضرتلری دخی سائر صحابه کرامدن
افضلدر ❦ بعض کسه لک کونا کون اقواللرینه توجیه سامعه
اعتبارا یله ❦ معلوم اوله که ❦ جمله اصحاب کرام اتفاق ایتدیلر که
حضرت عثماندن صکره ❦ افضل امام علی کرم الله وجهه ❦
حضرتلریدر (من کنت مولاه فعلی مولاه) و (اللهم وال من وآلاه
وعاد من عاداه) و (انت منی بمنزله هرون من موسی) و (دخلت الجنة
فرأيت علی باب الجنة مكتوبا لا اله الا الله محمد رسول الله وعلی اخ
رسول الله) حدیثلریله استدلال ایدرلر ❦ و مرویدر که حضرت
عثمان عازم سوی جنان اولدقدن صکره ❦ امر خلافت مهمل
قالوب آخر جمله کبار اصحاب کرام تجمع ❦ و حضرت مرتضادن
امانت خلافتی قبول ایللرینی استدعا ایلدیلر ❦ قتل ذی النورینی
استعظامله قبول ایلوب ❦ اوچ کون بو حال ارزره کذران ایلدی
کبار مهاجرین اختلال امر دین ظهورینی یقین ایللریله ❦ ثانیا
حضرت مرتضایه ابرام ایدوب ❦ یمین و یرملریله ❦ بالاخره قبول
ایدوب ❦ موجود اولان کافه اصحاب عقد بیعت ایلدیلر ❦ زیرا
عند اهل السنه خلافت امرنده اصابت ایلشدر ❦ حضرت
عائشه ❦ وزیر ❦ و معاویه نك منازعه لری اجتهادلرنده خطایه
مینیدر ❦ امام علی مصبیدر ❦ زیرا حضرت رسول الله عمارین
یاسره (ستقتلک الفئة الباغية) بیورمغله ❦ حضرت عمار صفین
ملحمه سنده ❦ طرف مرتضویده اولوب ❦ لشکر معاویه یدیله شربت
شهادت نوش ایلدی ❦ و مرویدر که ❦ طلحه سپاه شامده بولنوب
مجروح و حیاتدن مایوس اولدقده ❦ عسکر مرتضوی افراندن

بر جوانه دستکی بکا ویرکه امیر المؤمنین ایچون بیعت ایدمه یم دیدی
مرادی امام عادل یعنی اوزره فوت اولق ایدی ❦ و حضرت
عائشه نك یوم جمله قتال ایچون خروج ایلوب بلکه ایکی فرقه
بینی اصلاح ایچون خروج ایلدیکی مروی ❦ و خروجنه نادم
اولدیغی رسیده درجه صحتدر ❦ و امر خلافت امام علی ايله
واصل حد ختام اولدی ❦ نه که (الخلافه من بعدی ثلثون سنة
حدیث شریفی وارد اولشدر ❦ و حضرت مرتضانك انتقالی
اوتوزنجی سنه ده واقع اولشدر ❦ قالدیکه امت محمد خلفای
عباسیه ❦ و حالا خلفای عثمانیه نك خلافتلرینه اتفاق ایلدکلی
حدیث شریفده وارد اولان خلافتی ❦ خلافت کامله ❦ و خلافت
حقیقه یه جل ايله در ❦ خصوصا خلفای عثمانیه ایدهم الله
تعالی بالتأییدات السبحانه حضراتنك اصول سلطنتلری سیرت
خلفای راشدین اوزره مؤسس اولوب جمله سی خالص اهل سنت
و پیشه لری همیشه غزا و مجاهدت ❦ و اجرای احکام شریعت
اولغله ❦ خلافت وصفنه احری والیق اولشدر

❦ وَلِلصَّدِيقَةِ الرَّجْحَانُ فَأَعْلَمُ ❦ عَلَى الزَّهْرَاءِ فِي بَعْضِ الْخِلَالِ ❦

للصديقة جاور ومجور خبر مقدمدر ❦ صديقه لقب حضرت
عائشه در ❦ الرجحان مؤخر مبتدادر ❦ زهراء لقب حضرت
فاطمه در ❦ خلال خصال معناسنه در ❦ مفهوم بیت بودر که
حضرت عائشه بعض خصالده حضرت فاطمه یه ارجمندر
معلوم اوله که ❦ ام المؤمنین زوجه سید المرسلین ❦ حضرت عائشه
رضی الله عنها صديقه ايله تلقینک وجهی بودر که ❦ ترجمه
سیرده تفصیل ایلدیکن اوزره قلاده سنك فقدانی ماده سنده
افک و افتزایه مبتلا اولوب ❦ بعده عصمت و برائتلی باند آیت

کریمه نازل ❦ و ذاتنده محبت و خدمت نبویه کمال صداقتی اولمغله
صدیقه ایله ملقب اولدیلم ❦ و حضرت فاطمه کدرت دم حیض
و نفاسدن آزاده اولمغله ❦ زهرا ایله ملقب اولدیلم ❦ بروقت نماز فوت
ایلدیکی مرویدر ❦ بعضیلر وجه تلقی اشراق جمال تابدار لریدر
دیدي ❦ حتی حضرت صدیقه لبسه مظلمه ده اشراق نور جمال
فاطمه ایله سوزنه رشته اسلاک ایدرم دیدکاری مرویدر ❦ معلوم
اوله که ❦ علمای امت اختلاف ایلدیلر ❦ بعضیلر فاطمه تک
عایشه دن افضلیننه ❦ و اکثر علما حضرت عایشه تک مطلقا
افضلیننه ذاهب اولدیلم ❦ و بعضیلر توقف ایلدیلر ❦ زیرا
اعتقاده تعلق یوقدر ❦ بعضیلر عایشه تک علم نبوت و احکام
شریعت تحصیلنده ❦ و کثرت روایت و درایت ❦ و آخرتده
حضرت رسول اللهله درجه عالیه ده بولمق کبی ❦ بعض خصالده
افضلیننه ذاهب اولدیلم ❦ حتی حقارنده (اطلبوا ثلثی دینکم
عن هذه الحمیراء) وارد اولمشد ❦ حمیرا صیغه تصغیر ایله لقب
عایشه در (و فضل عائشة علی سائر النساء کفضل الثرید علی سائر
الطعام) حدیث شریفی وارد اولمشد ❦ و حضرت فاطمه
حقنده دخی (اما ترضین ان تكون سیده نساء اهل الجنة) بیورلمشدر
مشارق شریفده (الا ترضین ان تكون سیده نساء المؤمنین) مقبله
مشتدر ❦ و حضرت رسول اللهک جزء شریف لریدر ❦ ذکور دن
اولسیدی لامحاله پیغمبر اولور ایدی ❦ و حقنده (فاطمة بضعة منی
فن اغضبها اغضبتنی) بیورادی ❦ و حضرت عایشه دن عند
رسول الله نسواندن صاحب قدر و محبت اولان کیمدر دیو سوال
اولندقد فاطمه در دیدیلر ❦ و رجالدن کیمدر دینلدکده
زوجیدر دیدیلر ❦ بناء علیه ❦ ناظم رجحانی بعض خصالله
تخصیص ایلدی

❦ ولم یلعن یزیدا بعد موت ❦ سوی المكشارفی الاغراء غال ❦
لم حرف جازمدر ❦ یلعن فعل مستقبل مجزومدر ❦ یزیدا مفعولیدر
ضرورت وزن ایچون منصرف قلندی ❦ اتران ایچون منون
اولدی ❦ بعد موت بعد موته تقدیرنده در ❦ سوی المكشارفاعلیدر
مکشار مفعال وزندده کثرتدن مبالغه در ❦ قوال معناسنه ❦ فی الاغراء
مؤخر غال کلمه سنه متعلقدر ❦ اغراء حث و تعریض معناسنه در
غالی غلودن مأخوذدر ❦ حدی تجاوز ایدیچی معناسنه ❦ مکشاردن
بدلدر ❦ مفهوم بیت بودر که ❦ سلفدن برکسنه یزیدبن معاویه
حقنده لغنت ایلدی ❦ انجق حدی تجاوز ایدن رفضه و خوارج
کبی بعض اشخاص لغنت ایلدیلر ❦ معلوم اوله که ❦ لعن لغتده
طرد معناسنه در ❦ عرفده حضرت حقک بر شخصی رجسندن
طرد و تبعید ایلمسده مستعملدر ❦ نته که ❦ لعن الذین کفروا ❦
کریمه سنی بعدوا من رحمة الله ایله تفسیر ایلدیلر ❦ و لعن
برکسه اوزره ایدی دعا اولور ❦ شیطان و ابوجهل کبی ❦ و بعضا
لعنی مستوجب اولان وصف ❦ زائل اولمغله موقت اولور ❦ مثلا
کافر ایکن مسلم ❦ و فاسق ایکن تائب اولور ❦ و کفار ایله مسلم حقنده
اولان لعنک فرقی واردر ❦ زیرا لعن کفار دائمی و ابدیدر ❦ لعن
مسلم خیردن بعید اولمسیدر ❦ بو صورتله بعد التوبه مسلمیندن
برینه لعن ایلک جائز دکلددر ❦ بناء علیه ناظم علیه الرحمه ❦ یزیدبن
معاویه حقنده برکسه لعنله دعا ایلدی دیدی ❦ زیرا امام حسین
رضی الله عنه حضرت تیرینک قتلبله امر ایلدیکنک تحقیق صورتنده
محملمدر که ❦ قبل الموت تائب و نادم اوله ❦ نته که وحشی حضرت
حزه بی قتل ایدوب بعده توبه و اسلامله اصحابدن معدود اولمشد
لکن بو کلامه اعتراض اولنور که قبل الموت توبه و ایمان ایلمش

اولسه سائر خاندان نبوتدن کفید ایدر ایدی ❦ قالدیکه موتنه قدر
خاندان عالی به انواع اهاتی متواتر در ❦ وهنکام موتنه توبه
و ایمانی مقبول دکلدر ❦ زیرا وجه آتی اوزره کفرینه ذاهب
اولشدر ❦ اگر سؤال اولنورسه که ❦ مسلم حقنه معصبت سببیه
لعن جائز اولسه ❦ حضرت رسول الله (لعن الله الراشی والمرثی
ولعن الله الواشمه والمستوشمه) بیور مزلر ایدی ❦ واشمه بدنه
سوزله نعل غزایدن مستوشمه غزایتدیرندر ❦ جواب ویریلور که
لغت مؤمن فاجر کندیلره وعبد و تخویف ❦ وسائر لطف و احساندر
زیرا فاجر لر خوفله توبه و انابت ❦ وسائر لری مجانبت ایدر لر ❦ ویزیدک
کفرینه ❦ قتل حسینی امر ایلدیکندن بشقه ❦ اشبو منظومه
صورتنده اولان هذیانله استدلال ایدر لر ❦ برکون مصحف شریفدن
تقال ایدوب ابتدای سطرده ❦ واستفتحوا و خاب کل جبار عنید
کریمه سی ظهور ایتکله ❦ پر غضب اولوب اشبو قطعه بی قطع
اوله حق لسانیه تفوه ایلشدر

❦ تخوفنی بجبار عنید ❦ وها انا ذاك جبار عنید ❦
❦ اذا لاقیت ربك يوم حشر ❦ فقل یارب مرقنی یزید ❦
دیهرک مصحف شریفی پاره پاره ایلدیکی منقولدر ❦ و شراب حقنه
دخی اشبو اذا حرمت بو ما علی دین احمد ❦ فهات علی دین
المسیح ابن مریم ❦ یقنی که تنصری استر ضادر ❦ کندیدن صادر
اولدیغی منقولدر ❦ اشبو آیات مذکوره کتب ادبیاتک برنده یند
امرای امویه دن ولید بن عبدالملکه معزو اولدیغی مسطوردر
لکن اکثرنده یزیده سند مسطوردر ❦ علامه بیهدانی سعدالدین
تفتازانی علیه الرحمه خلاصه دن نقل ایتشدر که ❦ یزیده و حجاجه
لعن ایلک لایق دکلدر ❦ زیرا حضرت رسول الله اهل قبله به
لعنی نهی ایلدی ❦ و بعض اهل قبله حقارنده ❦ لعن نبوی صدوری

معارض اولماز ❦ زیرا غیرک بیلدیکی بعض احوال ناسی حضرت ا
رسول الله یلور ❦ و بعضیلر یزید حقنه لعنی اطلاق ایلدیله ❦ زیر
حضرت حسینی قتل ایله امر ایلدیکی حینه کافر اولدی ❦ و علما
حضرت حسینی قتل ❦ و قتلله امر ایدن ❦ و قتلنه اذن و رضا
سکوسترن اشخاصه ❦ لعن ایلک جائز اولدیغنه متفقدر ❦ زیرا
حضرت رسول الله اذا اولدیغی بدیهیدر ❦ خارجدن برکسه نک
جکر پاره سی اولان اولادینی قتل ایلسه لر ❦ اول کسه مطیبه
اولور متأذیمی اولور ❦ البته متأذی اوله جفی شمسدن اظهاردر
ایمندی حضرت رسول الله اذا اولیحق ❦ ان الذین یؤذون الله
لغنهم الله فی الدنیا والاخره ❦ کریمه سی منطوقجه لعنه مستحق
اولور ❦ وحق اولان بودر که ❦ یزیدک قتل امام حسین خصوصنده
رضا و استبشاری ❦ و خاندان نبوته اهانت و اضرائی متواتر
معنوی اولغله شاننده ❦ بلکه ایماننده توقف ایلوب ❦ کندوسنه
و یوباید اعوان و انصارینه لغت ایدر رز ❦ و کبار ائمه دن بر ذات
فضائل سمات یزیدک قتل امام حسینده امر اولدیغی بو بیتله
ایما ایلشدر

❦ سهم اصاب و رامیه بذی سلم ❦ من بالعراق لقد ابعدت مر ما کا ❦
امام غزالدین مرویدر که ❦ بو یایده دخی اسلم اولان سکوتدر ❦ نته که
شیطان واجب اللغه ایکن لغت بدلی ❦ مثلا استغفار و صلوات
شریفه ایله نفسکه جلب ثنویات ایلک انسددر ❦ اگر واقعا بو کونه
خاندان نبوته اهانتده ❦ مصر اهلک اولدیه ❦ سنین
عبدیده دنبرو معذب اولوب ❦ و بوند نصکره دخی معذب اوله جقدر
جمله دن اقدام ❦ دعوا جهسی حضرت فاطمه در ❦ حضرت
فاطمه جهتند ن دخی (فاطمه بضعة منی من اغضبها اغضبتنی
حدیثی مقتضاسی ❦ خصمی حضرت رسول اللهدر ❦ و اگر

تأبأ كتمش ایسه لغت ایلمکدن نه حاصلدر ❦ اما خاندان نبوته
در کار اولان حب جلی اقتضاسی ❦ اذا خلی وطبعه ❦ او مقوله قلوبده
بغض و کدورات ضروری متهیج اولور ❦ مدوح اولان بودر

❦ وَاِيْمَانُ الْمَقْلَدُ ذُو اَعْتِبَارٍ ❦ بِانْوَاعِ الدَّلَائِلِ كَالنِّصَالِ ❦

ایمان مبتدادر ❦ المقلد ❦ مضاف الیه بدر تقلیددن اسم فاعلدر
ذو اعتبار خبریدر ❦ بانواع جار و مجرور ذو اعتبار کلمه سنه متعلقدر
زیرا صاحب اعتبار تأویلندهدر ❦ الدلائل مضاف الیه بدر ❦ دلائل
دایمک جمعیدر ❦ کالنصال ❦ حالد مشبهه بالنصال تأویلندهدر
نصال جمع نصل در ❦ اوق تمرنه دیرل ❦ مفهوم بیت بودر که
مقلد اولان مؤمنک ایمانی معتبر و اعتباری ادله قاطعه نافذه ایله
مدلل و مبرهندر ❦ معلوم اوله که ❦ ایمان لغته مطلقا تصدیق
معناسندهدر ❦ امن کلمه سندن افعالددر ❦ اکا ایمان ابتدی دیمک
انی تکذیب و مخالفندن امین ابتدی دیمک اولغله ❦ تصدیق حاصل
معنا اولور ❦ با حریفله متعدی اولور ❦ اقرار و اعتراف معناسنی
اعتبار ایله امنت بالله قولنده اولدیغی کبی ❦ و لامله ده متعدی اولور
اذعان و قبول معناسنی اعتباریله ❦ و ما انت بمؤمن لنا ❦
کریمه سننده اولدیغی کبی ❦ و عرف شرعه تحقیقنده و بالکز
فعل قلب ❦ و یا خود بالکز فعل لسان ❦ یا خود ایکبسنکده فعلی
یا خود سائر جوار حکده مدخلنک وجود و عدمنده اختلاف
اراء واقع اولغله ❦ درت شقی مشتمل اولمشدر ❦ شق اوله کوره که
بالکز فعل لسان اولقدر ❦ حضرت رسول اللهک طرف الیهیدن
کتور دکری احکامک بالضروره تصدیقنه اسم اولور
وحدت صانع ❦ و وجوب صلوة ❦ و حرمت خمر کبی ❦ مشهور اولان
بودر ❦ و جمهور اهل سنت بونک اوزرینهدر ❦ و بعضا معرفتده

اسم اولور ❦ شیعہ طائفه سی ❦ و قدریه دن جهنم بن صفوان
و ابوالحسین الصالحی مذهبلی بودر ❦ و اشعریه دخی بو طرفه
ماثلدر ❦ و شق ثانی به کوره ❦ بالکز فعل لساندر لکن معرفت
قلبه مشروطدر ❦ حتی اقرار معرفتسز تحقیق ایلمز ❦ رقاشی بو که
ذاهبدر ❦ و قطان تصدیقک اشتراطنه ❦ و کرامیه معرفت
و تصدیقندن هر برینک عدم اشتراطنه ذاهبدر ❦ شق ثالثه کوره که
مجموع تصدیق و اقرارک اسمدر ❦ اکثر محققنک مذهبی بودر
و امام اعظم حضر تیرندن منقول اولان بودر ❦ نه که فقه اکبرنده
و الایمان هو الاقرار و التصدیق ❦ عبارتیه تعریف ایلمشدر
لکن امام اعظم اقراری اجرای احکام دنیویه ایچون ❦ اشعری
تصدیقنه امارت اولسق ایچون مشروط ایلمدیکنی تصریح
ایدرل ❦ کر چه اشعرینک مرجعیده متحددر ❦ تصدیق رکندن
اولدیغنه کوره ❦ برکسه قلبیه تصدیق ایدوب ❦ عمرنده بردفعه
لسانیه اقرار ایلمسه ❦ عند الله تعالی مؤمن و جنته دخول
و جهنمدن تجاته مستحق اولماز ❦ لکن شرط اولدیغنه کوره
عند الله مؤمن اولور ❦ نقدر احکام دنیوی خصوصنده مؤمن
اولماز سنده ❦ منافق کبی اقرار ایدوب ❦ تصدیق ایلمسه دنیاده
مؤمن اولوب ❦ عند الله مؤمن اولماز ❦ نه که نصو صلی بونی
مؤیددر ❦ اما بالکز تصدیقده اسمدر دین مذهبه کوره اقرار
احکام دنیوی ❦ اجرا سیچون شرط اولور ❦ و شق رابعه کوره که
سائر جوارح دخی مضاف قلمشدر ❦ تارک عمل ایماندن خارج
و کفره داخل اولور ❦ خوار جک مذهبی بودر یا خود کفره داخل
اولیبوب ایکی منزله اراسنده قالور که ❦ معتزلهنک مذهبی بودر
لکن اعمالده اختلافلی وارددر ❦ ابوعلی و ابو هاشم عندنده
عمل فعل واجبات و ترک منہیاتدر ❦ ابو الهذیل و عبد الجبار

عندنده فعل طاعاندر ❦ كرك واجب ❦ و كرك مندوب اولسون
اشبوشق رابعده بر مذهب دخی واردر كه ❦ تارك عمل ایمانندن
خارج اولماز بلكه ❦ دخول جنتله وجهنده عدم خلود ايله مقطوع
اولور ❦ اكثر سلف و جمیع ائمه حدیث ❦ و اكثر متكلمین مذهبیری
بودر ❦ امام مالك و شافعی واوزاعی حضراتندن منقول اولان
بودر ❦ لکن بوكه سؤال وارد اولور كه ❦ ایمانك جزئی متنی
اولمشكن بقاسنه نه كونه ذاهب اولنور ❦ جواب ویریلور كه ❦ ایمان
انلك عندنده دخول جنت باینده ❦ كافی اولان اصله كه
تصدیق قلبیدن عبارتدر ❦ مقولدر و بلا خلاف كامل منجی یه ده
مقولدر نه كه ❦ انما المؤمنون الذین اذا ذكر الله وجلت
قلوبهم ❦ كریه سی اكا اشارتدر ❦ و محل خلاف مقول اولكمی
یوقسه ثانیكمی اسمیدر ❦ و اشاعره دیرلر كه ❦ ذكر اولنان تصدیقه
استدلال دخی ضم اولنق لا تقدر ❦ صحت قول پیغمبری بلادلاله
العقل بملك جائز دكدر ❦ شرح مقاصده مسطور در كه ❦ امام
اعظم ❦ و مالك ❦ و شافعی ❦ و احمد و اوزاعی ❦ رحمهم الله دیدیلر كه
مقلدك یعنی ❦ غیرك قولنی بغیر دلیل قبول ایدن كسه نك ایمانی
صحیحدر ❦ لکن استدلالی تركله عاصی اولور ❦ ائمه مشارالیه
دیرلر كه ❦ چونكه ایمانك حقیقتنی تصدیقدر موجبات كفرن
بریله تحقق ایلامكه ❦ ایماننه ضرر ترتب ایلمز ❦ اكر سؤال
اولنورسه كه ❦ تصدیق بدون العلم منصور اولماز ❦ زیرا علم بالتصدیق
ذاتی یا خود ❦ شرط اولور ❦ مقلدك ایسه علمی یوقدر ❦ زیرا علم
ضرورت استدلالدن برسبیه مستند اولان اعتقاد جازم مطابقدن
عبارتدر ❦ اكا جواب ویریلور كه ❦ تصدیقه معتبر اولان یقین
دكدر ❦ بلكه بعضا مطابقت ككفایت ایدر ❦ و نقیضی
خاطره سندن سالم ❦ ظن غالب یقین حكمنده اولور ❦ تكرار

سؤال اولنورسه كه ❦ برایمان و تصدیق اولدیغنی ننی ایتمرز
بلكه نافع دكدر ❦ ایمان یأس منزلنده در ❦ زیرا ایمان یأسك
عدم نفعی ابو منصور ماتریدی یسانی اوزره ❦ بوكونه معللدر كه
عبد اولوقنده ❦ شاهد ايله غائب اوزرینه استدلال ایلكه قادر
اولماز كه ❦ حتی ایمانی عن معرفه و عن علم استدلالی اوله ❦ ایمان اوزره
ثواب ❦ مشاق و متاعیدن متحمل اولدیغنی مقابله سبله در ❦ مشاق
و متاعب ایسه ❦ محدثات عالم ❦ و معجزات انبیا ❦ و حجت و شبهه مبای
تمیزده ❦ اداب فكرت وادمان نظر و دقت ايله حاصلدر ❦ یوقسه
اصل ایمان تحصیلنده دكدر ❦ اكا جواب ویریلور كه ❦ نص شریف
معاینه عذاب عندنده ایمان یأسك عدم نفعنه قائم اولدی ❦ یوقسه
ایمان مقلدك عدم نفعی باینده وارد اولدی ❦ اجاع دخی نفعی
امرنده منعقد اولدی ❦ و قیاسه تمسك ❦ هر نقدر اصولده صحیح
ایسه ده علت ❦ سرك ذكر ایلدیككز اولدیغنی ممنوعدر ❦ بلكه
ماتریدی و اكثر محققین ذاهب اولدیلمر كه ❦ ایمان یأس نافع
اولدیغنیك وجهی بودر كه ❦ زیرا اولوقنده ایمان محضا دفع عذاب
ایچوندر ❦ یوقسه حقیقی ایمان دكدر ❦ كذلك اولوقنده عبد
ایچون ❦ نفسنی تصرفه و استمتاعه قدرت قالماز ❦ زیرا معاینه
ایلدیكی عذاب دنیا ❦ عذاب آخرته مقدمه در ❦ ایمان مقلد
بونك خلافتنه در ❦ زیرا حضرت باری به تقرب رضاسنی طلب
و ابتغادر ❦ و معتزله عندنده مقلدك ایمانی صحیح دكدر ❦ لکن
ینلرنده اختلاف واردر ❦ و بعضیلری دیرلر كه هر مسئله ده استدلال
عقلی به ابتناء اعتقادی شرط دكدر ❦ بلكه معجزه ايله رسالتی
بالمشاهده ❦ یا خود بالتواتر ❦ یا خود بالا جماع ❦ معلوم اولان ذاك
قولنه ابتناء كفایت ایدر ❦ بو وجهله حضرت رسول اللهك
حدوث عالمی ❦ وثبوت و وحدانیت صانعی اخباری ❦ مقبول

اولور ❦ و بعضی را اصولدن هر بر مسئله ده دلیل عقلی به ابتدای
اعتقادی شرط ایلدیلر ❦ لکن انی تعبیر و دفع شبهات غیر ❦ و مجادله
خصوصه اقتدار لازم دکلدر دیدیلر ❦ و شیخ اشعری حضر تارندن
مشهور اولان بو کلامدر ❦ حتی کندودن ذکر اولسان شرط
بولنمیان مؤمن اولماز مقالنی حکایت ایدر لر ❦ لکن عبدالقاهر
بغدادی دیدیکه ❦ اول کسسه هر نه قدر اشعری عنده علی الاطلاق
مؤمن اولماز ایسه ده ❦ تصدیق بولند یغیچون کافر دکلدر ❦ لکن
نظر واستدلالی ترک ایلدیکی حسبیه عاصیدر ❦ حق جل وعلی یا
عفو ایدر ❦ یا خود ذنبی مقداری عذاب ایدر ❦ عاقبتی ینه جنته
داخل اولور ❦ عبدالقاهر ک بو کلامی مشعر در که ❦ اشعری نک
مرادی ❦ اول کسه علی الکمال مؤمن اولماز دیمکدر ❦ تارک اعمال کی
والامتزلة بین المتزاتین تردینه ❦ و غیر مؤمنک جنته دخوله قائل
دکلدر ❦ بوضوح منازعه اشعری حقیقی اولماز ❦ و معتزله دن
بعضیلری دیرلر که ❦ ذکر اولسان ابتدای اعتقاد ایله مجادله
خصوم ❦ و وارد اولان اشکالک حل و دفعنه ❦ اقتدار لازمدر
بوضوح اقتداری اولمایک ایمانیه حکم ایلزلر ❦ بلکه ابوهاشم
کفریه حکم ایلدی ❦ قالدیکه صحیح اولان ماتریدی
مذهبدر که مطلقا تصدیقدر ❦ عامه اهل علم و فقها ❦ انک اوزرینه
متفقددر ❦ مثلا برکسسه به بریسی بر خیر سویلسه ❦ اول کسسه انی
تصدیق ایلسه ❦ آمن به و آمن له ❦ قوی صحیح اولور ❦ پس
مقلده ایمانی واجب اولان امور ❦ اخبار اولند قده تصدیق ایلسه
مؤمن اولوب ❦ مؤمنین حقارنده موعود اولان ❦ عنایاته مستحق
اولور لر ❦ و جبریل امینک ایمان دن سئوالنده ❦ حضرت
رسول الله ❦ ان یؤمن بالله و ملائکته و کتبه و رسله و الیوم
الآخر و بالقدر خیر و شره ❦ یورملری مقلدک صحت ایمانسه

دلالت ایدر ❦ زیرا بحر دتصدیق یقله جواب ویردیلر ❦ و حضرت
رسول الله مسائل اعتقادی ده ❦ قطعا دلائل عقلیه به اشتغال
یورمدیلر ❦ و بعضی را ایمانی معرفت ایله تفسیر ایلدیلر ❦ علامه
تفتازانی دیمشدر که ❦ بعض قدریه ایمانک ❦ معرفتدن عبارت
اولدیغنه ذاهب اولدی ❦ و علمای اهل سنت ❦ مذهب مر سومک
ابطالنه اتفاق ایدوب دیدیلر که ❦ اهل کتاب که ❦ یهود و نصارادر
اولادلرینی ییلدکلی درجه ده ❦ نبوت رسول الهی ییلور لر
حال بوکه ❦ کفر لری شرعا مقطوعدر ❦ زیرا تصدیق لری یوقدر
و معلوم اوله که ❦ تصدیق اخبار مخبردن معلوم اولان امر
اوزره ❦ قلبی ربط ایلکدن عبارتدر ❦ بوجهته امر کسبی اولوب
مصدق اختیاریه ثابت اولور ❦ بناء علیه مقابلنده ثواب
مرتب اولوب ❦ و رأس عبادت قلنور ❦ امام معرفت بونک خلا فیدر
زیرا بعضا من غیر کسب حاصل اولور ❦ مثلا بغته بر جسمه واقع
اولوب ❦ اول جسمک جدار ❦ یا خود حجر اولدیغنه معرفت حاصل
اولور ❦ و بوتقریر بعض محققینک تصدیق بالاخیار مخیره ❦ صدق
نسبت ایلکدن عبارتدر دیدک لری نک مألیدر ❦ و قالدیکه اکثر
اهل اسلام ❦ تقلیدی اخذ ایدوب ❦ استدلالده قاصر یا خود
مقصر اولد قلرندن بشقه ❦ صحابه کزین و تابعین و خلفا همان
تقلید ناسله اکتفا ایدوب ❦ حقارنده احکام مسلمینی اجرا
ایدر لر ایدی ❦ پس ذکر اولندیغنی اوزره ❦ بواختلاف لری سبی
و بعض مجتهدینک ایمان مقلد صحیح دکلدر دیدک لری نک وجهی ندر
دیو استفسار اولنور سه ❦ جواب ویریلور که ❦ بو ذکر اولسان
قال و قبل ❦ مثلا شواهی جبالده نشنت ایدوب ❦ ملکوت سموات
و ارضینی تفکر ❦ و صانع و وحدانیتی تدبر ایمان کسسه به برکسسه
مفروض الاعتقاد اولان امور دینه بی اخبار ❦ اولدخی بی تفکر

وتدبر مجرد اخباریله تصدیق ایسه ❦ ایمانیله حکم ایملک صحیحیدر
دکلمدر ❦ اختلاف بوماده به متعلقدر ❦ یوقسه دیار اسلامیه ده
بین اظهر العلماء نشأت ایدوب ❦ عندنده احوال نبوی و معجزات
علیه لری ❦ متواترا مسموع اولان کسه حقنده دکلمدر ❦ كذلك
سموات وارضینک خلقنده دلیل ❦ نهاریک اختلافنده نظر و تفکر
ایدن کسنه حقنده دکلمدر ❦ اول کسه اهل نظر واستدلالدن
اولور ❦ و شرح مقاصده مسطور در که ❦ معتزله نک صحت
ایمان نظر واستدلاله ❦ و براهین تقریرینه اقتداره منوطدر
دیدکلی کلامک بطلانی ❦ ضروریات دینیه به ملحقدر ❦ لکن
کلامرینک ظاهرندن ❦ نظر واستدلالک وجوبی منضم اولور
هر تقدیری نظر واستدلال ❦ ایمان صحیح اولور سه ده ❦ قالدیکه
وجوبدن مراد لری ❦ وجوب عینی ایسه ❦ یعنی فعل بعضله
سقوط قبول ایتمز دیمک ایسه ❦ اختلافات مذکوره ضمننده مندرج
اولان ادله معارضدر ❦ و اگر وجوب علی الکفایه ایسه ❦ انده جمله
متفقددر ❦ زیرا عامه کتب کلامیه ده مصرحدر که ❦ کفایه
طریقیه هر مکلفه ازاله شبهه ❦ والزام معاندین و ارشاد مشرشدینه
مقدر اولق حیثیله ❦ تفصیل دلائل واجبدر ❦ حتی فقهای
عظام دیدیلر که ❦ مسافه قصرده بومثلوا ذاتک و جودی واجبدر
نه که مقدمه ده ذکر اولندی ❦ وقالدیکه صحابه کرام و تابعین
حضرت لری ذکر اولندیغی اوزره ❦ برکسه به نظر واستدلالله
امر بیورمیوب ❦ حتی بعضیلری ❦ تحت ظلال سیوفده ایمانه
کلمریله ❦ عندلرنده مقبول اولشیدی ❦ بدیهدر که ❦ اومقوله کسنه نک
عندنده صانع عالمک وجود وصفاته ❦ دال اولان دلیل ظاهر
اولامشیدی دیواشناه اولنور سه ❦ جواب اولنور که ❦ طریقه
حکمت اوزره ❦ اول امرده نظر واستدلالله امر ایلیوب ❦ بلکه

جمله دن اقدام ❦ اقرار و انقیاد ایله تکلیف ایدوب ❦ صکره ذات
وصفات الهیده اعتقادی واجب اولان ❦ اموری تعلیم و معارف
الهیه بی ❦ محاورات و خطب و مواعظ اثنالرنده افاده ایدر لری ایدی
غایتی برکت صحبت نبوی و قرب زمانی حسبیه ❦ قواعد مدونه به
منطبق مقدمات ترتیب ❦ ودلائل تهذیبندن مستغنی اولمشلرایدی
لکن عقاید مضبوطه لرینه ظنون ❦ و شکوک تطرق ایلمز حیثیته
دلائل اجمالیله به علملری شامل ایدی ❦ الحاصل انلرمعارف
الهیه ایله مستغنی اولوب ❦ غیر لری بر مقتضای استعداد ❦ وجوه
شتی ایله تحصیل یقین طریقه ارشاد ایدر لرایدی ❦ نته که اول
زمانک عوامندن اولان براعربی ❦ البعرة تدل علی البعیر ❦ و اثر
الاقدام علی المسیر ❦ افسماء ذات ابراج ❦ وارض ذات الفجاج ❦ لاتدلان
علی اللطیف الخیر ❦ عبارتیه استدلال ایلمشدر ❦ جلال دوانیدن
منقولدر که ❦ علم کلام جوانبیه تأمل اولنسه ❦ علم مزبوره اشتغال
فرض کفایه اولدیغی ظاهر اولور ❦ ولوایح جمله سندندر که
ابتدا صدور اسلامک استدلال طریقه منسلک اولد قلمرینک
وجهی بودر که ❦ جمله دن اقدام حضرت رسول الله استدلالدن
مستغیدر ❦ زیرا امور دینیه بالجمله و حیلّه معلوملری اولمشدر ❦ و امته
تعلیم قصد ایلمد کلمری دخی قرآن کریمده ❦ لوکان فیها آلهة
الا لله لفسدتا ❦ کریمه سی کبی ❦ آیات و سائر احادیثده مشار
اولدیغی ❦ اهل بصائر و روشنا اولدیغنه مبیدر ❦ و صحابه کرام دخی
حضرت رسول الله بر مرتبه معتقد اولمشلرایدیکه ❦ مثلا برنسنه بی
ضدیه خبر ویرسدر ❦ اکا حق البقین اعتقاد ایدر لرایدی ❦ و کتب
محققنده مسطور در که ❦ قول پیغمبری و قول اجاعی ❦ و قول قاضی
ومفتی بی ❦ و قول عدلی قبول تقلید دکلمدر ❦ علمای امتک تدوین
علم عقاید ایدوب ❦ بعض وفاق و شقاق لری اصول دینیه ده تخالف

حدوثه مبنی اولشدر ❦ مثلا ❦ مانحن فیه مزده مقلد دید بکمن
 خالی الذهن عوام ناسدندر ❦ بعض ملاحده وضالینک ملبساتنه ده
 اعتقاد ایدرلر ❦ شیطان علیه اللعنه ایسه ❦ عدوی فر صبحویدر
 نته که تورانده ❦ و شروح انا جبل ار بعده مسطور در که ❦ کندوسنه
 عارض اولان شبهات سبع سیبله ❦ کندی ضال اولوب ❦ غیری دخی
 اضلال ایتمکله ❦ الی یوم السئوال ❦ ناسی ❦ کندوسنه همحال
 ایلمکه ❦ صرف مجال اوزره در ❦ زمانمزده ایسه ملاحده تکثر بولوب
 شخصا ف شخصا ❦ عوام ناسک عروق واعصابنه ❦ بلکه عقلا
 صورتنده مشهود اولان نیجه قیافتلو اشخاصه ❦ حلول ایلبه رک
 معاذ الله تعالی ❦ اول ساده لوحی نقوش عقاید حقه دن اعرا
 ایلشدر ❦ خلقک ایسه اکنساب حطام دنیوی ❦ غائله سندن
 خالق و پیغمبر خاطر لرینه خطور ایلمز که ❦ امور دینیه لرینی
 تعلم ایده لر ❦ سال عمری سکسانه وارمشیکن ❦ سکز یوز سنه لک
 مال ادخاری قیدنده در ❦ وقالدیکه بعض احکام شرعیه وارد که
 الاحکام تختلف باختلاف الازمنه والاحوال ❦ قاعده سی اوزره
 زمانک مقتضاسی اوزره دائر در ❦ مثلا نسوانک جماعته حضور لری
 عند المتقدمین مریخص ❦ وعند المتأخرین مخطور در ❦ بو وجهله
 تحصیل ایمانده استدلالی شطرا ایدنلرک کلامی ❦ زمانه نسبت اوفق
 کورینور ❦ تا که هر کس اربابندن نظر واستدلالک حقیقت
 و طریقنی تعلله مستدل اولوب ❦ رقبه سنی رقبه تقلیددن تخلیصله
 دم عروق کبی حلول ایدن ملاحده نک اقوال مموهه باطله سنی
 مصدق اولوب ❦ ادله ایله ابطال ایتمکله ❦ صراط مستقیمده مثبت
 اوله لر ❦ حالا نیجه لردن مسموعمز اولبور که ❦ افتاده دام تزوری
 اولدیغی شرابخوری معاذ الله تعالی ❦ خفت عقیده سیبله کاه
 ملایوندر تسترایدر ❦ و کاه یدنده شراب حاشا ❦ آب کوثره منقلب

اولور دیو ❦ کونا کون هذیانه جسارت ایدرلر ❦ جمله فسادک منشای
 جهالتدن متولد حب دنیادر ❦ انکچون الجهل اخوالکفر
 دنلشدر ❦ وقالدیکه کرامات اولیا بحشده ذکر اولندیغی اوزره
 اولیای کرام ذره قدر مغایر شریعت وضع و عمل ایلمزلر ❦ انلر
 مرآت الصفادر ❦ غبار دنیا ایله مغبر اولمازلر ❦ سر رسول الله
 جمله دن ازید و او فر انلر مظهر اولغله ❦ هر آنده حضرت رسول الله
 متابع و مقتفیلر در ❦ ذات نبویدن صادر اولیمان افعال انلردن
 صادر اولوق امر محالدر ❦ بوندن بشقه نیجه خذله قومه اصولنه
 تعظما مراعات ایدرز ❦ دیو بین العوام ❦ بروقف کلام وارد در
 واقعا دیدکلری مشاهیر اصول که ❦ بایزید بسطامی ❦ و جنید
 و امثاللرندن صکره ❦ صاحب طرق اولان اعزه کرامدر ❦ حضرت
 مولانا ❦ و عبد القادر کیلانی ❦ و بهاء الدین ❦ و بدوی حضراتی کبی
 موثوق الکلام اولان اعلام عدیده نک ❦ تحریر لری اوزره اولیای
 کرامدن اولدقلری متواتر مغنویدر ❦ سالک طریقلری اولان اهل
 علم و مشرع و متدین و متقی اولان ❦ ذواته صمیمی محبت ایده رز
 لکن غلطه ده سرشار نشوه صهبا اولوب ❦ استانبولده افراغ
 دعوی کرامت ایدن مخاذیل سفهایه ❦ و شکل و قیافتنی شبیکه
 اغفال عوام ایدن ❦ اصحاب زرق وریایه ❦ و مقابله کونلری حجره
 مخصوصنده ❦ عقد انجمن یاران ایدوب ❦ اوالقده علی دده نماز
 قلوب مقابله یه باشلدیلر می ❦ بر کره یوقله دیوب ❦ باشلدیلر ایسه
 نارکیله بی براقوب ❦ آبد سنسز نماز سنز ❦ مقابله یه سرعت ایدن
 سفله منحوس اللقایه ❦ نه کونه اماله چشم محبت اولنور ❦ اصول
 مشارالیه انلری قبول ایلبه جکی نمایاندر ❦ انه لبس من اهلك
 مصدوقی ❦ اولقوله لری انلره نسبت ایلمک کوه کوه بی ادبلیکدر
 قزلباش طائفه سی ❦ حضرت مر تضایه منسوب کچندکلری

معلومدر ❦ بوصورته حضرت مرتضایه حرمله اول طائفه به ده
محبت ایلک لازمدر ❦ حال بوکه ❦ قتل واستیصالری مشر و عدر
حالا راقم الحروف دخی نقشبندیه سالکی اولوب ❦ لکن طوغریبی
بودر که ❦ شریعت مطهره به ذره قدر مغایر ❦ قول و فعلی و حب
دنیا سی اولان شخصی ❦ جو سمداده پرواز ایدر کورسم ❦ برو جهله
خاطریمه اعتقاد دکل ظنک ظاسی خطور ایلز ❦ وبرکوی مر حومک
دخی رد ایلدیکی اولمقوله اشخاصدر ❦ یوقسه امعان اولنسه
طریقتی عین تصوف و حقیقتدر خدما صفادع ما کدر

❦ وَمَا عَذْرُ لَذِي عَقْلٍ بِجَهْلٍ ❦ بِخَلْقِ الْأَسَافِلِ وَالْأَعَالِي ❦

ماء نافیه در لبس مغناسنه ❦ عذر اسم مرفوعیدر ❦ لذی عقل
جار و مجرور خبر منصوبیدر ❦ بجهل نفیه متعلقدر ❦ بآء سببیه در
یا خود حالدر ❦ ملا بسا بجهل تقدیرنده در ❦ بخلاق الاسافل
کله سنده بآء بجهل لفظنه متعلقدر ❦ اسافل اسفلک جمعیدر
مراد فلک قمرک ماتحتیدر ❦ اعالی اعلانک جمعیدر ❦ مراد
ما فوقیدر ❦ مفهوم یتت بودر که ❦ عاقل و بالغ اولان کسه
جهلی سببیه ❦ معرفت الهیدن محروم اولسه ❦ حضور رب العزه ده
عذری قرین قبول اولماز ❦ معلوم اوله که ❦ عذر کله سنک اوچ
مغناسی وارددر ❦ بری فعل معهودی بن ایشلدم دیمکدر
❦ وبریسی شو سببیه ایشلدم دیمکدر ❦ ثالث ایشلدم لکن
من بعد ایشلم دیمکدر ❦ بوراده مراد معنای ثالثدر ❦ وعقل
لغته منع و قید معنارینه در ❦ موصوفی ناسزا فعلدن منع
ایتدیکیچون ❦ قوت معهوده اطلاق اولندی ❦ وعرفده بر نور
روحانیدر که ❦ کند و سببیه علوم ضروریه و نظریه ادراک
اولنور ❦ وعقل ایچون درت مرتبه اثبات ایدرل ❦ مرتبه اولی

عقل هیولانی در که عقل بالقوه دخی دیرل ❦ معقولاتی ادرا که
استعداد محضدر ❦ عقل اطفال کی ❦ مرتبه ثانیه عقل بالملکه در که
ضروریاته علم و نفسک ❦ اول ملکه ایله نظریات اکثسابنه
استعدادیدر ❦ مفاد تکلیف بواسطه استعداددر ❦ مرتبه ثالثه
عقل بالفعل در که ❦ نظریات اکثسابنه ملکه دن عبارتدر
❦ مرتبه رابعه عقل مستفاد در که ❦ ادراک ایلدیکی نظریات
غائب اولیه جنی حیثیه کند و ده حاضر اولمقدن عبارتدر
وجهل سید شریفک عندند و وجودیدر ❦ زیرا بر شئی
حقیقتک خلا فی اوزره بیلمکدن عبارتدر ❦ معدومک ذهنده
شیئینه ذهسابله ❦ تعریفنه وارد اولان اعتراضی دفع ایشلدر
بعضیلر جهلی بسط و مرکبه تقسیم ایدرل ❦ و بسطی
علم شانندن اولان کسه نک علمیه تعریف ایدرل ❦ وجهل مرکبی
سید شریفک تعریفیه تعریف ایدرل ❦ لسانمزد و بیلدیکیبند
بیار ایله تعبیر اولنور ❦ بعض اخبارده وارد اولمشدر که ❦ جهل
کفره ❦ بیاض عینک سوادینه قریندن زیاده قریبدر ❦ و بعض
محققین دیدیلر که ❦ حق سبحانه و تعالی ملائکه ده عقلی بی شهوت
ترکیب ایلدی ❦ و بهایمده شهوتی بی عقل ترتیب ایلدی ❦ وانسانده
ایکبسنی جمع ایلدی ❦ ایمدی عقلی شهوتنه غالب ❦ یعنی کبر
و کلو سنه مغلوب اولیان کسنه ❦ ملائکه به ملحق اولور
شهوتی عقلنه غالب اولان ❦ بهایمدن معدود اولور ❦ و خنی اولیه که
اهل سنت دیرلر که ❦ عاقل اولان کسنه ❦ کرک صبی کرک بالغ اولسون
معرفت خالق بیچونده جهالتی عذر دکلدر ❦ زیرا ❦ و فی انفسکم
افلا تبصرون ❦ اولم ینظروا فی ملکوت السموات والارض ❦ و کاین
من آیه فی السموات والارض یمرون علیها وهم عنها معرضون ❦
کریمه لری مقتضاسی خالقک وجودینه دال اولان سموات

وارضین و ما فیہایہ نظر واستدلال واجبدر ❦ نه که بعض عرفای هوشمندان

❦ وفي كل شيء له آية ❦ تدل على انه واحد ❦ وبعضیله ❦ واذا نظرت الى السماء بنظرة ❦ فاری السماء تدل انك واحد ❦ ❦ واذا نظرت الى الكواكب بنظرة ❦ فعلى المکوکب للکواكب شاهد ❦ فرأيتني بر آورده ساحل بیان ایلش لر نابی مر حومك اشبو قطعہ سیدہ اعلا در

❦ كتاب کائنات اسرار حق بی دهن سویلر ❦ ❦ سواد ممکنات آثار صنعی بی سخن سویلر ❦ ❦ سنک کوشکده استعداد یوق ادرا کنه یوقسه ❦

❦ لب جوده کمال صنعی هر برک چن سویلر ❦ بومجت ❦ بیت سابق شرحی ضمنده دخی مندرج اولشیدی قالدیکه ❦ علمای کرام حضرت باری تعالی یه ❦ ایمانک وجوب و کفرک حرمنده اتفاق ایلدیلر ❦ لکن وجوبی قلبیدر سمعیمیدر اختلاف ایلدیلر ❦ مشایخ حنفیه عقلی اولسنه ذاهب اولدیلر ❦ نه که حاکم شهید منقی نام کابنده ❦ امام اعظم حضرت لرندن روایت ایدر که ❦ سموات وارضین خلقنی ❦ ونفسنی وسائر مخلوقاتنی کوردیکچون جهلده برکسه نک عذری مقبول دکلدرد ❦ وینه امام اعظمندن روایت ایدر که ❦ حق سبحانه و تعالی رسول بعث ایلسه ❦ خلق اوزره ❦ حضرت خالق عقللریله بیلک واجبدر وروافض وملاحده مذهبی بودر که ❦ عقلله برشی واجب و حرام اولماز ❦ هر تقدیر اشیانک حسن وقبحنی عقلله بیلک جائز ایلسه ده دلایلری ❦ وما کما معذبین حتی نبعث رسولا ❦ کریمه سیدر ❦ زیرا بعثت رسولدن اول ❦ عذاب نفی اولندی اکر عقلله وجوب و حرمت ثابت اولسه ❦ ترک ایلله عذاب اولنق

لازم ایدی ❦ پس ایت مر قومه ایلله لازم منتفیدر ❦ كذلك ملزومه منتفیدر ❦ انلره جواب ویریلور که ❦ آیت مر قومه قبل البعثه تارکدن منتفی اولان صوم و صلوٰه و زکوة کبی مشروعاندر ❦ زیرا عقل بونلرک وجوبلرینه و کیفیت عمللرینه قبل البعثه مهتدی اولق ممکن دکلدرد ❦ لکن صانع قدیمک وجودینه و وحدانیتنه ❦ انفسی و آفاقنی دلائل ثابت اولوب وعقل رؤیت آثار صنعله ❦ صانعنی بیلک ممکن اولغله ❦ استدلال واجبدر ❦ پس برکسه ده فرصت واستدلاله قدرت اولوب لکن استدلال ایلوب ❦ اول حال اوزره فوت اولسه ❦ عندالله تعالی معذور اولماز حتی بعض مفسرین ❦ وما خلقت الجن والانس الا ليعبدون ❦ کریمه سنی الالبعرفون ایلله تفسیر ایلدیلر قالدیکه میانده اولان خلاف مسطورک ثمره سی ❦ کند و سنه اصلا دعوت بالغ اولیان کسه حقنده در ❦ عقلی موجب ایدنلره کوره معذور دکل ❦ موجب اولیانلره کوره معذور در ❦ بعض شراحک یبانی بودر ❦ وبعضیلر دیدیلر که ❦ البته ایمان بالله واجب اولغله ایمان ایلدیکی صورتنده جهمنده مخلد قالور ❦ وعامة مشایخ حنفیه بونک اوزرینه در ❦ وامام اعظمک ظاهر روایتی بودر که بیلله رک وفات ایلسه ❦ جهمنده مخلد اولور ❦ واشعری عقلله برشی واجب اولماز ❦ وحسن وقبح اشیاء عقلله معلوم اولور دیرل ❦ انلره کوره معذور اولورل ❦ امام اعظمندن معذوری روایتی دخی مر ویدر ❦ و آیت مر قومه ده نفی عذابنی دنیاده واقع اولان عذاب استیصاله حل ایلش لردر ❦ وبعضیلر آیت مر قومه ده ذکر اولنان رسول ضمنه ❦ عقلی دخی درج ایلدیلر قالدیکه مخلد فی النار اولدقلری صورتنده ❦ کنار عقابیلله می معاقب اولورل ❦ یوقسه عقابیلری منتقصمی اولور ❦ بعضیلر دیدیلر که

عقاب کفار ایله معاقب اولورلر * زیرا انلر کفار ایلله هم محالدر
زیرا خالق و دین و ایمانه جاهل لر در * بوجهتله جهالت کفر در
❦ ولا تقولوا لمن اتى اليكم السلام لست مؤمنا ❦ کریمه سی
(من صلی صلوتنا و دخل مسجدنا و استقبل قبلتنا فهو مسلم)
حدیث شریفی احکام حقنده اولان اسلام اوزره محمولدر
و بعض اهل تحقیق دیرلر که * هر نقدر جاهل ایسه ده مصدق
اولغله عقابی منتقص اولیق جائزدر * و معتزله عندنده
عقل ایمانی و شکر نعمتی موجب * و بذاته احکامی مثبتدر * و قالدیکه
صبی عاقل امرنده * یعنی استدلال ممکن اولور حالده
اولسه * کندوسنه معرفت الهی واجب اولور می اولماز می
اختلاف وارددر * شیخ ابو منصور مازیدی دیدیکه * اول
صفتده اولان صبی اوزره * معرفت الهی واجبدر * و اکثر
مشایخ عراق بومذبه متابعت ایلدیلر * لکن بعض مشایخ
دیدیلر که * قبل البلوغ برشی واجب دکلددر * زیرا مکلف دکلددر
کذلک (رفع القلم عن ثلاث عن الصبی حتی یحکم الحدیث)
یورلغله * صبی اوزره احکام ترتب ایلز * مازیدی حضرتلری
قلبی شریعه جل ایلدیلر * یعنی صوم و صلوة کی احکام
ترتب ایلز * ابو منصور کدلیلی * ان السمع والبصر والفؤاد
کل اولئک کان عنه مشؤلا ❦ کریمه سیدر * زیرا
سمع مسموعانه * و بصر مبصرانه * و قلب معقولاته مختصدر
حال بوکه سمع بصر عقلدن مستغنی دکلددر * زیرا سمع حتی
و باطلی استماع ایدر * لکن ینلرین عقلله تمیز ایدر * کذلک
بصر کوردیکی حق و باطلی * عقلله فرق ایدر * بوحیثله
مدار معارف و مواجب عقل اولدی * بالغ ایلله صبی عاقل ایسه
عقل خصوصنده منسا و یلدردر * پس ناظمک لذی عقل قول

نعمیه اشارت اولور * یعنی صبی عاقل ایمان باللهت عقل
واسطه سبيله وجوبنده بالغ کی دیمکدر * نته که قبل البلوغ
اسلامه کلسه * بالاتفاق اسلامی * کذلک ارتدادی صحیح اولور
اما صبی عاقلک ارتدادی صحیح اولیوب * لکن اسلامی صحیح
اولور * اما احکام شرعیه ترتبندن حسب البنیه * بالغ ایلله غیر بالغ
بیننده فرق وارددر * و قالدیکه بعض اهل تحقیق بیان ایلدیلر که
برکسه میانه اسلامده نشأت ایدوب * جهل و غفلت سبيله عقایدینی
تصحیح ایلماش اولسه * اول کسه به حکما رد تله حکم اولور
والله الهادی الی سبیل الرشاد

❦ وَمَا اِيْمَانُ شَخْصٍ حَالِ بِأَسٍ ❦ بِمَقْبُولٍ لِفَقْدِ اِمْتِثَالٍ ❦

مانا فیدر لیس معناسنه * ایمان شخص اسم مرفوعیدر * بمقبول
کله سی خبر منصوبیدر * حال بأس ظرفیت اوزره منصوبدر
زمان بأس سبکنددر * بأس شدت و مضرت و عذاب
معنارینه در * یای تحیه ایلله یأس دیمدیکه * فلم یك ینفعهم
ایمانهم لما رأوا بأسنا ❦ کریمه سنه موافقت ایلچونددر
همره سنی الفه قلب ایلکده جائزدر * مفهوم یت بودر که
معاینه عذاب وقتنده حادث اولان ایمان که * ایمان بأس
و ایمان یأس دخی دیرلر * مقبول دکلددر * یعنی اول کسه
عندالله مؤمن اولماز * زیرا مقدما امر الهی به امتثال ایدوب
ایمانه کلدی * معلوم اوله که (ان العبد لن یموت حتی یری
موضع من الجنة والنار) حدیث شریفی اوزره مسلم و کافر
جمله سی البته فوت اولماز دن مقدم * جنت و جهنمه * مصیر
وما والری اوله جنت مکانلرین معاینه ایدرلر * بعض مؤمنه
حین انتقالنده انبساط و بشاشت حصولی اکامینیدر * پس

عمرینی کفر و ضلالتیده کچر مش بر کافر مرد اولور ایکن
ذکر اولسان حدیث شریف مقتضای لا محاله مصیرینی و کندی
ایچون تهیئه قلنان عذاب و عقوبتی معاینه ایتمکله ❦ ایمانه کلسه
ایمانی عندالله تعالی مقبول اولماز ❦ زیرا حضرت حق جل و علا
❦ فإم بك ينفعهم ایمانهم لما رأوا بأسنا ❦ بیور مشدر ❦ والذين
يؤمنون بالغيب ❦ کریمه سی مقتضای ایمان غیبی ايله
مأمور اولتمغله کافر مر سومک ایمانی ایمان عینی اولور ❦ كذلك
❦ ولبست التوبة للذين يعملون السئات حتى حضر احدهم
الموت قال اني تبت الان ❦ کریمه سی مقتضای سنجه مقبول
دکدر ❦ زیرا سبئاتدن مراد کفر ❦ یاخود نفاقدر دیدیلر ❦ كذلك
فرعون خصوصنده وارد اولان ❦ حتی اذا ادركه الغرق قال
آمنت انه لا اله الا الذي آمنت به بنوا اسرائيل وانا من المسلمين ❦
کریمه سی مصداقی اول آن بأسده اولان ایماتی حق جل
وعلی انکار ایدوب جوابنده ❦ الان وقد عصيت قبل وكنت
من المفسدين ❦ بیور مشدر ❦ اگر سؤال اولور سه که ❦ بأسدن
مراد ذکر اولندیغی اوزره آخرته مخصوص اولان معاینه
عذاب شدیدر ❦ یاخود سكرات موتدر ❦ فرعونده ایسه اولخالده
ایکبسیده یوقدر ❦ زیرا معاینه ایلدیکی استیصال دنیوی ایدی
جواب ویریلور که ❦ اولابأس مطلقا شدت و عذابدر ❦ نهایت
اول آنده سببی معاینه عذاب اولغله ❦ مسببی سببه اطلاق اولور
والا تحت ظلال سیوفده اولان ایمان دخی ❦ مقبول اولماقی لازم
کلور ❦ ولوسلم محتملدر که ❦ اثنای غرقده مصیرینی دخی
معاینه ایش اوله ❦ وغرق حالتی سكرات مقامنده در ❦ قالدیکه
حضرت شیخ اکبر ❦ وبعض اصحاب تحقیقک بوباید نیجه
کلماتی وار ❦ لکن بزرگ مبلغ ادراکی دکدر ❦ و ذکر اولسان

دلیله ❦ یونس علیه السلام قومک ایمانیه اعتراض وارد اولور
زیرا ❦ فلولا كانت قرية آمنت فنفعها إيمانها الا قوم يونس
لما آمنوا كشفنا عنهم عذاب الخزي ❦ کریمه سی اوزره
ایمانلری بأس حالنده ایکن ❦ مقبول بدرگاه اله اولشدر ❦ اكا
جواب ویریلور که ❦ قوم یونسك ایمانلری بأس حالنده دکلدر
بلکه حضرت حق تعالی ❦ ایمان و اطاعت ایللریچون عقوبت
علامتی ارأه ایلدی ❦ بعینه تورا امرینه امثال ایلک ایچون
قوم موسی علیه السلام اوزره ❦ جبل رفع اولندیغنه مما ثلدر
وبعض مفسرين آیت مر قومه ده واقع ❦ الا کله سنی استثنایه
جل ایلوب ❦ لکن معناسنه دریدی ❦ اوصورتده مفهوم شریف
ایمان قوم یونس اختیارلریله اولغله ❦ اوزرلرندن کشف عذاب
ترتب ایلدی دیمک اولور ❦ خلاصه معلوم اولدیکه ❦ ایمان بأس
مقبول دکدر ❦ قالدیکه توبه بأس ❦ یعنی مؤمن عاصینک بأس
حالنده توبه سی مقبولدر ❦ زیرا ❦ وهو الذي يقبل التوبة
عن عباده ❦ کریمه سی مطلقدر ❦ مخصصی یوقدر
كذلك (ان الله يقبل التوبة مالم يغفر) حدیث شریفی دخی
دلالت ایدر ❦ اما کافرك معرفت الهیدن بهره سی اولماغله
ابتداء ایمان و عرفاندن محرومدر ❦ مؤمن عاصی حصه مند
معرفتدر ❦ وحالی حال بقادر ❦ البتده بقا ابتدادن اسهلدر
بعض عرفا ایمان بأسی وقتنده غرس اولنوب ❦ لکن نشو و نما دن
بری اولان شجره تشبیه ایلدیلر ❦ و توبه بأسی ملایمت هوا سببیه
ایام شتاده مثمر اولان شجره تمثیل ایلدیلر

❦ وَمَا أَفْعَالُ خَيْرٍ فِي الْحِسَابِ ❦ ❦ مِنَ الْإِيمَانِ مَفْرُوضُ الْوَصَالِ ❦

مالبس معناسنه نافیه در ❦ افعال خیر اسم مر فوعیدر ❦ افعالك

اضافتی موصوفک صفتہ اضافتی قبیلندندر ❦ مسجد الجامع کبی
بعضیلر یانیه در دیدی ❦ فی الحساب محلا منصوب مانک
خبریدر ❦ من الایمان حساب کلمه سنه شعلقدر ❦ مفروض
الوصال ایماندن حالدر ❦ تذکیری مذکور اعتبار یله در
مفهوم یت بودر که ❦ وصالی مفروض اولان صوم و صلوة ❦ کبی
اعمال حسنه ایماندن محسوب دکلدرد ❦ یعنی ایمانک مفهومند
داخل دکلدرد ❦ هر تقدیر وجود ده وصالی مفروض ایسه ده
زیرا ایماندن عاری اولان اعمال صالحه ❦ معدوم مثابه سنده در
❦ معلوم اوله که ❦ و ایمان المقلد یتنک شرحنده تثبیت اولندیغی
اوزره ایمانک مفهومند درت وجه اوزره اختلاف اولندی
بعضیلر ایماندن شطر عد ایلدیلر ❦ امام اعظم حضرتلری
عمل ایمانده داخل دکلدردیدیلر ❦ و وجوه عدیده ایله احتجاج
ایلدیلر ❦ اولاً ایمان لغتده نقل شهادتی ❦ و موارد استعمال دلالتیله
تصدیقہ دیرلر ❦ و شرعده معنای آخردہ نقل اولندی ❦ پس
تصدیق دیدیکمز ذاتنده زیاده نقصان قبول ایتز بر معنادر ❦
مثلاً مصدق تصدیقنه طاعات ضم ایسه ❦ یا خود معاصی
ارتکاب ایسه ❦ تصدیقی ینه بر حال اوزره اولوب ❦ قطعاً متغیر
اولاز ❦ اگر طاعات متفاوتہ نک اسمی اولیدی ❦ قلت و کثرت
جهتیه متفاوت اولور ایدی ❦ بناء علیه امام رازی و سائر بعض
کار دیدیلر که ❦ اشبوذ کر اولسان تفسیر ایمانک فرعیدر ❦ اگر
تصدیق دینور سه تفاوت یوقدر ❦ و اگر اعمالدر دینور سه
تفاوت در کاردر ❦ وجه ثانی ❦ مقدمه بیان اولندیغی اوزره
نص واجماعله ثابت اولیدی که ❦ ایمان معاینه عذاب حالنده
نافع دکلدرد ❦ بوصورنده بدیهیدر که ❦ معاینه عذاب حالنده
مقدور اولان انجیق تصدیق و اقراردر ❦ یوقسه اعمال

دکلدرد ❦ وجه ثالث ❦ ایمانی اثباتدن صکره ❦ یا ایها الذین آمنوا
کتب علیکم الصیام ❦ کریمه سی کبی ❦ اوامر و نواهی یه
دال اولان نصوص قاطعه در ❦ وجه رابع ❦ ایمان و اعمالک
متفارق اولدقلرینه دال اولان نصوصدر ❦ ان الذین آمنوا
و عملوا الصالحات ❦ کریمه سی کبی ❦ زیرا عملی ایمان اوزره
عطف ایمانک مغایرتی اقتضایدرد ❦ اگر سؤال اولنور سه که
عمل حقیقت ایمانک جزئیدر جزء ایسه ❦ کله مغایر اولغله
عملی ایمان اوزره عطفدن ❦ عملک حقیقت ایمانده داخل اولماسی
لازم کلز ❦ جواب ویریلور که ❦ اگر حقیقت ایمانده غیر داخل
اولسه تکرار بلا فائده لازم کلور ❦ و اگر اعتراض اولنور سه که
تخصیص بعد التعمیم قبیلندن اولسون ❦ جواب ویریلور که
رمزیننه مبنی اولور ❦ شاننه اعتناء کبی تصدیق ❦ یا خود اقراری
تخصیص ایلک هر وجهله اهمدر ❦ كذلك ❦ و من یعمل
من الصالحات وهو مؤمن ❦ کریمه سیده عمل ایمانده
داخل اولدیغنه دلالت ایدرد ❦ زیرا آیت مر قومه ده عمل
صحت ایمانه شرط اولدی ❦ شرط ایسه مشروطک غیریدر
وجه خامس ❦ بعضا ایمان و معاصینک اجتماعلرینه ❦ دال اولان
آیات کریمه در ❦ الذین آمنوا ولم یلبسوا ایمانهم بظلم ❦ و ❦ والذین
آمنوا ولم یهاجروا ❦ و ❦ وان طائفتان من المؤمنین اقتلوا ❦
کریمه لری کبی ❦ وجه سادس ❦ ایمانک شرط عبادات
اولدیغنه اجماعک ثبوتدر ❦ وجه سابع ❦ اگر ایمان اسم طاعت
اولیدی یا مجموعتک اسمی یا خود بعضینک اسمی اولور ایدی
صورت اولده بعض اعمالک انتفا سیله ❦ ایمانک انتفا سی لازم
کلور ❦ بوصورنده تصدیق و اقرار ایدوب ❦ هنوز صلوة و صوم
کبی عبادات اتیان ایلیمان کسه مؤمن اولماقی اقتضایدرد

اجماع ایسه بونک خلافت و تصدیق و اقرار عقینده و فات ایدن
کسه نك مؤمن اولسنه منعقد در * و صورت ثانیه تعیین
شرعی صادر اولامشدر * وجه ثامن * جبریل امین ایمانی
سؤال ایلدکده حضرت رسول الله (ان تؤمن بالله و ملائکته)
الح عبارتله تصدیقدن عبارت اولدیغنی بیان ایدوب * وان عمل
عنواتی ضم ایلامشدر * امام مالک و شافعی و اهل حدیث
و اشاعره و معتزله و اهل ایدیلرکه * اعمال حسنه ایمانده
داخلدر * و زیاده و نقصان قبول ایدر * دعوا لر بنه عقلی
و نقلی احتجاج ایلدیلر * دلیل عقلی بودرکه * اگر ایمان و عمل
متفاوت اولسیدی احاد امتک * بلکه فسق و فجوره منہمک اولان
اشخاصک ایمانلری انبیای عظام * و ملائکة کرامک ایمانلرینه
مشاوی اولق لازم اولور ایدی * لازم ایسه قطعاً باطلدر * دلیل
نقلی بویابده وارد اولان نصوص کثیره در * و اذا تلبت علیهم
آیاتہ زادتهم ایمانا * و لیرزادوا ایماناً علیهم * و یزداد الذین
آمنوا ایمانا * کریمه لری کبی * و ابن عمر رضی الله عنہما دن
مروی اولان (قلنا یا رسول الله ان الایمان یزید و ینقص قال نعم
یزید حتی یدخل صاحبہ الجنة و ینقص حتی یدخل صاحبہ
النار) حدیثی و (لو وزن ایمان ابی بکر یا ایمان هذه الامة لرجح به)
حدیث شریفی کبی حنفیه طرفندن بونلره وجوه عدیده ایله
جواب و یریلور * وجه اول * مراد دوام و ثبات و کثرت ازمان
و ساعات حسابله زیاده اولمقددر * وجه مرقوم امام حرمینک
کلام آتسی مألبدر * زیرا مشارالیه دیمشدرکه * جناب
رسول الله حضرتلرینک افراد ناسه تفضلی تصدیق نبوینک
استمراری و حضرت حقک کند و سنی مخامرة شکو کردن
عصمتیه در * و تصدیق امر عرض اولوب * بقاسی تجدد امثالله

اولغله * حضرت رسول الله متوالیا و ماعداده فترات اوزره
واقع اولق ملا بسه سی * حضرت رسول الله بوجھله
اعداد ایمان ثابت اولورکه * ماعداده انک بعضی ثابت اولور
یس پوشیوه اوزره اولان زیاده منازع فیہ دکلدر * مراد
ذکر اولندیغنی اوزره بحسب الازمان اولوب * لا بحسب
اصل الایمان اولمغله * حصول مثل شیئک انعدامدن مسکره
اولغله * زیاده ترتب ایلر دیو اعتراض وارد اولماز * مع هذا
مانحن فیہ زیاده اعداد در * وجه ثانی * زیاده دن مراد مؤمن به
زیاده سی حیثیتیه در * مثلاً صحابه کرام ابتدای اسلاملرنده
فی الجملة یعنی بطریق الاجمال ایمان ایدوب * اول اوانده
متعاقباً فروض متوارده اولغله * هر فرض خاص نزولنده
ایمان ایدر لر ایدی * بوجھله مؤمن به میانلرنده تفاوت وار ایدی
خلاصه سی بودرکه * ایمان اجمالاً معلوم اولان ماده ده اجمالاً
واجب و تفصیلاً معلوم اولان ماده ده تفصیلاً واجبدر * کثرت
و قلت جهتندن ملاحظه تفاصیلده * ناس ایسه متفاوت اولغله
بوجھله ایمانلری زیاده و نقصان ایله متفاوت اولور * وجه ثالث
زیاده دن مراد ثمره ایمان و قلبده نورینک اشراقیدرکه * طاعاتله
متراند و معاصی ایله متقص اولور * عرفانک * الایمان له اصل
و ثمره * دید کلری بوکه اشارتدر * امام رازی توفیقنه ذاهب
اولوب دیدیکه * تصدیق طاعاتله کامل اولور * قالدیکه
ایمانک زیاده و نقصان قبول ایلدیکنه دلالت ایدن * دلایل
تصدیقدن عبارت اولان اصل ایمانه متصرف * و زیاده
و نقصان قبولنه دلالت ایدن دلایل * ایمان کامله منعطف
اولور * علامه تفننا زانینک عقاید شرحنده * وجوه مسروده
طاعاتی ایمان کاملدن رکن عد ایدن مذهبه کوره متمشی اولماز

ته که امام شافعی اکاذا هبدر دیمکله * امامله متحد اولدیلر
وبعض محققین دیدیلر که * حقیقت تصدیق زیاده ونقصان
قبول ایلمدیکی مسلم دکلدر * بلکه ضعف وقوت جهتیه
متفاوت اولور * بولکلام صحائف صاحبک کلامنه قریبدر
صاحب صحایف دیمشدر که * حق اولان بودر که * ایمان زیاده
ونقصانه قابلدر * کرک طاعات معناسنه اولسون * وکرک
تصدیق معناسنه اولسون * طاعات معناسنه اولورسه ظاهردر
تصدیق معناسنه اولدیغی حینده تصدیق قبله اولور که
اعتقاد جازمدن عبارتدر * بوايسه ضعف وشدتی قبول ایدر
قالدیکه * علم کلامده بومبحث دخی طویل الذیل اولغله
تفصیلاتی شرح مواقف * وشرح جوهره التوحید کبی *
مفصلاته مشبع ومشبعدر والسلام

❦ وَلَا يَقْضَىٰ بِكُفْرٍ وَارْتِدَادٍ ❦ بَعْدَ الْوُقُوفِ ❦ وَاخْتِرَالِ ❦

لانا فيه در * يقضى * قضادن مستقبل مجهولدر * بكفر فاعل
مقامنه قائمدر * باء الصاقیه در * لايقضى احد بكفر سبکنده در
وارتداد معطوفدر * بعهر لايقضى فعلنه متعلقدر * باء
سببیه در * عهر عين مهمله نك قحی وهانك سكونيله زنا
معناسنه در * اختزال انقطاع معناسنه اولغله * مراد قطع
اعضا وغصب اموال کبی ظلم وجنایتدر * مفهوم بیت بودر که
برکسه به محظورات شرعیه دن اولان زنا * وقتل نفوس
وغصب اموال کبی * افعال منهیه ارتکابیله کفر وارتدادیله
حکم جائز دکلدر * معلوم اوله که * کفر کلمه سی لغتده ستروانکار
معنارینه در * طائفه کفره * حتی ستروانکار ایتدکلر بچون
کافر ایله تسمیه اولندیلر * وعرف شرعده ایمان شانیدن اولان

کسنه نك عدم ایمانه اطلاق اولنور * پس ایمانه ینلرنده تقابل
العدم والمسلکه اولور * وکفری واجب الایمان اولنلری انکاردن
عبارتدر * دینلره کوره ینلرنده تقابل تضاد اولور * وکفران
اکثری نعمته استعمال اولنور که * شکر مقابلی اولور * وکفور
انکار دینده * وانکار نعمته ده استعمال اولنور * وکفر قول ایله
وفعل ایله ده اولور * ایمانی معرفت ایله تفسیر ایدنلره کوره
کفر جهل بالله اولور * وایمانی طاعاتله تفسیر ایدنلره کوره
کفر معاصیدن اولور * خوارج اکاذا هبدر * بعض علمانک
بیاننه کوره معتزله دیرلر که * معصیت اوج قسمدر * بر قسمی
کفردر که * جهل بالله دلالت ایدن معصیتدر * سب رسول
ومصحف شریفی قاذوراته القا ایلک کبی * وبر قسمی * فاعلی کفر
وفسوقله متصف اولماز * وانکله متصف بالایمان اولق ممنوع
اولماز * سغه وکشف عورت کبی * وبر قسمی * ایماندن خروجی
وکفر ایله اتصافی موجب اولماز * بلکه فسوق وفسور ایله
اتصافی مستوجب اولور * قتل عمد وزنا وشرب خمر کبی * وایمانی
تصدیقدن عبارت ایدنلره کوره * کفر تکذیبیدن عبارت اولور
امام غزالی نك معتبری بودر * لکن بوکه کوره مصدق ومکذب
اولیانه کافر اطلاق اولنماقی اقتضایدر * مترددین کبی لکن
توجیه اولنور که * هرکس ایمانه وکفردن اجتنابه مأمور اولغله
محض ایمان امریله مؤتمر اولدیغیچون ونظر واستدلالله ایمان
ایلمدیکیچون اطلاق اولنور * وتصدیق وتکذیب میسانده شک
اولوب شک ایسه کفر اولدیغی بی شکدر * وکفر درت نوع اوزره در
* نوع اول * کفر انکاریدر که * قلب ولسانیله انکاردن
عبارتدر * کفر ابوجهل کبی * نوع ثانی * کفر بخودیدر که قلبیه
یلوب لسانیله اعتراف ایلمامکدر * کفر ابلیس ویهود کبی

نوع ثالث ❦ کفر عاریدر که قلبیه ییلوب اعتراف ایدر ❦ لکن مثلبه
 عاردر زعمیه متدین اولماز ❦ کفر ابوطالب کبی بعضیلر بو که
 کفر عنادی اطلاق ایدر ❦ نوع رابع ❦ کفر نفاقیدر که لسانله
 اقرار ایدوب قلبیه تصدیق ایلامکدن عبارتدر ❦ کفر ابن ابی بن
 سلول کبی انوا عنک اذلی بودر ❦ پس کافر ایمانی اولیان
 کسه در ❦ لکن عرف واستعمالده وحدانیتی انکار واسناد شرکت
 ایدنه مشرک ❦ و رسالت رسول اللهی سلب ایدنه کافر ❦ واعتقادینی
 اخلال ایدوب ظاهرا ایمان اظهار ایدنه منافق ❦ وبعد ایمان
 کفر طریقان ایدنه مرتد ❦ وبعض کتب وادیان منسوخه ایله
 متدین اولانه کابی ❦ وقدم دهری قائل اولوب ❦ حوادثی دهیره
 اسناد ایدنه دهری ❦ وقطعا خالق اثبات ایمانه معطل ❦ ونصوصه
 مغایر محض کفر اولان عقاید تبطین ایدوب ❦ ظاهرا اسلام اظهار
 ایدن ملحد زندق ❦ اطلاق اولنور ❦ ومعاصی دخی ایکی قسمدر
 کبیره وصغیره در ❦ کبیره ابن عمر رضی الله عنهما دن مروی
 اولدیغی اوزره طقوزدر ❦ شرک بالله تعالی ❦ بغیر حق قتل نفس
 وقذف محصنه ❦ وزنا ❦ وفرار عن الجهاد ❦ وسحر ❦ واکل مال یتیم
 وعقوق الوالدین المسلمین ❦ والحاد ❦ یعنی خروج عن مأمور
 الشرع فی الحرم ❦ ابوهریره رضی الله عنه اکل ربابی ❦ وعلی
 کرم الله وجهه سرقت وشرب خری زیاده ایلدیلر ❦ وبعضیلر
 اصرار اولنان کاه کبیره ❦ واصرار اولنیمان صغیره در دیدی
 صاحب کفایه دیمشدر که ❦ کبیره وصغیره اسم اضافیلر در
 مافوقنه نسبت اولنان معصیت صغیره در ❦ مادوننه اضافت
 قبلتان کبیره در ❦ لاصغیره مع الاصرار ❦ ولا کبیره مع الاستغفار
 قولی کلام اولی مؤید در ❦ بعد هذا اهل سنت اتفاق ایتدیلر که
 شرکدن ماعدا کبیره مؤمنی ایماندن اخراج ایلز ❦ بلکه اول مؤمن

ایمانبله مطیع ❦ وفسق سبیله عاصیدر ❦ زیرا ایمانک مفهومی
 اولان تصدیق کندوسیه قائمدر ❦ وحق سبحانه ونعالی آیات
 عدیده ده مذنبین وعاصینه ❦ ایمان اسمنی اطلاق ایلشدر
 ❦ یا ایها الذین آمنوا کتب علیکم القصاص فی القتل ❦
 کریمه سنده اولدیغی کبی ❦ ان الله لا یغفر ان یشرک به ویغفر
 ما دون ذلك لمن یشاء ❦ کریمه سی کبی زیرا بوآیت کریمه
 دلالت ایدر که ❦ اهل کباردن بغیر التوبه فوت اولان کسه
 مظهر غفران اولوب ❦ لکن اهل شرک محروم اولور ❦
 مرجئه طائفه سی زعم ایدر ❦ مؤمن ارتکاب کبیره ایدر سه ده
 فاسق وعاصی اولماز ❦ بلکه مؤمن صالحدر ❦ واکا عقاب جائز
 اولماز ❦ من غیر توبه فوت اولور سه ده ❦ زیرا مرجئه عندنه
 حسنه کفر ایله نافع اولدیغی ❦ سبئه ده ایمانله مضراولماز
 مذهب عا طلاری باطلدر ❦ زیرا فسق وعصیان طاعتدن
 خروجدر ❦ مرتکب کبار بلکه مرتکب صغائر طاعتدن
 خارج اولغله عاصیلر در ❦ ازارقه طائفه سی دیدیلر که ❦ صاحب
 کبیره مشرکدر ❦ زیرا هم الله ایچون وهم غیر ی یعنی یا نفسی
 ویا خود شیطان ایچون عمل ایدر ❦ بودخی باطلدر ❦ زیرا
 اصطلاح شرعه مشرک ❦ حق تعالی به الوهیتده شریک اعتقاد
 ایدن کسه دن عبارتدر ❦ صاحب کبیره بو حالدله اولدیغی
 ظاهر در ❦ وجهور خوارج ذاهب اولدیلر که ❦ کبیره یاخود
 صغیره ارتکاب ایدن کسه کافر اولور ❦ وبعضیلر صغیره ایله
 کبیره یننی فرق ایلدیلر ❦ جمله سی مرتکب کبار جهنمده مخلد
 اولور دیر ❦ ومعتزله مذهبی بودر که ❦ مرتکب کبیره کافر
 دکلدرد ❦ زیرا مصدقدر ❦ مؤمن دخی دکلدرد ❦ زیرا ایمان
 مأمور اولدیغمن جمیع طاعاتی ایتاندن عبارتدر ❦ کباردن

اجتناب ايلك دخی جمله مأمورا تندر ❦ بوجهتله مؤمن اولوب
بلکه فاسق اولغله ❦ توبه سز فوت اولور سه ❦ مخلد فی النار
اولور ❦ و معتزله نك شبهه لریك بری بودر که ❦ صاحب کیره نك
فاسق اولدیغی متفق ❦ لکن کافر اولدیغی مختلف اولغله
مختلفی ترك ایدوب ❦ متفقی اخذ ايلك واجبدر ❦ اکا جواب
ویریلور که ❦ بو حکم بلکه متفقی ترکدر ❦ زیرا یا مؤمن اولور
یا خود کافر اولور ❦ ینلرنده واسطه یوقدر ❦ اتفاق دکل بلکه
بر فردك قائل اولدیغی اخذ ايلمکدر ❦ بر شبهه لری بودر که
❦ افن کان مؤمنان کن کان فاسقا ❦ کریمه سی (ولا امان
لمن لا امانه له) حدیثی اوزره فاسق مؤمن دکلدر ❦ زیرا مؤمنه
مقابل ذکر اولندی ❦ انلره جواب ویریلور که ❦ آیت مرقومه ده
فاسقندن مراد کافر در ❦ زیرا کفر اعظم فسوقدر ❦ وحدیث
شریف فاسقک مؤمن اولدیغنه دال اولان آیات و احادیث
دلایله تغلیظ ❦ و معاصیدن زجر ❦ و خطر ده مبالغه طریقه سی
اوزره وارد اولمشدر ❦ بر شبهه لریده بودر که ❦ فاسق حقنده
مال و دمک عصمتی و مسلمدن وارثیتی و مناکحه و غسل و صلوة
جنازه سی ادا و مقابر مسلمینده دفن اولنق کبی مؤمن مطلق
احکامی ❦ و دم و لعن و امامته و قضا و شهادته عدم اهلیت کبی
کافر احکامی جاری اولور ❦ بوجهتله انلر ایچون منزله
بین المنزلین اولوب ❦ کندیلر نه مؤمن ونه کافر اطلاق اولنور
بو که جواب ویریلور که اثبات ایلدیکن احکام کافر مؤمنه تجاوز
ایلمان خواص دکلدر ❦ بلکه کافره ❦ و بعض مؤمننه عام اولان
احکامدر ❦ و خوارجك شبهه لری ❦ عصا نك کفر بی ناطق
نصوصدر ❦ و من بعض الله و رسوله یدخله نارا خالدا فیها ❦
و ❦ بلی من کسب سیئه و احاطت به خطیئته فاولئک اصحاب النار

هم فیها خالدون ❦ و ❦ و من لم یحکم بما انزل الله فاولئک هم
الکافرون ❦ و ❦ و من یقتل مؤمنا متعمدا فجزاؤه جهنم خالدا
فیها ❦ کریمه لری (و من ترک الصلوة متعمدا فقد کفر)
حدیث شریفدر ❦ زیرا آیتین اولین و رابعه ❦ عاصینک مخلد
فی النار اوللرینه دلالت ایدر ❦ خلود فی النار ایسه کافره
مخصوصدر ❦ آیت ثالثه وحدیث ❦ عاصینک کافر اولسنه دلالت
ایدر ❦ انلره جواب ویریلور که ❦ نصوص مرقومه ظواهر لری
اوزره محمول دکلدر ❦ زیرا هر تکب کیره نك عدم کفرینه
دال اولان دلایل قاطعه وارددر ❦ پس آیتین اولین کفار
مکذبین حقلرنده اولوب ❦ و آیت ثالثه نك معناسی ❦ کفرا و اعنادا
حکم ایلمان ❦ وحدیث شریفک معناسی کفره قریب اولور
دیمک ❦ یا خود استحلال اعتبار یله اولنق جائزدر ❦ و آیت
رابعه دخی استحلاله منیدر ❦ نته که ابن عباس اکا ذاهبدر
زیرا فی الحقیقه قصدا قتل مؤمن ❦ انجق مستحیلدن صادر اولور
یا خود مشتق و موصوفه حکم حیثیتی مشعر اولغله ❦ معنای
شریف مؤمنی ایمانی ایچون قتل ایدن دیمک اوله ❦ یا خود تقدیر
دوام معناسنده ظاهر ایسه ده بو مقامده ادله ینلرین جمع ایچون
مکث طویل مراد اوله ❦ نته که تور اتده دخی ❦ دوام معناسنه
اولان عولام لفظی مکث طویل معناسنه استعمال اولمشدر
اگر سؤال اولنور سه که ❦ خلودک متیادری دخی معنای تأییددر
کذلک ❦ و ما جعلناک لبشر من قبلك الخلد ❦ کریمه سنده
مراد معنای حقیقی اولان تأییددر ❦ کذلک ❦ خالدين فیها ایدا ❦
کریمه لرنده تأیید لفظیله مؤکد اولغله بر شبئی تأکید مدلوانی
تقویه در ❦ کذلک خلو ده مقرون اولان عومات کفاره ده
متناول اولغله ❦ کفار حقنده خلوددن مراد تأیید اولدیغی

متفقد ❦ پس فساق حقنه دخی معنای هر قوم اراده
اول نور ❦ زیرا اراده اول منسه مشترک ایکی معنای و یا خود
حقیقت و مجازینسین جمع لازم کلور ❦ شرح مقاصد ده ذکر
اول ندیغی اوزره ❦ انله بو وجهله جواب ویریلور که ❦ خلود
لفظندن متبادر استعمالده شایع و ذایع اولان دوام معنای
اول ندیغی بی اشتباهدر ❦ لکن بعضا مکث طویل منقطعده دخی
استعمال اول نور ❦ سجن مخلد و وقف مخلد کی ❦ بو جهته محتمل
اولوب قطعی اولماز ❦ ومطلق مکث طویل معناسنی اراده ده نفی
اشترک اولغله اولویتی ثابتدر ❦ بعده مکث طویل کرک معنای
حقیقی و کرک مجازی اعتبار اولسون ❦ حق کفارده دوامله
و حق فساقده انقطاعله اولمقدن اعددر ❦ بو صورتده جیعا
اراده اولملرنده محذور یوقدر ❦ و بصورتده تأیید تأکید اولیوب
بلکه تقید اولور ❦ ولوسلم مراد طول مکثی تأکید در حبس مؤید
وقف مؤید تعبیر اول ندیغی کی والسلام

❦ وَمَنْ يَنْوَارِدَا بَعْدَهُ ❦ يَصْرُ عَنْ دِينِ حَقِّ ذَا انْسِلَالِ ❦

من کله سی شرطیه در ❦ ینوی نیتدن فعل مستقبلدر ❦ من جزم
ایلمکله آخرندن یاء ساقط اولمشدر ❦ فاعلی من کله سنه راجعدر
ارتدادا مفعولدر ❦ بعد دهر ظرفدر ❦ یصر کله سی صار یصیردن
فعل ناقصدر ❦ اسم ضمیر مستنیر من کله سنه راجعدر ❦ ذَا انسلال
خبریدر ❦ جمله سی جزایه در ❦ علامت جزم آخرندن حر که نک
سقوطیدر ❦ اجتماع ساکنین محذوری ایچون یاء دخی ساقط
اولدی ❦ عن دین حق ❦ مؤخر انسلال کله سنه متعلقدر ❦ صاحب
انسلال سبکندهدر ❦ انسلال خفیة چیققی معناسنه در که ❦ ترکیده
صیرلق تعبیر اول نور ❦ مفهوم یت بودر که ❦ موقتا معاذ الله تعالی

ارتداد قصد و نیت ایدن مکسنه ❦ فی الحال دیندن چیقوب کافر
اولور ❦ معلوم اوله که ❦ یا ایها الذین آمنوا ❦ کریمه سنده آمنوا
لفظی ❦ اثبتوا فی الایمان ایله مفسر اولغله ❦ ایمان مأمور ایمان ثابت
و مستدام اولغله ❦ زمان استقبالده رده نیت ایدن مکسه ینی انده
اسلامدن خارج و کفره داخل اولور ❦ زیرا نیت کفر نیت تصدیق
ازاله ایدر ❦ كذلك کفر نفسنه راضی اولمش اولور ❦ بوایسه
بالاجاع کفردر ❦ و ناطمک نیتدن مرادی عزم و قصددر ❦ کفری
قصد ایسه کفر اولغله ❦ بالا تفاق معفو دکلددر ❦ زیرا حق سبحانه
و تعالی ماعدای شرکی عفو ایدر ❦ لکن سبئه به قصد بونک
خلافه در ❦ زیرا سبئه به قصد کر چه سبئه در (فأما من هم بسبئه
ولم يعملها لم یکتب علیه شیء وان عملها کتب علیه سبئه) حدیث
شریف مقتضای معفودر ❦ معتزله و خوارج دیدیلر که ❦ سبئه به
قصد دخی کفره قصد کی معفو دکلددر ❦ و خفی اولیه که ❦ دفتر
اعماله مکتوب اولیان قصد سبئه خاطره اولوب ❦ ارتکابی معزوم
اولیاندر ❦ یوقسه محققون دیدیلر که ❦ معزوم اولان سبئه
جریده به کتب اول نور ❦ لکن تحت مشیت الهیده اولغله ❦ عفو
قابلدر ❦ وقالیکه ❦ کفرک معزوم اولیان خطراتی ❦ خارج حیطه
وسع اولغله کفر دکلددر ❦ و تردد دخی کفردر ❦ زیرا تصدیقه منافی
اولغله متردد اولوب ❦ مؤمن قطعی اولماز ❦ بو جهته امام اعظم
حضرتلری استثنای منع ایلدی یعنی ❦ انامؤمن ان شاء الله دیمک
جائز دکلددر ❦ بلکه انامؤمن حقا دیمک لازمدر دیدی ❦ زیرا تصدیق
امر معلومدر ❦ تحقیق حینه تردد اولماز ❦ و تحقیقده تردد ایدن
مؤمن اولماز ❦ وجهور معتزله و خوارج و کرامیه بحسب الاستقبال
جائزدر ❦ بحسب الحال جائز دکلددر دیدیلر ❦ دلیللری بودر که
زیرا بو مقامده استثناء ترک ایچونددر ❦ شک و تردد ایچون دکلددر

نه که ❦ لتدخلن المسجد الحرام ان شاء الله آمین ❦ کریمه سنده
فقط تبرک ایچوندر ❦ زیرا حق تعالی اوزره شک وتردد ممتنعدر ❦ كذلك
حضرت رسول الله علیه الصلوة والسلام مقابره خروجلرنده
وانا ان شاء الله بکم لاحقون ❦ بیوردیلر استثناسی موت لحوقنده
شکه مبنی اولمدیغی بی اربابدر ❦ بو کلامره ینه جواب ویریلور که
انامؤمن ان شاء الله قولي ❦ ایمانک مشیت الهی تقدیر یله ثبوتنه
حکمدر ❦ یوقسه فی الواقع حکم دکلدرد ❦ بوا یسه شکی موجبدر
وعند التبرک ❦ بومعنائی مراد ایدرسکن ❦ حاصل معنی بزایمانم زده
تبرک ایچون شک ایده رز دیمک اولور ❦ بوا یسه ظاهر الفساددر
واکر بومعنائک غیری مراد ایه اصلات تبرک بولنماز ❦ زیرا تبرک انجیق
حکمی مشیت الهی یه تعلیقده اولور ❦ حال بو که تصرف مزبور
لفظی غیر مدلولنه صرف ایلمکدر ❦ و آیت مر قومه تمسک لینه
جواب ویریلور که ❦ جائزدر ❦ کلام مر قوم ❦ قل تقدیر یله حضرت
رسول الله ❦ یاخود جبریل امینه مستند اولغله ❦ معنای شریف
❦ قل لهم لتدخلن المسجد الحرام ان شاء الله ❦ دیمک اوله ❦ بوجهتله
استثناء حضرت رسول الله ❦ یاخود جبریل امین حضرت لر ینه مستند
اولور ❦ یاخود کلام مزبور ❦ حق تعالی یه مستند اولور ❦ لکن شک
سامعه نسبتله اولور ❦ یاخود ان شاء کله سنده ان لفظی
اذ معناسنه حمل اولنور نه که ❦ واتم الاعلون ان کنتم مؤمنین
کریمه سنده اذ کنتم معناسنه در ❦ وحديث مذکوره تمسک لینه
جواب اولنور که ❦ ذکر اولنسان کلام نبویدن موتی مشیته تعلیق
منفهم اولماز ❦ بلکه قبور مخصوصه اهلنه حقوق وانلرایله اجتماعی
مشیته تعلیق فهم اولنور ❦ بوا یسه امر ممکن اولغله ❦ شک تطرقنه
قابلدر ❦ وبحسب الاستقبال استثنایی تجویز ایدنلرک احتیاج جبری
بودر که ❦ مفید اولان موت دمنده باقی اولان ایمان اولوب ❦ و هر کس

انده لا محاله شک ایدر اولغله ❦ بحسب العاقبه استثنای صحیح اولور
هر نقدر بحسب الحال صحیح اولماز سه ده ❦ بو که جواب ویریلور که
هر نه کونه اولور ایه ایمانده شک (من شک فی ایمانه فقد کفر
حدیثی منطوقجه عین کفری ❦ یاخود قرب کفری موجبدر
کذلك شک وتردد هر نقدر بحسب الاستقبال اولور سه ده ❦ حال
شکده ضعف ایمانی مستوجب اولور ❦ زیرا اول حالده ایمان
استقبال بسنده شکی واقع اولور ❦ كذلك حالده دخی شکی موهم
اولور ❦ بوندن بشقه شک وتردد طرفینی مساوی اولان ماده ده
اولور ❦ طرفک بری راجح اولدقده ❦ انده شک وترددک معناسی
یوقدر ❦ و برشی فی الحال حاصل اولسه ❦ خلافنه دلیل قائم اولدقده
استقبالده دخی حصولی ظاهر وغالبدر ❦ حال بو که مؤمنه
واجبدر که ❦ قادر اولدقجه ایمان اوزره مستمر اولمق نیتنه ثابت
اوله نه که ❦ ولا تموتن الا واتم مسلمون ❦ کریمه سی انی ناطقدر

❦ وَلَقَدْ الْكَفَرُ مِنْ غَيْرِ اعْتِقَادٍ ❦ بطوع رد دین باغتفال ❦

ولفظ الکفر مبتدادر ❦ من غیر اعتقاد ❦ جار ومجرور حال
موقعنده در ❦ بطوع کله سنده باء مع معناسنه در ❦ رد دین مبتدائک
خبریدر ❦ باغتفال کله سنده باء سیبیه در ❦ اغتفال غفلتدن
افتعالدر ❦ مفهوم بیت بودر که ❦ برکسه جهالتی سیبیه کفر
اولدیغی بلبه رک طوع واختیار یله برکله کفر تفوه ایلسه ❦ اول
کسه دائرة اسلامدن چیقوب ظلمت آباد کفره داخل اولور
معلوم اوله که ❦ بومسئله دن دخی اختلاف واردر ❦ ائمه بحاری
وسمرقند اتفاق ایلدیلر که ❦ جاهل طائعا کله کفری تفوه ایلسه
کافر اولور ❦ زیرا جهل معذور دکلدرد ❦ و فتوی دخی بوقول
اوزره در ❦ پس اول کسه یه استغفار ❦ وتجدید ایمان وتجدید

نکاح ایلک واجب اولور ❦ بعض علما دیدیلرکه ❦ عامه علمانک دخی
قوی بودر ❦ و بعضیلردن کافر اولیه جغی مرویدر ❦ و بوقولی
نصحیح ایدر ❦ لکن ظاهرا بعض مزبورک کلامی اول کسه تفوه
ایلدیکی کله کفر اولدیغنی بیلوب ❦ ومعنا سنه اعتقادی اولدیغنی
صورته مبنیدر ❦ لکن کله کفری تفوه ایدوب ❦ ومعناسنی بیلسه
قاضیخانده ذکر اولنان اختلاف من غیرترجیح مسطور اولمغله
اکا کوره طرفینده رجحان ثابت دکلدر ❦ واکر بالاعتقاد تفوه
ایدرسه ❦ بالاتفاق کافر اولور ❦ واکر علی سبیل الخطاء سبق لسان
واقع اولور ایسه ❦ بالاتفاق کافر اولماز ❦ لکن مؤمنه لایق اولان
بودرکه ❦ اولمقوله کلماته لسانی آشنا ایلوب ❦ طبعی شوخ و بذله
جوی ایسهده ❦ دائما مساع شرعی تحتده اولان ❦ کلامله مانوس
اوله ❦ زیرا لسان فواحشه مألوف اولور سه ❦ اولمقوله کلمات
تفوهنه مؤدی اولور ❦ قالدیکه ❦ ذکر اولنان مسئله طوع و اختیار یله
تکلم ابتدیکی صورتهدر ❦ اما اگر اهله تفوه ایدر سه ❦ انده تفصیل
اولمشدر ❦ اکرا کراه قتل و اتلاف اعضا و ایلام شدید ایله
اولور ایسه کافر اولماز ❦ لکن بای حال قلبه ثبات و اطمینان
لازمدر ❦ اما بوضورتده عدم کفری استحسانیدر ❦ زیرا قیاس
کفری مقتضیدر ❦ زیرا بعض ائمه عندنده مختار اولان تصدیق
واقرار اولمغله ❦ لسانه کله کفر اجرا سیله اقرار ❦ انکاره مؤدی
اولمغین کفر اولور ❦ واکرا کراه حبس و قید و اتلاف مالله
اولور ایسه بالاتفاق کافر در ❦ ومن یکفر بالایمان فقد حبط
عمله ❦ کریمه سی منطوقجه عملی حبط اولور ❦ و زوجہ سی بیننده
فرقت واقع اولور ❦ تجدید ایمان ایدر سهده ❦ امام شافعی دیمشدرکه
عمل انجق کفر اوزره انتقال ایدر سه باطل اولور ❦ لکن امام
اعظم حضرتلری عندنده ❦ اولانده محبوطدر ❦ پس حجتی وارا ایسه

اعاده ایلک واجبدر ❦ زیرا حجتی آخر عمره قدر ممتددر ❦ كذلك
اول وقتده ادای صلوٰۃ ایلد کدنصرکه ❦ آخر وقتده اسلامه
کلسه ❦ صلوٰۃ مزبورک اعاده سی واجبدر ❦ اما ایام ارتدادده واقع
اولان فوائتک قضاسی اتفاقا واجب دکلدر ❦ قالدیکه مؤمنه
لازمدرکه ❦ هر صباح و مساتضرع و نیاز ایله ❦ اشبوعای شریفه
دمساز اوله ❦ اللهم انی اعوذ بک من ان اشرك بک شئنا وانا اعلم به
واستغفرک مما لا اعلم و انت تعلم

❦ وَلَا يُحْكَمْ بِكُفْرِ حَالٍ سَكْرٍ ❦ بِمَا يَهْدِي وَيَلْعُو بَارِئِجَالِ ❦

لا ناهیهدر ❦ بحکم مستقبل مجهولدر و محذور ❦ بکفر نائب
فاعلدر ❦ حال سکر ظرفیت اوزره منصوبدر ❦ بما یهدی کله سنده
باء سببیهدر ❦ ماء مصدریهدر ❦ یهدی هذیاندن مستقبل معلومدر
هذیان ساقط الاعتبار اولان ❦ کلام یا خود کلام فاحشدر ❦ یلغو
لغودن مستقبلدر ❦ عبث کلامه دیرلر ❦ یهدی و یلغو کله لرینک
فاعللری سکرانه راجعدر ❦ زیرا معنا مذکور اولان مبنامذکور
معرضندهدر ❦ بارتجال کله سنده بباء یهدی فعلنه متعلقدر ❦ ارتجال
من غیر تفکر ❦ یعنی بالبدیهه تکلم معناسندهدر ❦ مفهوم بیت بودرکه
کیفیت خرایله سرخوش اولان کسه ❦ سکرنده کله کفر تفوه ایلسه
کفر یله حکم اولنماز ❦ معلوم اوله که ❦ سکر برحالتدر که شارب ایله
عقلی بیننه عارض اولور ❦ بعضیلر عندنده برسرورددر ❦ که
بعض اسبابنه مباشرتله عقله غالب اولوب ❦ انسانی موجب عقلیه
عملدن منع ❦ و حد سگری امام اعظم حضرتلری ارضی سمدن ❦ ورجلی
مرأه دن تمیز ایلما مکه بیان ایلدی ❦ و امامین کلامک مختلط
اولوب مستقیم اولما مسیله تفسیر ایلدی ❦ مرجع بیانین واحددر
سکرانک وجه مشروح اوزره عدم کفری استحسانیدر ❦ قیاس

اولان کفریدر * زیرا کلام کفری متفوه اولدی * یناء علیه
 طلاق واقع * وعتاقی و بیع شرایی صحیحدر * وجه استحسان
 بودر که * سکران اول هذیانله * کفری قصد و اعتقاد ایلدیکسندن
 بشقه عقلنده نوع خلل عارض اولشدر * و تحریم خربابنده
 نازل اولان آیات کریمه دن * یا ایها الذین آمنوا لا تقربوا الصلوة
 وانتم سکاری * کریمه سنده و او حالیه اولوب * واحوال
 شروط اولغله * خطاب سکارایه اولغین مؤمن ایله تسمیه
 اولملری دلیلدر * سکرانک ایسه حال سکرنده * کلام کفر تفوهندن
 سلامتلی نادردر * حتی فقهای عظام طلاقک وقوعنی زجره
 یناء ایلدیلر * و آیت مرقومه نک سبب نزولی اولان وقعه دخی
 عدم کفرینه دلیلدر * وقعه بودر که * اصحابدن بری سرشار کیف
 ایکن صلوٰه مغربده امامت ایدوب سورة کافرون تلاوت ایتکله
 بالجملة لا آت نافیہ بی نفیله قرائت ایلشدر * و سکرانا فوت اولسه
 بحر یکران عفو و عنایت ربانیدن قطره مغفرت رجا اولنور
 * انه هو الغفور الرحیم * والسلام

❦ وَمَا الْمَعْدُومُ مِنْ شَيْءٍ مُّشْتَبَاً ❦ لَفَقْدِ لَّاحٍ فِي يَمَنِ الْهِلَالِ ❦

ماء لبس معناسندهدر * المعدوم اسم مرفوعیدر * مر یار ویتدن اسم
 مفعولدر * خبر منصوبدر * و شتبا معطوفدر * لام لفقه تعلیلیهدر
 فقه فهم و علم معناسندهدر * لاح ظهر معناسندهدر * جمله سی صفتدر
 یمن الهلال صفتک موصوفه اضافتی قیلکنددر * اخلاق ثیاب
 کبی فی الهلال المیون المبارک تاویلندهدر * هلال اول شهر دن
 اوج کیجه لکه قدر اطلاق اولنور * مفهوم بیت بودر که * معدومه
 حال عدمنده رؤیت الهی تعلق ایلز * واکاشی لفظی دخی اطلاق
 اولماز * بودعوایه بکا هلالدن ظاهر اولان علم دلیلدر * زیرا قبل

الطلوع معدوم اولغله * غیر مرئی اولوب طلوع ایلدیکجه تدریجی
 مرئی اولور * قبل الطلوع مرئی اولدیکسندن * معلوم اولدیکهر رؤیتک
 انتفاسی علتک * ورؤیتدن اولان شرطک * یعنی وجودک انتفاسندن
 ناشیدر * و وجود شاهدده علت اولغله * غائبده دخی علت اولور
 زیرا شاهد و غائبده علتک تبدیلی ممتعدر * و خفی اولیه که * معدومک
 ایکی نوعی وار * بری معدوم ممتنع * و بریسی معدوم ممکندر * معدوم
 ممتنع * وجودی ممتنع و عدمی واجب اوله * شریک باری کبی
 واجتماع ضدین کبی * معدوم ممکن * وجود و عدمی کندوسنه
 نسبتله مساوی اوله * نوع اوله * بالا اتفاق رؤیت تعلق ایلز
 و بالا اتفاق شیء اطلاق اولماز * زیرا من کل الوجوه ثبوتی ممتعدر
 نوع ثانی به * قبل وجوده رؤیتک تعلقنده اختلاف وارددر * اهل
 سنت دیدیلر که * معدوم ممکنه * رؤیتک تعلق ممتعدر * زیرا
 علت رؤیت وجوددر * وجود ایسه منتفیدر * كذلك حال
 عدم من حیث هو هو * رؤیت و عدم رؤیتله متفاوت اولماز
 معدوم ممتنع بالا اتفاق رؤیت تعلق ممتنع اولجه ممکن الوجود
 اولان معدومه ده تعلقک امتناعی لازم اولور * زیرا الحاله هذه
 اودخی معدومدر * سائیه و مقعیه طائفه لری دیرلر که * عالمه
 قبل الوجود ازله * رؤیت الهی تعلق ایلشدر * زیرا رؤیت
 صفت الهی اولغله * سائر صفات کبی کامله اولق لازمدر * اگر
 معدومه رؤیتی تعلق ایلسه * بعض صفاتنده قصور اولق اقتضا
 ایدر * حضرت حق سبحانه و تعالی قصور دن منزهدر * انلره
 جواب و یریلور که * کلامکره کوره مثلاً * اجتماع نقیضینه ده
 قدریک عدم تعلقندن نقص نظرقی اقتضا ایدر * حال بوکه
 فی ذاته مستحیل اولغله تحت مقدورده داخل اولماغله صفت
 قدرنده قصور لازم کلز * كذلك حال عدمده معدومه رؤیتک

عدم تعلقی نقصی موجب دکلدر ❖ و معدوم مرئی اولسه ❖ عالمک
قدمی لازم کلور بوايسه باطلدر ❖ كذلك ❖ فقل اعلموا فیسری الله
عملکم و رسوله ❖ کریمه سنده رؤیتی صیغه استقباله تعبیر
بیور مغله ❖ عملارینک قبل الوجود غیر مرئی اولدیغنه دلالت ایدر
و معدوم ممکنه شیء اطلاقک جوازنده دخی اختلاف ایلدیلر
معتزله دیدیلرکه ❖ معدوم ممکن خارجده ثابت اولغله ❖ شیء اسمی
اطلاق اولنور ❖ و بود عوارینه وجوه ایله احتیاج ایلدیلر ❖ وجه
اول ❖ معدوم ممکن متمیزدر ❖ و هر متمیز ثابت اولغله ❖ معدوم دخی
ثابتدر ❖ وجه تمیزی بودرکه ❖ زیرا بعضا معلوم و بعضا مقدور
و بعضا مراد اولغله ❖ غیر معلومدن و غیر مقدوردن و غیر مراددن
تمیز اولور ❖ اما کبری که هر متمیزک ثبوتدر ❖ زیرا عقل عندنده
انجق هذا و ذاك مدلولی کبی ❖ اشارت عقلیه ایله متصور اولور
اشارت ایسه مشار الیهک ثبوتی اقتضا ایدر ❖ زیرا نفی صرفه
اشارت بالضروره ممتنعدر ❖ اکا جواب ویریلورکه ❖ اگر مراد
تمیز خارجده ثبوتی اقتضا ایدر دیمک ایسه ممنوعدر ❖ اگر متمیز
بحسب الخارج اولیدی ثبوت خارجی لازم اولور ایدی ❖ و اگر
مراد ذهنده ثبوتی اقتضا ایدر دیمک ایسه ❖ فائده بی مفید اولدیغی
ظاهردر ❖ وجه ثانی ❖ معدوم معهود ممکندر ❖ و هر ممکن ثابتدر
زیرا امکان وصف ثبوتی اولغله ❖ بالضروره موصوف ثابت اولور
اکا جواب ویریلورکه ❖ امکانک ثابت فی الخارج اولیق معناسنه
وصف ثبوتی اولسی ممنوعدر ❖ بلکه اعتبار عقلی اولغله ❖ موصوفک
عقلده ثبوتی کفایت ایدر ❖ وجه ثالث ❖ معدوم ممکنک خارجده
ثابت اولسی محققدر ❖ زیرا مثلا سواد معدوم فی نفسه سواد در
کرتک غیر موجود اولسون کرتک اولسون ❖ زیرا سواد اولسی بال غیر
اولسه ❖ اول غیرک ارتفاعنده سوادک سواد اولسیده مرتفع اولور

لازم ایسه باطلدر ❖ زیرا سوادک سوادیتی موجب اولان غیرک
ارتفاعنده سواد موجودک سواد اولدیغی حالده عدم بقاسنی
مستلزم اولور بوايسه محالدر ❖ اکا جواب ویریلورکه ❖ استلزام
مرقوم ممنوعدر ❖ سوادک وجودی سوادیتی موجب اولان غیرک
ارتفاعنده باقی اولیدی ❖ استلزام مرقوم متحقق اولور ایدی بوايسه
ممنوعدر ❖ زیرا جائزدرکه ❖ اول غیرک ارتفاعی سوادک ارتفاعی
موجب اولدیغی کبی ❖ وجودینکده ارتفاعی موجب اوله ❖ زیرا
ذکر اولسان غیر سوادک وجودینه و لازمده علت اولور ❖ اهل
سنت مذهبی بودرکه ❖ معدوم ممکنه شیء اطلاقی جائز دکلدر
زیرا شیء لفظی موجود ایله مراد قدر ❖ یعنی هر موجود شیء
و هر شیء موجود اولغله ❖ مفهوملمری متحد اولیق ملابسہ سی لفظان
متراد فاند ❖ نه که ذکر یا علیه السلام قصه سنده ❖ و قد خلقتک
من قبل ولم تک شئ ❖ کریمه سی ناطقدر ❖ زیرا قبل الخلق یقینا
معدوم اولوب و کسندودن شیء اسمی سلب اولندی ❖ و معتزله نک
تمسک ایلدکلری ❖ ان زلزلة الساعة شیء عظیم ❖ کریمه سنده
زلزله معدوم ایکن شیء ایله تسمیه اولندی ❖ كذلك ❖ انما قولنا
لشیء اذا اردناه ان نقول له کن فیکون ❖ کریمه سنده قبل الوجود
شیء ایله تسمیه اولندی ❖ انله جواب ویریلورکه ❖ زلزله یه
کذلك مراد الهی اولان غیر موجوده شیء اطلاقلری مایول
الیسه اعتبار یله مجازدر ❖ انک میت وانهم میتون ❖ قبیلندندر
شرح عقائده علامه تفتازانی دیمشدرکه ❖ اگر شئله ثابت متحقق
مراد اولور سه حکم ضروریدر ❖ معتزله دن غیرینک بوند
تزاعی یوقدر ❖ زیرا معتزله معدوم ممکن خارجده ثابتدر دیرلر
و اگر معدومه شیء اطلاق اولنماز ❖ مراد اولنور سه بحث لغوی
اولغله شئی موجود ایله یا خود معدوم ایله تفسیره مبنیدر ❖ وجه

محرر اوزره اساس نزاع ابتدا تعریفیدر * طوالع شارحی اصفهانی
مرحومك بسطی بو و تیره اوزره در که * اولاً * معلوم خارجده
متحقق اولورسه موجود * و اولمازسه معدومدر * بعضیلر تقسیمی
تثلیث ایدوب دیدیلر که * خارجده متحقق اولان اگر تحقیقی غیره
تابع اولیوب بالنفس اولورسه موجود * و اگر تحقیقی غیره تحقیقه
تابع اولورسه حالدی * اجناس و فصول کبی * معترله بو کونه
تقسیم ایتدیلر که * اگر معلوم فی نفسه خارجده متقرر و متمیز
اولورسه شیء و ثابتدر * و اگر اولمازسه منفیدر متمنع کبی * ثابت
دخی اعیانده کندی ایچون کون اولورسه موجود * و اگر اولمازسه
معدومدر * بو وجهله منفی به معدوم اطلاق ایدرلر * و ثابتی موجوددن
اعم اعتبار ایدرلر * و معدومی منفیدن اعم دیرلر * و بعضیلری
حال دخی اثبات ایدرلر * فلاسفه نك دخی تقسیمی بشقه در
و هر مذهبك مرجع مخصوصی وارددر * مفصلاً تده مذکوردر

❖ و دُنْیا نَا حَدِیْثُ وَ الْهَبُولُ ❖ عَدِیْمُ الْکَوْنِ فَاسْمَعْ بِاجْتِذَالِ ❖

دنیا نامبتدا در متکلم مع الغیر ضمیرینه مضافدر * اضافتی تحقیق
مبیدر * حدیث خبریدر * فاعیل بمعنی فاعل اولغله تذکیر و تأنیثی
مساویدر * الهبولی مبتدا در * عديم الكون خبریدر * باجتذال
حال موقعده در * ملتبساً باجتذال تقدیرنده در * اجتذال فرح
و سرور معناسنه در * مفهوم بیت بودر که * دنیا که اشبو عالم
کون و فساددر * جمیع اجزاسیله حادثدر * یعنی صکره دن وجوده
کشددر * و فلاسفه نك هبول دیدکلری * اصل عالم اوله جققدر
اصلی یوقدر * عديم وغير موجوددر * سن فرح قلبله بو کلامی
آویزه کوش هوش ایله * معلوم اوله که * دنیا فلك قرك مانحتیدر
لکن بوراده مراد آخرت مقابلیدر که * اشبو عالم علوی و سفلیدر

وحدوث عدمدن وجوده خروچدر * کافه اهل سنت عندنده
جمله سموات و ارضین و ما فیها جمیع اجزاسیله محدثدر * معدوم
ایکن ایجاد رب العالمینله موجود اولدی * و خفی اولیه که حدوث
اجسامده بحسب الفرض محتمل اولان درتدر * وجه اول * محدث
الذات و الصفات اولق * ثانی * قدیم الذات و الصفات اولق
ثالث * قدیم الذات محدث الصفات اولق * رابع * محدث الذات قدیم
الصفات اولقدر * اشبوردربی احتمالیه بر فرد قائل دکلددر * لکن
اوج اولکی به * احتمالاتده اختلاف واقع اولشددر * احتمال اوله که
ذاتاً و صفاتاً محدث اولسیددر * اهل اسلام و نصاری و یهود
و مجوس قائل اولدیلر * احتمال ثانی به * حکمای متقدمیندن ارسطو
و ثاوفرسطس و ثامسطیوس و برقلس * و متأخریندن ابونصر
فارابی و ابن سینا ذاهب اولوب دیدیلر که * افلاك بذواتها و صفاتها
المعینه قدیملرددر * صفات معیندن مراد لری * مقدار و شکل
و امور قاره لازمه دن * بونلرک مجراسته جاری اولنلرددر * لکن
حرکات و اوضاع لری حادثدر * آخر ایله مسبوقدر دیرلر * کذلک
عناصر بموادها * و صور جسمیه سی بنوعها * و صور نوعیه سی
بجنسها قدیمدر * بشخصها حادثدر دیرلر * زیرا هر اتصال
طریان انفصالله متنی اولغله * اتصال آخرت محدث ایدر * و احتمال
ثالثه * ارسطودن مقدم اولان فلاسفه ذاهب اولدیلر * ثالث
وانکساغورس و فیثاغورس و سقراط کبی * و مانویه و ویصانیه
و مرقبونیه و ماهانیه و ثنویه طائفه لری دخی * بو مذهب اوزره دیرلر
بعده ماده نك حقیقتده اختلاف ایلدیلر * بر فرقه سی ماده
جسمدر دیدیلر * ثالث حکیم صودر * زیرا هر صورته قابلدر
تکشف و انجما دایله کندودن ارض * و تلطفله نار و هوا تکون
ایلدی دیرلر * و بر فرقه سی اصل ماده ارضدر * باقی تلطفله

کنندیدن حاصل اولدی دیرلر ❖ وانکسپالپس حکیم هوادریدی
 ابرقبطس ناردریدی ❖ انکساغورس خلیط غیر متاهیدر
 دیدی ❖ ذیمقراطیس کریه الشکل قسمت و همیه به قابل اجزای
 کیره دریدی ❖ وهربری مذهبنه کوره ادله واهیه ایله اثبات
 قیدنده اولدیلر ❖ بو مختصر تفصیلنه محل دکدر ❖ وهیولی لفظ
 یونانیده قطن معناسنه اولغله ❖ حکماء طینت عالمده استعمال
 ایلدیلر ❖ بعد ذا عالمک بذواتها وصفاتها حدوثنه اهل اسلام
 بوکونه استدلال ایلدیلرکه ❖ عالم دیدیکمز اعیان واعراضدن
 عبارتدر ❖ اعیان بنفسه قائم اولان شئدر ❖ جسم و جوهر کی
 اعراض غیر ایله قائم اولان شئدر ❖ حرکت و سکون ولون و صوت
 کبی ❖ اما اعیانک حدوثی ثابتدر ❖ زیرا حادث اولسه ازلی
 اولق اقتضا ایدر ❖ ازلی اولدیغی صورته لامحاله ساکن اولور
 زیرا ساکن اولسه بالضروره متحرک اولور ❖ بو ایسه ممتنعدر
 زیرا حرکت ازله منافی غیر ایله مسبوقیت اقتضا ایدر ❖ زیرا
 ماهیت حرکت غیرک فنا شدن صکره بر امرک حصولدر ❖ بو ایسه
 غیر ایله مسبوقیتی اقتضا ایدر ❖ حال بوکه ازل غیر ایله لامسبوقیت
 اقتضا ایدر ماهیتدر ❖ لازم حرکت اولان مسبوقیت بالغیر ایله
 لازم ازل اولان لامسبوقیت بالغیر یینلرنده منافات واردر ❖ ولایمک
 منافاتی ملزومک منافاته ملزوم اولغله ❖ حرکت و ازل یینده
 منافات تحقق ایلمکین اجسامک ازله تحرکی ممتنع اولدی ❖ زیرا
 متافیان یینی جمع ایلمک ممتنعدر ❖ ایددی اجسامک ازله متحرک اولسی
 ممتنع اولنجده ازله ساکن اولسی متعین اولدی ❖ بو صورته اجسامک
 ابدی متحرک اولماسی لازم کلور ❖ لازم ایسه ظاهر الفساد در
 زیرا جمیع اجسام فلکیه و عنصریه تک حرکاتی مشاهددر
 و ملازمه تک یانی بودرکه ❖ ازله ساکن اولانک سکونی بالذاته

اولور ❖ یاخود لغیره اولور ❖ لذاته اولور سه سکونک انفکاک
 ممتنع اولور ❖ لغیره اولور سه سکوننه علت اولان غیر هر قوم البته
 موجب اولق لازمدر ❖ زیرا موجب اولر سه بالضروره مختار
 اولور ❖ مختار اولدیغی صورته فعلی محدث اولغله مختاریت
 جائز دکدر ❖ پس موجب اولق متعین اولدی ❖ بو صورته
 اول موجب یا واجب ❖ یاخود واجب منتهی اولور ❖ زیرا صورت
 خلافی دور و تسلسلی مستلزمدر ❖ وجوب یا وجوبه انتها صورتلرنده
 دوام موجبله سکونک دوامی لازم کلور ❖ دوامی حینده اجسامک
 ابدی عدم حرکتی اقتضا ایدر ❖ بو ایسه باطلدر ❖ پس جسمک
 ازله متحرک ❖ یاخود ساکن اولسی ممتنع اولنجده ازله وجودی
 دخی ممتنع اولغله مطلوب اولان حدوثی ثابت اولور ❖ اما اعراضک
 حدوثی بعضی مشاهده و بعضی دلیل ایله ثابتدر ❖ زیرا مثلاً
 ساکن متحرک اولدقده حرکتک حدوثی بالمشاهده یینلور
 و سکونک حدوثی بالدلیل یینلور ❖ زیرا حدوث حرکت ایله سکون
 منعدم اولغله عدمه قابل اولور ❖ عدمه قابل اولان شی ایسه
 حادثدر ❖ زیرا قدیم اولسه قدم عدمه منافی اولغله عدمی محال
 اولور ❖ و حدوث عالمه دال اولان ادله نقلیه ایله کتاب و سنت
 مشهوردر ❖ و بعض کتب کلامیه ده مذهب فلاسفه تفریق
 اولنجوب علی الاطلاق بوکونه تقریر اولنمشدر که ❖ فلاسفه
 طائفه سی دیرلر که ❖ هیولی اصل عالمدر ❖ قابلدر و قدیمدر ❖ عالم
 انک صورتیدر و مقبولدر ❖ احدهما آخردن اصلاً منفک اولماز
 و تغیر اعراض حادثه کسیدر ❖ زیرا حادث مسبوق بالعدم اولان
 شی اولغله اعراض حادث زمانی اولور ❖ و حدوث زمانی تقدم
 ماده و مدتی اقتضا ایدر ❖ ماده دن مراد لری حادثه موضوع
 و محل اولان شئدر ❖ اگر عرض اولور ایسه ❖ یاخود هیولادر

اگر صورت اولور ایسه ❦ یا خود متعلقیدر ❦ اگر نفس اولور ایسه
و تقدم ماده اقتضاسنك دليلی بودر که ❦ چونکه حادث مسبوق
بالعدم اولغله ممکن اولور ❦ زیرا انقلاب ممنوعدر ❦ هر ممکن ایچون
ایسه لامحاله امکان متحققدر ❦ و امکان وجودیدر اضافی اولغله
و عر ضدر ❦ عرض ایسه محل موجود استدعا ایدر ❦ محل موجود
حادث مر قوتمك نفسی دکلدر ❦ زیرا شئتك نفسی اوزره ❦ تقدمی
لازم کلور ❦ و امر مفصلده دکلدر ❦ زیرا امکان شئتك امر
منفصل ایله قیامتك معناسی یوقدر ❦ بلکه متعلق اولور که ماده ایله
مراد بودر ❦ پس ماده نك تقدمی ثابتدر ❦ و تقدم مدت اقتضاسنك
وجهی بودر که ❦ حادث انجق وجودی عدم ایله مسبوق اولان
شیدر ❦ عدمك وجودی اوزره ❦ سبق انجق زمانه متعلق اولور
و یو دلیلار ينك مبناسی بودر که ❦ فلاسفه بالاستقراء تقدمی
بش نوعه حصر ایتدیلر ❦ اول ❦ تقدم بالعلیه در ❦ حرکت یدك
حرکت مفتاح اوزره تقدمی کی ❦ ثانی ❦ تقدم بالطبعدر ❦ جزو ك
کل اوزره تقدمی کی ❦ ثالث ❦ بالزماندر ❦ ايك این اوزره تقدمی کی
رابع ❦ بالشرفدر ❦ عالمك متعل اوزره تقدمی کی ❦ خامس ❦ بالرتبه در
بو تقدم بعضا حکم ترتیب و بعضك بعض اوزره ❦ تقدیمه اولغله
حسی اولور ❦ و بعضا ترتیب و تقدیم مذکور امور معقوله ده
اولغله عقلی اولور ❦ و یونلردن هر بری بعضا بحسب الطبع
و بعضا بحسب الوضع اولور ❦ رأسك رقبه ❦ و امامك مأموم
و جنسك نوع و بعض مسائل علمك بعض اوزره ❦ تقدیملری کی
و معلومدر که ❦ عدم حادثك وجودی اوزره تقدمی ❦ انجق بالزمان
اولور ❦ فلاسفه نك دلیل اوللرینه جواب ویریلور که ❦ اگر
امكانه ماهیت ممکنه دن ❦ امکان ذاتی مراد اولور ایسه ❦ خارجده
موجود محل استدعا در ❦ امر متحقق اولق معناسنه وجودی

اولسی ممنوعدر ❦ و اگر امکان استعدادی مراد اولور سه
هر حادثك قبل الوجود امکان استعدادی ایله ممکن اولسی ممنوعدر
زیرا ماده سز ❦ و امور معدة ماده سز حادث اولق جائزدر
و یو کیفیت انقلاب اولماز ❦ زیرا وجوب و امتناعه مقابل اولان
امکان ذاتیدر ❦ امکان استعدادی دکلدر ❦ و دلیل ثانیلرینه
جواب ویریلور که ❦ تقدمك ذکر اولندیغی اوزره ❦ انواع خسه ده
انحصاری ممنوعدر ❦ زیرا دونکی کونك بو گونه تقدمی که بعض
اجزای زمانك بعضی اوزره تقد میدر ❦ بالعلیه و بالطبع و بالشرف
و بالرتبه اولندیغی کی بالزمان دخی دکلدر ❦ زیرا مقدم و مقدم علیه
نفس زمانلردر ❦ زمانی دکلدر ❦ کرچه بو جوابه ده اعتراض
وارد اولور ❦ لکن بوقباله محلی دکلدر ❦ مفصلا ته مراجعت اولنه

❦ وَإِنَّ السُّحْتَ رِزْقٌ مِّثْلُ حَلٍّ ❦ وَإِنْ يَكْرَهُ مَقَالِي كُلُّ قَالٍ ❦

ان حرف مشبهه بالفعلدر ❦ السحت اسم منسوب ❦ رزق
خبر مر فوعیددر ❦ سحت ضم سبئله حرام معناسنه در ❦ حل
کسر حایله حلال معناسنه در ❦ و ان یکره کله سنده ان وصلیه در
واوی عاطفه در ❦ ان لم یکره الحب و ان یکره فکذا تقدیرنده در
قال کله سی قلادن اسم فاعلدر بغض معناسنه در ❦ مقال ایله قالی بیننده
جناس ناقص واردر ❦ مفهوم بیت بودر که ❦ حرام دخی حلال
کی رزق در سوق الهیله انسانه واصلدر ❦ معتزله یونك خلافه
اولغله راضی دکلدر ❦ معلوم اوله که ❦ رزق اول نسنه در که
حق جل و علی آنی حیوانه سوق و حیوان اکل ایلیه ❦ بعض
معتزله رزق اول مملو کدر که ❦ انی مالکی اکل ایدر ❦ بعضیلر عتدنه
اول نسنه در که ❦ کندو سیله انتفاعدن منع اولنیه ❦ پس اهل
سنت تعریفنه کوره حرام دخی داخلدر ❦ معتزله تعریفلرینه کوره

حلاله مختص اولور ❦ واهل سنت عندند ه حیواناتدن هربری
حلال و حرام رزق مقدرینی استیفا ایدر ❦ وانسان کنندی رزقنی
اکل ایتمامک ❦ یاخود غیرک رزقنی اکل ایتمک متصور اولماز ❦ اما
معتزله عندند انسان کنندی رزقنی اکل ایتمامک ❦ وغیرک رزقنی
اکل ایتمک متصور در ❦ و ذکر اولسان اختلافک مبناسی بودر که
رزق اهل سنت عندند دخی تغدی ایچون مقدر غدادر ❦ علامه
تفتازانی دیمشدر که ❦ رزق حضرت حقک حیوانه منتفع بهدن
سوق ایلدیکی شیء اولغله انسان ودواب وسائرک رزقنی داخل
اولور ❦ ومنتفع به اولیان خارج اولور ❦ نقدر سوق انتفاع ایچون
ایسه ده ❦ زیرا برکسه بر شبنه مالک ❦ وانکله انتفاعه مقدر
اولسه ده انکله انتفاع ایسه اول کسه نک رزقنی دکل ایمش دیرلر
سید شریف قدس سره شرح موافقده ثبت صحیفه بیان
ایلدیکی بودر که ❦ اشاعره عندند ه رزق ذی حیات اولانک
هر انتفاع ایلدیکی نسنه دن عبارتدر ❦ کرک تغدی وکرک غیری
وجه ایله اولسون ❦ وکرک مباح یاخود حرام اولسون ❦ وشرح
مقاصد ده مسطور در که ❦ رزق حضرت حقک عباد ه سوق
ایدوب وانلرک اکل ایلدیکی نسنه ایله تعریف ایدنله کوره عرفا
غیرما کول رزق اولماز ❦ هر نقدر رزق اطلاق صحیح ایسه ده
نته ککه رزقه الله ولدا صالحا دیرلر ❦ وعبدی تغلیبا بهایمه ده
تعمیم ایلمک لازمدر ❦ وانتفاع ایله تفسیر ایدنلر منتفع به مراد
ایدلر ❦ یاخود رزقنی ارتزاق معناسنه مصدر مبنی للمفعول اخذ
ایدلر ❦ ایمدی حضرت رزاق بیچونک حیوان معینه تقدیر ایلدیکی
رزق معین سائر ه غذا اولماز ❦ کرک اول غدایه مالک اولسون
کرک اولسون ❦ وانسان حلالله تغدی ایلدیکی کبی ❦ حرامله ده
تغدی ایدر ❦ اگر سئوال اولنورسه که ❦ حرام رزق اولوب ومعنای

رزقه حضرت حق ه اضافت معتبر ❦ والله ذوالجلال لدن غیری
رزاق ناموجود اولدیغی صورته ❦ حق تعالی عباد ه حرامی
رزق تعیین ایلمک لازم ❦ وبوتقدیرده عباد اکل حرام ضمیمه
عقابه مستحق اولماق مقتضی اولور ❦ زیرا حضرت باری به
مستند اولان شی قبیح ومرتکبی ذم وعقابه محل وجدیر اولماز
اکا جواب ویریلور که ❦ وجه محرر اوزره اکل حرامک عقابه
استحقاقی سبینه مباشرتی وسوء اختیاری ❦ وامر الهی به مخالفته
مبیدر ❦ ومعتزله عندند ه ذکر اولسان تعریفاری موجبجه رزق
ملک اولغله حرام ملک اولماز ❦ نته که ❦ ومما رزقناهم ینفقون ❦
کریمه سی اکا دالدر ❦ زیرا ومما ملکناهم ینخرجون الزکوة
والصدقه معناسنه در ❦ كذلك عباد حق ه تقدیر رزق حلال
اصلحدر ❦ تقدیر خرام صورتی ظلمی مستوجبدر ❦ انله جواب
ویریلور که ❦ آیت هر قومه ده رزق تقدیر غذا ایله مفسر در
بوا یسه تملیکک غیریدر ❦ شرح مقاصد ده مسطور در که ❦ رزق
ملک ایله تفسیر مطرد ومنعکس دکلدر ❦ یعنی اغیارینی مانع
وافرادینی جامع دکلدر ❦ زیرا اول تعریفه کوره ملک الهی داخل
ورزق دواب ❦ بلکه رزق عبید وآماء خارج اولور ❦ کرچه
دوابک اکل ایلدیکنه رزق اطلاق مملوک مأ کول انسانه تشبیه
طریقته مبنی اولغله ❦ رزق لفظی دوابه نسبت مجازدر ❦ لکن
حقیقت ومجازیننی جمع خصوصاً تعریفاته مجاز استعمالی هججنتی
لازم کلور ❦ ومعتزله به اعتراض وارد اولور که ❦ برکسه مدت
عمرنده حرامله تعیش ایسه ❦ حق تعالی انی هر زوق ایلمامک
لازم کلور ❦ بوا یسه ❦ وما من دابة الا علی الله رزقها ❦ نص
شریفله باطلدر ❦ معتزله طرفندن بوکه جواب ممکندر که ❦ حضرت
حق اول کسه بی ارزاق مباحه سوق ایلدی ❦ لکن سوء اختیاری

سببيله اندن اعراض ايلدى ❦ مثالى قتي وافر در

❦ وَلَدَعَوَاتٍ تَأْتِي بَلِيغٌ ❦ وَقَدْ يَنْفِيهِ أَصْحَابُ الضَّلَالِ ❦

للدعوات جار ومجرور ظرف مستقر خبر مقدم ❦ دعوات فتح عينه جمع دعوه در كه ❦ دعا معناسنه در ❦ تأثير مؤخر مبتدا در بليغ صفتيدر ❦ وقد ينفيه كنه سنده واو حاله در ❦ قد تحقيق ايجوندر ❦ ينفي نفیدن فعل مستقبلي ❦ ضمير تأثيره راجع در اصحاب الضلال فاعل در ❦ مفهوم بيت بودر كه ❦ صلحا وزهاد وعامة مؤمنينك احياء واموات تلى حقنده دعارى مؤثر ❦ وآثار و منافعى متواصل اولور ❦ لكن معتزله طائفه سى انكار ايدر لر معلوم اوله كه ❦ دعائك تأثيرى وعدم تأثيرى بابتده اهل سنه ايله معتزله مياننده اختلاف وارد در ❦ اهل سنه عقیده لری بودر كه مؤمنينك احياء واموات حقارنده دعارى مؤثر در ❦ احياء حقارنده دعائك تأثيرى ❦ واذا سألك عبادى عنى فانى قريب اجيب دعوة الداع اذا دعان ❦ و ادعونى استجب لكم ❦ كريمه ليله و (ان الدعاء ينفع مما نزل وما لم ينزل) حدیثه ثابتدر ❦ واموات حقارنده تأثيرينك دليلی بودر كه ❦ حضرت رسول الله صلى الله عليه وسلم (اهدوا امواتكم) بيوروب صحابه كرام (ما الهدية) تعبيريله استعلامارنده (الدعاء لهم) بيور مشلدر ❦ الميت فى قبره كالغريق ينتظر دعوة تلحقه من ابنه او اخيه او صديقه فاذا لحقت كان احب اليه من الدنيا وما فيها ❦ معتزله طائفه سى ديرلر كه ❦ كرك احياء وكرك اموات حقارنده دعائك تأثيرى يوقدر ❦ احياء حقنده مؤثر اولديغلك وجهى بودر كه ❦ زيرا دعا اولنه جق ماده به قضای الهى تعلق ايلديسه بلادعاء حاصل اولور ❦ والا دعا قضاي رد ايلز ❦ بوكه جواب ويريلور كه (الدعاء يرد البلاء

وان الدعاء ينفع مما نزل وما لم ينزل) حديثى دعائك رد قضاده تأثيرينه دليل ساطع در ❦ زيرا قضا ايكي نوعدر ❦ مبرمكه محسومدر ❦ ومعلقدر كه تبديلى بعض اسبابه منوطدر ❦ واموات حقارنده مؤثر اولديغلك وجهى بودر كه ❦ انسان ❦ وان لبس للانسان الاماسى ❦ كريمه سى منظوقجه كندى عمليله مجزى اولوب غيرك عمليله مجزى اولماز ❦ بوكه وجوه ايله جواب ويريلور وجه اول ❦ آيت مرقومه ❦ والذين آمنوا واتبعهم ذريتهم بايمان الحقنا بهم ذريتهم ❦ كريمه سيله منسوخدر ❦ وجه ثانى آيت مرقومه حضرت ابراهيم وموسى عليهما السلام قوملرينه خاصه در ❦ وجه ثالث ❦ آيت مزبوره ده انسانله مراد كافر در ❦ اما مؤمن بنفسه سعى ايلديكنه ❦ وكندى ايجون غيرك سعى ايلديكنه نائل اولور ❦ بو وجهك تفصيلي مفصلا تده در ❦ وجه رابع ❦ انسان بطريق العدل كندى مسعاسنه نائل اولوب بطريق الفضل كندى حقنده غيرك سعى ايلديكنه نائل اولق جائزدر ❦ وبويابده وارد اولان اخبار صادق قتي وافر در (ما من ميت يصلى عليه امة من المسلمين يبلغوا مائة كلهم يشفعون له الا شفعوا فيه) ❦ وان العالم والمتعلم اذا مرا على قرية فان الله تعالى يرفع العذاب عن مقبرة تلك القرية اربعين يوما ❦ و (ما على الا رض رجل مسلم يدعوا لله بدعوة الا انا لله الله اياها او كف عنه من الشر مثلها) حديث شريفلى كى ❦ بناء عليه محققون ديديرلر كه ❦ دعای مؤمنين اجابته قريندر ❦ هر نقدر اثرى عن قريب ❦ و يا خود مسئولك عينيله ظهور ايلز سه ده ❦ اما دعای كافرين جهوره كوره ❦ و مادعاء الكافرين الا فى ضلال ❦ كريمه سى اوزره مردود در قالدبيكه (ان دعوة المظلوم وان كان كافرا تستجاب) حديث شريفلى كفران نعمته محمولدر ❦ بعض علماء اجابت دعای كافرينى

نحوز ابتدا بیلر * نه که ابلبس علیه اللغه نك * رب انظرني *
 رجاسنه * انك من المنظرين * منظوقيله استجابت بیورلشدر
 و بعضیلر دیدیلر که * دعای کافرین امور دنیا به متعلق اولور سه
 مستجاب اولور * زیرا امور دنیا به رحمت الهی مؤمنین و کافرینه
 عام و شاملدر * امور آخرته متعلق اولور ایسه * مستجاب اولماز
 زیرا آخرته رحمت الهی مؤمننه خاصدر * و خفی اولیه که
 بعضا اثر دعائک فی الحال ظهور ایلامسی * وجوه عدیده به مبنیدر
 وجه اول * اجابت لا محاله حاصلدر * زیرا اجابت دعا قضای
 حاجتک غیریدر * زیرا اجابت دعاء عبدیار بی دید که * حضرت حقک
 لبیک یا عبدی قول شریفندن عبارتدر * بوا یسه هر موحد ایچون
 موعود موجوددر * و قضای حاجت اجابتک لازمیدر که * مسئولی
 اعطا ایلکدر * بوا یسه فی الحال و بعضا فی المآل اولور * وجه
 آخر * اجابت جهت واحده ایله اولماز * بلکه جهات عدیده ایله
 اولور * نه که (لا ترد دعوة المسلم الا لاحدی ثلث اما ان یعمل له
 فی الدنیا و اما ان یؤخر فی الآخرة و اما ان یصرف من السوء بقدر
 مادعی) حدیث شریفی اکا دالدر * وجه آخر * اجابت دعا
 هر نقدر * اجیب دعوة الداع اذا دعان * کریمه سنده مطلق
 ایسه ده * بل ایاه تدعون فیکشف ما تدعون الیه ان شاء *
 آیت کریمه سنده مشبهه تعلیقه مقید اولغله * مطلق مقیده محمول
 اولور * وجه آخر * اجابت الهی اجابت عبد ایله مشروطدر
 نه که * فلیستجیبوا لی و لیؤمنوا بی * کریمه سی اکا دلالت ایدر
 فلیستجیبوا عملا و لیؤمنوا بی اعتقادا عبارتله تفسیر اولمشدر
 ایمدی بوصفته موصوف اولان مرد * تحریک شفه ایلدیکی آنده
 دعاسی مستجاب اولور * جزری علیه الرحمه دعائک اجابتی
 خصوصنده ثبت صحیفه تحقیق ایلدیکی اوزره شروط عدیده سی

وارددر * ما کولات و مشروبات و ملبوسات و مکسوباته حرامدن
 اجتناب * و اخلاص و تنظیف لباس و تطهر و وضوء و استقبال
 قبله * و دیز اوزره قعود و نافله نماز * و تقدیم عمل صالح * و حمد
 و ثنا * و صلوات شریفه * و رفع یدین * و تأدب و خشوع
 و تذلل * و اسماء حسنی ایله سؤال * و انبیسای عظامه * و عباد
 صالحینه توسل * و خفض صوت * و گاهه اعتراف * و توبه
 و استغفار * و ادعیه صحیحه اختیار * و عزم و استحضار قلب
 و رغبت و الحاح * و اجتهاد و تکرار ایله دعا و اثم و قطیعه رحله
 عدم رجا * و آخرنده تأمین * و اللرین بوزه مسح * و بنه حمد
 و صلوات شریفه به موقوفدر

❦ وفي الاجادات عن توحيد ربی ❦ سبیلی کل شخص بالسؤال ❦

فی الاجادات مؤخر سبیلی کله سنه متعلقدر * عن توحيد ربی
 سؤاله متعلقدر * اجادات جمع جدت در * فحتمله قبر معناسنه
 سبیلی کله سنده سین اداة استقبالدر * یبلی بلاء لفظندن مأخوذ
 فعل مستقبل مجهولدر * بلاء امتحان معناسنه در * کل شخص
 نائب فاعلیدر * مفهوم بیت بودر که * جله انسان فوت اولوب
 قبره دفن اولندقدن صکره لا محاله توحيد الهیدن سؤال اولنه جقدردر
 معلوم اوله که * سؤال قبر مسئله سیده اصول دینیه دن اولغله
 وقوعنه اعتقاد ایلک فریضه دندر * بومجمله جهیمه طائفه سبله
 بعض معتزله مخالفه ایلدیلمر * طائفه مر سومه نك دلیلاری
 بودر که * حیات و فهمدن عاری اولان جاداته سؤال محالدر
 كذلك * و ما انت بمسمع من فی القبور * کریمه سی منظوقیمه
 موتایه اسماع کلام منفیدر * انلره جواب و یریلور که * حضرت
 باری عز شانه * قادر در که موتانک جمیع اجزا سنده * یا خود

بعض اجزا سنده سؤالی متعقل ❖ وجوابه مقتدر اوله جق مرتبه
نوع حیات افاضه ایلیمه ❖ و آیت مرتومه ده عدم اسماع هنوز
حیات و سمع خلق اولمندیغی تقدیره محمولدر ❖ اما خلق اولندقدن
حضرت رسول و ملائکه علیهم السلام اسماع ایدرلر ❖ و صحیحاً
ثابتدر که ❖ بدرغز اسنده مقتول اولان کفار ❖ امر حضرت
سیدالابرار ایلر بر قوی به القا اولندقدن صکره ❖ حضرت
رسول الله اول قوی اوزره واروب اول قتلانک هر برینه اسملرله
یافلان دیوندا ایلدکدن صکره (هل وجدتم ما وعدکم الله ورسوله
حقا فانی وجدت ما وعدنی ربی حقا بنس العشیره کنتم کذبتونی
و صدقنی الناس) کلامیله توبیخ ییورمغله ❖ عمر بن الخطاب
رضی الله عنه یار رسول الله اشباح بی ارواحه می خطاب ییوررسز
دید که ❖ یا عمر بنم کلامی سز انلردن زیاده ایشتمز سز انلر
ایشیدر ❖ لکن رد جوابه استطاعتلری یوقدر ییوردیلر ❖ محققین
اهل سنت دیدیلر که ❖ کیفیت سماعلری روحک دم سؤال
منکرینده اولدیغی کی ❖ کلا او بعضاً عودته مبنی آذان رؤسلرله
واقع اولشدر ❖ یا خود توجه سؤال برزخ ❖ یا لکز روحه اولق
مذهبه کوره آذان ارواحلرله واقع اولشدر ❖ لکن ظاهراً
وما انت بمسمع من فی القبور ❖ کریمه سنه منافی اولمغله ❖ افانت
تسمع الصم او تهدی العمی ❖ کریمه سنه تمثیل برله توفیق ایلدیلر
یعنی کفار مرده دل اولوب کلام حتی عدم قبول ❖ و صورت صدق
وصوابی مشاهده دن نکول ایلدکلری حسبیلر موتی و اصم و اعمی
مترلرینه تنزیل اولندی ❖ تفصیلی سیر حلبی ترجمه مرده
مستوردر ❖ و سؤال قبر حقنده وارد اولان اخبار صحیحیه رسیده
حد ثواتدر ❖ اکثر ائمه تفسیرک یانی اوزره ❖ یثبت الله الذین
آمنوا بالقول الثابت ❖ کریمه سی عذاب قبر خصوصنده

نازل اولشدر و (استز هو البول فان عامه عذاب القبر منه) و (اذا قبر
المیت اتاه ملکان اسودان ازرقان یقال لاحدهما المنکر وللآخر
النکیر فیقولان له ما کنت تقول فی هذا الرجل فان کان مؤمناً فیقول
هو عبد الله ورسوله اشهد ان لا اله الا الله واشهد ان محمدا عبده
و رسوله فیقولان قد کنا نعلم انک تقول هذا ثم یفسیح له فی قبره سبعون
ذراعاً فی سبعین ذراعاً ثم ینور له قبره ثم یقال له ثم فیقول ارجع الی اهلی
فاخبرهم فیقولان ثم کنومة العروس الذی لا یوفطه الا احب اهله
الیه حتی یبعثه الله من مضجعه ذلک وان کان منافقاً فیقول سمعت
الناس یقول قولاً فقلت مثلهم لا ادری فیقولان قد کنا نعلم انک
تقول ذلک فیقال للارض التأمی علیه قتلتم علیه فتختلف اضلاعه
فلا یزال فیہ معذبا حتی یبعثه الله من مضجعه ذلک) حدیث
شریفلری کی ❖ بعض علماء دیدیلر که ❖ منکر و نکیر مذنبینک
سؤاللرینه مؤکل اولان مله کلرک اسمیدر ❖ مطیعینک سؤاللرینه
مؤکل اولنلرک برینک اسمی بشیر ❖ و برینک اسمی مبشردر ❖ و امام
سیوطی علیه الرحه دن منقولدر که ❖ قبرده سؤال اولنمیان یدی
طائفه در ❖ اول شهداء ❖ ثانی مبیطون ❖ ثالث مرابطون
رابع بالخاصه ابو بکر الصدیق رضی الله عنه ❖ خامس اطفال
مسلمین ❖ سادس جمعه کونی یا خود کیجه سی وفات ایدن مؤمن
سابع ❖ هر کیجه منامدن مقدم سورة ملک تلاوته مداوم اولان
مؤمندر ❖ قالدیکه برکسه بی برقاج جانور اکل ایلسه ❖ یا خود
محترق و یا خود غریقاً فوت اولسه ❖ سائرلری کی لا محاله مسئول
ومنعم و معذب اولور ❖ بعض علماء دیرلر که ❖ میت مادام دفن
اولمندیجه سؤال اولنماز ❖ و اکثر علماء انبیای عظامک دخی مسئول
اوللرینه ذاهب اولدیلر ❖ بعضیلر خلافت ذاهب اولدیلر ❖ ظاهر
کلاملردن منقسم اولور که ❖ نبی آخر ملت اوزره اولان انبیاء

ملت متبوعه سندن سؤال اولوب صاحب شریعت اولنلرامتی
احوالندن وتبلیغ احکام مأموره سندن مسئول اوله لر ❦ واطفال
مسلمین سیوطیدن منقول اولان کلامه کوره مسئول دکدر
مسئولیتلرینه ده ذاهب اولدیلر ❦ ومجنون حالنده بعضلر توقف
ایلدی ❦ وبعضلر اوله نك عمومته نظرا مسئولیتلرینه ذاهب
اولدی ❦ وملائکه کرام حقنده دخی اختلاف اولندی ❦ ابن
عبدالبررجه الله علیه دیدیکه ❦ کافر صریح مسئول اولماز ❦ بلکه
من غیر سؤال معذب اولورلر ❦ لکن منافقین مسئول اولورلر
واطفال کفره نك سؤال ❦ وجنته دخولاری خصوصنده امام اعظم
حضر تلیر توقف ایلدی ❦ بعضلر خدام اهل جنت اولغه ❦ وبعضلر
ناره دخوللرینه ذاهب اولدیلر ❦ والله اعلم بحقیقه الحال

❦ وَلِلْكَافِرِ وَالْفَاسِقِ بَعْضًا ❦ عَذَابُ الْقَبْرِ مِنْ سُوءِ الْفِعَالِ ❦

للكفار جار ومجرور مقدم خبر ❦ عذاب القبر مؤخر مبتدا در
والفساق کفار اوزره معطوفدر ❦ بعضا کلمه سی فساددن حالدر
غین معجزه ایله اولان نسخه یه کوره ❦ مبغوضین تأویلله ینه
حالدر ❦ یاخود مفعول له اولور ❦ من سوء کلمه سنده من لام جاره
معناسنه در ❦ مقدر اولان ثابت کلمه سنه متعلقدر ❦ وبعض
نسخه ده بعضا بدلی یقضي واقع اولشددر ❦ فعال کسر فایله
شده وقتحله خیره استعمال اولنور ❦ مفهوم بیت بودر که
نفخه اولایه قدر جمیع کفار عذاب برزخه گرفتار اولوب ومن غیر
توبه وفات ایدن بعض عصاة مؤمنین حقنده دخی درکار اولور
معلوم اوله که ❦ اهل سنت اتفاق ایتدیلر که قبرده سؤال ❦ وجهه
کفاره وبعض عصاة عذاب واقعدر ❦ معتزله دن ضرار بن
عمرو ایله بعض سفهای معاندین خلافت ذاهب اولدیلر ❦ اهل

سنتک دلیلی (القبر موضعه من ریاض الجنة او حفرة من حفرة
النيران) و (نعوذ بالله من عذاب القبر) و (استترهوا من البول فان عامة
عذاب القبر منه) و (ان الميت لیعذب ببكاء اهله علیه) حدیث
شریفلریدر ❦ وحضرت رسول الله برکون ایکی قبر اوزرینه
اوغرا یوب یور دیلر که (انهما لیعذبان وما یعذبان فی کبیره بل لان
احدهما کان لایستتره من البول والاخر کان یمشی بالنیمة) وآل
فرعون حقنده نازل اولان ❦ النار یعرضون علیها غدوا وعشیا ❦
وقوم نوح علیه السلام حقنده نازل اولان ❦ اغرقوا فادخلوا
نارا ❦ کریمه لی دالر ❦ فای فادخلوا تعقیبه اولمغله ناره
ادخاللری قبل البعث اولدیغی ثابتدر

❦ حِسَابُ النَّاسِ بَعْدَ الْبَعْثِ حَقٌّ ❦ فَكُونُوا بِالتَّحَرُّزِ عَنْ وَبَالِ ❦

حساب الناس مبتدا حق خبریدر ❦ بعدظرفیت اوزره منصوبدر
فای فکونوا جزایه در ❦ اذا کان الحساب حقا کونوا سبکنده در
کونوا کوندن فعل امردر ❦ اسم مرفوعی ضمیردر ❦ بالتحرز
خبر منصوب مقامنده در ❦ زیراملا بسا بالتحرز تقدیرنده در ❦ تحرز صافتمق
معناسنه در ❦ وبال واوک قتحیله عبد جهشتدن اولان کاهدر ❦ ظلم
وقتل کبی ❦ مفهوم بیت بودر که ❦ نفخه ثانیه ایله جمله موتی دیریلوب
عرصة محشرده هرکس اقوال وافعالندن حساب اولتمق حقدر
اعتقادی واجبدر ❦ خلاف شریعت غرا اعمالدن احتراز ایلمک
لازمدر ❦ معلوم اوله که ❦ اشبو بعث مسئله سیده اهل سنتک اصول
معتناسندن اولمغله ❦ جمله سی بوعقیده ده متفقدر ❦ فلا سغه
طائفه سی انکار ایدرلر ❦ اهل سنت دیرلر که موتی قبور دن بعث
ونشر اولتمق حق وواقعدر ❦ وبعثدن مراد لری اجسامک ارواحله
معاد لریدر ❦ لکن معادک معناسنده اختلاف ایتدیلر ❦ بعضلر

اعاده معدومك امكانه ذاهب اولوب ديديلر كه ❦ حضرت حق جل
وعلى اجزای جسميه بي بالکليه اعدام ايلد کد نصکره ❦ اعاده
وافاضه روح ايدر ❦ وبعضلر اعاده معدومك امتناعنه ذاهب
اولوب حق سبحانه وتعالى ❦ اجزای اصلیه بي تفريق ايلد کد نصکره
جمع واعاده حیات ايدر ديديلر ❦ على کلا التقديرين بعث ومعادك
ثبوتنه اتفاق ايلديلر ❦ زیرا فی ذاته ممکن ايسه مقدور
الهيدير ❦ و بوياده دلائل سمعيه کثير در ❦ ثم انکم يوم القيمة
تبعثون ❦ و ❦ قل يحييها الذي انشاها اول مرة ❦ و ❦ يحسب
الانسان ان لن نجعل عظامه بلي قادرين على ان نسوي بنانه ❦
کريمه لري کي ❦ دهري ❦ طائفه سي قيامتي وحشر ونشري
انکار ايدرلر ❦ وافلاطون وارسطو وسقراط کي حکماي الهيون
مذهبلري بودر که ❦ معاد نفسا نيدر ❦ جسماني دکدر ❦ زیرا انلرک
عندنده نفس جوهر مجرد در ❦ جسم وجسماني دکدر ❦ لکن تعلق
تدبير ايله جسمه متعلقدر ❦ بوجهته بدن خراب اولد کد نصکره
نفسک بقاسي جائز اولغله معاد انجق نفسه مترتب اولور ❦ ومعاد
نفساني انلرک عندنده قطع تعلقدن عبارتدر ❦ زیرا نفسک بدنه تعلق
اشغال حيوانيله اشتغالندن ناشي ❦ عالم روحا نيسندن خروج اولغله
قطع تعلق ❦ عالم روحا نيسنه رجوع اولور ❦ اما معاد جسماني
انلرک عندنده ممتنعدر ❦ زیرا اعاده معدوم محالدر ديرلر ❦ وطبيعيون
عندنده نفس مزاجدن عبارت اولغله ❦ بعد الموت عدم بقاسي
وجسمک دخی انعدامي ❦ ومعدومك امتناع اعاده سي جهتيله
جسماني ❦ ونفساني ❦ معادي سلب ايدرلر ❦ جالينوس
بوماده اظهار تحير ايله توقف ايلدي ❦ زیرا انک عندنده نفس
مزاجيدر ❦ يوقسه بعد فناء البدن جوهر باقيميدر ❦ ظاهر اولماشدر
اولدخی اعاده معدومك امتناعنه ذاهيدر ❦ واهل سنتك حق تعالى

اجزای اصلیه انسانی جمع ❦ واعاده حیات ايدر ❦ قوللر يله معارضه نيك
مواکله ناقضه لري ساقط اولور ❦ تنکيه ميت الخلق اه بيتي
شرحنده تفصيل اولندي ❦ بعض علما ديديلر که ❦ قرآن کریمه
جسماني و روحاني معادك هر برينه اشارت واردر ❦ اما روحاني
❦ فلا تعلم نفس ما اخفي لهم من قرة عين ❦ و ❦ للذين احسنوا
الحسنی و زیاده ❦ و ❦ رضوان من الله اکبر ❦ کريمه لريد
اما جسماني اکثر من ان تحصى در ❦ وبعد البعث جميع ناسك ❦ اقوال
وافعاللرندن حساب ويره جککري دخی حقدر ❦ حضرت
عالم السر والحقیات ❦ هر کسک اعمالنه عالم ايکن ❦ حساب امرنده
حکمتي ❦ دنيا ده لا ابا لانه اطوار دن مؤمنيني عائق اولديغندن بشقه
اهل عرصاته متقینك فضا ئل و منا قبلريني ❦ وعصابتك قبایح
ومثالبيرين اظهار ايلکدر ❦ اولدخی مسرت مؤمنيني تيم ❦ وحسرت
مذنبيني تکميل حکمتنه مبیدر ❦ وبعض علما ديديلر که ❦ انبيای
عظام ايچون حساب يوقدر ❦ كذلك اطفال مؤمنين ❦ وعشرة
مبشرة ايچونده حساب يوقدر ❦ لکن نفی اولنان مناقشه حساييدر که
نيچون بويله ايلدک نيچون ايلدک کي ❦ وقليل وكثيريني استقصا
ايلدک کي ❦ اما حساب عرض که شويله ايلدک ❦ اما بندخی عفو
ايلدم ديمک ❦ انبيای عظام وصحابه کرام حقارنده دخی واقعدر
وجن وملائکتهك دخی ❦ حسابلرينه ذاهب اولديلر (حتي يقتص
للخلق بعضهم من بعض حتي للجما من القرناء وحتى للذرة
من الذرة) و (ليختصن كل شيء يوم القيمة حتي الشاتان فيما انطحتا)
حديث شريفلري منطوقجه ❦ سا رحيوانات دخی محاسب
اوله جقارينه ذاهب اولديلر ❦ و ذکر اولنان احاديثك مقتضاسي
اوزره ❦ يوم قيامته قصاص ❦ تكليف وتميزه توقف ايلما مكله
طفل ومجنون دخی داخل قصاص اولور ❦ وحسابك وقوعني

❖ ان الينا اياهم ثم ان علينا حسابهم ❖ و ❖ اقرب للناس
حسابهم ❖ كريمه لري و (من نوقش في الحساب يهلك) و (لن تزول
قدم عبد يوم القيمة حتى يسئل عن اربع عن عمره فيما افناه وعن
شبابه فيما ابلاه وعن ماله من اين اكتسبه وفيما انفقه وعن علمه
ماذا عمل به) حديث شريف لري ناطق در

❖ وَيُعْطَى الْكَتُبُ بَعْضًا نَحْوِ مَعْنَى ❖ و بَعْضًا نَحْوِ ظَهْرِ وَالشَّمَالِ ❖

يعطى عطا دن فعل مستقبل مجهول در ❖ الكتب مفعول اوليدر
فاعل مقامه قائم اوليدر ❖ ازان ايچون تاي اسكان اولندي ❖ بعضا
مفعول ثانيسيدر ❖ تنويني مضاف اليه دن عوضدر ❖ بعض الناس
تقديرنده در ❖ كره اولي اولان بعضا مفعول اول اولق ايدى
لكن اهميت مقام تقديرى اقتضا ايلدى ❖ نحو ظرفدر جهت
معنا سنه يعنى غير منصرفدر حبل كبي ❖ نحو مضاف اليهيدر
و بعضا معطوفدر ❖ ينه بعض الناس تقديرنده در ❖ ظهر ظهره
والشمال و شماله تقديرلنده در ❖ مفهوم بيت بودر كه ❖ بعد البعث
هر كسك خير و شري محتوي دفتر اعمالى كه ❖ ايام حياتنده قيد
و تحرير مؤكل اولان ❖ كرام كاتبين ملك لري ثبت ايلشيدى ❖ مؤمنينك
صاغ جانيلرندن ❖ وكافرينك ارقه وصول جانيلرندن و يرلمسى
حق و واقعدر ❖ معلوم اوله كه ❖ مطفقين سوره سنك تفسيرنده
ثبت صحيفه صحت اولديغى اوزره ❖ بعد البعث جمله خلا ثق
حضور مغنوى به مثول ايلد كده ❖ كرام كاتبين نام ملك لري خير
و شريف ايلد كلى كتب اعمال كه ❖ مؤمنينك عمل لري عليين
نام ديوانده ❖ وكافرينك عمل لري سجين نام ديوانده مثبتدر ❖ مؤمنينك
عمل لري طرفندن ❖ وكافرينك شمال و ظهر لري طرفندن اعطا
اولوب و هر كس ❖ كندى كاتبي قرأت ايله جكي حقدرا اعتقادى
جمله اصول دينيه دندر ❖ و شرح له يوم القيمة كتابا يلقاه
منشورا ❖ اى مفتوحا ❖ واما من اوتى كتابه يمينه فسوف يحاسب

حسابا يسيرا ❖ واما من اوتى كتابه بشماله فيقول باليمنى لم اوت
كتابيه ❖ واما من اوتى كتابه وراء ظهره فسوف يدعو ثورا
و يصلى سعيرا ❖ نص شريف لريه ثابتدر ❖ معترله بونى دخی انكار
ايدرلر ❖ زيرا حضرت حق جل و على عالم اولغله ❖ عبدر ديرلر
ابطال مذهب لري سؤال بحثنده ذكر اولندى ❖ حال بوكه اعمال
مهلكه اصحابى الزامى مشتملدر ❖ ومقتضاي صفت عادليتدر ❖ بعض
علما ديمشدر كه ❖ كتابي ظهري طرفندن و يريلان كافرك ❖ صاغ النى
ملا شكه لر كردنه بند ايدوب ❖ كتابي ظهر طرفندن صول النى
و يرلر ❖ و هر كس كاتبي قرأت ايلد كده حقدرا ❖ شرح مقاصد ده
مسطور در كه ❖ عرصه محشرده وقوع عياب اوله جق احوالك
بريسى اشو دفتر اعمال اعطا سيدر ❖ و بريسى هول و قوفدر كه
بعضا بريك سنه ❖ و بعضا لري بريك سنه مدت دريدى ❖ وقفو هم انهم
مسئولون ❖ كريمه سى انى ناطق در ❖ و بريسى سؤال هوليدر ❖ فوربك
لنسا لنهم اجمعين ❖ كريمه سيله ثابتدر ❖ و بريسى شهود عشره نك
شهادت لري هوليدر كه ❖ لسان ويد و رجل و سمع و بصر و جلد
وارض و ليل و نهار و حفظه كرامدر ❖ يوم تشهد عليهم السنتهم
وايد يهم وارجلهم بما كانوا يعملون ❖ و ❖ يوم يشهد عليهم سمعهم
وابصارهم وجلودهم بما كانوا يعملون ❖ كريمه لري (وامن يوم
وليلة يا تى على ابن آدم الا قال انا ليل جديد وانا فيما يعمل في شهيد)
حديثيله و بومعه نهار حقدرا اولان حديث (وجاءت كل نفس معها
سائق و شهيد) كريمه سيله ثابتدر ❖ و بريسى تغير الوان هوليدر
❖ يوم تبيض و جوه و تسود و جوه ❖ كريمه سى ناطق در
و بريسى سعادته يا خود شقاوتله ندا هوليدر كه ❖ برمنطوق حديث
شريف هر كفه ميزان عندنده بر ملك قائم اولوب كفه خير مترجع
اولد قده بلند آوازه ايله الا ان فلانا سعد سعادة لاشقاوة بعدها

ابدایوندا ❖ وعكسندہ ملك ثانی ❖ الا ان فلانا شقی شقاوة لاسعادة
بعدها ایدا ❖ دیوندا ایلیه جکدر ❖ و ذکر اولسان اهوالت اثری
❖ تنزل علیهم الملائكة الاتخافوا ولا تحزنوا ❖ و ❖ الا ان
اولیاء الله لا خوف علیهم ولا هم يحزنون ❖ کریمهاری مقتضای
انبیاء و اولیاء و صلحاء حقارنده سلامتدر

❖ ❖ ❖ وحق وزن اعمال و جری ❖ ❖ ❖ علی متن الصراط بلا اهتبال ❖ ❖ ❖

و حق خبر مقدم ❖ وزن اعمال مبتدای مؤخر در ❖ اعمال مضاف
الیهدر ❖ تنوینی مضاف الیهدن عوضدر ❖ اعمال العباد تقدیرنده در
و جری مبتدادر ❖ خبری مقدر حقد ❖ جمله سی معطوفدر
علی جری کلمه سنه متعلقدر ❖ متن ظهر معناسنه در ❖ بلا اهتبال
کلمه سنه حرف جری یاخود خبر مقدری ❖ حق کلمه سنه متعلقدر
جار و مجرور ❖ حال موقعنده در ❖ یاخود جری کلمه سنک خبریدر
اهتبال کذب معناسنه در ❖ مفهوم بیت بودر که ❖ عرصه حشرده
هر کسک خیر و شر عملاری وزن اولحق حقد ❖ كذلك جمله عبادك
جهنم اوزره ❖ ممدود صراط اوزرندن مرورری حق و واقعدر
معلوم اوله که ❖ اصول دینیه مزك برسییده عرصه حشرده اعمالدر
میران عدالتله وزن اولحقدر ❖ ونضع الموازين بالقسط لیوم القيمة
و ❖ فاما من ثقلت موازينه فهو فی عیشة راضیه و اما من خفت
موازينه فامه هاوینة ❖ نصوصیله ثابتدر ❖ اکثر مفسرین دیدیلر که
فی الحقیقه میزان موجود در ❖ ایکی کفه سی و ایکی لسانی واردر
معتزله بونیده انکار ایلدیلر ❖ زیرا اعمال اعراض اولغله ❖ وزنی ممکن
دکدر ❖ خصوصاً زائل و متلاشی اوله بلکه میزاندن مراد جمله
اشیاء ثابت اولان عدلدر ❖ و اکابناء جمع صیغه سیله موازین
وارد اولدی ❖ یوقسه میزان مشهور واحد در ❖ و بعضیلر دیدیلر که

میراندن مراد ادراک اولغله ❖ الوانک میرانی بصر ❖ واصواتک سمع
وطعومک ذوق ❖ و مشمومک شامه ❖ و ملموسک لامسه در ❖ و معقولانک
میرانی علم و عقلدر ❖ و بعضیلر دیدیلر که ❖ میزان بر ملك اسمیدر
حسناتی سبئانه مقابله ایدر ❖ احد همداده رجحان یاخود تساوی
ظاهر اولحق ایچون ❖ انلره جواب و یریلور که ❖ حدیث شریف
موجنبه وزن اولنه جق صحائف اعمالدر ❖ و جمع صیغه سی
موزونات اعتبار یله در ❖ یاخود استعظام ایچوندر ❖ یاخود هر مکلف
ایچون بر میزان مخصوص ترتیب اولنور ❖ و میزان کبیر بر اولور ❖ جلالت
امری ❖ وعظم مقامی اظهار ایچون ❖ بعض علمادیدیلر که
امر الهیله حسنات اجسام نورانیه ❖ و سبئات اجسام ظلمانییه
تشکل ایلکله وزن اولنه جق یننه ذات اعمالدر ❖ و معتزله نک
بو بایده دخی عبثه ذاهب اوللری باطلدر ❖ زیرا مؤمنینک دنیاده
بو کونه اموره ایمانله ❖ آخرتده مثوباتلرینک کثرتنه و اظهار عدل
و فضل الهی به ❖ و مؤمن و کافری امتحانله ملائکه به اراشت ❖ و هر کس
اعمالی ادراکله عدالت الهی به ارضای و اهل نارك حسب الاعمال
درجه عذابلرین حفظه جهنمه ❖ و اهل جنتک سائر ملائکه
کرامه اراشت حکمتلرینه ❖ و سائر مطلع اولدیغمر حکمتلره مبنی اوله
قالدیکه ❖ وجه مشروح اوزره ❖ هر کسک اعمالی کشیده میزان
امتحان اولدقدنصکره ❖ کفه حسناتی مترجح اولنلر جنته ❖ و کفه سبئانی
مترجح اولنلر تحت مشیت الهیده اولوب ❖ مراد ایدر سه یاخود
شفاعت شفعا به مظهر اولور سه ❖ بلا عذاب اولدخی جنته ❖ و مراد
ایدر سه ❖ عصیان راجحی مقدار ی ❖ تعذیب ایلدکد نصکره
جنته ادخال ❖ و عندالله مرتبه سی قدر ❖ مثوبات اعطا اولنور
وا کر گفتان متساوی اولور ایسه ❖ اعرافده بر مدت حبس و توقیفله
تعذیب اولدقدنصکره ❖ فضل و رجحان سبئانه جنته ادخال

اول نور ❖ بعض سلف دید بزرگ ❖ اعراف جنت و جهنم بیننده
 واسطه در ❖ و اهل اعراف ❖ حسنائی سبائیله برابر اولان مؤمنان
 لکن مر جعری جنت اولغله ❖ دارالخلد دکلدر ❖ و بعضی اهل
 اعراف اطفال مشرکین در دید بزرگ ❖ و بعضی زمان فترده
 وفات ایدن کسه لر در دیدی ❖ و اصلا سبائاتی و قطعا حسنائی
 اولیان ایچون وزن و میزان اولماز ❖ و عقائد دینه مزک بریسی
 صراطک و جودینه ❖ و جمله نک اندن مر ورینه ایمان ایلمکدر
 خفی اولیه که ❖ صراط متن جهنم اوزره ممدود بر جسر عظیمدر که
 قیلدن اینجه و قلیچدن کسکیندر ❖ اولون و آخرون انک اوزرندن
 مرور ایلیه جکدر ❖ شرح مقاصده مسطور در که ❖ وان منکم
 الا واردها ❖ کریمه سنده و رودایله مراد مر و در ❖ معتزله دن
 قاضی عبدالجبار ❖ و اکثر معتزله انکار ایلدیلر ❖ زیرا اول صفتده اولان
 جسر اوزرندن مرور ممکن دکلدر ❖ امکانی صورتده تعذیبدر
 و مؤمننه تعذیب یوقدر دیدیلر ❖ بلکه مراد ❖ سید بهم و یصلح
 بالهم ❖ کریمه سنده اشارت اولنان طریق جنتدرو ❖ فاهدوهم
 الی صراط الجحیم ❖ کریمه سنده اشارت اولنان طریق جهنمدر
 دیدیلر ❖ و بعضی دیدیلر که ❖ مراد ادله واضحده در ❖ و عند البعض
 صلوٰه و زکوة کی عبادتدر ❖ و بعضی عندنده اعمال ردیه در که
 اندن مسئول و مؤاخذا و ملایه کویا که ❖ اوزرلندن مرور و کثرتیه
 طویل و قلیله قصیر اولور ❖ بونله جواب ویریلور که
 صو اوزرندن مرور ❖ و هواده طیران کی خارق عاده قیلندن اولغله
 اولدخی ممکندر ❖ حضرت قادر مطلق جل شانہ عبوره
 قدرت خلق ایدوب ❖ مؤمننه تسهیل و تیسیر ایلمکه ❖ آثار صحیحه
 دلالتی اوزره ❖ بعضی برق خاطف و بعضی باد و کیمیسی اسب
 جواد کی گذران ایلیه ❖ حاشیه عقائدده عصام علیه الرحه

دیشدر که ❖ صراط اوزرندن عبورک تعذیب مؤمنین اولدیغی
 بعد النسلیم جائزدر که ❖ مؤمنینی ذنوبدن کمال تطهیری متضمن اوله
 قالدیکه ❖ سلامت و منانت اعتقاد بوکونه خلاف عاده مواد و اموره
 ایمان و اعتماد ایله متمیز اولغله ❖ نصوص یننه نک منطق و مقتضای
 اوزره بو مثللو امورک ذاته اعتقاد ایلمک واجبدر ۷

❖ و مر جو شفاعة اهل خیر ❖ ❖ لاصحاب الکبائر کالجبال ❖

مر جو مقدم خبردر ❖ رجاء دن اسم مفعولدر ❖ شفاعة مؤخر
 مبتدادر ❖ اهل مضاف الیهیدر ❖ اضافت بمعنی من در ❖ مفهوم بیت
 بودر که ❖ انبیاء و اولیاء و علماء و صلحاء کی ❖ اخبارک روز قیامتده
 جبال کی کبار مر تکبرینه شفاعت ایدوب ❖ مستحق اولدقلری
 عذاب و عقابدن تخلصه وسیله اوله جقلری مأمولدر ❖ معلوم
 اوله که ❖ شفاعت غیر ایچون علی سبیل الضراعه فعل خیری
 وترك ضرری سؤالدن عبارتدر ❖ بو اصلده دخی اهل سنت ایله
 معتزله میاننده اختلاف واردر ❖ اهل سنت عندنده شفاعت جائزدر
 معتزله انکار ایدر ❖ مناسبی عفو و مغفرتک وقوعیدر ❖ شرح مواقف
 و شرح مقاصد و سائر مفصلا نک تلخیص کلامری بودر که ❖ جمله
 اهل سنت نصوص یننه منطق اوزره اتفاق ایلدیلر که حضرت
 حق جل و علا عفو و غفوردر ❖ مطلقا صغائر و بعد التوبه
 کباری عفو و مغفرت ایدر ❖ و مطلقا کفری تخلید فی النار
 دال اولان نصوص قاطعه موجبجه عفو ایلم ❖ هر قدر عقلا جائز
 ایسه ده زیرا عقاب حق اولغله اسقاطی جائزدر ❖ بعض علماء
 اشبو جواز عقلی بی منع ایدر ❖ زیرا غایت احسان ایله محسن
 و نهایت اسائه مسی اولنرک ینلرینی تفرقه حکمنه مخالفدر دیرلر
 لکن بو کلاملرک ضعیفی ظاهردر ❖ زیرا محشرده مؤمننه اولان

۷ ناسکه آخرتده
 ثمره اعتقادینه تشکر
 ایدرک مظهر اوله

معامله امر افقت ❖ و کفاره اولان معامله شدتدن بشقه ❖ مدت مدیده
انواع عذابه تعذیب اولمغله تفرقه حاصل اولور ❖ قالدیکه بدون
التوبه بکارتک عفوئی خصوصنده اختلا ف اولندی ❖ جهور
اهل سنت عندند ❖ مطلقا بکارتک بعضنی عفو ❖ وبعضیه عذاب
ایلك جا زدر ❖ لکن بعضان مذکورانک برینه ده اعتنا ایلدیلر
وبعضلری دیدیلرکه ❖ بلا توبه بکارتک عفوئی بایند ❖ قطع یوقدر
بلکه مرجو و مأمولدر ❖ و معتزله دیدیلرکه ❖ مطلقا بکارتک عفوئی
سمعا ممتعدر ❖ نقدر عقلا جا تراسه ده ❖ و بعضلری جواز
عقلی بی دخی منع ایتدیلر ❖ صنف اولک تمسکری ❖ فساد و اصحاب
بکارتک و عیدلری متضمن اولان نصوصلردر ❖ یا خصوصه در
آکل اموال ناس حقه ده نازل اولان ❖ و من یفعل ذلک عدوانا
وظلما فسوف نصلیه نارا ❖ کریمه سی و زحف و تولى جهاد ایدنلر
حقنده ❖ و مأواه جهنم و بنس المصیر ❖ کریمه سی و حدود
مواریثی تعدی ایدنلر حقنده ❖ یدخله نارا خالدافیها ❖ کریمه سی کبی
یا خود خلودی ناطق ❖ وارد اولان عموما تده دخولله در ❖ ایددی
وعید تحقیق ایلدیکی حینده ❖ عفو و ترک عقوبت دخی تحقیق ایدر سه
وعید ده خلف و اخبارده کذب لازم کلور ❖ لازم باطل اولمغله
ملزوم دخی باطلدر ❖ بوکه جواب و یریلور که ❖ بوبایده وارد اولان
نصوص عمومی تقدیری اوزره ❖ وقوعه دلالت ایدر ❖ و جوابه
دلالت ایلز ❖ عفو باینده ایسه ❖ نصوص متکثر اولمغله ❖ عمومات
وعید دن مذنب مغفور متخصص اولور ❖ و عفو ک عدم جواز
عقبسنه ذاهب اولنلرک تمسکری بودر که ❖ جواز عفو قبایحه
اغرا در ❖ زیرا مکلف عفو ک جواز بی یلیدیکی صورته ده ❖ عفو اعتمادایله
قبایح ارتکابه تجاسر ایدر ❖ بوا یسه قبیح اولمغله ❖ حضرت باری به
استنادی ممتنع اولور ❖ بوکه ده جواب و یریلور که ❖ اولاحسن

و قبحک عقلی اولدیغی ممنوعدر ❖ نه که مقدمات تفصیل اولندی
بعد التسلیم مجرد عقوبت احتمالی ❖ عاقلی باطل ارتکابندن زاجر
وعائق اولور ❖ حال بوکه اولبایده عذاب وقوعنی ناطق آیات قاطعه
و وعیدات شایعه اولمغله ❖ ترک عقوبت احتمالی نه وجهله
متصور اولور ❖ و اهل سنتک تمسکری ❖ اولبایده وارد اولان نصوص
بینه به در ❖ و هو الذی یقبل التوبه عن عباده و یعفو عن السبئات
و ❖ او یوبقهن بما کسبوا و یعفو عن کثیر ❖ کریمه لری کبی
واجتماع امت منعقد اولمشدر که حضرت رب العالمین عفو
و غفور در ❖ عفو ایسه انجق عقاب مستحق ترکله تحقیق ایدر
و معتزله قبل التوبه صغرائچون ❖ و بعد التوبه بکارتک ایچون ❖ عذاب
وقوعنی منع ایدر ❖ زیرا قبل التوبه صغرائچون و بعد التوبه
بکارتک ایچون ترک عقاب ❖ انلرک مذهبده واجب اولمغله ❖ عفو ک محل
و معناسی قالمز ❖ نهایت قبل التوبه ❖ بکارتک ایچون عقوبتک اسقاطنه جل
اولنور ❖ ثابا ❖ ان الله لا یغفر ان یشرک به و یغفر ما دون ذلک
لمن یشاء ❖ کریمه سنده مراد ❖ ما دون شرک اولمغله ❖ بکارتک و صغاره
شامل اولور ❖ و ایکی وجهله مراد قبل التوبه در ❖ وجه اول ❖ اگر
مراد قبل التوبه اولمشد ❖ شرکله مادونی بیننده فرق متوجه اولماز
لازم ایسه بالضروره باطلدر ❖ وجه ثانی ❖ اگر مراد قبل التوبه
اولمشد ❖ رأی معتزله اوزره مشبته تعلیق توجیه ایلز ❖ لازم ایسه
باطلدر ❖ زیرا حق سبحانه و تعالی ❖ غفرانی مشبته تعلیق ایلدی
بیان ملازمه بودر که ❖ زیرا مراد قبل التوبه اولمیوب ❖ بعد التوبه اولسه
معتزله عندنده بعد التوبه غفران واجب اولمغله ❖ مشبته تعلیق متوجه
اولماز ❖ زیرا واجبک مشبته و عدم مشبته عندنده ❖ فعلی واجب اولور
ثالثا ❖ وان ربک لذو مغفرة للناس علی ظلمهم ❖ کریمه سیدر ❖ زیرا
علی کلمه سی حاله دال اولور ❖ مثلاً رأیت الامیر علی عدل دینور

عدله ملتبس اولدیغی حالده ❦ ایمدی آیت مر قومه عبدك ظلمه
اشتغالی حالده مغفرت حصولی اقتضا ایدر ❦ و بواقتضاء
قبل التوبه حصول مغفرت دالدر ❦ و بوباید آيات واحادیث
متوافدر ❦ بعد هذا اهل ملت بیضا اتفاق ایلدیلرکه ❦ انبیا و رسلاک
مذنبینه شفاعتلی ثابتدر ❦ لکن معتزله مطیعین و تابعینه قصر ایدوب
وشفاعتی رفع درجات و زیاده مثوباته حل ایلدیلر ❦ اهل سنت
دیدیلرکه ❦ اهل کبار ایچون دخی حط سبئاتده شفاعت جائزدر
یا ناره دخولدن اقدم یا خود ذکر اولنان دلائل موجبی اوزره
ناره دخولدن صکره اولور ❦ كذلك حضرت رسول علیه السلام
فاعف عنهم واستغفر لهم (و) واستغفر لذنوبك وللمؤمنين والمؤمنات
کریمه لرنده ذنوب مؤمنین ایچون استغفار ایله مأمور اولوب ❦ مرتکب
کبیره ده مؤمن اولغله ❦ امثال الامر استغفار ایدر ❦ پس
حضرت رسول الله قبل التوبه صاحب کبیره ایچون استغفار ایتلریله
حق جل وعلی ❦ ولسوف يعطيك ربك فترضى ❦ منظوقجه
مرضاة نبوی ضمنده شفاعتلی دخی قبول ایدر ❦ كذلك شفاعتی
لاهل الکبار من امتی) حدیث شریفی دلالت ایدرکه ❦ شفاعت نبوی
مرتکب کبیره ثابتدر ❦ کرک قبل التوبه و کرک بعد التوبه اولسون
معتزله دیرلرکه ❦ شفاعت نبویک اسقاط عذاب خصوصنده تأثیری
یوقدر ❦ واحتجاجلری بودرکه ❦ واتقوا يوما لا تجزي نفس
عن نفس شئاً ❦ کریمه سی عموم وجهیله اولغله ❦ اسقاط عذابده
تأثیر شفاعت نبوی مؤثر اولمق مقتضای آیه منافیدر ❦ كذلك
❦ وما للظالمين من حيم ولا شفيع يطاع ❦ کریمه سنده حضرت
حق جل وعلی شفیع ظالمینی علی العموم نفی ایدوب عصاة دخی
ظالم اولمیریله انلرده شفاعت اولیه جفی مقرردر ❦ بوجوهله
عصاة حقنده شفاعت ثابت دکلدر ❦ كذلك ❦ من قبل ان يأتي

يوم لا بيع فيه ولا خلة وشفاعه ❦ کریمه سی علی سبیل الظهور
مطلقا شفاعتک نفینه دلالت ایتمکله ❦ عصاة حقنده شفاعت
ثبوتک عدم ثبوتی ثابتدر ❦ كذلك ❦ وما للظالمين من انصار ❦
❦ کریمه سیده شفاعتک انتفاسنه دالدر ❦ زیرا شفیع دخی جله
انصار دن اولغله ❦ ظالمینه شفیع اولیوب ❦ عصاة ظالم اولغله
حقارنده شفاعت اولیه جفی ثابت اولور ❦ ذکر اولنان احتجاجلرینه
بوجه اوزره جواب ویریلورکه ❦ آيات مر قومه اعيان وازمانده
عام اولما مغله ❦ محل نزاعمه شامل اولماز ❦ ولوسلم عصاة حقنده
ثبوت شفاعت نبوی به دال اولان ❦ آيات مذکوره مخصوصلردر
پس نفی شفاعت خاصة كفاره شامل اولغله ❦ عصاة مؤمنین
بهره یاب فیاضه شفاعت اوله جقاری ثابتدر ❦ و شفاعت خصوصنده
بش نوع بیان ایدرلر ❦ نوع اول که ❦ اعظم شفاعتدر ❦ فصل
قضا و طول ❦ وقوف و محندن اراحه به متعلقدر ❦ بوشفاعت ایچون
خلائق نبیا بعد نبی تردد واستغاثه ایدرک ❦ سیدجمله کائنات
علیه اکمل الصلوات حضرتلرنده مقرر اولغله ❦ شفاعت مر قومه
حضرت خیمت پناهه مختصدر ❦ نوع ثانی ❦ قوم مخصوصی بغیر
حساب جنته ادخال خصوصنه متعلق اولور ❦ امام نووی
علیه الرحمه قوی اوزره بودخی حضرت رسول الله مختصدر
❦ نوع ثالث ❦ جهنمه مستحق اولان کسهلرک ❦ عدم ادخالنه متعلقدر
قاضی عیاض علیه الرحمه قوی اوزره ❦ شفاعت مر قومه حضرت
رسول الله مختص دکلدر ❦ نووی بوباید تردد ایلدی ❦ سبکی
علیه الرحمه دیدیکه ❦ اختصاص مزبورک ثبوت و نفینه دائر
تصریح وارد اولدی ❦ نوع رابع ❦ موحدیندن جهنمه داخل
اولنلرک اخراجلرینه متعلقدر ❦ بوشفاعتده انبیا ❦ و اولیاء ❦ و علماء
وشهداء ❦ وملائکه مشترکاردر ❦ نوع خامس ❦ خلود فی النار

مستحق اولئك تخفيف عذاب له متعلق در ❦ ابوطالب حقه
واقع اولان شفاعت کبی ❦ بر کون حضرت رسول علیه السلام
حضورند ابوطالب ذکر اولمغله ❦ حضرت علیه السلام
بیور دیر که مر جود در که ❦ حقه شفاعت نافع اولوب ضحاح
نارده اوله و (انا اول شافع و مشفع) حدیث شریفی دخی ثبوت
شفاعت نبوی بی ناطق در ❦ و علمائک شفاعتی ❦ والذین اتوا العلم
درجات ❦ کریمه سی و (العلماء ورثة الانبياء) حدیثیله
ثابت در ❦ زیرا آیت مرقومه ده درجات شفاعتله مفسر در ❦
و حدیث مرقومه ارثی شراح علیهم الرحمه ❦ خلقی حقه دعوت
و قیامتده شفاعتله بیان ایلدیر ❦ اللهم يسر لنا شفاعته نبيك
النبیه المرتضى المصطفى

❦ وَذُوا الْإِيمَانِ لَا يَبْقَى مُقْبِلًا ❦ بِشُومِ الذَّنْبِ فِي دَارِ اشْتِعَالٍ ❦

ذوالایمان مبتدادر ❦ لایبقی جمله سی خبر در ❦ مقبلا یبقی کلمه سنک
ضمیر فاعلندن حالدر ❦ بشوم الذنب کلمه سنده باء سببیه در
شوم الذنب با ایله مجرور لایبقی فعلنک مفعول به غیر صریحیدر
فی دار اشتعال مفعول فیه در ❦ اشتعال آتش یا الکلمتی معنایسنددر
شوم ضد سعادتدر که ❦ اغور سزلق تعیر اولتور ❦ و دار اشتعالدن
مراد جهنمدر ❦ بعض نسخه ده غین معجمه ایله ثبت اولمش لکن
مهملدر ❦ مفهوم بیت بودر که ❦ صاحب کبیره اولان کسند من غیر
توبه فوت اولوب شامت عصبانی سببیه ❦ جهنمه داخل اولسه
کفار کبی ابدی قالمیوب لامحاله خروج ❦ و جهنمه دخول
ایلیه جکدر ❦ معلوم اوله که ❦ بومسئله ده دخی اهل سنه ایله ❦ معتزله
ینلرنده اختلاف وارد ❦ اهل سنت مذهبری بودر که ❦ مرتکب
کبیره بغیر توبه فوت اولوب ناره داخل اولسه مخلصد قالماز

معتزله عندنده مخلصد اولور ❦ اهل سنت دیرلر که ❦ مرتکب کبیره
مؤمندر ❦ و هر مؤمن جهنمه داخل اوله جقلری ❦ اعدت للذین
آمنوا بالله و رسوله ❦ و وعد الله المؤمنين والمؤمنات جنات
نجرى من تحتها الانهار ❦ کریمه لری ❦ و (من قال لا اله الا الله
يصدق قلبه لسانه دخل الجنة) حدیث شریفیله و سایر آیات
واحادیث صحیحله ایله ثابتدر ❦ ابدی صاحب کبیره نک جهنمه
دخوللری ثابت اولمغله ❦ مخلصد فی النار اوللری ممنوع اولور ❦ والا خلف
وعد لازم کلور ❦ و جهنمه دخولدن نصکره تکرار جهنمه دخول
بالا اتفاق باطلدر ❦ كذلك ❦ فمن يعمل مثقال ذرة خيرا يره ❦
کریمه سببیه ثابتدر ❦ زیرا مرتکب کبیره اهل ایمانندن اولوب
مثقال ذره خیر عملنه موفق اولمشدر ❦ خصوصا اعظم عامه خیرات
اولان ایمانه مظهر اولمغله ❦ آیت مرقومه اقتضای جهنمه
ثوابی کورمک لازمدر ❦ و ثوابی عذابدن خلاص اولدقد نصکره
کوره جکدر ❦ زیرا بالاتفاق عقابدن اقدم ثواب یوقدر ❦ و خلاص
اولدقد نصکره ثوابی رؤیت ناردده عدم خلودی موجبدر ❦ كذلك
❦ قل يا عبادي الذين اسرفوا على انفسهم لا تقنطوا من رحمة الله
ان الله يغفر الذنوب جميعا ❦ کریمه سی ❦ و ❦ ان الله لا يغفر
ان يشرك به ويغفر ما دون ذلك لمن يشاء ❦ کریمه سببیه شرک
مخصوص اولمغله ❦ ذنوبدن شرکک ماعداسنده معمول به قالمشدر
غفران ذنوب ایسه ناردده عدم خلودی مستلزمدر ❦ كذلك ناردده
تخلید اعظم عقوبات اولمغله ❦ انجق اکا اعظم جنایاتی که ❦ کفر در
مرتکب اولان مستحق اولور ❦ مقدما ثبوت یافته اولدیغی اوزره
مؤمن ارتکاب کبیره ایله کافر اولماز ❦ زیرا کندوده نور تصدیق
باقیدر ❦ مخلصد فی النار اولسه عقوبت قدر جنایتدن زائد اولمق
اقتضایدر ❦ بوايسه ظلم اولمغله ❦ حضرت عادل حکیمه نسبت اولماز

خصوصا حضرت حق جل و علی ❦ قدر جنایتدن زیاده عقوبتی
ومرتب اولدیغی ظلمی ❦ ومن جاء بالسبئة فلا یجزی الا مثلها وهم
لا یظلمون ❦ کریمه سبیه نفی ایلدی ❦ كذلك جملة امت ❦ زمان
سعادتنبرو میتک مرتکب کیره اولوب اولدیغی ❦ تفحص اولمیه رق
موتای اهل قبله اوزرینه ❦ صلوة ودعا واستغفار ایله متوارث اولور لر
بلکه ❦ مرتکب کیره اولدیغی معلوملری ایکن ❦ ینه دعا واستغفار
ایدر لر ❦ ارتکاب کیره نک حکمی ❦ خلود فی النار اولیدی ❦ دعا
واستغفار لری ❦ عبت وضایع اولق اقتضا ایدرایدی ❦ بوا یسه
باطلدر ❦ ومعتزله نک احتجاجلری وجوه متعدده ایله در ❦ وجه اول
❦ ومن یقتل مؤمنا متعمدا فجزاؤه جهنم خالدا فیها ❦
کریمه سی دلالت ایدر که ❦ قاتل متعمد مخلد فی النار اولور
کرک کافر ❦ وکرک غیری اولسون ❦ بونک جوابی تغلیظه محمول
اولدیغی مقدما ذکر اولندی ❦ كذلك آیت مر قومه ده من کله سنک
صبغة عموم اولدیغی بعدالنسلیم ❦ بوراده عموم مراد دکلدر ❦ زیرا
ثائب واصحاب صغائرک خروجی قطعیدر ❦ قاتل متعمد دخی آیات
وادله سابقه ایله ❦ خارج اولمقده مانع یوقدر ❦ عام مخصوص ایسه
قطعی مفید اولدیغی اتفا قیدر ❦ وجه ثانی ❦ وان الفجار
لنی حجیم یصلونها یوم الدین وما هم عنها بغائبین ❦ کریمه سی
دلالت ایدر که ❦ فرقة فجار که ❦ اصحاب بکائر اول جملة دندر ❦ نارد
مخلد اوله جفلدر ❦ زیرا ناردن غائب اولماق نارد خلود
واستقراردر ❦ اگر خالد اولمسلر ❦ ناردن غائب اولور لر ایدی
وناردن غیبوتلری مقتضای آیه منافیدر ❦ بوکده جواب ویریلور که
فجار دن مراد ❦ فجورده کاملر دیمکدر ❦ انلرایسه ❦ اولئک
هم الکفرة الفجرة ❦ کریمه سی منطوقجه کفاردر ❦ وجه ثالث
کیره مرتکبی کیره بی ارتکابی سبیه ❦ عقابه مستحق اولور

وارتکابه عقابه استحقاقی ❦ کیره بی ارتکابدن اقدم ❦ مستحق اولدیغی
ثوابی اسقاط ایدر ❦ زیرا ثواب ❦ عقابه ❦ استحقاق متافی اولمیر لیه
مجمع اولمازلر ❦ زیرا ثواب مع التعظیم ❦ منفعت خالصه دائمه در ❦ وعقاب
مع الالهانه ❦ مضرت خالصه دائمه در ❦ بوکده جواب ویریلور که
ثواب وعقابک مفهومملرنده ❦ باخصوص عقابک مفهوممنده
خلوص ودوام قیدلری مسلم اولماغله ❦ ثواب وعقاب متافی اولمازلر
بر وقتده معاقب اولوب صکره ❦ مثاب اولق جا زدر ❦ ولوسلم
استحقاقینک تنافیلری لازم کلز ❦ زیرا من جهة الطاعة ❦ منفعت دائمه یه
ومن جهة المعصية مضرت دائمه یه ❦ مستحق اولق ممکندر ❦ ولوسلم
استحقاق عقابک ❦ مستحق اولان ثوابی اسقاطی عکسندن اولی دکلدر
بلکه ❦ ان الحسنات یذهبن السبئات ❦ منطوقی استحقاق ثوابک
عقابی اسقاطی اولی واقوادر ❦ وسبئه مثلیله مجزی اولوب حسنه
اون مثلیله ❦ بلکه آثار صحیحه مقتضاسی یدیوزده قدر ❦ مجزی اولق
ثابتدر ❦ بعدذا ذکر اولندیغی اوزره مرتکب کیره ❦ مؤمن اولمغله
بغیر توبه وفات ایتدکلری صورته (صلوا خلف کل برو فاجر
وصلوا علی کل برو فاجر) حدیث شریفی اوزره ❦ اوزر لر ینه صلوة
جنازه ادا اولنور ❦ زیرا مؤمنک ❦ انه لایش من روح الله ❦ موجبی
هر نقدر فاسق ایسه ده ❦ رجاری منقطع اولماز ❦ روح قمع رایله
ثواب معناسنه در ❦ ویزم عند مرده ❦ عفو وعقابه قطع یوقدر ❦ بلکه
ایکبسیده مشیت الهیده در ❦ لیکن تعذیب تقدیری اوزره مخلد
فی النار اولماملری مقطوعدر ❦ بلکه وعد سابق الهی مقتضاسی
خروج وجنته دخول ایدر لر ❦ وخوارج دخی فاسقک مخلد فی النار
اولمیر ینه ذاهبلر در ❦ دلیللری بوندن اقدم بیان اولندی والسلام

ما نافیہ در ❦ مقتول اسم مرفوعیدر ❦ مقطوعا علیه خبریدر ❦
 فاعلی مقدر اجل کله سیدر ❦ سوی ذا مبتدادر ❦ ذا مقطوعیه
 اشارتدر ❦ مفهوم بیت بودر که ❦ مقتول اولان میتک اجل
 منقطع دکلدر ❦ یعنی قتل اولنسه ده اول حینده فوت اولوب
 اولیه جغی مقطوع دکلدر ❦ بومسئله ده دخی اهل سنتله معتزله
 میاننده اختلاف واردر ❦ عند اهل السنه مقتول اجلیه یعنی مدت
 عمری منقضی اولوب ❦ و وقت مقدری حلول ایتکله ❦ وفات ایدر
 یوقسه موت اجل اوزره تقدم ایلز ❦ معتزله دیرلر که ❦ مقتول اجلیه
 میت دکلدر یعنی موتی اجل اوزره تقدم ایدر ❦ قتل اولنسیدی انفاست
 معدوده سی انقضاست قدر تعیش ایدر ایدی ❦ احتیاج جاری بودر که
 اگر اجلیه میت اولسه ❦ قاتلی ذم وعقاب و دیت وقصاصه مستحق
 اولماز ایدی ❦ زیرا مقتولک موتی خلق الهی ❦ و کسب مقتولله دکلدر
 دعواری مذهبیری اوزره ❦ فعل قاتله تولید موتک ضرور تیدر
 اکا جواب ویریلور که ❦ قاتله عقاب وقصاصک وجوبی مخطوری
 ارتکاب وعقبنده علی جری العاده ❦ حضرت حقک موتی خلق
 ایلیه جکی ❦ فعلی اکنسب ایلدیکنه مینیدر ❦ زیرا قتل کسبا
 قاتلک فعلیدر ❦ هر تقدیر خلقا دکل ایسه ❦ ومعتزله بعض طاعانک
 عمری زیاده ایلیه جکنی ناطق ❦ احادیثله احتیاج ایدرلر (الصدقه
 ردالبلاء و تزید العمر) و (صله الرحم تزید فی العمر) حدیثلری کبی
 اکاده جواب ویریلور که ❦ حضرت حکیم مطلق ❦ جل شانہ
 بعض احکامی ❦ معلقا مراد ایلشدرد ❦ شخص مزبورک کرچه
 مدت عمری مثلاً یتش سنه تقدیر ایلوب ❦ لکن اوتوزینی طاعت
 معهوده منوط ایتکله ❦ اتیان ایدر سه ❦ مستحق اولوب ❦ اتیان
 ایلز سه ❦ ار بعینده وداع عالم فانی ایدر ❦ و اتیان وعدم اتیان علم
 ازلیله معلومیدر ❦ لکن مقتضای صفت معبودیت ❦ و مبتغای غیرت

الوهیت ❦ عبودیت و طاعت اولغله ❦ عبادی حث و تحریض حکمتیه
 بناء اول کونه اراده ایلشدرد ❦ بوتقریر ایلہ تعدد اجل و اهمه سی
 طریان ایلز ❦ و بعض علماء احادیث مرقومه ❦ خبر آحاد اولغله
 آیات قطعیه به معارض اولماز دیدیلر ❦ بوصورته زیاده دن مراد
 خیر و برکتدر که ❦ فوز و سعادت ابدیه و سبله اولان ❦ کمالات انسانیه
 تکمیلنه مدار اولوب ❦ هوا و هوسده رأس المال حیاتک عدم
 اضاعتیدر ❦ ومعتزله دن ابوالرهیل مذهبی بودر که ❦ مقتول قتل
 اولنسیدی ❦ اول انده قتل بدلی فوت اولور ایدی ❦ زیرا اول انده
 وفات ایلسه ❦ قاتل ❦ اجل مقدر میتی قاطع اولق اقتضا ایدر
 بوايسه محالدر ❦ اکا جواب ویریلور که ❦ شخص مزبورک مقتول
 اولماسی ❦ علم الهی تقدیری اوزره منصور اولور ❦ زیرا حضرت
 حق جل و علی ❦ اول شخصک آن مزبورده ❦ قتل اولنیه جغی
 ازله ییلور ایدی ❦ بوجهته محالیت ثابت اولماز ❦ بعض محققین
 بومسئله ده واقع نزاعی ❦ لفظی به ارجاع ایلشدرد ❦ لکن علامه
 یزدانی سعدالدین تفتازانی تحقیقه حل ایدر ❦ سلکوتی مرحوم بسط
 ایلشدرد ❦ اهل سنتک مذهبی بودر که ❦ مقتول اجلیه میتدر عدم
 قتلی تقدیرده ❦ اجلک وجود و عدمی مقطوع اولماغله ❦ موت
 و حیاتندن بربله قطع یوقدر ❦ ودلیللری بودر که ❦ حضرت باری
 تعالی وفق علم ❦ و اراده ازلیسی اوزره ❦ بلا تردد آجال عبادیلہ
 حکم ایلشدرد ❦ اگر عبدک اجلی مقطوع اولق اقتضا ایدی
 حاشا جهل نسبتی لازم کلور ایدی و ❦ اذاجاء اجلهم لا یستأخرون
 ساعة ولا یستقدمون ❦ نص شریفی قاطعیدر ❦ اگر سؤال
 اولنور سه که ❦ اجل حلول ایلدکده ❦ استقدام منصور اولماغله
 نفینده فائده یوقدر ❦ جواب ویریلور که ❦ لا یستقدمون جمله سی
 جمله شرطیه اوزره معطوف اولغله ❦ شرطله متقید اولماز ❦ زیرا

قید معطوف علیه دن جزء اولدیغی حینده ❦ قید مزبورده
معطوف مشارک اولماز ❦ زیرا بوضوح تده قید معطوف علیده
داخل اولغله ❦ احکامندن معدود اولماز که ❦ حتی معطوف دخی
مشارک اوله ❦ پس آیت مرقومه ❦ لکل امه اجل فاذا جاء اجلهم
لا یستأخرون عنه ❦ ولکل امه اجل لا یتستقدمون علیه
تقدیرنده اولور قالدیکه ❦ تأویل مرقوم خلاف متبادر اولغله
بعض محققین بگونه تأویل ایلدیلر که ❦ لا یتستقدمون قوی
وفق التبادر ❦ لا یتأخرون اوزره معطوفدر ❦ حق جل وعلی
انکله تنبیه ایلدیکه ❦ اجل حلول ایلدیکی وقتده اقصر مدته
تقدم ممنوع اولدیغی کبی ❦ تأخیری دخی ممتنعدر ❦ نقدر تأخیری
عقلا ممکن اولور سه ده ❦ زیرا تقدیر ❦ وعلم الهینک خلافي محالدر
سلکوتی علیه الرجاء ❦ مجموع شرط ❦ وجزاء اوزره عطفی
ترجیح ایلدی ❦ وبعض علما ❦ خلق الموت والحیوة ❦ منطوقجه
موتک وجودی المفهوم ❦ اولدیغنه ذاهب اولغله ❦ موت میتله قائم
ومخلوق الهیدر ❦ انده عبدک تخلیقا وکسبا مدخلی یوقدر ❦ دیدیلر
وعدمی اولدیغنه ذاهب اولنلر ❦ آیت مرقومه ده ❦ خلق لفظنی
قدر کله سبیله تأویل ایدرلر ❦ واجل عند اهل السنه واحد در
متعینان معتزله دن کعبی خلافتنه ذاهبدر ❦ انک عندنده مقتولک
ایکی اجلی وار بری قتلدر که ❦ عبد طرفندن حاصلدر ❦ وبری
موتدر که ❦ جانب الهیدن واصلدر ❦ حیات مقتول اجل قتله باطل اولور
اگر قتل اولنمسیدی ❦ اجل موت حلونه قدر ❦ تعیش ایدر ایدی
وفلاسفه دیرلر که ❦ هر حیوان ایچون اجل طبیعی اولور که ❦ وقت
موتیدر ❦ رطوبت غریزه سی متخلل ❦ وحرارتی منطقی اولنجه
فوت اولور ❦ و حیوان ایچون آجال اخترا میه وارددر ❦ یعنی آفات
وامراض عارضه نظر قبله ❦ حیاتی مخترم ومنقطع اولور دیرلر

اهل سنت عندنده بونلرک جمله سی ❦ تقدیر خداوند قدیره مستنددر
بومناسبتله ❦ بدیعه آتیه خطور ایلکله ثبت اولندی ❦ شیوخ
موقوفه مرک برندن ❦ شرح عقاید تدریسی خلانده ❦ مبحث مسرود
سبقنده مسموعمز اولمشدر که ❦ ایام تحصیلده ❦ مدرسه مزه قریب
براقمکجی فرنی وار ایدی ❦ فرنچی برذمی ایدی ❦ هر صباح و اخشام
واروب نان عزیز اشترا ایدر ایدم ❦ برسنه غایتله غلا اولغله ❦ پیشگاه
دکان ازدحام ناسله ❦ محشر دن نشان اولور ایدی ❦ براخشام وقتی اتمک
المق ایچون ینه دکان مزبوره واروب ❦ ایستاده مقام اشترا اولدم
فرنچی بند نصرکه ❦ کلنلرک حاجتترین قضا ایدوب ❦ اصلا بکا التفات
ایلمز ایدی ❦ هر نقدر الحاح ایلدیمه ❦ اماله سامعه اصفا اتمامکله
یوبازیت حسبله ❦ پرتهور اولوب ❦ زمینده برمناسجه سنکپاره
منظورم اولغله ❦ فرنچی به حواله قصدیه ❦ اکیلوب اول سنکپاره به
ال صوندیغمه ❦ هنوز برقارش مقداری ❦ فاصله وار ایکن سنکپاره
مرسوم ❦ همان خود بخود قالقوب الیه کلدی ❦ بحسب العلم اول انده
ذهنم مستجمع اولوب ❦ تکرار حوقله ایلبرک ❦ البته بونده بر حکمت
وارد ریه رک ❦ اول سنکپاره بی بر محل معینه وضع ❦ بعده بر مقدار دخی
صبر ایلله اتمک الوب ❦ حجره مه عودت ایلدم ❦ برماه مرورند نصرکه
ینه دکان مزبوره واروب کور دمکه ❦ مسفور ذمی مخلنده بر دیگر
نصرانی جالس اولمش ❦ اولکسیدن استفسار ایلدیکمه خسته اولوب
لکن جانی جمله اعضا سندن کشیده اولوب ❦ اون کوندر که
سینه سنده هیچان اوزره مختضر در ❦ بودکلورها بین کلوب
قرأت انجیل ❦ وسائر کونه تدبیر ایدرلر ❦ قطعاً متأثر اولوب
الحاله هذه ❦ اول حال اوزره اولغله ❦ جمله مزه حیرت وسأمت کلمشدر
دیدکده خاطریمه ❦ سنکپاره قصه سی خطور ایلکله ❦ همان واروب
محل مزبور دن اول سنکپاره بی اخذ ❦ و ذمیله برابر خانه مرسومه

عزم ایلدم ❖ واقعا جان سینه سنده مضطرب اولمغله ❖ همان
اول سنکپاره بی پروجه سهولت ❖ سینه سنه وضع ابتدیکم انده
مرد اولدی

❖ لَقَدْ الْبَسْتُ لِلتَّوْحِيدِ نَظْمًا ❖ بَدِيعَ الشَّكْلِ ❖ كَالسَّحْرِ الْخَلَالِ ❖ ❖

لام لقد ❖ قسم محذوفه جوابدر ❖ والله لقد البست تقدیرنده در ❖
قد تحقیقه در ❖ البست کلمه سی الباسدن ماضی متکلمدر ❖ للتوحید
کلمه سی مفعول اولدر ❖ لام زائده در ❖ نظما مفعول ثانیدر
منظوم معناسنه در ❖ بدیع الشکل ❖ نظما لفظنک صفتیدر ❖ بدیع
صفت اولمغله ❖ اضافتی لفظیه اولوب ❖ و اضافت لفظیه انفصال
حکمنده اولغین ❖ نکره به صفت واقع اولمشد ❖ کالسحر صفت بعد
صفتدر ❖ الخلال سحرک صفتیدر ❖ ناظم علیه الرجه ترغیب طلاب
قصیده ❖ اشبو منظومه غراسنی ❖ مدح مقامنده یوررلر که
توحید حضرت واحد بیچون و چرایه ❖ شکل و هیئتی بدیع وزیا
وسحر خلال آسا دلر با خلعت نظم الباسیله تزیین وترصیع ایلدم
معلوم اوله که ❖ شکل برشیء حدودیله محیط اولان هیئته دیرلر
وسحرک ایکی معناسی وارددر ❖ بری باطلی صورت حقه اخراج
وایکنجیسی بعض معجز و محیر اولان علم و عمل ایله ❖ نفوس شخصیه ده
تأثیردر ❖ تأثیر مذکورده ❖ یا اول شخصک عقلنی سلب ❖ یا خود
قوتی اخذ ❖ یا خود طبیعتنی تفسیر ایله اولور ❖ ایکی نوعی دخی
حرامدر ❖ لکن بعض بلیغ و بدیع کلامه اطلاق اولنور ❖ غرابت
و بداعتی نفوسده مؤثر اولوب ❖ طباع و قلوب بی اختیار ❖ مستبیل
و مجذوب اولوق علاقه سیله ❖ ننه که (ان من البیان لسحرا) حدیث
شریفنده واقع اولمشد ❖ ناظم بوراده سلاست الفاظ ❖ و عذوبت
عبارات و حسن نظم و ترتیبیله بی اختیار ❖ کندوسنه قلوبک

مصطاد و منقاد اولدیغی جهته ❖ منظومه سنی ابتدا سحره تشبیه
و بعده خلال ایله توصیف ایلدی ❖ زیرا مطلق سحره تشبیه ایلسه
ذهن حرام اولان سحره متبادر اولمغله ❖ طباع اسلا مه تنفر
حاصل اولور ❖ لکن خلاله موصوف اولیحق ❖ اتیان مثلندن غیری
معجز اولدیغنی افاده مراد اولدیغی ❖ مستبان اولمغله ❖ هر کس شوق
درونله راغب اولورلر ❖ بعض شراح کایه طریقیله الباسدن
تزیین اراده ایلش ❖ زینت الباسه لازم اولمغله ❖ کویا که ملزومی
ذکر ایدوب لازمی مراد ایش ❖ لکن نظم توحید ایله مزین اولور
یوقسه علی العکس اولماز ❖ بلکه تعیر مزبور ❖ استعاره قبیلندندر
توحیدی کندی نفسنده ❖ کرامت علاقه سیله آدمی به تشبیه ایتکله
ستعاره بالکنایه ❖ و الباسی دخی تخیل ایلدی

❖ يُسَلِّي الْقَلْبَ كَالْبَشْرِ بِرُوحٍ ❖ وَيُحْيِي الرُّوحَ كَالْمَاءِ الزَّلَالِ ❖ ❖

یسلی کلمه سی تسلیه دن فعل مستقبلدر ❖ فاعل ضمیری نظمه
راجعدر ❖ القلب مفعولیدر ❖ جمله سی نظما کلمه سنه صفت
بعد صفتدر ❖ یا خود مبتدای محذوفه خبردر ❖ هو یسلی تقدیرنده در
کالبشری یسلی به متعلقدر ❖ بشری کلمه سی بشارت معناسنه
مصدردر ❖ رجعی رجعت معناسنه مصدر اولدیغی کبی ❖ بای بروح
بشری به متعلقدر ❖ روح قح را ایله راحت معناسنه در ❖ بیحی
احیادن فعل مستقبلدر ❖ ضمیری نظمه راجعدر ❖ الروح ضم را ایله
مفعولیدر ❖ کالما بیحی به متعلقدر ❖ الزلال صفتیدر ❖ مفهوم یت
بودر که ❖ اشبو منظومه غرا ❖ قلوب اهل ایمانی مرده عظیمه کبی
ایراث طرب و راحتله مشلی ❖ و منبسط ایدوب ❖ آب زلال کبی
روحک حیات ابدیه سنه وسیله اولور ❖ تسلیه کشف و تجلیه معناسنه در
معلوم اوله که ❖ قلب که فارسیده دل ❖ و ترکیده کوکل تعیر اولنور

مقلوبیت و قابلیت * و سرعت خواطر و تلون سببیه * متقلب اولدیغی
 ایچون قلبه تسمیه اولندی * صدرك پسانده مودوع صنوبری
 الشکل مضغه در * وانکله قائم اولان * لطیفه ربانیه که
 بصیرت ایله تعبیر اولنور * قلب دخی اطلاق ایدرلر * بدتک صلاح
 و فسادنده معول و معتد اولان رئیسدر (لایسعی ارضی ولا سمانی
 ولكن یسعی قلب عبدی المؤمن التقی الوریع) حدیث قد سبسی
 موجبجه جانب حقندن سعه ایله موصوف اولان * اشیا نك اعظمیدر
 و نفس انسانی به متعلق روح حیوانینك معدنیدر * حکما اکا
 نفس باطنه * و روح باطنه اطلاق ایدرلر (الا ان فی الجسد مضغه
 اذا صلح صلح الجسد کله) حدیث شریفی دخی معول علیه اولدیغنه
 دلالت ایدر * بعض محققین دیدیلرکه * قلبك یدی طبقه سی وار
 اول * صدر در که * محل اسلام و محل وسواسدر * ثانی * قلبدر که
 محل ایماندر * ثالث * شغاف در که * محل محبت خلقدر
 رابع * فؤاد در که محل رؤیت حقدر * خامس * حبه القلبدر که
 محل محبت حقدر * سادس * سویدا در که * محل علوم
 دینیهدر * سابع * مهجه در که * محل تجلی صفاتدر * پس عند
 التحقيق * محل استعمال لری متفاوت اولغله * امعانه دقیقه سنه
 واصل اولنه * و بشارت * بشرة وجهك تغیرینی موجب صادق
 خبره دیرلر * اغلب استعمالی خیرده در * روح عالم امره متعلق
 لطیفه مستأثره الهی اولغله * حدی بیرون حدادرا کدر * خالقنی
 یلوب و مشاهده انمکله * مظهر روح و سرور * یاخود مدار
 روح مخلوق اولدیغندن * روح ایله تسمیه اولندی دیرلر * زلال
 قطعا متغیر اولبان * عذب و صافی صویه دیرلر * ناظم علیه الرحه
 اشبو منظومه سنی * قلوب جاهله به دفع عطش جهالتله * ایراث
 حیات یاخود قلوب عالمیه * ابقای حیاتده آب زلاله تشبیه ایلدی

❦ فحوضوا فیہ حفظا و اعتقادا ❦ تنالوا جنس اصناف المنال ❦

فای فحوضوا جزا بیه در * خوضوا خوض لفظندن فعل امر در
 خوض شروع معناسنه در * جمله سی شرط محذوفه جزا در
 اذا علمت ان المنظوم یحیی القلوب فاشرعوا فیہ تقدیرنده در * حفظا
 و اعتقادا تمیزلر در * یاخود حافظین معتقدین تأویلبله حاللر در
 تنالوا * جواب امرده واقع اولغله * مجزومدر * بومسئله ده اوچ
 قول وارد در * اول * خلیل و سببویه قولیدر که * جواب امرک
 جزمی نفس طلب ایلدر * ان شرطیه معناسنی متضمن اولدیغیچون
 ثانی * سیرافی و فارسی قولیدر که * ینه طلب ایلدر * لکن
 شرط مقدر اولان جازمک مقامنه قائم اولدیغیچون * یوقسه معنای
 شرطی متضمن اولدیغیچون دکل * ثالث * جمهور نحاة قولیدر که
 طلبدن صکره شرط مقدر ایله مجزومدر * مثلا بومقامده ان فحوضوا
 تنالوا تقدیرنده اولور * بعض محققین اشبو مذهبی ترجیح ایلدی
 زیرا حذف و تضمن هر نقدر خلاف اصل اولقده مشترکرایسه ده
 تضمن معنای اصلاک تغیرنی متضمندر * كذلك فعلک حرف معناسنی
 تضمنی مشهور دکلدر * و برشبثک نائی * اولشبثک معناسنی مؤدی اولور
 طلب ایلده * شرط معناسنی مؤدی اولماز * منال عطاء معناسنه در
 اصنافك مناله اضافتی * خاتم فضة قیلندندر * جنس تعبیرنده
 مبالغه اولدیغی ظاهر در * زیرا توحید و ایمان * جمله عطایای
 الهیه به وسیله در * مفهوم بیت بودر که * اشبو منظومه غرانک
 مطالعه سبله اکتفا ایتوب * بلکه از بر و اعتقاد ینه همت
 ایلده سز که * انواع الطاف ربانی * و اصناف اعطاف صمدانی به
 نائل اوله سز * اللهم ثبتنا علی عقیدتنا الحقه الکامله * واجعلنا
 مستحقا لا لطافك الشامله

وَكُونُوا عَوْنُ هَذَا الْعَبْدِ دَهْرًا ۞ بِذِكْرِ الْخَيْرِ فِي حَالِ ابْتِهَالٍ ۞

کونوا کون کلمه سندن فعل امر در ۞ اسم مرفوعی ضمیر در ۞ عون
 هذا العبد خبر منصوب بیدر ۞ هذا مضاف الیه بیدر ۞ عبد هذا نك
 مضاف الیه بیدر ۞ عون معین معناسنه در ۞ عبد دن مراد نفس
 ناظمدر ۞ دهر طرفیت اوزره منصوب بیدر ۞ دهر معرف اولور ايسه ابد
 ومدة العبد معناسنه ۞ ومنكر اولور ايسه ۞ زماندن برقطعه به اطلاق
 اولنور ۞ امامین حضرتلری منكر اولور سه ۞ حين معناسنه در
 وحين مقامنه قائم اولور دیدیلر ۞ وحين لفظی معرفا ومنكر الی ماه
 مدته اطلاق اولنور ۞ نكه ابن عباس رضی الله عنهما ۞ تأتي اكلها
 كل حين ۞ کریمه سنده الی ماه مدته تفسیر ایلدی ۞ لكن
 حل مزبور ۞ اعدل واوسط محامل اولوق حسبیه در ۞ یوقسه بعضا
 وقت صلوة کبی ۞ مدت قصیره ده دخی استعمال اولنور ۞ نكه
 فسبحان الله حين تمسون وحين تصبحون ۞ کریمه سنده
 واقعدر ۞ قالديكه (لا تسبوا الدهر فان الدهر هو الله) حدیثنده
 مضاف محذوفدر ۞ فان خالق الدهر تقدیرنده در ۞ باخود نقشی ذم
 وتعبیر ۞ نقاشه راجع اولغله ۞ فاعلنه مستند اولور ۞ بعض علما
 دهری اسماء حسنی جمله سندن دیدی ۞ بِذِكْرِ الْخَيْرِ عون کلمه سنه
 متعلقدر ۞ فی حال کلمه سی ذکره متعلقدر ۞ ابتهال تضرع
 معناسنه در ۞ تنوین مضاف الیه دن عوض اولغله ۞ فی حال ابتهالکم
 سبکنده در ۞ مفهوم یت بودر که ۞ درگاه الهی به حضور وخضوعه
 متوجه اولدیغکز وقلرده ۞ اشبو منظومه نك سبب نظمی اولان
 عبد ضعیفه ۞ ذکر بالخیر ودعا واستغفار ايله ۞ اعانت ایلله سز ۞ زیرا
 (دعوة الغائب للغائب اسرع اجابة) حدیث شریفی موجبجه
 عن ظهر الغیب ۞ دعا استجابته اقریدر ۞ ناظم علیه الرحه انتقال

معناسنی متضمن اولان ۞ صبروا عنوانندن ثبات ودوام معناسنی
 متضمن ۞ کونوا عنواننه عدولنده ۞ بروقت دعا ایدوب بعده طرح
 گوشه نسیان ایلملرینه اشارت ایلشددر رحه الله

لَعَلَّ اللَّهَ يَغْفُوهُ بِفَضْلٍ ۞ وَيُعْطِيهِ السَّعَادَةَ فِي الْمَالِ ۞

لعل حرف توقع وترجیدر ۞ لفظه جلاله اسم منصوبی ۞ يغفو
 جمله سی خبر مرفوعیدر ۞ بفضل يغفو کلمه سنه متعلقدر ۞ بفضل
 تقدیرنده در ۞ زیرا عفو وغفران اثر فضل واحساندر ۞ ويعطى
 کلمه سی اعطادن فعل مستقبلدر ۞ فاعل ضمیری مستتر الله
 راجعدر ۞ ضمیر بارز مفعول اولیدر ۞ السعادة مفعول ثانیه بیدر
 فی المال يعطى به یاخود سعادت متعلقدر ۞ مال اولدن اسم مکاندر
 مرجع معناسنه که ۞ مراد آخرتدر ۞ مفهوم یت بودر که ۞ مرجو
 ومسئولدر که ۞ دعای خیرکز برکاتيله ۞ حق جل وعلی بو عبد حقیرک
 سیأتی فضل وکرمله عفو ایدوب ۞ آخرتده فوز عظیم اولان
 دیدار شریفلريله ۞ مظهر سعادت ابدی ایلله ۞ اللهم اعف عني
 وعنه واعطني واعظه السلامة الدينية ۞ والد نبویه ویسرلی
 ویسرله السعادة السرمديه ۞ ناظم مرحومك سعادت آخرتی
 استدعاسی (اللهم لا عيش الا عيش الآخرة) حدیث شریفنه
 اشارت ایلشددر ۞ سعادت دنیوی معرض زوالده اولغله ۞ سعادت
 اطلاقنه شایان دکلدر ۞ مکرکه سعادت اخر وی به وسیله اوله

وَإِنِّي الدَّهْرُ أَدْعُو كُنْهَ وَسْعِي ۞ لِمَنْ بِالْخَيْرِ يَوْمًا قَدْ دَعَا ۞

بعض نسخنده ۞ وانی الحق ادعو واقع اولشددر ۞ لكن نسخه اولی
 یوما مقابله سیله ارجدر ۞ ان حروف مشبهه بالفعلنددر ۞ ضمیر متکلم

متصل محل نصیده اسمیدر * الدهر ظرف منصوبدر * عاملی
 مؤخر ادعو کله سیدر * ادعو مستقبل متکلمدر * فاعلی مضمی
 انا لفظیدر * جمله سی ان کله سنک محل رفعه خبریدر * کنه وسعی
 نزع حافظه منصوبدر * بکنه وسعی تقدیرنده در * وسع یای
 متکلمه مضافدر * کنه غایت * ووسع طاقت معناسنه در * لام لمن
 ادعو کله سنه متعلقدر * من اسم موصولدر صله اقتضایدر * قد دعای
 جمله سی صله سیدر * ضمیر فاعلی اسم موصوله راجعدر * قد دعای
 جمله سی صله سیدر * ضمیر فاعلی * اسم موصوله راجعدر * بالخیر
 ادعو کله سنه متعلقدر * اهتمام ایچون تقدیم اولندی * یوما ظرفدر
 عاملی دعای کله سیدر * لی کله سی دخی دعای به متعلقدر * موصول
 صله سیله محل جرده در * مفهوم بیت بودر که * برکسه بنم ایچون
 برکون که * مراد بروقتدر * دعای خیر ایدر سه * مدت عمر مده
 نهایت قدر نمی * آنک خیر دعا سنده افراغ ایدرم * فنزجو
 من الله العیم المراح * البسیط المکارم * ان یعفوعنا
 وعن الناطم * ویرحنا ویرحه ویرحم آباؤنا *
 وامهاتنا * و مشایخنا * واحباؤنا * وجمع
 المؤمنین * بحرمة رسوله الامین *
 * والله الحمد * اولاً و آخراً *

قصیده نصیده امالی و شرح نایده مرصع المعالی مطلع دیوان
 شوکت و شان و حسن مطلع شه بیت معد لتغوان پادشاه جهان
 و شهنشاہ دوران * سلطان عبد المجید خان * افندم از حضرت تیرینک
 عصر محاسن حصر ملوکانه زنده محمد رجائی قوللرینک نظارت
 و معرفت عاجزانه سیله تقوی بخانه عامره زنده طبع و تمثیل
 ویک ایکوز الشمس التي سنه سی رجب شریفک او اسطنده
 مجله زیب تکمیل اولشد



